تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان



جلد ۷

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تفسیر قرآن مهر جلد هفتم ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
یادآوری‌ها ----- ۷
درآمد ----- ۸
سوره‌ی اعراف ----- ۸
اشاره ----- ۸
اول: سیمای سوره‌ی اعراف ----- ۸
اشاره ----- ۹
شمارگان ----- ۹
نزول ----- ۹
نام‌ها ----- ۹
فضایل ----- ۹
ویژگی‌ها ----- ۹
اهداف ----- ۹
مطالب ----- ۹
دوم: محتوای سوره‌ی اعراف ----- ۱۰
ماجرای آدم و ابلیس ----- ۱۳
لباس و فواید آن ----- ۲۰
دستوارت الهی در مورد ----- ۲۲
چه چیزهایی بر انسان حرام است ----- ۲۴
در گیری پیشوایان و پیروان گمراه در دوزخ ----- ۲۸
اعراف کجاست و اهل آن چه کسانی هستند؟ ----- ۳۰

دعا و شرایط و آداب آن ----- ۳۵
ماجرای نوح ----- ۳۷
ماجرای قوم عاد ----- ۳۹
ماجرا قوم ثمود ----- ۴۲
ماجرای قوم لوط ----- ۴۵
ماجرای قوم شعیب ----- ۴۷
تاثیر عوامل معنوی (ایمان و تقوا) ----- ۵۲
ماجرای موسی و فرعون ----- ۵۵
فال نیک و بد ----- ۶۳
عدد چهل در قرآن و حدیث ----- ۶۸
ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل ----- ۷۱
پیامبر اسلام و نشانه ها و اهدلال او ----- ۷۶
ماجرای روز شنبه و ماهیگیری یهود ----- ۸۰
تمسک به کتاب های الهی و درس آن، دو مرحله استفاده از آنها ----- ۸۳
پیمان نخسیتین در عالم ذر (روز آلست) ----- ۸۴
آنان که از حیوانات گمراه ترند ----- ۸۷
علوم مخصوص خدا ----- ۹۱
هدف از ازدواج، بهداشت روانی است ----- ۹۳
جامع ترین آیه اخلاقی قرآن ----- ۹۵
دزدگیر پارسیان در برابر شیطان ----- ۹۶
آداب قرائت و مراحل استفاده و فهم قرآن ----- ۹۸
منابع ----- ۱۰۰
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۱۶

تفسیر قرآن مهر جلد هفتم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳– مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۴۲۰۰۰ ریال (ج.۷) یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۷. سوره‌ی اعراف. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کنند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللّٰه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللّٰه سلیمانی، نعمت اللّٰه صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس‌گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للّٰه‌رب العالمین قم- ۱۸/ ۹/ ۱۳۸۶ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱

سوره‌ی اعراف

اشاره

اصول دعوت پیامبران (توحید، نبوت و معاد) سرگذشت پیامبران (آدم، نوح، لوط و ...) شناخت‌نامه‌ی اعراف، عرش، میزان و عالم ذرّ عدالت‌گرایی و قرآن دوستی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳

اول: سیمای سوره‌ی اعراف

اشاره

سیمای سوره اعراف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی اعراف در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمد و دارای ۲۰۶ آیه و ۳۸۲۵ کلمه «۱» و ۱۳۸۷۷ حرف است.

نزول

این سوره سی و هشتمین سوره‌ای است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده است (بعد از سوره‌ی صاد و قبل از سوره‌ی جنّ) و در ترتیب فعلی قرآن هفتمین سوره به شمار می‌آید.

نام‌ها

نام‌های این سوره عبارت‌اند از: اعراف، المص (الف لام میم صاد) سبب نام‌گذاری این سوره به «اعراف» آن است که آیه‌ی ۴۵ این سوره از «اصحاب اعراف» سخن می‌گوید.

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت، از کسانی خواهد بود که نه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴ ترسی بر آنهاست و نه غمی دارند؛ و اگر در هر جمعه آن را بخواند، در روز قیامت از کسانی خواهد بود که بدون حساب به بهشت می‌روند. «۱» تذکر: روشن است که این گونه ثواب‌ها برای کسانی است که به مفاد سوره عمل کنند و شرایط لازم دیگر را کسب نمایند.

ویژگی‌ها

این سوره اولین سوره‌ی بلند قرآن کریم در ترتیب نزول، بلندترین سوره‌ی مکی، و اولین سوره‌ای است که داستان‌های پیامبران را به تفصیل بیان می‌کند. سوره‌ی اعراف اولین سوره‌ای است که در چینش فعلی قرآن، با نام حروف مقطعه (المص) خوانده شده است. توضیح آن که ۲۹ سوره از سور قرآن با حروف مقطعه شروع شده‌اند که غیر از بقره و آل‌عمران، همگی مکی‌اند. بعضی از این سوره‌ها نیز با حروف مقطعه‌شان نام‌گذاری شده‌اند؛ مثل سوری اعراف که «المص» هم نامیده شده است.

اهداف

اهداف اساسی سوره‌ی اعراف بیان اصول و مبانی دعوت الهی است، که عبارت‌اند از: توحید، نبوت و معاد.

مطالب

الف) عقاید: ۱. اشاره‌ای به مسئله‌ی مبدأ (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۲. اشاره‌ای به مسئله‌ی معاد (در آیات ۸، ۹ و ۱۷۹ به بعد)؛ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵ ۳. گزارشی از وحی و نبوت عامه (در آیات ۶، ۹۴- ۱۰۱ و ...)؛ ۴. گزارشی درباره‌ی رسالت پیامبراسلام صلی

الله علیه و آله، یعنی نبوت خاصه (در آیات ۱۵۷ و ۱۵۸). ب) داستان‌ها: ۱. داستان آدم علیه السلام برای احیای شخصیت انسان (در آیات ۱۱– ۲۴)؛ ۲. سرگذشت نوح (در آیات ۵۹– ۶۴)؛ ۳. سرگذشت لوط و قوم او (در آیه‌ی ۸۰)؛ ۴. سرگذشت هود (در آیات ۶۵– ۷۳)؛ ۵. داستان موسی علیه السلام و مبارزه‌ی او با فرعون و داستان بنی‌اسرائیل و گوساله‌پرستی آنان (در آیات ۱۰۹– ۱۶۸)؛ ۶. داستان صالح (در آیات ۷۳– ۸۴)؛ ۷. سرگذشت شعیب (در آیات ۸۵– ۹۳)؛ ۸. داستان اصحاب «السَبت» (در آیات ۱۶۳ و ۱۶۴)؛ ۹. سرگذشت قوم ثمود (در آیه‌ی ۷۳)؛ ۱۰. سرگذشت قوم عاد (در آیه‌ی ۶۵). ج) احکام و قوانین: ۱. به همراه داشتن و زینت برای نماز و مسجد (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۲. نهی از اسراف (در آیه‌ی ۳۲)؛ ۳. ممنوعیت کارهای زشت آشکار و پنهان (در آیه‌ی ۳۳)؛ ۴. رعایت وَزن و پیمانه در داد و ستد (در آیه‌ی ۸۵). د) مسائل فرعی: ۱. عرش (در آیه‌ی ۵۴)؛ ۲. میزان (در آیات ۸ و ۹)؛ ۳. عالم ذرّ و پیمان الهی با فرزندان آدم (در آیه‌ی ۱۷۲)؛ ۴. درباره‌ی اعراف (در آیات ۴۵– ۴۸)؛ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶ ۵. دعوت به عدالت (در آیه‌ی ۲۹)؛ ۶. تمسّک به کتاب الهی (در آیه‌ی ۱۷۰)؛ ۷. دعوت به شنیدن قرآن و سکوت هنگام تلاوت آن (در آیه‌ی ۲۰۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی اعراف

خدای متعال سوره‌ی اعراف را با حروف مقطعه آغاز می‌کند و می‌فرماید: ۱. المص الف، لام، میم، صاد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن دیدگاه‌های متفاوتی در مورد حروف مقطعه ارائه کرده‌اند؛ گروهی بر آن‌اند که این حروف رمزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بود، گروهی آن را نام هر سوره می‌دانند، برخی آنها را نوعی سوگند می‌دانند و برخی از مفسران برآن‌اند که مقصود از این حروف آن است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است و با این که این حروف در دسترس همگان هست ولی کسی نمی‌تواند مثل قرآن را بیاورد. ۲. در برخی روایت اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که این حروف به صورت اختصار به نام‌های خدا اشاره دارد؛ برای مثال در آیه‌ی فوق، حروف مقطعه‌ی «المص» (الف، لام، میم، صاد)، اشاره به «انَا اللّهُ المُقْتَدِرُ الصادق» است؛ یعنی «من خدای توانای راست‌گو هستم». «۱» البته همه‌ی این تفسیرها در مورد برخی یا بیش‌تر حروف مقطعه ممکن‌اند و منافاتی با هم ندارند. ما در ابتدای سوره‌ی بقره و آل عمران در مورد حروف مقطعه مطالبی بیان کردیم. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱- قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید). *** خدای متعال در آیه‌ی دوم سوره‌ی اعراف با اشاره به اهداف قرآن کریم، و تسلی بخشیدن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و می‌فرماید: ۲. كِتَابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ [این کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده- پس نباید از [ناحیه آن، در سینه‌ات تنگی باشد- تا به وسیله آن هشدار دهی؛ و یادآوری برای مؤمنان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در محیط مکه با مشکلات فراوان و مخالفت‌های مشرکان روبه رو بود. آیه‌ی فوق به آن حضرت دل‌داری می‌دهد که این آیات از طرف خداست، پس نگرانی به خود راه مده و از عکس‌العمل مخالفان و بار سنگین رسالت خویش ناراحت نباش. «۱» ۲. در این آیه به دو هدف قرآن اشاره شده است: اول، هشداردادن و دوم، یادآوری و تذکّر به مؤمنان. ۳. چرا در این آیه یادآوری و تذکرات قرآن به مؤمنان اختصاص یافته، ولی هشدارگری‌اش مخصوص مؤمنان نشده است؟ هشدارهای قرآن همگانی است، اما مؤمنان که آماده‌ی پذیرش حق هستند، از این دعوت‌ها و تذکرها سود بیش‌تری می‌برند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹ عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا ۴. بین توجه به قرآن و نازل کننده‌ی آن، با سعه‌ی صدر و وسعت روح انسان رابطه‌ای وجود دارد؛ توجه به خدا و قرآن، بر آرامش و وسعت دید و قدرت تحمّل انسان می‌افزاید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدایی که قرآن را نازل کرد، مشکلات را هم حل می‌کند، پس نگران نباشید. ۲. مؤمنان استفاده‌های ویژه‌ای از قرآن می‌کنند (که دیگران از آن محروم‌اند). ۳. هشدار دادن و بیدارگری از اهداف

قرآن است. ۴. رهبران الهی و مبلغان دینی با توجه به قرآن، بر شرح صدر خود بیفزایند. ۵. مؤمنان از تذکرات بیدارگر قرآن بهره‌ی خاص ببرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی اعراف وظیفه‌ی مردم را نسبت به قرآن مشخص می‌سازد و می‌فرماید: ۳. اتَّبِعُوا مَاأُنْزِلَ إِلَيْكُم مِن رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَاتَذَكَّرُونَ آنچه را از طرف پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده، پیروی کنید؛ و جز او، از سرپرستان (و معبودان دیگر) پیروی نکنید؛ چه اندک متذکّر می‌شوید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان بر سر دو راهی است؛ یعنی یا از آیات الهی پیروی می‌کند و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰ تحت ولایت خدا قرار می‌گیرد و یا آیات الهی را ترک، و از غیر خدا پیروی می‌کند و در ولایت دیگران داخل می‌شود. ۲. «اولیاء»، جمع ولیّ و به معنای «سرپرستان» است. این واژه به صورت جمع به کار رفته است تا نشان دهد که هر کس غیر خدا را به عنوان ولیّ و سرپرست خویش برگزیند، هر روز ارباب تازه‌ای پیدا می‌کند و بار شخص جدیدی را به دوش می‌کشد. «۱» ۳. تعبیر «از طرف پروردگارتان» اشاره به آن دارد که قرآن از طرف مربّی و پروردگار شما فرود آمده است؛ یعنی برای تکامل و رشد و تربیت انسان نازل شده است. ۴. انسان‌های پندپذیر در اقلیت‌اند و یا اندک زمانی متذکر می‌شوند و سپس غافل می‌گردند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کسی غیر از خدا و قرآن، ارزش تبعیّت ندارد. ۲. پیرو قرآن باشید، نه پیرو دیگران. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی اعراف به عذاب‌های ناگهانی اقوام گذشته اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. وَكَم مِن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتاً أَوْ هُمْ قَائِلُونَ و چه بسیار [مردم شهرها و] آبادی‌ها که آنها را هلاک کردیم، و شبانگاه یا نیمروز در حالی که آنان استراحت کرده بودند، سختیِ (مجازات) ما به آنها در رسید. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مجازات پروردگار در دل شب یا در هنگام استراحت نیم روز «۱» بر ستمکاران فرود می‌آمد؛ زیرا در این اوقات طعم تلخ کیفر را بیش‌تر می‌چشیدند و آسایش آنها به کلی در هم می‌ریخت، همان طور که آسایش دیگران را به هم می‌ریختند. چنین کیفری متناسب با گناهشان بود. ۲. این آیه، نخست به صورت اجمالی از هلاکت اقوام سرکش سخن می‌گوید و سپس شرح می‌دهد «۲» که چگونه و در چه هنگام نابود شدند. شاید این آیه به قوم لوط اشاره داشته باشد که در شب عذاب شدند و قوم شعیب که در وسط روز هلاک شدند. «۳» ۳. آیه‌ی فوق تنها شرح ماجرای گذشتگان نیست، بلکه اخطار و هشدار کوبنده‌ای برای سرکشان در طول تاریخ بشریت است؛ چرا که در قانون الهی تبعیض مفهومی ندارد و همان‌طور که برای گذشتگان اجرا شد، ممکن است برای ما و آیندگان نیز اجرا شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب الهی ناگهانی است و ساعت مشخصی ندارد (پس مراقب کردار خود باشید). ۲. از سرگذشت عذاب‌آلود ملت‌های ستمکار پیشین عبرت بگیرید (و راه آنان را نروید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی اعراف به واکنش ستمکاران در برابر عذاب الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۵. فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا إِلَّا أن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ و هنگامی که سختیِ (مجازات) ما به آنان در رسید، ندایشان جز این نبود که گفتند: «براستی ما ستمکار بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ستمکاران و گناهکاران هنگامی که گرفتار مجازات می‌شدند، پرده‌های غفلت و غرور از جلوی چشمانشان کنار می‌رفت و به گناهان خود اعتراف می‌کردند، ولی این اعترافات به حال آنان سودی نداشت؛ زیرا بر اساس ترس، اضطرار و اکراه بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر پرده‌های غفلت و غرور کنار برود، ستمگران حرفی برای گفتن ندارند، جز آن که به گناه خود اعتراف کنند. ۲. ستمگران، تا دیر نشده، (به سوی خدا باز گردید و) اعتراف کنید (و دست از ستم بردارید). *** ۰ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی اعراف به بازپرسی عمومی از پیامبران و مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ و قطعاً از کسانی که (رسولان الهی) به سویشان فرستاده شدند، پرسش خواهیم کرد؛ و (نیز) حتماً از فرستادگان سؤال خواهیم نمود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که در قیامت از رسولان الهی پرسیده می‌شود که آیا رسالت و پیام خویش را به مردم رساندید؟ و آنان در جواب می‌گویند که این وظیفه را انجام داده‌اند. «۱» ۲. خدای متعال آگاه و ناظر به همه چیز است؛ پس نیازی به پرسش از بندگان ندارد؛ پرسش‌های الهی برای درک مطلب و دانستن نیست، بلکه

برای اتمام حجت بر فرد و توجه دادن او به اعمال خویش است. ۳. چرا در برخی از آیات قرآن کریم گفته شده که از مردم پرسش می‌شود و در برخی دیگر گفته شده که از گناه انسان‌ها پرسش نمی‌شود؟ «۲» مردم در قیامت مراحلی را طی می کنند که در برخی از آنها هیچ گونه پرسشی از آنان نمی‌شود و حتی بر دهان‌ها مهر زده می‌شود و اعضای پیکرشان گواهی می‌دهند، اما در برخی دیگر از آنان پرسش می‌شود و آنان اعتراف می کنند. به عبارت دیگر، آیاتی که می گویند پرسش نمی‌شود، اشاره به سؤال و جواب زبانی دارند و آیاتی که می گویند پرسش می‌شود، اشاره به سؤالاتی دارند که از اعضای بدن می‌شود. «۳» ۴. طبق آیات متعددی از قرآن کریم، در قیامت از این موارد پرسش می‌شود: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴ الف) از نعمت‌ها «۱» ب) از اعمال انسان «۲» ج) از اعضای بدن «۳» و طبق روایات، از عمر و جوانی و درآمد مالی و مصرف آن نیز پرسش می‌شود. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و پیروان، هر دو مسئول‌اند (هر چند نوع مسئولیت آنان متفاوت است). ۲. برای پرسش‌های رستاخیز آماده باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی اعراف به آگاهی خدا از اعمال انسان‌ها اشاره می کند و می‌فرماید: ۷. فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ و مسلماً عالمانه، (کردارشان را) برایشان حکایت خواهیم کرد؛ و [ما غافل و] غایب نبودیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چهار تأکید در این آیه آمده است «۵» تا نشان دهد که خدا تمام جزئیات تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵ کار مردم را داستان‌وار و پشت سر هم برایشان تشریح می کند، «۱» تا بدانند که چیزی از خدا پنهان نمی‌ماند و اگر در رستاخیز پرسشی از مردم می‌شود، برای اتمام حجت بر آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از همه چیز آگاه است و در رستاخیز جزئیات کارها را به مردم تذکر می‌دهد. ۲. خدا را حاضر و ناظر بدانید و از افشاگری رستاخیز بهراسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی اعراف به سنجش اعمال در رستاخیز و رستگاران این صحنه اشاره می کند و می‌فرماید: ۸. وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و در آن روز، سنجش (اعمال)، حق است؛ و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگارانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «وزن» «۲» کردن با ترازوی معمولی دنیوی نیست؛ چون عقاید و اعمال انسان، وزن مادی ندارد؛ پس مراد آیه آن است که در رستاخیز اعمال انسان با معیار خاصی سنجیده می‌شود که «وزن» یا «میزان» «۳» خوانده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۶ ۲. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است که پیامبران و اوصیای آنان و کسانی از مردم که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، میزان سنجش هستند. «۱» و در حدیث دیگری حکایت شده است که امام علی علیه السلام و امامان دیگر از فرزندان او میزان‌های سنجش هستند. «۲» در واقع مردان و زنان نمونه‌ی جهان، مقیاس‌های سنجش عقاید، صفات و اعمال انسان‌ها هستند و ارزش هر کس به اندازه‌ی شباهتی است که به آنان دارد و هر چه از ایشان بیگانه‌تر باشد، کم وزن‌تر و کم ارزش‌تر است. ۳. در برخی احادیث نیز حکایت شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: میزان چیست؟ و ایشان پاسخ دادند: «عدل است». «۳» این گونه احادیث نیز نشان می‌دهد که معیار سنجش اعمال، عدل است و این منافاتی با روایات قبلی ندارد؛ چرا که مردان و زنان نمونه‌ی جهان، مظهر عدل و اعتدال در عقاید، صفات و اعمال هستند. ۴. «موازین» در آیه‌ی فوق به صورت جمع آمده است؛ شاید بدین دلیل که اولیای الهی که میزان‌های سنجش هستند، متعددند و یا این که هر کدام از آنها در صفتی که ممتاز هستند، میزان سنجش قرار می‌گیرند. «۴» ۵. نظام رستاخیز حساب شده است و حساب‌رسی و داوری و پاداش و کیفر آن، همه بر اساس حق است و هرگاه عقاید و کردار نیک کسی سنگین باشد، به رستگاری و سعادت و بهشت می‌رسد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آماده‌ی سنجش اعمال و عقاید خود در رستاخیز باشید. ۲. تلاش کنید اعمال و عقاید نیک شما فراوان باشد، تا رستگار شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی اعراف به زیانکاران صحنه‌ی سنجش اعمال در رستاخیز و عامل زیانکاری آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۹. وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند؛ چرا که همواره نسبت به آیات ما ستم می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها دو گروه‌اند: گروه پیروز و رستگار که اعمال و عقاید با ارزش دارند؛ و گروه

خسران زده و شکست خورده که کارها و سخنان و افکارشان بی‌ارزش و ستم‌آلود است. ۲. مقصود از سنگینی و سبکی میزان، مقدار کمی و کیفی ارزش اعمال و عقایدی است که با معیار سنجش، سنجیده می‌شوند. ۳. عبارت «ستمکاران به خودشان زیان رسانده‌اند.»، اشاره‌ی لطیفی است به این که این افراد گرفتار بزرگ‌ترین خسارت و زیان شده‌اند؛ چون آنان اصل سرمایه‌ی وجودی و هستی خویش را از دست داده‌اند، بدون آن که چیزی در مقابل آن به دست آورده باشند و این خساراتی جبران‌ناپذیر است. ۴. تعبیر «ظلم به آیات الهی» اشاره به آن است که این گونه افراد نه تنها به خود، بلکه به برنامه‌ها و آیات الهی نیز ستم کرده‌اند؛ چرا که به این برنامه‌های تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۸ هدایت‌بخش و نجات‌آفرین بی‌اعتنایی کردند و از آنها استفاده نکردند «۱» و حتی مانع استفاده‌ی دیگران از آنها شدند. ۵. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «آیات» در آیه‌ی فوق، پیشوایان بزرگ دین و امامان علیهم السلام هستند. «۲» این گونه احادیث مصداق‌های روشن آیات و نشانه‌های خدا را بیان می‌کنند و دلیل بر انحصار مفهوم آیه در این موارد نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انکار و ستم به آیات الهی، زیان‌رسانی به سرمایه‌ی وجودی خویش است. ۲. تلاش کنید عقاید و کردار نیک شما اندک نباشد تا زیانکار نباشید. ۳. با مقایسه‌ی سرنوشت رستگاران و زیانکاران، راه خود را انتخاب کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی انعام به مقام و موقعیت انسان در جهان و ناسپاسی اکثریت انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰. وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَاتَشْكُرُونَ و تحقیقاً در زمین به شما امکاناتی دادیم، و برای شما در آن وسایل زندگی قرار دادیم؛ چه اندک سپاس‌گزاری می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۹

ماجرای آدم و ابلیس

۱. خدا زمین و نعمت‌ها را مسخّر انسان قرار داده است و این، جایگاه ویژه‌ی انسان را در جهان نشان می‌دهد که شکر آن بر هر انسانی لازم است، ولی متأسفانه اکثریت انسان‌ها غافل و ناسپاس هستند. «۱» ۲. دعوت انسان‌ها به شکر و سپاس پروردگار، برای آن نیست که سودی به خدا برسد، بلکه نتایج سپاس‌گزاری به خود انسان می‌رسد؛ یعنی انسان شکرگزار، خدا را بهتر می‌شناسد و فرمانش را با جان می‌پذیرد و هدایت و تربیت می‌شود و در نتیجه، پاداش الهی را دریافت کرده، رستگار و سعادتمند می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در امکانات و زندگی خود، نعمت‌های الهی را بشناسید. ۲. در برابر نعمت‌های الهی (هم چون اکثریت مردم) ناسپاس نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی اعراف به مراحل آفرینش انسان و مقام بلند آدمیّت و سرکشی ابلیس اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱. وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِنَ السَّاجِدِينَ و در واقع شما را آفریدیم؛ سپس شما را صورت‌بندی کردیم؛ آن گاه به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» و (همگی) سجده کردند جز ابلیس، که از سجده کنندگان نبود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هفت سوره‌ی قرآن به آفرینش انسان و چگونگی خلقت او اشاره شده است که بیش‌ترین توضیح در آیات اول سوره‌ی مؤمنون و حج بیان شده است. این‌ها برای یادآوری گذشته و شخصیت انسان و مقام و رتبه‌ی او تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۰ در میان موجودات جهان است تا حسّ سپاس‌گزاری را در انسان زنده کند. ۲. در آیه‌ی فوق، نخست به آفرینش انسان و سپس به صورت‌بندی او اشاره کرد. این مطلب ممکن است اشاره به این باشد که نخست ماده‌ی اصلی انسان را آفریدیم و بعد به آن صورت انسانی بخشیدیم. «۱» ۳. آفرینش انسان در چند مرحله تحقق یافته و دفعی و یک مرتبه نبوده است. مراحل خلقت انسان در آیات ابتدای سوره‌ی مؤمنون و حج بیان شده است. ۴. مقصود از «سجده» ی فرشتگان برای آدم، «سجده‌ی پرستش» نبوده است؛ زیرا پرستش مخصوص خداست، بلکه مقصود همان خضوع و تواضع فرشتگان در برابر عظمت آدم و یا سجده برای خدایی است که چنین مخلوق باعظمتی را آفریده است؛ یعنی آدم قبله‌ی فرشتگان بود، اما سجده برای خدا بود. «۲» ۵. شیطان به هر موجود شرور و سرکشی گفته می‌شود و شامل

انسان‌ها و جن‌ها و یا موجودات شریر دیگر می‌شود، اما واژه‌ی «ابلیس» نام مخصوص همان شیطانی است که در برابر آدم سجده نکرد. او در صف فرشتگان قرار گرفته بود، ولی از زمره‌ی فرشتگان نبود، بلکه طبق آیات قرآن از جنس جن بود. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام انسانیت به قدری عظیم است که فرشتگان در برابر او کرنش می‌کنند. ۲. مراحل آفرینش انسان را مطالعه کنید (تا خداشناس و سپاس‌گزار شوید). ۳. در مورد ابلیس (و دشمنی او با آدم) مطالعه کنید (تا دشمن‌شناس شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۱ قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی اعراف به بهانه‌جویی و قیاس شیطان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (خدا به ابلیس) فرمود: «هنگامی که به تو فرمان دادم چه چیزی تو را بازداشت که (سجده کنی و به آدم) سجده نکردی؟!» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او رااز گِل آفریدی!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخن ابلیس که در آیه‌ی فوق بیان شده، یک نوع قیاس ظنّی و بی أساس است. «۱» مقصود از قیاس آن است که یک موضوع را با موضوع دیگری که از برخی جهات شباهت دارد، مقایسه کنیم و همان حکمی را که برای موضوع اول اجرا می‌شود، بر موضوع دوم جاری کنیم، در حالی که فلسفه و اسرار آن را نمی‌دانیم. این قیاس معمولًا بر اساس حدس استوار است و از این رو علمی نیست، و از احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز حکایت شده که قیاس را منع کرده، و فرموده‌اند: «نخستین قیاس کننده شیطان بود.»، سپس به آیه‌ی فوق استشهاد کردند. «۲» ۲. قیاس بر دو گونه است: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۲ الف) قیاسی که علت آن در متن آیه یا حدیث بیان شده باشد یا عقل انسان علت آن را درک کند، که در این صورت می‌توان حکم یک مورد را به موارد دیگر سرایت داد، مثلًا اگر پزشک به شما بگوید: پرتقال نخور، چون ترش است، شما متوجه می‌شوید که هرگونه ترشی برای شما بد است و این حکم را به همه‌ی میوه‌های ترش سرایت می‌دهید. ب) قیاسی که علت آن در متن بیان نشده باشد؛ مثل آن که کسی بخواهد نسخه‌ی یک بیمار را برای بیمار مشابه اجرا کند به این دلیل که بیماری آنان شبیه هم دیگر و درمان آنها یکسان است. هیچ انسان خردمندی این کار را جایز نمی‌داند؛ چرا که این قیاس گاهی سرچشمه‌ی خطرهای جبران ناپذیر است. این قیاس در نزد شیعه ممنوع است. «۱» ۳. در برخی احادیث آمده است: اگر احکام خدا با قیاس سنجیده شود، دین خدا از بین می‌رود، یا فساد آن بیش‌تر از صلاح آن است. «۲» و در برخی دیگر از احادیث از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله حکایت شده که کسی که امر دین را با قیاس بسنجد، خدا در روز قیامت، او را با ابلیس، قرین خواهد کرد. «۳» مخالفت اهل بیت علیهم السلام با قیاس به خاطر خطرهایی است که در اثر عدم آگاهی انسان از تمام اسرار احکام الهی به وجود می‌آید؛ اگر پای قیاس به مسائل مذهبی کشیده شود، ضابطه‌ای برای احکام باقی نمی‌ماند و هر کس تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۳ می‌تواند بر اساس حدس و گمان خود، حکمی صادر کند. ۴. ابلیس می‌پنداشت که آتش برتر از خاک است و این یکی از اشتباهات ابلیس بود؛ و شاید هم می‌دانست و تکبر می‌ورزید و آگاهانه دروغ می‌گفت. او آفرینش مادی خود را با آدم مقایسه می‌کرد و می‌پنداشت که برتری آتش در پاره‌ای از جهات، دلیل بر برتری ابلیس بر انسان است، اما این یک قیاس باطل بود. ۵. قیاس شیطان از دو جهت اشکال داشت: نخست آن که آتش از خاک برتر نیست؛ خاک سرچشمه‌ی انواع برکات و مواد حیاتی است، در حالی که آتش چنین نیست. دوم آن که امتیاز آدم بر دیگران به آن نبود که از خاک آفریده شده بود، بلکه به همان روح الهی بود که در او دمیده شده و مقام خلافت و نمایندگی خدا به او عطا شده بود؛ به تعبیر روایات اهل بیت علیهم السلام، نورانیت آدم ملاک برتری او بود. «۱» ۶. نژادپرستی، خود برتربینی و قیاس، شیطان را به جبهه‌گیری در مقابل خدا کشاند، به طوری که از دستور الهی به سجده بر آدم سرپیچی کرد و از درگاه الهی رانده شد. آری؛ تنها شناخت خدا کافی نیست بلکه تسلیم در برابر او هم لازم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود برتر بینی و قیاس، انسان را به مخالفت پروردگار می‌کشاند. ۲. با مطالعه‌ی تاریخ شیطان، از سرنوشت انحراف‌آلود او عبرت بگیرید. ۳. تکبّر نورزید و با دستورات الهی مخالفت نکنید که راه شیطانی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی اعراف به نقش تکبّر در سقوط، ذلّت و اخراج شیطان اشاره

کرده، می‌فرماید: ۱۳. قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا یَکُونُ لَکَ أَنْ تَتَکَبَّرَ فِیهَا فَاخْرُجْ إِنَّکَ مِنَ الصَّاغِرِینَ گفت: «پس از آن (مقام) فرو آی؛ تو [شایستگی نداری که در آن (مقام) تکبر ورزی. پس بیرون شو، که تو از کوچک شدگانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نافرمانی شیطان و سجده نکردن او بر آدم، یک گناه عادی و ساده نبود، بلکه نوعی سرکشی و تکبر همراه با انکار مقام حکمت پروردگار بود؛ زیرا معنای این جمله که گفت: «من از آدم بهترم» آن بود که فرمان تو در مورد سجده بر آدم بدین معناست که انسان پست را بر من، که برتر هستم، ترجیح داده‌ای و این خلاف علم و حکمت است. از این روست که شیطان تمام مقام‌های خویش را در درگاه الهی از دست داد. «۱» ۲. مفسران قرآن در مورد این که شیطان از مقام و درجه‌ی خویش اخراج شد یا از بهشت و آسمان معنوی، اختلاف نظر دارند، «۲» اما نتیجه‌ی این دیدگاه‌ها تفاوت چندانی با هم ندارند. ۳. همه‌ی بدبختی‌های شیطان نتیجه‌ی تکبر و خود برتربینی او بود. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که فرمودند: گناهان سرچشمه‌هایی دارند؛ اولین سرچشمه‌ی گناه، «تکبر» است و این گناه ابلیس بود و به خاطر آن از انجام فرمان خدا امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد؛ سپس «حرص» است که سرچشمه‌ی گناه (و ترک اولی از ناحیه‌ی آدم و حوا شد؛ سپس تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۵ «حسد» است که سرچشمه‌ی گناه فرزند آدم (قابیل) گردید. «۱» ۴. در آیات فوق گفت و گوی خدا با شیطان بازگو شده است، شاید گفت و گوی خدا با شیطان از طریق الهام درونی یا به واسطه‌ی برخی فرشتگان بوده است. «۲» ۵. این آیه ذلت و کوچکی را، کیفر تکبّر و خودبزرگ‌بینی شیطان معرفی کرد؛ این نوعی تناسب میان گناه و کیفر است. ۶. از این آیه و احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که تکبر سبب نابودی عمل (: حَبْط) «۳» می‌شود. از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: از ابلیس عبرت بگیرید، که چگونه عمل طولانی خود را با لحظه‌ای تکبر نابود کرد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکبّر و خود برتربینی در برابر خدا، عامل سقوط و اخراج انسان از درگاه الهی است. ۲. تکبّر، کیفری ذلّت‌بار در پی دارد. ۳. تکبر نورزید که سقوط می‌کنید. ۴. راه تکبرآمیز شیطان را نپویید که اعمال نیک شما را نابود می‌کند. *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی اعراف به مهلت خواهی ابلیس و پذیرش درخواست او اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۶ ۱۴ و ۱۵. قَالَ أَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ* قَالَ إِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ [ابلیس گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.»* [خدا] فرمود: «در واقع تو از مهلت داده شدگانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چرا خدا شیطان را آفرید؟ مفسران قرآن به این پرسش این گونه پاسخ داده‌اند: اولًا، شیطان در اصل پاک و بی‌عیب آفریده شده بود و به همین دلیل سال‌ها عبادت کرد و در زمره‌ی فرشتگان مقرب قرار گرفت، اما بر اثر سرکشی و تکبر از درگاه الهی رانده شد. ثانیاً، وجود شیطان نه تنها برای پویندگان راه حق زیان بخش نیست، بلکه رمز تکامل آنهاست؛ چرا که تکامل در میان تضادها و در برابر دشمن قوی تحقق می‌یابد. «۱» ثالثاً، شیطان و شیطان‌صفت‌ها وسیله‌ی امتحان و آزمایش انسان‌ها هستند؛ پس وجود آنها در نظام کامل هستی ما ضروری است. رابعاً، شیطان در واقع اشاره‌ای به وجود تضادّ در حیات است که انسان باید با قدرت تفکّر و اندیشه و ره‌یابی صحیح، راه خود را در این مجموعه تضادها بیابد. «۲» ۲. چرا خدا به شیطان مهلت داد و او را پس از گناه و سرکشی آزاد گذاشت؟ مفسران قرآن به این پرسش این گونه پاسخ داده‌اند که اولًا، ادامه‌ی حیات شیطان به عنوان یک نقطه‌ی منفی و دشمن، برای تقویت نقاط مثبت انسان‌ها مؤثر و مفید است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۷ ثانیاً، شیطان پس از انجام آن گناه بزرگ، در مقابل عباداتی که انجام داده بود، از خدا تقاضای عمر طولانی کرد، که بر طبق قانون عدالت الهی پذیرفته شد. در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۱» ثالثاً، هر گونه مهلتی نعمت نیست. گاهی خدا به گناهکاران مهلت می‌دهد تا با گناه بیش‌تر بر عذاب خود بیفزایند. رابعاً، هر چند خداوند به شیطان مهلت داد و او را در وسوسه‌گری آزاد گذاشت، اما انسان را هم در مقابل او بی‌دفاع نگذاشت، بلکه او را با نیروی خرد مجهّز کرد و فطرت پاک و عشق به تکامل را در درونش آفرید و فرشتگانی الهام‌بخش و حمایتگر برایش قرار داد. «۲» انسان می‌تواند به کمک این عوامل در برابر شیطان و وسوسه‌های او مقاومت کند و پیروز شود و تکامل یابد. ۳. آیات فوق نشان دهنده‌ی لطف و حکمت الهی

است که حتی دعا و درخواست دشمن خود را نیز می‌پذیرد، ولی تصریح نشده است که چه اندازه از تقاضای شیطان پذیرفته شده، و تـا چه موقع به او مهلت داده شـده ولی در آیات دیگری آمـده است که: «به تو تا روز معینی مهلت داده خواهـد شـد.» «۳» پس تمام تقاضـای شـیطان به اجـابت نرسـیده بلکه به انـدازه‌ای که خـدا می‌خواهـد و تـا وقت معینی به او مهلت داده شـد. در برخی احـادیث حکایت شـده که تا زمان قیام امام عصـر (عـج) به او مهلت داده شـد «۴» و در برخی احـادیث حکـایت شـده که تا آخر جهان به او مهلت داده شد؛ البته جمع بین این تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۸ احادیث مانع ندارد، چون زمان ظهور حضرت به پایان جهان نزدیک است. ۴. شـیطان هم مبدأ هستی و هم معاد را می‌شـناخت، اما لغزش او در تکبر و سرکشـی بود. آری؛ لغزش‌های اخلاقی و گنـاه، افراد آگـاه را نیز بـه سـقوط می‌کشانـد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. شـیطان همـواره در کنـار انسـان و در صـدد فریـب اوسـت. ۲. درخواست دشـمنان خود را بشنوید و تـا آن جـا که ممکن است جواب مثبت دهیـد. *** قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفـدهم سوره‌ی اعراف بـا اشـاره به هـدف شوم و توطئه‌ها و حیله‌های شیطان می‌فرمایـد: ۱۶ و ۱۷. قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ* ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ [شیطان گفت: «پس به سبب آن که مرا (بـا این آزمـایش) فریفتی (و رسوا کردی)، حتماً برای (انحرافِ) آنان، بر [سـر] راه راست تو خواهم نشـست. * سـپس از پیش رویشـان و از پشت سـر آنان، و از طرف راسـتشان و از طرف چپ آنان، قطعاً به سـراغشان می‌روم؛ و اکثر آنان را سپاس‌گزار نخواهی یـافت.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خـدا شـیطان را آزمود و او در آزمایش شـکست خورد و از درجه‌ی اعتبار ساقط گردید، ولی شیطان این آزمایش الهی را فریب خـدا خواند، و این نوعی فرافکنی بود که گناهِ سرکشـی خود را به دوش دیگران انداخت. تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۴۹ ۲. شیطان، دشمن خطرناکی برای انسان هاست؛ زیرا راه مستقیم و انحرافی و کمین‌گاه‌ها را می‌شناسد. آری؛ او انسـان را، در همه‌ی ابعـاد زنـدگی مـادی و معنوی، محاصـره می‌کنـد و به هر وسـیله و از هر طرف می‌کوشـد که انسـان را گمراه سازد. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السـلام حکایت شده که مقصود از راه مستقیم در این جا امام علی علیه السلام است. «۱» البته این گونه احـادیث یکی از مصـداق‌های کامـل و روشن «راه مسـتقیم» را بیان می‌کنـد ولی مفهوم آیه منحصـر در این مورد نیست. ۴. در حـدیث دیگری از امـام باقر علیه السـلام حکایت شـده که به یار وفادار خویش زُراره گفت: مقصود شـیطان (در گمراه سـاختن و کمین کردن)، تو و دوسـتان تو هستیـد، اما با افراد دیگر کاری نـدارد «۲» (چون لازم نیست کسانی را که منحرف شده‌اند، دوباره منحرف سازد.) ۵. در حدیثی از امام باقر علیه السـلام حکایت شده که منظور از آمدن شـیطان از پیش رو آن اسـت که جهان آخرت را، که در پیش است، در نظر انسان سبک و ساده جلوه می‌دهد؛ و مقصود از پشت سـر آن است که انسان‌ها را به گردآوری امـوال و ثروت برای فرزنـدان و وارثـان و بخـل در پرداخت حقـوق واجب دعـوت می‌کنـد؛ و منظور از طرف راست این است که امور معنوی را با ایجاد شـبهات و شک و تردیـد، ضـعیف می‌سازد؛ و مقصود از طرف چپ آن است که لـذت‌های مادی و شهوات را در نظر انسان تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۰ جلوه می‌دهد. «۱» یادآوری این نکته مفیـد است که این گونه احادیث برخی مصـادیق مهم آیه رابیـان می‌کنـد، و مفهـوم آیه منحصـر به همین توطئه‌هـای شـیطان نمی‌شود. ۶. یکی از اهـداف توطئه‌های شیطان، ضـعیف کردن روح سـپاس‌گزاری در انسان است و در همین راستاست که هر کس به دام شیطان می‌افتد از ذکر خدا و نماز و عبادات دیگر که نوعی سپاس‌گزاری و شـکر حق است، دور می‌شود. ۷. دام‌های بزرگ شـیطان را بشناسیم: امام عارفان در مورد دام‌های شـیطان می‌نویسـند: از دام‌های بزرگ ابلیس آن است که در ابتدا بنده را به غرور کشاند و او را به این وسـیله افسار گسیخته کنـد و ازمعاصـی کوچک به بزرگ و از آن به کبائر و موبقات کشد و چون مدتی با او بدین منوال بازی کرد و او را به خیال رجاء (: امید) به رحمت، به وادی غرور کشاند، در آخر کار، اگر در او نورانیّتی دید که احتمال توبه و رجوع داد، او را به یأس از رحمت و قنوط کشاند و به او گوید: «از تو گذشـته و کار تو اصـلاح شدنی نیست.» و این دام بزرگی است که بنده را از درِ خانه خدا روی گردان کند و دست او را از رحمت الهی کوتاه نماید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان در کمین

شماست (پس مواظب توطئه‌های او باشید). ۲. شما توسط شیطان محاصره شده‌اید (پس مواظب خودتان باشید). ۳. آموزه آیات این که راه مستقیم الهی را بروید و سپاس گزاری کنید (تا توطئه‌های شیطان را خنثی سازید.) *** خدای متعال در آیه‌ی هجدهم سوره‌ی اعراف بار دیگر فرمان اخراج شیطان را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُوماً مَدْحُوراً لَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ [خدا] فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و خواری، بیرون شو! (و سوگند) که هر کس از آنان تو را پیروی کند، حتماً جهّنم را از همه شما پر می‌کنم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی سیزدهم همین سوره نیز دستور طرد شیطان از مقام و رتبه‌اش صادر شد، اما در این آیه، طرد شیطان همراه با تحقیر و خواری صورت گرفت. «۱» این به خاطر لجاجت شیطان در نافرمانی و توطئه‌ی گمراه ساختن انسان‌ها بود؛ یعنی گناهی بر گناه خویش افزود و از این رو با او شدیدتر برخورد شد. ۳. با همه‌ی وسوسه‌ها و توطئه‌های شیطانی، جبری در کار نیست؛ این انسان است که خود راه انحراف و گمراهی را انتخاب می‌کند و از شیطان پیروی می‌کند و راهی دوزخ می‌شود و یا به راه مستقیم گام می‌نهد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۲ ۴. خدا گاهی «وعده» ی پاداش به نیکوکاران می‌دهد و این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است؛ چون خلف وعده با عدل و حکمت الهی ناسازگار است؛ اما گاهی نیز «وعید» می‌دهد، یعنی بدکاران را تهدید به عذاب می‌کند، مثل آیه‌ی فوق که فرمود: «جهنم را از پیروان شیطان پُر می‌سازد.» اگر بر اثر رحمت الهی این گونه وعیدها عملی نشود، اشکالی ندارد، چون نه تنها خلف وعده و خلاف حکمت و عدالت نیست، بلکه رحمت و بخششی است از جانب مولای مهربان به بندگان گناهکار. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان از درگاه الهی رانده شد و پیروانش گرفتار خشم و آتش الهی هستند. ۲. از شیطان پیروی نکنید که فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی اعراف به سکونت آدم و همسرش در باغ بهشت و آزمایش آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هـذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الْظَّالِمِينَ و ای آدم! تو و همسرت در باغ آرام گیرید، و از هر جا می‌خواهید بخورید، و [لی نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمکاران خواهید بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی بقره مشابه این آیه است و تکرار آن در این جا به خاطر اهمیت مطلب یا کامل شدن جریان داستان شیطان است که در این سوره آمده است. در سوره‌ی بقره نکته‌ها و اشاره‌ها و پیام‌ها و آموزه‌های آیه به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۳ صورت کامل بیان شد و در مورد بهشت آدم که باغی سرسبز در زمین بود و نیز درخت ممنوعه و آزمایش آدم توضیح داده شد. *** قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی اعراف به وسوسه گری شیطان و نیرنگ‌های او برای فریب آدم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا ووُرِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هـذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الخَالِدِينَ* وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ و شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از شرمگاه‌های آنان از ایشان پنهان بود، برای شان آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرده، جز برای آن که [مبادا] دو فرشته شوید، یا از ماندگاران (باغ) گردید.»* و [ابلیس برای آن دو [: آدم و حوّا] سوگند یاد کرد که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیطان که به خاطر سجده نکردن بر آدم از درگاه الهی رانده شده بود، تصمیم گرفت از انسان انتقام بگیرد. او می‌دانست که اگر آدم از آن درخت ممنوع بخورد، از باغ بهشت اخراج می‌شود؛ از این رو به وسوسه‌ی آدم و حوا پرداخت، تا از آن درخت ممنوع بخورند. ۲. شیطان برای منحرف ساختن آدم، از علاقه و عشق ذاتی انسان به تکامل و زندگی جاوید استفاده کرد؛ از این رو این گونه جلوه داد که نه تنها خوردن از آن درخت زیانی ندارد، بلکه سبب عمر جاویدان یا فرشته شدن می‌شود. ۳. شیطان در وسوسه‌های خود و برای فریب انسان، چهره‌ای تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۴ خیرخواهانه و دوستانه به خود می‌گیرد «۱» و کارهای بد را خوب جلوه می‌دهد و زشتی‌ها را توجیه می‌کند؛ چرا که انسان فطرتاً از کار زشت بیزار است و برای انجام آن لازم است که توجیه شود. ۴. شیطان پیامبران الهی را هم رها نمی‌کند و در صدد فریب آنها نیز برمی‌آید. آری؛ وسوسه گری کار شیطان است ولی انسان آزاد است و کسی او را به کار بد مجبور نمی‌سازد. ۵. هدف شیطان آن بود که زشتی‌های مخفی انسان را

آشکار «۲» و آدم را از بهشت محروم کند. هنوز هم شیطان صفتان در جامعه‌ی انسانی بر آنانـد که زشتی‌های مردم را آشکار و انسان‌ها را از مقامات عالی و تکامل محروم سازند. ۶. شیطان به فلسفه و علل احکام اشاره کرد و کار خود را از این راه به پیش برد. او تلاش کرد که فلسفه و حکمت نهی الهی (به درخت ممنوعه نزدیک نشوید) را تحریف کند و آدم را فریب دهد. ۷. قسم دروغ یکی از وسیله‌های فریب شیطان است. او از این راه برای منحرف ساختن آدم و همسرش استفاده کرد. آری؛ شیطان اولین کسی بود که از سوگند دروغ برای پیش‌برد اهداف خود استفاده کرد. قرآن کریم در آیات متعددی، سوگند دروغ را یکی از ویژگی‌های منافقان برمی‌شمرد «۳» و در آیه‌ای دیگر اشاره می‌کند که هر کس زیاد سوگند یاد تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۵ می‌کند، شایسته‌ی پیروی کردن نیست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان به دنبال آشکار کردن بدی‌ها و به سقوط کشاندن شماست. ۲. مواظب وسوسه گری و فریبکاری شیطان باشید، که کار خود را با توجیه پیش می‌برد. ۳. تحریف فلسفه‌ی احکام و نیکو جلوه دادن بدی‌ها از ابزارهای شیطانی است. ۴. سوگند دروغ، کاری شیطانی است. ۵. دشمن ممکن است از علاقه به جاودانگی و اعتقادات شما به نفع خود سود ببرد، پس به هر سوگند و شعار خیرخواهانه‌ای اطمینان نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی اعراف به فریب خوردن آدم و همسرش و عواقب آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ و آنان را با فریب (از مقامشان) فرو آورد و هنگامی که از [میوه آن درخت چشیدند، شرمگاه‌های آنان بر ایشان آشکار شد؛ و شروع به قرار دادن برگ (های درختان) باغ بر خودشان کردند؛ و پروردگارشان آنان را ندا داد که: «مگر شما را از آن درخت منع نکردم، و به شما نگفتم که شیطان برایتان دشمنی آشکار است؟!» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وسوسه‌گری و فریبکاری شیطان سرانجام در آدم و همسرش تأثیر کرد و آنها از آن درخت ممنوع خوردند. آری؛ شیطان با طناب مکر و فریب، آدم را از آن مقام والایش فرود آورد و به چاهسار مشکلات و دوری از رحمت حق افکند. «۱» ۳. هنگامی که آدم و حوا از درخت ممنوع خورد، بلافاصله آثارش ظاهر شد و آدم و همسرش از لباس بهشتی، که لباس کرامت، تقوا و بندگی و احترام خدا بود، برهنه شدند. ۴. از آیات قرآن استفاده می‌شود «۲» که آدم و همسرش قبل از ارتکاب این خلاف، برهنه نبودند «۳»؛ البته قرآن نامی از پوشش آنان نمی‌برد، ولی آن پوشش نشانه‌ی شخصیت آدم و حوّا و احترام آنها به شمار می‌آمد که در اثر خوردن از درخت ممنوع، از آنان گرفته شد. «۴» ۵. از مقایسه‌ی تعبیر این آیه و آیه‌ی نوزدهم همین سوره در مورد درخت ممنوع استفاده می‌شود که آدم و حوا پس از خوردن از درخت ممنوع، آن قدر از مقام قرب پروردگار دور شدند که حتی از درختان بهشتی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۷ نیز فاصله گرفتند؛ در آیه‌ی نوزدهم با اشاره به نزدیک سخن گفته شد و در این آیه با اشاره به دور و با ندا با آنان سخن گفته می‌شود. «۱» ۶. مفسران قرآن، برای آیه‌ی فوق دو تفسیر ارائه کرده‌اند: نخست آن که خوردن از آن درخت حرام نبود، بلکه ممنوعیت آن ارشادی بود؛ «۲» یعنی خداوند دستور داده بود که از درخت ممنوع نخورند، چرا که آن کار سبب زحمت و رنج انسان می‌شد و نتیجه‌اش بیرون رفتن از باغ بهشت بود؛ پس در واقع آدم گناه نکرد و فقط خودرا به زحمت انداخت. دومین تفسیر آن است که خوردن از آن درخت، مکروه بود، نه حرام؛ اما از آن جا که آدم خلیفه و جانشین و نماینده‌ی خدا بود و از مقام والایی برخوردار بود، چنین مخالفتی- هر چند کوچک- با شأن و مقام او سازگار نبود؛ از این رو گفته‌اند که این عمل آدم علیه السلام، عصیان نسبی یا ترک اولی بود، گناه و عصیان مطلق؛ یعنی این عمل نسبت به مقام شامخ آدم عصیان و نافرمانی به شمار می‌رفت هر چند اگر از یک انسان عادی سر می‌زد، آن قدر مهم نبود. «۳» ۷. شیطان به دنبال فرهنگ برهنگی است و می‌خواهد انسان را از لباس تقوا و بندگی خدا دور سازد، ولی انسان فطرتاً به دنبال پوشش و حیاست و از برهنگی بیزار است؛ از این رو پس از فریبکاری شیطان، آدم به دنبال پوشاندن زشتی‌های خود برآمد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفت با دستورات الهی و بی‌توجهی به دشمنی شیطان، پیامدهای منفی دارد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۸ ۲. یکی از حربه‌های شیطان فریب و

غرور است (که بدین وسیله انسان را به سقوط می‌کشاند). ۳. شیطان دشمن آشکار شماست (پس مراقب توطئه‌های او باشید). ۴. شیطان به دنبال فرهنگ برهنگی است، اما شما به دنبال حیا و پوشش باشید. ۵. فریب خوردگان شیطان را سرزنش کنید که چرا به هشدارها توجه نکردند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی اعراف به پشیمانی آدم و حوّا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. قَالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ [آدم و حوّا] گفتند: « [ای پروردگار ما! به خودمان ستم کردیم؛ و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، حتماً از زیانکاران خواهیم بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آدم و حوّا، سرانجام از نقشه‌های شیطانی ابلیس و نتایج شوم آن آگاه شدند و به سوی خدا بازگشتند. ۲. این آیه به ما می‌آموزد که نخستین گام در راه توبه و بازگشت، این است که انسان از مرکب غرور پایین آید و در درگاه خدا به خطای خویش اعتراف کند؛ این اعتراف، در مسیر تکامل و سازندگی او را یاری می‌رساند؛ و گام دوم، درخواست آمرزش از خداست تا انسان پاک شود؛ و گام سوم درخواست رحمت الهی است تا توفیق یار شود و انسان بتواند به طرف سازندگی و تکامل و سعادت رهسپار گرد. ۳. حضرت آدم علیه السلام در برابر خدا ادب را کاملًا رعایت کرد؛ نگفت: «خدایا ما را ببخش» بلکه گفت: «اگر ما را نبخشی از زیانکاران خواهیم بود.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۵۹ این تعبیر هم شدت نیاز آدم را می‌رساند و هم بسیار مؤدبانه است. ۴. هرگونه نافرمانی خدا، ظلم به خویشتن است؛ چرا که انسان خود را از برنامه‌های سازنده و تکامل بازمی‌دارد و راه سقوط و عقب ماندگی رابه روی خود می‌گشاید. آدم علیه السلام گناه نکرده بود، اما همان ترک اولی سبب شد که از مقام والایش فرود آید؛ و این نوعی ستم به خویش بود. ۵. هرگونه نافرمانی در برابر خدا، انسان را از تکامل و سعادت بازمی‌دارد و گرفتار خسران و زیان می‌کند؛ از این روست که در آیه‌ی فوق آدم علیه السلام گفت اگر ما را نیامرزی، از زیانکاران خواهیم بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نافرمانی خدا، ستم به خویش و موجب زیانکاری است. ۲. هرگاه از خدا نافرمانی کردید، اعتراف و توبه کنید و از خدا آمرزش و رحمت بخواهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی اعراف به هبوط آدم و اخراج او از بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ [خدا] فرمود: « (از مقام خویش) فرو آیید، در حالی که برخی از شما دشمن برخی [دیگر] هستید؛ و برای شما در زمین، تا زمانی [معین قرارگاه و وسیله بهره‌برداری است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیه، آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی بقره است. تکرار این آیه برای تکمیل داستان آدم در این سوره و یا برای یادآوری و تأکید و نشان دادن اهمیت و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۰ عبرت‌آموزی آن است. ۲. خدا توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت و ترک اولای او را بخشید، اما اثر وضعی عمل او، باقی ماند؛ یعنی تأثیر نافرمانی خدا، اخراج از باغ بهشت و هبوط بود که دامن گیر آدم شد. «۱» ۳. ظاهر آیه آن است که آدم و حوا و شیطان همگی محکوم به هبوط شدند. مقصود از هبوط در آیه‌ی فوق، یا سقوط معنوی و دوری از مقام قرب الهی است و یا اخراج از باغ بهشت و یا هر دو. ۴. تزاحم و درگیری انسان‌ها با هم دیگر و با شیطان ادامه خواهد داشت، همان گونه که در هر عصر می‌بینیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آدم و حوا، به خاطر یک نافرمانی کوچک، سقوط کردند (پس شما مواظب باشید). ۲. زندگی و بهره‌وری از دنیا دایمی نخواهد بود (پس بدان دل نبندید). ۳. دنیا محل درگیری و اختلاف است (پس خود را آماده سازید). ۴. خلافکاری نکنید که گرفتار پیامدهای آن خواهید شد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی اعراف به مراحل سرنوشت انسان‌ها در زمین اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۵. قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ [خدا] فرمود: «در آن [زمین زندگی می‌کنید، و در آن می‌میرید؛ و (در رستاخیز) از آن بیرون آورده می‌شوید.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به سه مرحله‌ی اساسی سرنوشت انسان «۱» اشاره شده که عبارت‌اند از: زندگی در این جهان، مرگ یا پُل عبور، و رستاخیز. ۲. در مورد مرگ و زندگی فرمود «در زمین» صورت می‌گیرد، اما در مورد رستاخیز فرمود «انگیزش از زمین» است و نفرمود «در زمین است». این تفاوت تعبیر شاید اشاره به آن باشد که استقرار نهایی انسان در رستاخیز، در محلی غیر از زمین است؛ البته این تعبیر می‌تواند اشاره به معاد جسمانی نیز باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زندگی شما منحصر به مرحله‌ی دنیا نیست،

بلکه مرگ و رستاخیز نیز در پیش است. ۲. در اندیشه‌ی مرگ و معاد باشید. ***

لباس و فواید آن

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی اعراف به اقسام لباس انسان‌ها اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۶. یَا بَنِی آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاساً يُوَارِی سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشاً وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذلِكَ خَيْرٌ ذلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ای فرزندان آدم! در حقیقت لباسی برای شما فرو فرستادیم، که شرمگاه‌های شما را می‌پوشاند و مایه زینت است؛ و [لی پوشش (خودنگهداری و) پارسایی، این بهتر است؛ این [ها] از نشانه‌های خداست، باشد که آنان متذکّر شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران قرآن «لباس «۱» تقوی «۲»» را «لباس عبادت»، «لباس جنگ»، «عمل صالح»، «حیا» و حتی «سپر جنگی» معنا کرده، و برخی از آنان هم آن را به معنای «روح تقوا و پرهیزکاری» یا لباس معنوی دانسته‌اند که جان انسان را حفظ می کند. «۳» در برخی احادیث آمده است که لباس تقوا همان عفاف است، «۴» ولی آیه‌ی فوق می‌تواند معنای وسیع‌تری داشته باشد و تمام موارد و مصادیق گفته شده را شامل گردد. ۲. وجه شباهت تقوا و خودنگه داری با لباس، این است که لباس بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می کند و عیوب جسمانی انسان را می‌پوشاند، و زینت انسان است؛ تقوا نیز روح انسان را از زیان گناهان حفظ می‌کند و زشتی بسیاری از گناهان را می‌پوشاند و بهترین زینت برای شخصیت انسان است. به از پرهیزکاری زیوری نیست. (پروین) ۴. مقصود از «نزول و فرود» لباس در این آیه، فرو فرستادن لباس از بالا به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۳ پایین نیست، بلکه این تعبیرات «۱» در قرآن به معنای نزول مقامی است؛ یعنی نعمت‌ها از مقام والای پروردگار، به بندگان ارزانی شده است. ۵. در آیه‌ی مورد نظر به دو فایده‌ی مهم و فلسفه‌ی اساسی لباس، یعنی «پوشاندن زشتی‌ها و زیبانمایی» اشاره شده است. برخی از لباس‌ها انسان را از خطرهای احتمالی حفظ می کند، مانند لباس‌های فضانوردان، مأموران آتش‌نشانی، غواصان و کارگران معادن و مراکز هسته‌ای؛ همان طور که گاهی نکات منفی نیز در لباس‌ها جلوه‌گر می‌شود و وسیله‌ی ترویج فرهنگ بیگانه می گردد و فلسفه‌ی اصلی لباس تحت الشعاع قرار می‌گیرد، گاهی نیز کمبودهای روانی و عقده‌ی حقارت افراد را نشان می دهد و هم چنین وسیله‌ای برای ثروت‌اندوزی و تفاخر و مدپرستی می‌شود. ۶. در روایتی حکایت شده که هیئتی از مسیحیان نجران با لباس‌های فاخر ابریشمی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند، ولی حضرت آنان را نپذیرفت. آنها از حضرت علی علیه السلام سبب روی گردانی پیامبر صلی الله علیه و آله را جویا شدند و ایشان اشاره کردند که شاید به سبب لباس‌های فاخر شما باشد. آنان لباس‌های گران قیمت ابریشمی را از تن بیرون کردند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آنان را به حضور پذیرفتند و فرمودند: سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاده است، نخستین بار که این‌ها بر من وارد شدند، دیدم که شیطان نیز همراه آنان است. «۲» به جای پرده‌ی تقوا که عیب جان بپوشاند ز جسم آویختم این پرده‌های پرنیانی را (پروین) ۷. تجمّل و زیبا کردن خویش با لباس‌های زیبا (تا آن جا که به اسراف کشیده نشود) مانعی ندارد. «۱» ۸. یکی از روش‌های قرآن کریم آن است که جنبه‌ی معنوی و مادی را با هم می‌آمیزد. در این جا هم لباس مادی را همراه با لباس معنوی مطرح کرد تا ارتباط و لزوم همراهی آنها را یادآوری کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان به لباس‌های مادی و معنوی نیازمند است، ولی لباس معنوی مهم‌تر است. ۲. از لباس استفاده‌ی مثبت کنید و آن را برای عیب‌پوشی و زیبانمایی به کار ببرید. ۳. لباس ها را نعمت الهی و وسیله‌ی بیداری و یاد او بدانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۵ اقسام لباس و ویژگی‌های آن اقسام لباس: الف) لباس مادی و فواید آن: ۱. لباس برای پوشاندن شرمگاه‌های انسان است (اعراف، ۲۶). ۲. لباس مایه‌ی زینت (و زیبایی) است (اعراف، ۲۶). ۳. شیطان می خواهد لباس آدم از او جدا شود تا شرمگاه‌هایش آشکار گردد (اعراف، ۲۷). ۴. از زیورآلات دریایی بپوشید (فاطر، ۱۲). ب) لباس معنوی: ۱. لباس تقوا و پارسایی بهتر است (اعراف، ۲۶). ۲. از امام علی علیه السلام حکایت شده که «لباس افراد پارسا، میانه‌روی است». ج) لباس بهشتیان: ۱. لباس بهشتیان از حریر است (حج، ۲۳ و فاطر،

۳۳). ۲. لباس‌های بهشتیان از حریر نازک و ضخیم است (دخان، ۵۳). د) لباس همسر: ۱. زنان شما لباس شما هستند (بقره، ۱۸۷). ۲. مردان لباس زنان هستند (بقره، ۱۸۷). ه) لباس های کنایی: ۱. شب، لباس (و پوشش) شماست (فرقان، ۴۷ و نبأ، ۱۰). ۲. لباس گرسنگی و ترس، نتیجه‌ی عملکرد ناسپاسانه‌ی انسان است (نحل، ۱۱۲). تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۶ و) رنگ لباس: ۱. بهترین لباس شما لباس سفید است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۲. محبوب ترین لباس نزد خدا لباس سفید است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۳. لباس سفید بپوشید که دل پسندتر و پاک‌تر است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۳» ز) جنس لباس: ۱. لباس پنبه ای بپوشید که آن لباس رسول اللّه صلی الله علیه و آله و لباس ماست (علی علیه السلام). «۴» ۲. کتان از لباس پیامبران است و موجب رشد گوشت بدن می شود (امام صادق علیه السلام). «۵» ح) بهترین لباس: ۱. حکایت شده که به امام صادق علیه السلام اعتراض شد که چرا علی علیه السلام لباس خشن می‌پوشیده‌اند و شما لباس خوب می‌پوشید؟ امام علیه السلام پاسخ دادند: علی علیه السلام در آن زمان که لباس (خشن) می‌پوشیدند ناپسند نبود؛ اگر امروز (کسی آن لباس را) بپوشد به آن مشهور می‌شود؛ پس بهترین لباس، لباس اهل آن زمان است. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۷ ۲. بهترین لباس ملت خویش را بپوشید (امام صادق علیه السلام) «۱». ۳. لباس (نیکو) بپوش و خود را بیارای (امام رضا علیه السلام). «۲» ط) لباس های ممنوع: ۱. حکایت شده که «لباس حریر برای مردان ممنوع است» (پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام). «۳» ۲. لباس طلا برای مردان جایز نیست پیامبر صلی الله علیه و آله. «۴» ۳. «کسی که لباس شهرت (یعنی لباسی که خلاف عرف باشد و موجب انگشت نما شدن انسان گردد) بپوشد، روز رستاخیز از او روی می گرداند پیامبر صلی الله علیه و آله. «۵» و نیز آن حضرت از نازکی لباس و ضخامت (بیش از اندازه و نامناسب) و نرمی و خشونت و طول زیاد و کوتاهی زیاد منع کردند و به میانه‌روی سفارش کردند. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۸ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی اعراف به همه‌ی انسان‌ها در مورد توطئه‌های شیطان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۷. يَا بَنِي آدَمَ لَايَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَـهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَاتَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَايُؤْمِنُونَ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، همان گونه که پدر و مادر شما را از باغ بیرون کرد، در حالی که لباسشان را از [تن آنان بیرون ساخت تا شرمگاه‌هایشان را به آنان بنمایاند؛ [چرا] که او و طایفه‌اش، از جایی که آنان را نمی‌بینید، شما را می‌بینند؛ در واقع ما شیطان‌ها را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از لباس ظاهری و معنوی، (لباس تقوا و پارسایی) بود و این آیه هشدار می‌دهد که مراقب باشید، شیطان این لباس‌ها را از تن شما بیرون نکند و فرهنگ برهنگی را ترویج ننماید. عبارت «شیطان شما را نفریبد»، کنایه‌ی لطیفی است برای منع مخاطب؛ یعنی شما انسان‌ها مراقب باشید که فریب نخورید. ۲. شیطان بر انسان تسلّط علمی دارد و از حالات او آگاه است. در حدیثی آمده است که شیطان، هم چون خون، در همه‌ی وجود انسان نفوذ می کند «۱» و به راستی که دفع حمله‌ی چنین دشمن ناپیدایی دشوار است. ۳. در برخی احادیث آمده است که در سه موقع شیطان به انسان نزدیک‌تر می‌شود تا او را بفریبد: هنگام خشم، هنگامی که انسان بین دو نفر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۶۹ داوری می کند و هنگامی که مردی با زنی (بیگانه) تنها باشد. «۱» ۴. شیطان بر هم سلطه ندارد، بلکه بر افراد بی‌ایمان مسلّط می‌شود که زمینه‌ی روحی پذیرش سلطه‌ی او را آماده کرده‌اند؛ یعنی گام نخست را خود انسان بر می‌دارد که به شیطان اجازه‌ی وسوسه گری می‌دهد؛ البته شیطان به وسوسه‌ی مؤمنان نیز می‌پردازد، اما بر آنان سلطه نمی‌یابد. ۵. در آیات دیگر قرآن اشاره شده که تسلّط شیطان بر کسانی است که او را دوست دارند و او را به سرپرستی برمی گزینند و یا شرک می‌ورزند؛ «۲» و در برخی دیگر از آیات بیان شده که شیطان بر بندگان خدا تسلط نخواهد داشت، مگر بر کسانی که از او پیروی کنند. «۳» ۶. شیطان دیده نمی‌شود و در برخی احادیث حکایت شده که گاهی برخی افراد ممکن است شیطان را ببینند؛ یعنی اصل و قاعده‌ی اوّلی آن است که شیطان دیده نشود، ولی این قاعده در مواردی استثنا دارد. «۴» ۷. انسان‌ها لازم است از فریب خوردن پدر و مادرشان، یعنی آدم و حوا، درس عبرت بگیرند و مواظب نیرنگ‌های شیطان

باشند و این آموزه‌ای است برای زندگی بشریت در طول تاریخ. ۸. از ظاهر آیات فوق و آیات دیگر قرآن که داستان آدم و حوا را بیان می کنند، استفاده می‌شود که این داستان واقعی است و دلیلی بر سمبولیک یا مجازی و کنایی بودن آن وجود ندارد. با این حال، این جریان می‌تواند اشارات و آموزه‌هایی برای زندگی آینده‌ی نوع بشر در برداشته و اشاره‌ای باشد به کشمکش نیروی خرد و غرایز تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۰ سرکش و دام‌های شیطانی. «۱» ۹. شیطان همکاران و یارانی دارد. یاران شیطان گاهی از جنیان و گاهی انسان های شیطان‌صفت هستند که در راه فریب و انحراف انسان ها می کوشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف شیطان سقوط و برهنگی فرهنگی شماست؛ پس مواظب خویش باشید. ۲. شیطان دشمنی آگاه به حال شماست، پس بیش‌تر مواظب باشید. ۳. با سپر ایمان در برابر سلطه‌ی شیطان بیمه می شوید. ۴. از سرنوشت آدم و حوا عبرت بگیرید و مواظب توطئه‌های شیطان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی اعراف به نقش تقلید کورکورانه در زشتکاری و بهانه‌های انسان‌های شیطان صفت برای انجام گناهان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۸. وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللّهَ لَايَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ و هنگامی که [کار] زشتی انجام می‌دهند می گویند: «پدرانمان را بر این (شیوه) یافتیم؛ و خدا ما را به آن فرمان داده است.» [ای پیامبر] بگو: «براستی که خدا به [کار] زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت می‌دهید؟!» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تقلید کورکورانه از نیاکان و تهمت زدن به ساحت مقدس پروردگار»، دو روش شیطان‌صفتان زشتکار است که بدین وسیله کارهای زشت خود را توجیه می کنند. ۲. فرهنگ نیاکان، عناصر منفی و مثبتی دارد. استفاده از عناصر مثبت که عقل و علم و دین آنها را می‌پذیرد، مانعی ندارد اما استفاده از عناصر منفی که مخالف دلایل قطعی عقلی و علمی و دینی است جایز نیست. ۳. در این آیه بیان شده که «خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد.» و در آیات دیگر قرآن اشاره شده که «شیطان به کارهای زشت فرمان می‌دهد و خدا به نیکی‌ها و خوبی‌ها دستور می‌دهد.» «۱» ۴. «کار زشت» را چند گونه تفسیر کرده‌اند: یکی این که مقصود طواف کردن برهنه در اطراف کعبه است- که برخی اعراب در جاهلیت این کار زشت را انجام می دادند- و در برخی احادیث آمده است که مقصود، گفتار پیشوایان ستمگر است که مردم را به پیروی از خود دعوت می کنند و می‌پندارند خدا اطاعت آنان را بر مردم واجب کرده است. اما آیه معنای وسیعی دارد و هرگونه کار زشتی را شامل می‌شود و موارد فوق مصادیق بارز آیه‌اند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زشتکاری ها را با تقلید و نسبت ناروا به خدا توجیه نکنید. ۲. چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت ندهید (که تهمت بر ساحت قدس الهی به شمار می‌آید). ۳. کار زشت نکنید، اگر چه روش پیشینیان شما بوده باشد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۲

دستوارت الهی در مورد

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی اعراف با بیان یکی از دلایل معاد، به لزوم عدالت و عبادت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَأَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ بگو: «پروردگارم به دادگری فرمان داده است؛ و رویتان را در هر مسجدی (به هنگام عبادت، به سوی قبله) نمایید، و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اید؛ (و بدانید) همان گونه که (آفرینش) شما را آغاز کرد، (به سوی او) باز می گردید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه قسط و عدالت «۱» را خواست خدا معرفی کرده، که پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه دارد آن را اجرا کند؛ البته این وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است و اختصاص به پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. ۲. مفسران قرآن در مورد تعبیر «رویتان را (به سوی آن) نمایید.»، چند تفسیر کرده‌اند: در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که به معنای توجه به قبله در هنگام نماز است و برخی آن را به معنای حضور در مساجد به هنگام نمازهای روزانه دانسته‌اند؛ برخی نیز آن را به معنای حضور قلب و نیت خالص در هنگام عبادت گرفته‌اند؛ و برخی دیگر هم آن را به معنای توجه به خدا و مبارزه با هر گونه شرک و توجه به

غیر او معرفی کرده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۳ البته ممکن است همه‌ی این احتمالات مقصود آیه باشد. «۱» ۳. تعبیر «مَسجد» در اصل به معنای محل نماز است و از آن جا بدین نام خوانده می‌شود که در محل نماز، سجده می‌شود؛ برخی از مفسران هم احتمال داده‌اند «۲» که به معنای زمان نماز باشد. «۳» ۴. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «مسجد» در آیه‌ی فوق امامان علیهم السلام هستند. «۴» این گونه احادیث در حقیقت بطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی همان طور که انسان در نماز قبله‌ی خاصی دارد، در زندگی و عقاید و اعمال و اخلاق خویش هم قبله دارد؛ پس قبله اعم از قبله‌ی ظاهری (کعبه) و قبله‌ی معنوی است. قبله‌ی معنوی الگوی شخصیتی و عقیدتی هر انسان مسلمان است که همان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام هستند. ۵. اخلاص، مغز و حقیقت عبادت است؛ از این رو در این آیه و آیات دیگر «۵» و نیز احادیث اسلامی «۶» بر آن تأکید شده است. آری؛ هر کاری هنگامی با ارزش است که جهت و رنگ الهی بگیرد و عبادت ودین بدون اخلاص ارزشی ندارد. ۶. این آیه به یکی از کوتاه‌ترین و جالب‌ترین استدلال‌های معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: نگاهی به آغاز آفرینش خود کنید و ببینید که عناصر گوناگون جسم شما چگونه در یک جا جمع‌آوری شده‌اند؛ بنابر این جای تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۴ تعجب ندارد که پس از متلاشی شدن جسم، بار دیگر، همان خدا، دستور جمع‌آوری آن ذرات را بدهد؛ و اگر چنین چیزی محال بود، در آغاز آفرینش نیز انجام نمی‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مأمور به اجرای عدالت بود (شما نیز این گونه باشید). ۲. خدا را خالصانه بخوانید. ۳. (در هنگام نماز) رو به سوی دوست کنید و به مسجد بروید و به قبله و حضور قلب توجه داشته باشید. ۴. با مطالعه در آغاز آفرینش، به امکان معاد پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی اعراف به واکنش‌های متفاوت مردم در برابر فراخوان پیامبر و نقش شیطان در گمراهی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. فَرِيقاً هَدَى وَفَرِيقاً حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُهْتَدُونَ دسته‌ای را [خدا] راهنمایی کرده؛ و دسته‌ای (که شایستگی نداشته‌اند) گمراهی بر آنان ثابت گردیده است. [چرا] که آنان غیر از خدا، شیطان‌ها را به سرپرستی گرفتند؛ و می‌پندارند که آنان راه یافتگانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسانی که در طغیان و گناه فرو رفته‌اند، چنان غرق در تباهی و انحراف می‌شوند که حسّ تشخیص آنان دگرگون می‌گردد و زشتی‌ها را زیبایی و گمراهی‌ها را هدایت می‌پندارند؛ آنان گرفتار نوعی کج‌بینی و جهل مرکب شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۵ ۲. انسان آزاد است و زمینه‌های هدایت و گمراهی‌اش را خود انتخاب و فراهم می‌کند. ۳. پیروان شیطان که او را به سرپرستی و سروری انتخاب می‌کنند، به کج اندیشی وکج بینی و جهل مرکب گرفتار می شوند و در نهایت گمراه می‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و گمراهی انسان به دست خود اوست. ۲. از شیطان پیروی نکنید که شما را به کج بینی و گمراهی می‌کشاند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی اعراف در مورد آداب مساجد و خوردن و آشامیدن دستوراتی می‌دهد و می‌فرماید: ۳۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَايُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ای فرزندان آدم! زیور [های تان را در هر مسجدی برگیرید؛ وبخورید و بیاشامید، و [لی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «زینت» در آیه، اشاره به هر چیز زیبا و جمال‌آرا برای انسان است که هم می‌تواند شامل زینت‌های جسمانی، مثل لباس پاک، تمیز و مرتب و آرایش مو و به کار بردن عطر و ... شود و هم شامل زینت‌های معنوی، یعنی صفات عالی انسانی و اسلامی. از این رو برخی از احادیث، این آیه را اشاره به لباس خوب یا شانه کردن موها یا مراسم نماز عید و جمعه معرفی کرده‌اند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۶ ۲. در حدیثی حکایت شده که امام مجتبی علیه السلام هنگامی که برای نماز برمی‌خاست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. از ایشان پرسیدند، چرا بهترین لباس را می‌پوشید؟ حضرت پاسخ دادند: «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ به همین جهت من لباس زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و او هم دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به هر مسجد برگیرید.» «۱» ۳. از این آیه و احادیث اسلامی استفاده می‌شود که اسلام، به صورت معتدل، به زینت و تجمّل و زیبایی و جمال آرایی توجه کرده است؛ و این پاسخی است به حسّ زیبادوستی انسان که یکی از ابعاد

روانی انسان و سرچشـمه‌ی هنرهاست. ۴. از آن جا که در قرآن کریم، مال و فرزنـدان نیز زینت معرفی شده‌انـد، «۲» ممکن است از آیه اسـتفاده شود که هنگام رفتن به مسجد مقداری از اموال و فرزندان خود را به همراه ببرید تا با مال خود به مسلمانان کمک کنید و در ضـمن فرزنـدان شـما تربیت شونـد. «۳» ۵. در برخی از احـادیث، زینـت به «رهـبران شایسته» تفسیر شـده است. «۴» این گـونه احـادیث، در حقیقت، معنـای آیه را توسعه داده، و مفهوم آن را اعم از زینت‌هـای ظاهری و باطنی دانسته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۷ ۶. از برخی تفسیرها استفاده می‌شود که گروهی از اعراب زمان جاهلیت، برهنه به طواف کعبه می‌رفتند و آیه‌ی فوق سرزنشی برای آنـان بود؛ «۱» همـان طور که انـدرز و آموزه‌ای است برای کسـانی که بـا لبـاس کـثیف و گـاهی بـدبو وارد مسجد می‌شوند و در مراسم عبادی شـرکت می‌کنند. ۷. روش قرآن آن است که هر جـا مردم را به اسـتفاده از مواهب طبیعی و نعمت‌هـای الهی فرا می‌خوانـد، فـوراً راه سـوء اسـتفاده و زیـاده‌روی را سـد و بـه اعتـدال سـفارش می‌کنـد؛ بیش از بیست آیه از قرآن کریم، به اسـراف و زیاده‌روی اشاره و آن را نکوهش کرده است. خوردن برای زیسـتن و ذکر کردن است تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است (سعدی) ۸. ممنوعیت اسراف «۲» یک دسـتور مهم بهداشتی اسـلام است؛ چرا که از نظر علم پزشـکی، سرچشمه‌ی بسیاری از بیماری‌ها، پرخوری و باقی مانـدن مواد اضافی در بـدن است، که راه جلوگیری از آنها، اعتـدال در غذا خوردن و جلوگیری از زیاده روی است. «۳» ۱۰. برخی از مفسـران احتمال داده‌اند که هر کجا خطاب «یا بنی آدم» در قرآن آمده دسـتوراتی بیان شده که مربوط به همه‌ی مردم جهان و از مشترکات ادیان، بلکه انسان‌هاست. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا زیبایی و زیبا گرایی را مطلوب می داند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۷۸

چه چیزهایی بر انسان حرام است

۲. عبـادت را بـا زیبـا گرایی همراه سازیـد، که عبـادت با زیبادوستی منافات نـدارد. ۳. از نعمت های الهی اسـتفاده کنیـد و تغـذیه‌ی معتدل داشـته باشید. ۴. بـا اسـراف در تغـذیه از حـد تجـاوز نکنیـد (و به خود زیان نرسانیـد). *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و دوم سوره‌ی اعراف مؤمنان را به اسـتفاده از زینت‌ها و غـذاهای پاک تشویق می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۲. قُـلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَـةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِی الْحَيَاةِ الـدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [ای پیامبر] بگو: «چه کسـی زیور [های الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این [ها] در زندگی پست (دنیـا)، برای کسـانی است که ایمان آورده‌انـد؛ (اگر چه دیگران نیز از آنها اسـتفاده می‌کننـد،) در حالی که در روز رسـتاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهـد بود.» این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شـرح می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد خـالص بودن مواهب و نعمت‌هـا در قیامت، دو تفسیر شـده است: نخست آن که در دنیا هم مؤمنان و هم کافران از نعمت‌های الهی اسـتفاده می‌کننـد، ولی نعمت‌هـای قیـامت مخصوص مؤمنان است. دوم آن که نعمت‌های دنیایی همراه با مشـکلات و رنـج و انـدوه است، ولی در قیـامت این نعمت‌هـا خـالص می‌شـود و بـدون نـاراحتی در اختیـار مؤمنـان تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۷۹ قرار می‌گیرد. «۱» در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام به تفسیر اول اشاره شده است. «۲» ۲. آفرینش زیبایی‌ها در جهان هستی، خود دلیـل آن است که خـدا زیبایی‌هـا را دوست دارد. حـال که خـدا این‌هـا را برای بنـدگانش آفریـده و مفسـده‌ای ندارنـد، دلیلی برای ممنوعیت آنها نیست و تضادی میان دسـتگاه آفرینش و دستورات دینی وجود ندارد. ۳. در حدیثی حکایت شده که یکی از زاهدان عصر امام صادق علیه السلام با ایشان برخورد کرد و ملاحظه نمود که امام صادق علیه السلام لباس زیبایی بر تن دارد؛ به امام عرض کرد: تو از خاندان نبوّتی و پدرت (علی علیه السـلام) لباسی بسیار ساده می‌پوشید پس چرا تو چنین لباسی بر تن داری؟ آیا بهتر نبود لبـاس دیگر می‌پوشیدی؟ حضـرت پاسـخ دادنـد: وای بر تو! (و بـا قرائت آیه‌ی فوق فرمودنـد) چه کسـی زینت‌هـایی را که خـدا بر بنـدگانش آفریـده و روزی‌هـای پاکیزه را حرام کرده است؟! «۳» و در حـدیث دیگری حکـایت شـده که از امام صادق علیه السـلام

پرسیدند، چرا لباس فاخر می‌پوشید در حالی که جدّ شما علی علیه السلام چنین لباسی بر تن نمی‌کرد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: مردم آن زمان در شدّت و فشار بودند و می‌بایست چنین شود، اما مردم زمان ما زندگی مرفه‌تری دارند و در چنین شرایطی استفاده از این زینت‌ها تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۰ مانعی ندارد و بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است. «۱» از این گونه احادیث استفاده می‌شود که بهره‌جویی از نعمت‌ها و زینت‌ها و جمال‌آرایی برای انسان مطلوب است، اما لازم است شرایط زمان و وضعیت اقتصادی مردم را رعایت کنیم، یعنی اگر زمانی مشکلات اقتصادی زیاد بود، علی‌وار زندگی کنیم و به فکر دیگران نیز باشیم. ۵. اصل اولی در بهره‌گیری از نعمت‌ها و زینت‌ها، حلال بودن آنهاست، مگر آن که دلیلی شرعی بر ممنوعیت و حرمت چیزی یافت شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام با زاهدنمایی و رهبانیت و محروم کردن خویش از مواهب الهی مخالف است. ۲. مؤمنان از نعمت های زیبای الهی و غذاهای نیکو استفاده کنند. ۳. زندگی و نعمت‌های خالص (و بدون رنج) رستاخیز فقط برای مؤمنان آماده شده است. ۴. آگاهی و علم، زمینه‌ساز فهم تفصیلی آیات قرآن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی اعراف در مورد محرمات الهی و حرمت نسبت دادن مطالب بدون دلیل و ناآگاهانه به خداوند می‌فرماید: ۳۳. قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَاحِشَ مَاظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِکُوا بِاللّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَاناً وَأَنْ تَقُولُوا عَلَی اللّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ بگو: «پروردگار من، تنها [کارهای زشت را، آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان، و (همچنین) گناه و ستم بناحق را، حرام کرده است؛ و (نیز) این که چیزی را که [پروردگار] دلیلی بر (حقانیّت) آن فرو نفرستاده، شریک خدا قرار دهید؛ و این که چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی اعراب جاهلیت معتقد بودند که عمل زشت منافی عفت، اگر پنهانی انجام شود، مجاز و اگر آشکار باشد ممنوع است. آیه‌ی فوق به این پندار جاهلی پاسخ داد که هر گونه عمل زشتی، چه آشکار و چه پنهان، ممنوع است. ۲. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از «اثم» «۱» شراب و مقصود از «فواحش» «۲» عمل منافی عفت (زنا) است. «۳» این گونه احادیث در حقیقت موارد روشن و مصادیق را برمی‌شمارد، و گرنه معنای این واژه‌ها شامل هر گونه گناه و عمل زشتی می‌شود و همه‌ی آنها حرام و ممنوع است. ۳. «بَغْی» در اصل به معنای کوشش برای به دست آوردن چیزی است، ولی غالباً به کوشش‌هایی گفته می‌شود که برای غصب حق دیگران است؛ از این رو مفهوم آن غالباً با ستم مساوی است؛ و تعبیر «غیر الحق» هم برای تأکید و توضیح آمده است. «۴» ۴. «سُلطان» به معنای دلیلی است که سبب تسلّط و پیروزی انسان بر مخالفانش می‌شود. و مقصود از جمله‌ی: «حرام است شریک و همتای بدون دلیل برای خدا قرار دهید.» آن است که مشرکان هیچ گونه دلیل و گواه منطقی بر کار خود ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۲ ۵. سخن گفتن بدون آگاهی و نسبت دادن آن به خدا حرام است و در احادیث اسلامی نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس بدون علم فتوا دهد، فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می‌کنند. «۱» ۶. حرام کردن این امور «۲» با ربوبیّت و پروردگاری خدا در ارتباط است؛ یعنی اجتناب از فواحش و شرک و گناهان، سبب رشد و تربیت و تکامل انسان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محرّمات را خدا مشخص کرده و برشمرده است (تا بدانید و از آنها دوری گزینید). ۲. شرک دلیل منطقی ندارد (پس شرک نورزید). ۳. مطلب ناآگاهانه به خدا نسبت ندهید که (تهمت و) حرام است. ۴. از ستمکاری و گناهان آشکار و پنهان دوری کنید که حرام است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی اعراف به مرگ ملت‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلِکُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَایَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ و برای هر امّتی، سرآمد (عمر معیّن) است؛ و هنگامی که سرآمد (عمر) آنان فرا رسد، هیچ ساعتی تأخیر نمی‌کنند، و پیشی نمی‌گیرند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ملت‌های «۱» جهان نیز همانند افراد، دارای حیات و مرگ هستند و وقتی لحظه و ساعت «۲» مرگ حتمی «۳» ملتی فرا رسد، از صفحه‌ی روزگار کنار می‌رود و ملت و تمدنی دیگر جای آن را می‌گیرد. ۲. مرگ ملت‌ها عوامل خاص خود را دارد و غالباً عواملی هم چون انحراف از مسیر حق و عدالت، روی آوردن به ستم، غرق شدن در دریای شهوات، فرو رفتن در امواج

تجمّل‌پرستی و تن‌پروری زمینه‌ی مرگ ملت‌ها را فراهم می‌سازد؛ چرا که این عوامل سبب نابودی سرمایه‌های ملت‌ها و تمدن‌ها می‌شود. ۳. در تاریخ جهان ملت‌ها و تمدن‌های زیادی نابود شده‌اند، مثل تمدن بابل، فرعون‌های مصر، قوم سبا، کلدانیان، آشوریان و مسلمانان آندلس، که غالباً پس از اوج گرفتن فساد، لحظه‌ی مرگشان فرا رسید. ۴. این آیه از طرفی هشدار برای ملت‌های ستم‌پیشه و مستکبر و طاغوتی است که سرانجام مرگشان فرا می‌رسد و تمدنشان فنا می‌شود پس مغرور نشوند؛ از طرف دیگر، بیدار باشی است برای مؤمنان که از امکانات موجود حیات ملت و تمدن خود استفاده‌ی صحیح کنند و مأیوس نباشند که ملت‌های مستکبر فناشدنی هستند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون مرگ و زندگی مخصوص افراد نیست بلکه ملت ها و تمدن ها هم مرگ دارند. ۲. (از فرصت حیات ملت برای پیشرفت و اصلاح استفاده کنید که) مرگ حتمی هر ملت در پیش است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی اعراف به سرانجام نیکوی استقبال کنندگان از فرستادگان الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ای فرزندان آدم! اگر فرستادگانی از شما به سراغتان بیایند که آیات مرا بر شما حکایت کنند، (پس از آنان پیروی کنید؛) و کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) کنند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی بر اساس قانون الهی و یک برنامه‌ی منظم و پی در پی برای مردم می‌آمدند، تا این سلسله به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ختم شد. ۲. فرستادگان و رسولان الهی از میان خود مردم بودند. آری؛ هم جنس بودن پیامبران با مردم یکی از اسرار موفّقیت و رمز تأثیر سخنان آنان است. ۳. انسان‌های خودنگه‌دار و پارسا و اصلاح گر نه تنها به دیگران زیان و آزار نمی رسانند، بلکه به اصلاح خود و جامعه می پردازند و مشکلات را حل می‌کنند؛ از این رو به آرامش حقیقی و امنیت و بهداشت روانی می‌رسند و نگران حال و آینده و رستاخیز نخواهند بود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امنیت و بهداشت روانی، در سایه‌ی تقوا و اصلاح‌گری تحقق می‌یابد. ۲. پارسا و اصلاح‌طلب باشید تا آرامش یابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی اعراف به سرنوشت شوم مستکبران و مخالفان آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از (پذیرش) آن تکبّر ورزیدند، آنان اهل آتشند، در حالی که آنان در آن ماندگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، شیوه‌ی مقایسه است؛ یعنی سرنوشت مؤمنان وکافران را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا خواننده‌ی قرآن، با مقایسه‌ی آنان راه صحیح را انتخاب کند. در این آیه و آیه‌ی قبل از همین شیوه استفاده شده است. ۲. تکذیب نشانه ها و آیات الهی و تکبّر در برابر آنها، ظلم به خویشتن و جامعه است؛ چرا که انسان هم خود را از هدایت محروم می‌سازد و هم مانع استفاده‌ی دیگران می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکبّر و تکذیب آیات الهی، فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۲. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب ماندگار نشوید، آیات الهی را دروغ نشمارید و در برابر آنها تکبّر نورزید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۶ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی اعراف به ستمکارترین مردم و عواقب کار آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُوْلَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَاكُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا نشانه‌های او را دروغ انگاشته است؟! آنان بهره ایشان، از آنچه مقرر شده، به آنان خواهد رسید. تا هنگامی که فرستادگان [و فرشتگان ما به سراغشان روند، در حالی که (جان) آنان را به صورت کامل بگیرند، [فرشتگان به آنان می گویند: «کجاست آنچه غیر از خدا همواره می‌خواندید (و می‌پرستیدید)؟!» می گویند: « (آنان) از (نظر) ما گم شدند.» و به زیان خودشان گواهی می‌دهند که آنان کافر بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم گروه‌های مختلفی را ستمکارترین مردم معرفی کرده است که همه‌ی صفاتی که برای آنان بیان شده، به شرک و تکذیب آیات الهی برمی گردد. طبق آیه‌ی فوق، ستمکارترین مردم کسانی هستند که بر خدا تهمت می‌بندند. «۱» ۲. گمراهانی که با

تکذیب آیات الهی و تهمت بر خدا، در گمراه کردن دیگران می‌کوشند، ستمکارترین مردم هستند؛ چرا که هم به خود ستم می‌کنند و از هدایت محروم می‌شوند و هم به جامعه‌ی انسانی ظلم می‌نمایند و آنان را گمراه می سازند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۷ ۳. مقصود از واژه‌ی «کتاب» در این آیه چیزهایی است که مکتوب و مقرر شده است؛ یعنی مقدرات و نعمت‌هایی که خدا در این جهان برای بندگان خود قرار داده است و کافران نیز از آن سهمی می‌برند؛ از آن جا که این مقدرات شبیه چیزهایی است که سهم‌بندی و نوشته می‌شود، «کتاب» نامیده شده است. «۱» ۴. پرسش و پاسخ‌های فرشتگان مرگ با ستمکاران، خود نوعی عذاب روانی است و آنان را متوجه وضع ناگواری می‌کند که بر اثر اعمالشان دامن‌گیرشان شده است، در حالی که راه بازگشت هم بسته شده است. ۵. اولین مرحله‌ی بازپرسی انسان‌های گناهکار، از لحظه‌ی مرگ آغاز می‌شود. این نخستین تازیانه‌ی مجازات الهی است که بر روح ستمکاران نواخته می‌شود. ۶. انسان هنگام مرگ، از خواب غفلت بیدار می‌گردد و متوجه می‌شود که هر چه غیر از خدا می‌پرستید، سرابی بیش نبود و به گمراهی و گناهکاری و کفر خویش اقرار می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب آیات الهی و دروغ بستن بر خدا، از بزرگ‌ترین ستم‌ها (به خود و جامعه) است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی اعراف به درگیری لفظی اهل جهنّم اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۸ ۳۸. قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَاباً ضِعْفاً مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَا تَعْلَمُونَ (خدا به آنان) می‌گوید: «در میان امت‌هایی از جن و انسان [ها] که پیش از شما بودند، در آتش وارد شوید!» هرگاه که امّتی وارد می‌شود، همانندش را لعنت می‌کند؛ تا هنگامی که همگی در آن (آتش) به هم رسند. (آن گاه) پیروانشان درباره پیشوایانشان می‌گویند: « [ای پروردگار ما! آنان ما را گمراه‌ساختند؛ پس عذابی دو برابر از آتش به آنان بده.» [خدا] می‌فرماید: «برای هر (یک از شما عذابی) دو برابر است ولیکن نمی‌دانید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همه‌ی خلافکاران جهان، در طول اعصار، در یک جا جمع می‌شوند و به مشاجره می‌پردازند و به توجیه گمراهی‌ها می‌پردازند (پس قبل از آن که آن روز فرا رسد، به فکر اصلاح خویش باشید). ۲. صحنه‌ی قیامت انعکاسی از صحنه‌های این دنیاست؛ یعنی همان طور که گروه‌های منحرف در این جهان به هم دیگر بد می‌گویند و از هم متنفرند در رستاخیز نیز به هم دیگر نفرین می‌کنند. ولی پیامبران الهی و افراد شایسته و مصلح در دنیا هم دیگر را تأیید می‌کنند و در رستاخیز نیز در سلامت و صلح کنار هم زندگی می‌کنند. «۱» آری؛ بهشت سراسر صلح و صفاست، اما در جهنّم دشمنی و نفرین و درگیری است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۸۹ ۳. فرمان خدا در مورد داخل شدن کافران در آتش، ممکن است به صورت یک فرمان تکوینی باشد، یعنی عملًا آنان را در دوزخ قرار دهند؛ و یا شبیه یک فرمان تشریعی باشد، یعنی این فرمان را بشنوند و ناچاراً از آن اطاعت کنند. ۴. برای گروه‌های کافران که در دوزخ یک دیگر را نفرین می‌کنند، از تعبیر «خواهر» «۱» استفاده شده است؛ این واژه، کنایه از ارتباط و پیوند فکری و روحی میان آنان است. ۵. گمراه کنندگان و گمراه شوندگان هر دو گروه «۲» کیفر مضاعف دارند: گمراه کنندگان، کیفری به خاطر گمراه بودن و کیفری برای گمراه کردن دیگران می‌بینند، یعنی بار مسئولیت دیگران را نیز به دوش می‌کشند؛ گمراه شوندگان نیز کیفری به خاطر گمراه بودنشان می‌بینند و کیفری برای حمایت از ستمکاران و پیشوایان گمراهی. ۶. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام حکایت شده که برای منع یکی از دوستان خویش از همکاری با دستگاه هارون الرشید فرمودند: اگر مردم به حمایت آنان نشتابند، چگونه می‌توانند حق پیشوایان عادل را غصب کنند! «۳» ۷. جنّیان نیز مثل انسان‌ها تکلیف دارند و گروهی از آنان کیفر می‌بینند. ۸. کافران در دوزخ حقّ سخن گفتن با هم دیگر و با خدا را دارند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اغواگران و فریب خوردگان، در رستاخیز، عذابی دو چندان دارند. ۲. دوزخیان گرفتار فشارهای روانی و درگیری با همدیگر هستند. ۳. قبل از رستاخیز، گمراه کنندگان را بشناسید و از آنان بیزاری بجویید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی اعراف به سخنان رهبران گمراه کننده در دوزخ اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۹. وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا

کُنتُمْ تَکْسِبُونَ و پیشوایانشان به پیروانشان می‌گویند: « (اگر چنین باشد) پس شما هیچ برتری بر ما ندارید؛ پس به سبب آنچه همواره کسب می‌کردید، عذاب را بچشید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حقیقت، پیشوایان کفر به گمراهان می‌گویند: ما گمراه کردیم و شما قبول کردید، ما گفتیم و شما تأکید کردید، ما گام برداشتیم و شما کمک نمودید، ما ستم کردیم و شما یاری کردید؛ پس ما و شما با هم مساوی هستیم. ۲. مجرمان در رستاخیز می‌دانند که سزای کردارشان آتش دوزخ است و به این امر اعتراف می‌کنند. خدا صحنه‌های رستاخیز و گفت و گوی گمراهان با پیشوایان را برای ما به تصویر می‌کشد که تا دیر نشده به فکر اصلاح باشیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و پیروان گمراهی، هر دو سزاوار آتش‌اند. ۲. آتش دوزخ دست‌آورد خود شماست (پس مراقب اعمال خویش باشید). تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۱

در گیری پیشوایان و پیروان گمراه در دوزخ

۳. اگر می‌خواهید گرفتار دوزخ نشوید، نه پیشوای گمراهی باشید نه پیرو آن. ۴. به رهبران باطل دل نبندید که در رستاخیز علیه شما هستند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی اعراف به محرومیت‌های کافران مستکبر اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۰. إِنَّ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَاسْتَکْبَرُوا عَنْهَا لَاتُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَایَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّی یَلِجَ الْجَمَلُ فِی سَمِّ الْخِیَاطِ وَکَذلِکَ نَجْزِی الْمُجْرِمِینَ در واقع کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از (پذیرش) آن تکبّر ورزیدند، درهای آسمان (معنویت) برایشان گشوده نمی‌شود؛ و (هرگز) داخل بهشت نخواهند شد، مگر این که شتر نر در سوراخ سوزن داخل شود! و این گونه، خلافکاران را کیفر می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از گشوده نشدن آسمان برای کافران مستکبر، بسته بودن درهای آسمان معنوی و مقام قرب الهی به روی آنان و مستجاب نشدن دعاها و قبول نشدن اعمال آنان و صعود نکردن روحشان و نازل نشدن برکات بر آنان است. «۱» ۲. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: اما مؤمنان، اعمال و ارواحشان به سوی آسمان‌ها برده می‌شوند و درهای آسمان به روی آنان گشوده خواهد شد؛ اما کافر روح و عملش را بالا می‌برند، تا به آسمان برسد؛ در این هنگام کسی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۲ صدا می‌زند که آنان را به سوی دوزخ پایین ببرید. «۱» ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: درهای آسمان در چند موقع باز است: هنگام آغاز نبرد مجاهدان اسلام، هنگام نزول باران، هنگام تلاوت قرآن در ظهر، هنگام فجر و هنگام ندای اذان. «۲» ۴. در برخی آیات قرآن آمده است که اگر اهل شهرها ایمان آورند و خودنگه داری و پارسایی پیشه کنند، از آسمان و زمین برکات بر آنان گشوده می‌شود. «۳» ۵. جمله‌ی: «تا هنگامی که شتر از سوراخ سوزن بگذرد»، کنایه‌ی لطیفی است از محال بودن این امر؛ یعنی امکان ندارد که کافران متکبر وارد بهشت شوند، تا این که شتر (یا طناب) «۴» با همه‌ی بزرگی‌اش از سوراخ کوچک سوزن بگذرد. ۶. سنت الهی آن است «۵» که تکذیب آیات الهی و استکبار، درهای آسمان را بر انسان‌ها می‌بندد؛ همان طور که محرومیت خلافکاران از نعمت‌های تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۳ آسمانی و بهشت، یک سنت الهی است که در مورد همه‌ی مجرمان اجرا می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب آیات الهی واستکبار و خلافکاری، مانع ورود به بهشت است. ۲. اگر می‌خواهید از برکات معنوی استفاده کنید، تکبر نورزید و آیات الهی را تکذیب نکنید. ۳. برای توضیح مطالب از مثال های جالب استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی اعراف به قانون مجازات دردناک ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. لَهُم مِن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَکَذلِکَ نَجْزِی الظَّالِمِینَ برای آنان بستری از (آتشِ) جهنّم است، و از بالایشان پوشش‌هایی (از آن) است؛ و این گونه ستمکاران را کیفر می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل، از افراد متکبری که آیات الهی را تکذیب می‌کنند، با عنوان مجرم، و در این آیه با عنوان ستمگر یاد شده است؛ چرا که این افراد حقایق را تکذیب کرده، در برابر خدا تکبر می‌ورزند و با این خلافکاری، هم به خود ستم کرده، از رشد و تکامل خویش جلوگیری می‌نمایند و هم به جامعه‌ی بشری ستم نموده، سبب گمراهی دیگران می‌شوند. ۲. ستمکاران گرفتار آتشی

فراگير مى شونـد كه هم چـون خيمه «۱» و بستر و گـاهواره «۲» براى آنان خواهـد بود؛ البته اين عـذاب، افزودن بر عذاب محروميت تفسـير قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۹۴ از مسائـل معنوى و بهشت است كه در آيه‌ى قبـل بيـان شـد. آموزه‌هـا و پيام‌هـا: ۱. ستمكاران فرجامى عـذاب‌آلود دارنـد (پس مراقب كردار خود باشـيد). ۲. اگر مى‌خواهيـد از عـذاب الهى نجات يابيد، ستمكارى نكنيد. *** قرآن كريم در آيه‌ى چهل و دوم سوره‌ى اعراف به پاداش مؤمنان شايسته كردار اشاره مى كند و مى‌فرمايد: ۴۲. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَانُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا أُولئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و كسـانى كه ايمان آورده و [كارهاى شايسته انجام داده‌انـد- (اگر چه) هيـچ كس را جز به اندازه تواناييش تكليف، نمى كنيم- آنان اهل بهشـتند؛ در حالى كه آنان در آن ماندگاراند. نكته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. يكى از روش‌هـاى تربيتى قرآن اين است كه سـرنوشت گروه‌هـاى مختلف، مثـل مؤمنـان و كـافران را در برابر يك‌ديگر به تصوير مى كشـد تا پاداش و مجازات آنان با يك‌ديگر مقايسه شود و مردم بتواننـد راه خود را آگاهانه انتخاب كنند؛ از اين رو در آيه‌ى قبـل سـرنوشت كافران متكبر و در اين آيه فرجام مؤمنان شايسته‌كردار بيان شـد. ۲. در اسـلام تكليف طاقت‌فرسا و خارج از توان انسان وجود ندارد، «۱» و از تفسير قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۵ هر كس به اندازه‌ى توانايى‌اش مسئوليت مى‌طلبند؛ و ايـن يـك قـانون الهى اسـت. ۳. مقصـود از جملـه‌ى معـترضه «۱» كـه مى گويـد «هيـچ كس را جز بـه انـدازه‌ى توانـايى‌اش تكليف نمى كنيم»، آن است كه كسـى تصور نكند قرار گرفتن در صف مؤمنان حقيقى و انجام كردار شايسـته، در توان همگان نيست، بلكه تكليف افراد به اندازه‌ى قدرت آنان است و خدا از هر كس به اندازه‌ى استعداد و امكاناتش انتظار ايمان و عمل صالح دارد. ۴. اين آيه و آيات ديگرى از قرآن بر ايمان و عمل شايسـته تأكيد مى كند و آنها را وسيله‌ى نجات و سـعادت معرفى مى كند. آرى بهشـت جاودان، پاداش مؤمنان است؛ اما فردوس برين را در برابر ايمان و كردار شايسته دهند. آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. بهشت را به بها دهند (نه بهانه). ۲. از هر كس به اندازه‌ى توانايى‌اش كار بخواهيد. ۳. اگر بهشت مى‌خواهيد، مؤمن شايسته‌كردار شويد. *** قرآن كريم در آيـه‌ى چهـل و سـوم سـوره‌ى اعراف به صـفاى ظـاهر و بـاطن اهـل بهشت و سپاس گزارى در برابر نعمت هـدايت اشـاره مى كنـد و مى‌فرمايد: ۴۳. وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِنْ غِلٍّ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى هَدَانَا لِهذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ تفسـير قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۹۶ و آنچه در دل‌هايشـان از كينـه دارنـد، بر مى كنيم؛ در حـالى كه از زير (درختـان) آنـان جوى‌هـا روان است؛ و مى گوينـد: «سـتايش مخصـوص خـدايى است كه مـا را به اين (نعمت‌هـا) رهنمون شـد؛ و اگر خـدا مـا را راهنمـايى نكرده بود، مـا هرگز هـدايت نمى‌يافتيم؛ مسلّماً فرسـتادگان پروردگار ما حق را آوردند.» و (آن گاه) به آنان ندا داده مى‌شود كه: «اين بهشت است كه آن را به سبب آنچه همواره انجام مى‌داديد، آن را به ارث داده شديد.» نكته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بهشتيان از كينه‌توزى و حسد و آثار مخرّب آنها بركنارند «۱» و در نهايتِ دوستى، صـفا و صـميمت و آرامش زندگى مى كنند؛ همه از وضع خود راضـى هسـتند و حتى كسانى كه در مقامات پايين‌تر بهشت قرار دارند، نسبت به كسانى كه در مقامات بالاتر هستند، رشك نمى‌برند. اين در حالى است كه دوزخيان يك‌ديگر را نفرين مى كننـد و درگيرى لفظى دارند. «۲» ۲. يكى از مشـكلات بشـر در زنـدگى دنيا، همين كينه‌توزى و رشك است كه گاهى آرامش انسان‌ها را از بين مى‌برد و زنـدگى مرفه افراد را به فعاليتى خسـته كننـده و اندوهناك تبديل مى كند و گاهى سـبب پيكارهاى وسيع اجتماعى مى‌شود و خسارت‌هاى جانى و مالى به دنبال مى‌آورد. اما بهشتيان اين گونه نيسـتند و خوشا به حال كسانى كه در زندگى دنيا نيز بهشتى براى خود مى‌سازند و سينه را از كينه و حسد پاك مى كنند و خود را از اين رنج‌ها نجات مى‌بخشند. تفسير قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۷ ۳. تعبير «ارث» در مورد بهشت، شايـد اشاره به آن است كه نعمت‌هاى بهشتى در برابر اعمال ناچيز انسان‌ها، آن قـدر عظيم است كه هم چون ارث بـدون زحمت و پرفايده مى‌نمايد. «۱» ۴. در حـديثى از پيامبر اسـلام صـلى الله عليه و آله حكايت شـده كه فرمودنـد: هر كس جايگـاهى در بهشت و جايگـاهى در دوزخ دارد، كـافران جايگـاه دوزخى مؤمنان را به ارث مى‌برنـد و مؤمنان جايگاه بهشتى كافران را به ارث مى‌برند. سپس پيامبر صلى الله عليه و آله فرمودند: اين است معناى گفتار خدا كه مى‌فرمايد:

بهشت را به خاطر اعمالتان به ارث می‌برید. «۲» ۵. آیه‌ی مورد نظر بار دیگر بر این حقیقت تأکید می‌کند که نجات در سایه‌ی ایمان و عمل شایسته است، نه پندارهای بی‌اساس؛ یعنی انسان آزاد است که با اراده‌ی خویش مسیر ایمان و یا کفر را انتخاب کند و بهشت یا دوزخ را به ارث ببرد. ۶. نعمت هدایت، توفیقی الهی است و این نعمت آن قدر عظیم است که جای آن دارد که تا ابد سپاس‌گزار آن باشیم؛ همان گونه که بهشتیان در بهشت نیز سپاس آن را می‌گویند. ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در رستاخیز پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامان علیهم السلام می‌آیند و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۸ هنگامی که شیعیان آنان را می‌بینند، می‌گویند: «سپاس خدای را که ما را به ولایت آنها هدایت کرد. «۱» روشن است که این گونه احادیث مصادیق کامل و روشن هدایت را بیان می‌کنند، و مفهوم آیه وسیع‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توفیق هدایت از خداست (و کوشش‌های انسان همه زمینه‌ساز و مقدمه‌ی هدایت الهی است). ۲. در بهشت صفای باطن و ظاهر، هر دو جمع است. ۳. اگر بهشت می‌خواهید، اهل عمل (نیکی) باشید. ۴. سپاس‌گزار نعمت هدایت باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی اعراف به گفتمان بهشتیان و دوزخیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. وَنَادَی أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَاوَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّاً فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقّاً قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أن لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ و اهل بهشت، اهل آتش را ندا دهند که: «بیقین آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ و آیا [شما هم آنچه را پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟!» [دوزخیان می‌گویند: «آری.» و ندا دهنده‌ای در میان آنان بانگ زند، که: «لعنت خدا بر ستمکاران باد!» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۹۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن حوادث قطعی آینده، مانند رستاخیز را با فعل ماضی می‌آورد «۱» تا نشان دهد که حوادث رستاخیز آن چنان قطعی است که گویی در گذشته روی داده است. ۲. در رستاخیز بهشتیان و دوزخیان می‌توانند با هم گفت و گو کنند، ولی فاصله‌ی مقامی یا مکانی آنها زیاد است. «۲» ۳. گفتمان بهشتیان و دوزخیان، نوعی کیفر روانی برای گناهکاران است؛ آنان در دنیا با سرزنش‌های خود روح مؤمنان را می‌آزردند و اکنون در رستاخیز با این گفت و گوها ملامت می‌شوند تا عذاب روحی شوند. ۴. در قیامت همه صدای موذّن را می‌شنوند که می‌گوید: «لعنت خدا بر ستمگران باد.» آیه‌ی فوق نام این موذّن را نگفته است، اما در احادیث شیعه و اهل سنت حکایت شده که او امام علی علیه السلام خواهد بود. «۳» برخی دانشمندان اهل سنت از امیرالمومنین علیه السلام حکایت کرده‌اند که من کسی هستم که آن ندا را در می‌دهد. «۴» و از ابن عباس حکایت شده که یکی از نام‌های علی علیه السلام در قرآن «مُوذِّن» «۵» است و او در رستاخیز ندا می‌دهد: لعنت خدا بر کسانی باد که ولایت مرا تکذیب کردند تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۰ و حق مرا کوچک شمردند. «۱» البته روشن است که تکذیب ولایت امام علی علیه السلام یکی از مصادیق ستمکاری است که در این آیه بیان شده است. ۵. چرا امام علی علیه السلام در قیامت مؤذِّن و ندا دهنده است؟ برخی از مفسران می‌گویند شاید به این سبب باشد که ایشان در دنیا از طرف خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به این مقام نصب شد؛ یعنی بعد از فتح مکه مأموریت یافت که سوره‌ی برائت را با صدای رسا برای مردم اعلام کند و نیز ایشان در طول زندگی خویش با ستمکاران درگیر بود و از مظلومان حمایت می‌کرد؛ جهان آخرت نیز، چون تجسّم اعمال همین دنیاست، طبیعی است که موذّن آخرت نیز امام علی علیه السلام باشند؛ و این فضیلتی آشکار برای ایشان است. «۲» ۶. مردم در قیامت وعده‌های الهی را می‌یابند، یعنی شهود می‌کنند، چون عملًا تحقق یافته است؛ از این رو بهشتیان و دوزخیان هر دو به حقّانیّت وعده‌های الهی اقرار می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حقانیّت وعده‌های الهی در رستاخیز آشکار می‌شود. ۲. ستمکاران را لعنت کنید (و علیه آنها شعار دهید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۱

اعراف کجاست و اهل آن چه کسانی هستند؟

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی اعراف به صفات ستمگران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ

وَیَبْغُونَهَا عِوَجاً وَهُم بِالآخِرَةِ کَافِرُونَ (همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند، و می‌خواهند آن [راه را منحرف سازند؛ و آنـان آخرت را منکرنـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. از صـفاتی که در این آیه برای سـتمکاران شـمرده شـده، استفاده می‌شود که همه‌ی انحرافات و مفاسد در مفهوم «ستم» جمع است و «ظالم» مفهوم وسیعی دارد که همه‌ی گناهکاران و به ویژه گمراه کنندگان را شامل می‌شـود؛ چرا که در اثر این عوامـل، سـرمایه‌های وجـودی انسـان تبـاه می‌گردد و سـتم به خـویش می‌شـود، همـان طـور که مـوجب گمراهی مردم و سـتم به آنـان می‌گردد. ۲. سـتمکاران اگر بتوانند، راه مسـتقیم الهی را می‌بندند و اگر نتوانند در مسیر شـما تغییر و انحراف ایجاد می‌کنند (پس مواظب باشـید). ۳. اگر انسان معادباور باشـد، در برابر راه خـدا نمی‌ایستد و کژراهه ایجاد نمی‌کند، اما دوزخیان ستمکار، منکر معاد بودند و همین مطلب سرچشمه‌ی بسیاری از انحرافات آنان شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مانع‌تراشی در راه خدا و ایجاد کژراهه در آن، نوعی ستمکاری است. ۲. سـتمکاران و صفات آنان را بشناسید (تا راه آنان را نروید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و شـشم این سوره‌ی اعراف به گـذرگاه مهم «اعراف» در رسـتاخیز اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۲ ۴۶. وَبَیْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَی الْأَعْرَافِ رِجَالٌ یَعْرِفُونَ کُلّاً بِسِیمَاهُمْ وَنَادَوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَیْکُمْ لَمْ یَدْخُلُوهَا وَهُمْ یَطْمَعُونَ و در میـان آن دو [: گروه بهشتیان و دوزخیان مانعی است؛ و بر بلنـدی‌ها (: اعراف، راد) مردانی هسـتند که هر یک (از آن دو گروه) را از چهره‌شان می‌شناسـند؛ و اهل بهشت را که (هنوز) داخل آن (بهشت) نشده‌انـد، در حالی که آنان (بـدان) امیدوارند، نـدا می‌دهند که: «سـلام بر شـما باد!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اعراف» در لغت به معنـای محـل مرتفع و بلنـد است و طبق احـادیث، به منطقه‌ای میـان بهشت و دوزخ گفته می‌شود که هم چون حجاب و مانعی بین آن دو قرار دارد و مانع مشاهـده‌ی دوزخیان و بهشتیان می‌شـود، امـا هر کس بر منطقـه‌ی اعراف باشـد، بر بهشـت و دوزخ مشـرف است و هر دو را مشاهـده می‌کنـد. این همـان گـذرگاه بهشتیـان است. «۱» ۲. بهشتیـان و دوزخیـان بینشـان مـوانعی وجـود دارد و جز در مـوارد اسـتثنایی، بـه راحـتی هـم دیگر را ملاقـات نمی‌کنند. «۲» این مانع همان سرزمین مرتفع اعراف، یا دیواری است که بین آنان کشیده شده است. «۳» ۳. تعبیرات انسان‌ها در مورد جهـان آخرت دقیق نیست و گاهی جنبه‌ی تمثیل و تشبیه دارد و از آن جا که آن جهان در افق بالاتری قرار دارد، تعبیرات انسانی هم چون شَبَحی، از آن حقـایق والاـست و مفـاهیم و الفاظ ما تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۰۳ گویـای تمـام آن حقایق نیست. ۴. اعراف گذرگاه سـخت بهشتیان است و در آن جا سه گروه عبور می‌کنند: اول پیشوایان و بزرگان هستند که در گذرگاه‌های سخت توقف می‌کنند و به یاری ضـعیفان می‌شـتابند. دوم افراد ناتوانی هسـتند که محتاج کمک هسـتند و اینان همان مؤمنان گناهکارند. و سوم مؤمنان صالح هسـتند که با سـرعت از این گذرگاه می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند. در آیه‌ی فوق و آیات بعد و احادیث، به گروه اول و دوم (یعنی پیشوایان و مؤمنان گناهکار) اشاره شـد که در اعراف توقف دارند. «۱» ۵. از احادیث استفاده می‌شود که در منطقه‌ی «اعراف» دو گروه مختلـف توقـف دارنـد؛ چون در برخی احـادیث آمـده است که آنـان گرامی‌ترین مردم در پیشـگاه خـدا هسـتند، و یـا این که آنـان گواهـان بر مردم هسـتند، که پیـامبران گواهان مردم‌انـد، و یا این که آنان آل محمـد صـلی الله علیه و آله هستند؛ «۲» و در برخی دیگر از احـادیث آمـده اسـت کـه آنـان وامانـدگانی هسـتند کـه بـدی‌ها و نیکی‌هایشـان مسـاوی اسـت یا گناهکارانی که اعمال نیکی هم دارند. «۳» این مطلب در تفاسیر اهل سنت نیز آمده است. «۴» ۶. در مورد آیه‌ی فوق مفسران قرآن دو احتمال داده‌اند: نخست آن که تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۴ مقصود گروه اول، یعنی پیشوایان هسـتند که به مؤمنانی که بهشتی شده‌اند ولی (در اثر گناهانشان) هنوز داخل بهشت نشده‌اند سلام می‌دهند. «۱» و دوم آن که مقصود گروه دوم، یعنی مؤمنان مستضعف هستند که آرزو دارند وارد بهشت شوند ولی موانعی دارند و هنگامی که بهشتیان را می‌بینند به آنان درود می‌فرستند. «۲» ظاهر آیه با تفسیر اول سازگارتر به نظر می‌رسد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیـن بهشت و دوزخ، منطقه‌ی اعراف است که رادمردانی در آن جا مسـتقر هستند. آنها را بشناسید. ۲. طمع بهشت داشـته باشـید (اگر چه گناهکار هستید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی اعراف به گـذرگاه مهم اعراف و دعـای مردان الهی در آن جا اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴۷. وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ

تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَاتَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ و هنگامی که چشمانشان به سوی اهل آتش گردانیده شود، می گویند: « [ای پروردگار ما! ما را با گروه ستمکاران قرار مده.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از مقایسه‌ی این آیه با آیه‌ی قبل به دست می‌آید که رادمردان الهی در اعراف به اهل بهشت توجه می کنند و به آنان درود می‌فرستند، اما به دوزخیان توجه نمی کنند، بلکه گاهی چشمشان به آنها می‌افتد؛ و این خود نوعی تحقیر دوزخیان است. ۲. وضع ستمکاران دوزخی، در رستاخیز آن قدر اسفبار است که حتی رادمردان الهی که بهشتی هستند، از آن به خدا پناه می‌برند «۱» و نمی‌خواهند همراه آنان باشند. روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری، انسان را به دوزخ می کشاند. ۲. به وضع اسف‌بار دوزخیان توجه کنید و به خدا پناه ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی اعراف به گفت و گوی اعرافیان با دوزخیان و بی‌ثمر بودن زراندوزی و تکبر اشاره می کند و می‌فرماید: ۴۸. وَنَادَی أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا یَعْرِفُونَهُم بِسِیَماهُم قَالُوا مَاأَغْنَی عَنْکُمْ جَمْعُکُمْ وَمَا کُنْتُمْ تَسْتَکْبِرُونَ و اهل اعراف، مردانی (از دوزخیان) که آنان را، از سیمایشان می‌شناسند، ندا دهند، (و) گویند: «گردآوری (اموال و افرادِ) شما، و تکبر همیشگی‌تان (چیزی از عذاب را) از شما دفع نمی کند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در رستاخیز، علاوه بر عذاب الهی، سرزنش‌هایی هم نصیب دوزخیان می‌شود که نوعی عذاب روانی و روحی برای آنان است. ۲. رادمردان الهی در اعراف، گروهی از دوزخیان را، بر اساس چهره، دقیقاً می‌شناسند و می‌دانند که آنان افرادی سرمایه‌اندوز و مستکبر بودند و همین صفات آنان را گرفتار دوزخ کرد و سزاوار ملامت شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زراندوزی و تکبر، عامل گرفتاری و ملامت در رستاخیز می‌شود. ۲. به زراندوزی و تکبر نپردازید که در رستاخیز سودی ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی اعراف به نجات مؤمنان در اعراف اشاره می کند و می‌فرماید: ۴۹. أَهؤُلَاءِ الَّذِینَ أَقْسَمْتُمْ لَایَنَالُهُمُ اللّهُ بِرَحْمَتِهِ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَاخَوْفٌ عَلَیْکُمْ وَلَاأَنْتُمْ تَحْزَنُونَ آیا اینان (مؤمنان مستضعف، همان) کسانی هستند که سوگند یاد کردید، خدا رحمتی به آنان نخواهد رسانید؟! (ولی اینک به مؤمنان مستضعف گفته می‌شود:) داخل بهشت‌شوید، در حالی که هیچ ترسی بر شما نیست، و نه شما اندوهگین می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه و احادیثی که قبلًا گذشت روشن می‌شود که مقصود از کسانی که در این آیه از آن‌ها یاد شده، مؤمنان مستضعفی هستند که کارهای نیکی داشتند، اما بر اثر گناهان و برخی کارها، همواره مورد تحقیر دشمنان قرار می گرفتند، اما سرانجام به رحمت الهی داخل بهشت می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۷ ۲. از برخی احادیث استفاده می‌شود که پیامبران و امامان علیهم السلام در کنار مؤمنان گناهکار امت خویش در اعراف هستند، و در نهایت، (بر اثر شایستگی‌های این افراد و بر اثر شفاعت و آمرزش الهی) به آنان دستور می‌دهند که وارد بهشت شوید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز (و اعراف) روز نجات مؤمنان مستضعف است. ۲. در بهشت امنیت و آرامش برقرار است و بهداشت روانی کامل وجود دارد. ۳. در مورد افراد زود داوری نکنید، شاید همان‌هایی که شما شایسته‌ی رحمت الهی نمی‌دانید، بهشتی باشند و شما دوزخی گردید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی اعراف به درخواست‌های دوزخیان از بهشتیان اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۰. وَنَادَی أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِیضُوا عَلَیْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّهُ قَالُوا إِنَّ اللّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَی الْکَافِرِینَ و اهل آتش، اهل بهشت را صدا می‌زنند که: «از آن آب، یا از آنچه خدا «روزی» شما کرده، بر ما فرو ریزید.» (بهشتیان) می گویند که: «خدا این‌ها را بر کافران ممنوع ساخته است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از سیاق آیات قرآن استفاده می‌شود که این گفت‌وگوی بهشتیان و دوزخیان و درخواست‌های آنان، پس از استقرار کامل آنها در بهشت و دوزخ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۸ صورت گرفته است، که کاملًا از هم دور شده «۱» و دوزخیان طعم عذاب سوزان جهنّم را چشیده، و بهشتیان هم به نعمت‌های فردوس رسیده‌اند. ۲. نخستین تقاضای دوزخیان آب است. طبیعی است که هر کس در آتش می‌سوزد، قبل از هر چیز آب می‌طلبد، تا عطش سوزان خود را تسکین دهد. ۳. جمله‌ی «یا از آنچه خدا به شما روزی داده به ما ببخشید.»، به صورت مبهم آمده است تا نشان دهد که دوزخیان از ماهیت نعمت‌های بهشتی اطلاع کامل ندارند. این جمله با «یا» عطف شده تا

نشان دهد که نعمت‌های دیگر بهشتی، به ویژه میوه‌ها، می‌تواند جانشین آب شوند و عطش سوزان انسان را تسکین بخشند. ۴. تعبیر «خدا آنها را بر کافران ممنوع ساخته است.»، نشان می‌دهد که بهشتیان مضایقه‌ای ندارند که از نعمت‌های بهشتی به دوزخیان ببخشند؛ زیرا نه چیزی از آنان کم می‌شود و نه در سینه کینه‌ای نسبت به کسی دارند، اما ممنوعیت این نعمت‌های بهشتی بر دوزخیان تکوینی است؛ یعنی مثل محرومیت بیماران از غذاهای لذیذ است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نعمت‌های بهشتی مخصوص بهشتیان است و بر دوزخیان کافرکیش ممنوع است. ۲. (در دنیا برای آخرت خویش توشه‌ای بیندوزید تا) در رستاخیز دست تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۰۹ نیاز به سوی دیگران دراز نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی اعراف به عوامل محرومیت (از بهشت) و آثار فراموشی معاد اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۱. الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْواً وَلَعِباً وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسَوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هـذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَـدُونَ کسانی که دینشان را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داد، پس همان‌گونه که ملاقات این روزشان را فراموش کردند و نشانه‌های ما را همواره انکار می‌نمودند، (ما هم) امروز آنان را به فراموشی می‌سپاریم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، در حقیقت، با اشاره به دلایل محرومیت کافران از نعمت‌های بهشتی، آنها را در چهار مورد خلاصه می کند که عبارت‌اند از: به بازی گرفتن دین خدا، فریب خوردن از دنیا، فراموشی رستاخیز و انکار آیات الهی. ۲. اولین مرحله‌ی انحراف و گمراهی انسان این است که مسائل سرنوشت‌ساز خود، مثل دین را جدّی نگیرد و از آن غفلت کند یا با آن به صورت سرگرمی و بازیچه رفتار کند. «۱» این برخورد، سرانجام به انکار حقایق کشیده می‌شود «۲» و در دوزخ سقوط می کند. ۳. دیدگاه قرآن آن است که دنیا بازیچه و سرگرمی است «۳»، اما دیدگاه کافران آن است که دین بازیچه و سرگرمی است و دنیا اصل است. آری؛ کافران فریب ظواهر دنیا را می‌خورند و بدان دل می‌بندند و از حقایق والاتر غافل می‌شوند، ولی مؤمنان بدون آن که به نعمت‌های دنیوی دل ببندند و آن را تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۰ هدف خود قرار دهند، از آن استفاده می کنند و از نعمت‌های بهشتی نیز بهره می‌برند. ۴. هر کس از رستاخیز غافل شود و آن را فراموش کند، خدا هم او را در قیامت به فراموشی می‌سپارد، و از نعمت‌های بهشتی محروم می‌سازد، ولی اگر کسی به یاد رستاخیز باشد، برای خود توشه‌ای برمی‌دارد و در آن روز محروم نمی‌شود. «۱» ۵. مقصود از «خدا آنان را فراموش می کند.»، آن نیست که خدا سهو و فراموشی دارد، بلکه مراد آن است که خدا با کافران چنان رفتار می کند که شخص فراموشکار با دیگران. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین را به بازی نگیرید که از بهشت محروم می‌شوید. ۲. فریب دنیای پست را نخورید و بدان دل نبندید که شما را از بهشت محروم می‌سازد. ۳. رستاخیز را فراموش نکنید تا در آن روز فراموش نشوید. ۴. نشانه های الهی را انکار نکنید که در رستاخیز وجود شما مورد انکار واقع می‌شود. ۵. عوامل محرومیت از بهشت را بشناسید (و مواظب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی اعراف با اشاره به قرآن و ویژگی‌های آن می‌فرماید: ۵۲. وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدىً وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۱ و در واقع، کتابی برای آنان آوردیم که آن را عالمانه شرح دادیم؛ در حالی که رهنمود و رحمتی، برای گروهی است، که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن بر اساس علم، تشریح و بیان شده است، یعنی زیربنای وحی الهی، دانش است؛ از این رو هدایت‌ساز و رحمت‌آفرین است. ۲. قرآن برای خداباوران، هدایتگر و رحمت‌ساز است ولی برای دیگران این آثار را ندارد؛ یعنی هم چون غذای گوارایی است که برای انسان‌های سالم بسیار مفید است، اما برای انسان‌های بیمار چندان مفید نیست. آری؛ خدا زمینه‌ی رحمت و هدایت را با نزول قرآن فراهم کرده است، اما برخی افراد خودشان کوتاهی کردند و با انکار آیات الهی خویشتن را از این فیض محروم ساختند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی عالمانه، هدایتگر و رحمت‌آفرین است (پس از برنامه‌های آن استفاده کنید). ۲. ایمان بیاورید تا بتوانید از (مراتب عالی) رحمت و هدایت قرآنی استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی اعراف به انتظارات بی‌جای کافران منحرف اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۳. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ آيا [آنان جز در انتظار (واقع شدن و) سرانجام آن (هشدارهای قرآن) تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۲ هستند؟! روزی که سرانجام آن فرا رسد کسانی که قبلًا آن را فراموش کرده بودند، می‌گویند: «بدرستی که فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ پس آیا شفاعت‌گرانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند، یا (ممکن است به دنیا) بازگردانیده شویم، که اعمالی غیر از آنچه همواره انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی آنان) یقیناً به خودشان زیان رسانده‌اند، و آنچه را همواره (از معبودها به دروغ) می‌ساختند، از (نظر) شان گم شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تأویل» در اصل به معنای «بازگشتن» یا «بازگشت دادن» است و در قرآن کریم گاهی به معنای توجیه متشابهات، دلایل و اسرار کارها ونیز پایان کار و نتایج آن و حقیقت و واقعیت عینی چیزی می‌آید. «۱» در این آیه ممکن است معنای سوم یا چهارم مورد نظر باشد؛ «۲» و مقصود تأویل کتاب و آیات مربوط به رستاخیز است، یعنی در آن روز حقایق قرآن و تهدیدهای آن روشن می‌شود. ۲. گویا کافران انتظار داشتند قیامت و حالات بهشتیان و دوزخیان را به چشم خود ببینند تا ایمان آورند، اما اگر رستاخیز و آثار و نشانه‌های آن ظاهر شود، راهی برای توبه و بازگشت باقی نمی‌ماند و ایمان کسی پذیرفته نمی‌شود. ۳. اگر کافران بخواهند شفیعی داشته باشند، باید دست به دامن بت‌ها و معبودهای دروغین خود بزنند، در حالی که آنها منشأ هیچ اثری نیستند و در تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۳ رستاخیز گم و نابود می‌شوند. ۴. عبارت «آنان خودشان زیان کرده‌اند.»، اشاره‌ی لطیفی است به این که کافران سرمایه‌های وجودی خود را از دست داده، و گرفتار زیانی شده‌اند که سراسر وجودشان را فرا گرفته است و از این روست که نمی‌توانند به دنیا بازگردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان آخرت جای عمل و کسب فضایل نیست (تا دیر نشده است اقدام کنید). ۲. رستاخیز، روز آشکار شدن حقایق قرآن و تحقّق تهدیدهای الهی و بیداری غافلان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی اعراف به معرفی خدا و نشانه‌های او در صحنه‌ی آسمان می‌پردازد و می‌فرماید: ۵۴. إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّماوَاتِ والْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ در واقع پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ و روز را به شب می‌پوشاند، در حالی که شتابان آن را می‌طلبد؛ و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید)، در حالی که به فرمان (و تدبیر) او رام شده‌اند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان (تدبیر جهان)، تنها برای اوست؛ خجسته (و پایدار) است خدایی که پروردگار جهانیان است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «یَوم» در این گونه آیات «۱»، همان دوره‌های آفرینش آسمان‌ها و زمین است؛ «۲» از تعبیر برخی آیات که کلمه‌ی «بَینهما» را اضافه دارد استفاده می‌شود که مقصود آفرینش کل جهان در شش دوره است. «۳» ۲. در علم زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز به دوره‌های خلقت زمین و جهان اشاره شده است و بر اساس مطالعات علمی، حدس‌هایی بیان کرده‌اند، اما آنچه مسلم است مجموعه‌ی آسمان و زمین، بلکه کل هستی، در چند دوره آفریده شده است که در آیات ۸- ۱۱ سوره‌ی فصّلت به محتوای این دوره‌ها اشاره‌ای اجمالی شده است. «۴» ۳. «عَرْش» «۵» هنگامی که در مورد خدا به کار می‌رود، به معنای مجموع تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۵ جهان هستی است که در حقیقت هم چون تخت حکومت پروردگار است؛ و تعبیر «سپس بر تخت تسلّط یافت» کنایه از تسلط زمام‌دار بر امور کشور خویش و تدبیر آنهاست؛ همان طور که در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از در دست گرفتن قدرت و حاکمیت و تدبیر امور است. پس آیه‌ی بالا هیچ ربطی به «جسم بودن خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه‌ی کامل و تسلط و تدبیر او در جهان هستی است. «۱» در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۲» ۵. تعبیر «روز را با شب می‌پوشاند و شب با سرعت به دنبال روز حرکت می‌کند.» بسیار جالب است؛ زیرا اگر کسی از بیرون به کره‌ی زمین نظر کند، می‌بیند که کره‌ی زمین، با آن عظمت و سرعت سرسام‌آوری که به دور خود می‌چرخد، یک طرف آن در مقابل نور خورشید قرار دارد، و سایه‌ی مخروطی شکل زمین طرف دیگر آن می‌افتد و احساس می‌شود که گویا شبح غول‌پیکری با سرعت زیاد به دنبال روشنایی روز در حرکت است و آن را می‌طلبد. ۶. برخی مفسران

گفته‌اند: «خلق» در این آیه به معنای آفرینش نخست، و «امر» به معنای قوانین و نظام‌هایی است که به فرمان پروردگار در جهان هستی حکم فرماست و آنها را در مسیر خود رهبری می‌کند. برخی نیز گفته‌اند: «خلق» به معنای «عالم مادی» و «امر» به معنای «عالم ماورای مادی» است. «۳» ۷. تعابیر «تسلّط و تدبیر خدا بر جهان و عرش» و «تسخیر آسمان‌ها» و این که «خلق و امر» به دست خداست، همگی حکایت از آن دارد که جهان، همان گونه که در آغاز نیازمند خالق است، در ادامه‌ی راه و بقای خویش نیز محتاج تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۶

دعا و شرایط و آداب آن

خداست و اگر لحظه‌ای لطف خدا از آن دریغ شود، نظامش به کلی می‌گسلد. ۸. مقصود از «مُسخَّر بودن خورشید و ماه و ستارگان به امر الهی»، آن است که منظومه‌ها و کهکشان‌های آسمان‌ها، هر کدام بر اساس نظام و قوانین تکوینی خدا در حرکت‌اند و همواره تسلیم این قوانین هستند. ۹. «وجود خدا با برکت است.»، یعنی وجودی ازلی و ابدی، پایدار و سرچشمه‌ی همه‌ی برکات و نیکی‌هاست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم آفرینش جهان به دست پروردگار است و هم تدبیر پرورش آن. ۲. با مطالعه در مراحل آفرینش جهان و گردش شب و روز، خداشناس شوید. ۳. نشانه‌های خدا را در صحنه‌ی آسمان و تسخیر ستارگان و سیارات ببینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی اعراف به آداب و شرایط استجابت دعا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَایُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ پروردگارتان را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی، بخوانید؛ که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از «تَضرُّع» «۱» و «خفیهٔ» آن است که دعا را با حالت فروتنی بخوانید، تا روح دعا در تمام وجود شما منعکس شود و در پنهان دعا کنید تا به اخلاص نزدیک‌تر و از ریا دورتر باشد. برخی از مفسران نیز گفته‌اند: این دو واژه اشاره به آن است که دعا را آشکار و پنهان بخوانید، یعنی هر مکان و زمانی اقتضایی دارد؛ گاهی بهتر است آشکار و گاهی لازم است پنهان دعا کنیم. برخی از روایات نیز به این مطلب اشاره دارند. «۲» ۲. در یکی از جنگ‌ها، هنگامی که سپاهیان اسلام کنار درّه‌ای رسیدند، فریاد می‌زدند و ذکر خدا می‌گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم اندکی آرام‌تر دعا کنید؛ شما شخصی ناشنوا و غایب را نمی‌خوانید؛ کسی را می‌خوانید که شنوا و نزدیک است و او با شماست. «۳» ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تضرّع در دعا، دست بلند کردن به هنگام دعاست؛ و پیامبر اسلام نیز چنین دعا می‌کرد. و سلمان فارسی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت کرده که خدا حیا می‌کند دستی را که به دعا بلند شده محروم برگرداند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۸ روشن است که این گونه احادیث موارد و مصادیق تضرّع را بیان می‌کند و سبب انحصار معنای آیه در این موارد نمی‌شود. ۴. جمله‌ی «خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.»، هرگونه تجاوز از حد، اعم از فریاد کشیدن به هنگام دعا، ریاکاری و توجه به غیر خدا در هنگام دعا را شامل می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعای باتضرّع و مخفیانه به اجابت نزدیک‌تر است. ۲. مقررات الهی را نقض نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی اعراف به شرایط دیگر استجابت دعا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و در زمین پس از اصلاح آن فساد مَکنید، و او را با ترس و امید بخوانید؛ که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، با توجه به آیه‌ی قبل، اشاره می‌کند که دعا هنگامی مستجاب می‌شود که با جنبه‌های سازنده و عملی همراه باشد؛ بنابراین، دعای افراد فسادگر و تبهکار به جایی نخواهید رسید. ۲. مقصود از «فساد در زمین بعد از اصلاح آن» چیست؟ مقصود اصلاح از ظلم یا کفر یا هر دو است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۱۹ زمین فاسد بود و خدا توسط پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آن را اصلاح کرد. «۱» ۳. در هنگام دعا، نه آن چنان از اعمال خود راضی باشید که بپندارید هیچ نقطه‌ی تاریکی در زندگی شما نیست،

که این عامل سقوط است؛ و نه آن چنان مأیوس باشید که خود را شایسته‌ی بخششایش خدا و اجابت دعا ندانید، که ناامیدی، نور تلاش را خاموش می‌کند و یأس از رحمت الهی از بزرگ‌ترین گناهان است. پس با دو بال «بیم و امید»، امید به رحمت خدا و بیم از مسئولیت‌ها و لغزش‌ها، دعا کنید. ۴. جمله‌ی آخر آیه که می‌فرماید: «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.»، شاید اشاره به شرطی دیگر برای استجابت دعا باشد؛ یعنی اگر می‌خواهید دعای شما تنها در حد سخن نماند، آن را با اعمال نیک همراه سازید، تا رحمت الهی شامل حال شما شود. ۵. در این آیه و آیه‌ی قبل مجموعاً شش مورد از آداب و شرایط دعا بیان شده که عبارت‌اند از: الف) دعا همراه با تضرّع و فروتنی باشد؛ ب) به صورت پنهانی باشد؛ ج) از حدّ اعتدال تجاوز نکند؛ د) با فسادگری همراه نشود؛ ه) با بیم و امید همراه باشد؛ و) با نیکوکاری توأم شود. ۶. دعا روح عبودیت و عامل انسان‌سازی است: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۰ امام عارفان در مورد دعا می‌فرمایند: این دعاهایی که از ائمه‌ی ما وارد شده است، مثل کمیل، مناجات شعبانیه، دعای حضرت سیدالشهداء و دعای سمات، این‌ها چه جور انسان درست می‌کنند ... این ادعیه انسان را از این ظلمت بیرون می‌برد؛ وقتی که از این ظلمت بیرون رفت، انسانی می‌شود که کار می‌کند، اما برای خدا، شمشیر می‌زند برای خداست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعای نیکوکاران و ترسایان امیدوار، به اجابت نزدیک‌تر است. ۲. فسادگری نکنید (که دعای شما از اجابت دور می‌شود). ۳. همراه با بیم و امید خدا را بخوانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۱ دعا و شرایط و آداب آن الف) دعا کنید: ۱. مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم (غافر، ۶۰) ۲. اگر دعای شما نبود پروردگارم برای شما ارجی قایل نمی‌شد (فرقان، ۷۷) ۳. دعا مغز عبادت است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۴. دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۵. دعا بلای نازل شونده را مادامی که نازل نشده دفع می‌کند. (امام سجاد علیه السلام) «۳» ب) زمان دعا: ۱. صبح و شام دعا کنید (اعراف، ۲۰۵). ۲. بعد از هر نماز واجب یک دعای مستجاب هست. «۴» ۳. از احادیث استفاده می‌شود که زمان‌های استجابت دعا عبارت‌اند از: سحرها، زمان نزول باران، زمان آشکار شدن معجزه‌ای الهی، بعد از نمازهای واجب، و دعای مریض برای کسی که از او عیادت می‌کند. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۲ ج) آداب دعا: ۱. در دل دعا کنید (اعراف، ۲۰۵). ۲. فروتنانه و ترسان دعا کنید (اعراف، ۲۰۵). ۳. (آهسته و آرام) بدون صدای بلند دعا کنید (اعراف، ۲۰۵). ۴. پروردگارتان را فروتنانه و پنهانی بخوانید (اعراف، ۵۵). ۵. خدا را با بیم و امید بخوانید (اعراف، ۲۹ و غافر، ۶۵). ۶. خدا را با اخلاص بخوانید (اعراف، ۲۹ و غافر، ۶۵). ۷. خدا را با نام‌های نیکو بخوانید (اعراف، ۱۸۰). ۸. از احادیث استفاده می‌شود که آداب دعا عبارت‌اند از: بسم اللّه الرحمن الرحیم گفتن در اول دعا، تمجید خدا با صفات نیکوی او، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و افراد صالح در دعا، اقرار به گناه، فروتنانه و ترسان دعا کردن، دو رکعت نماز قبل از دعا، چیزی از دعا را کوچک نشمارد، درخواست‌های خود را زیاد نداند، در دعا بلند همت باشد و مطالب عالی بخواهد، قبل از دعای به خود به دیگران دعا کند، دعای اجتماعی کنید (همراه با دیگران و زن و بچه)، حسن خلق به اجابت دعا داشته باشید، اصرار در دعا کنید و در زمان مناسب دعا کنید. «۱» د) چرا برخی دعاها مستجاب نمی‌شود: ۱. انسان بدی‌ها را طلب می‌کند (همان طور که) نیکی را طلب می‌کند و انسان همواره عجول است (اسراء، ۱۱). ۲. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که آداب دعا را به جا آورید .... که هر کس به شرایط دعا عمل نکند، منتظر اجابت نباشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۳ ه) شرایط استجابت دعا و موانع آن: ۱. از احادیث استفاده می‌شود که شرایط دعا عبارت‌اند از: - معرفت؛ - عمل به مقتضای معرفت (وفای به عهد)؛ - غذای پاک و پاکیزه؛ - حضور قلب در دعا؛ «۱» ۲. از احادیث استفاده می‌شود که موانع استجابت دعا عبارت‌اند از: - گناه (پس باید قبل از دعا توبه کرد)؛ - ستمکاری؛ - درخواست چیزی خلاف حکمت (و مصلحت خویش). «۲» و) چه چیزی از خدا بخواهیم: ۱. همه چیز خودتان را از خدا بخواهید (و در مورد آن دعا کنید) «۳» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). ۲. به موسی گفته شد: هر چه نیاز داری از من بخواه حتی علف گوسفند و نمک غذای خودت را. «۴» ۳. چیزهایی را بخواهید که شما را کمک کند و ماندگار باشد (علی علیه السلام).

«۵» تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۲۴ ز) دعـای کسـانی که مسـتجاب می‌شود: از احـادیث اسـتفاده می‌شود که دعای این افراد مستجاب است: ۱. دعای پـدر برای فرزنـد نیکوکارش و نفرین او برای فرزنـد بدکارش؛ ۲. دعـای مظلوم علیه ظـالم و دعای او برای کسی که مظلوم را یاری می‌کند؛ ۳. دعای مؤمن برای برادر مؤمنش و علیه برادر مؤمنش، اگر می‌توانـد به او کمک کند و نکند؛ ۴. دعای امام عادل؛ ۵. دعای کودکان، که گناه نمی‌کننـد؛ ۶. کسـی که قرائت قرآن می‌کند، یک دعای مسـتجاب دارد؛ ۷. کسی که امیدی جز به خدا ندارد. «۱» ح) دعای کسانی که مسـتجاب نمی‌شود: ۱. دعای کسـی که کار نکند یا مالش را ضایع کند. ۲. کسی که کاری می‌کند که خدا ناخشنود است. ۳. کسی که امر به معروف و نهی از منکر نکند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۵ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی اعراف به نشانه‌هـای مبـدأ و معـاد در طبیعت اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵۷. وَهُوَ الَّذِی یُرْسِلُ الرِّیَاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ حَتَّی إِذَا أَقَلَّتْ سَحَاباً ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَیِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ کَذلِکَ نُخْرِجُ الْمَوْتَی لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ و او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش، مژده‌رسان می‌فرستد؛ تا آن گاه که ابرهای گرانبار را (بر دوش) کشـند، آن (ها) را به سوی سـرزمین مرده می‌رانیم؛ و به وسیله آن (ها)، آب را فرود آوریم، و با آن، از (خاک) هر گونه محصولات برآوریم؛ این گونه مردگان را (نیز از قبرها) خارج می‌سازیم؛ تا شایـد شـما متـذکّر شویـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از شیوه‌های قرآن کریم آن است که در برخی از موارد خداشناسـی و معادشناسـی را با هم همراه می‌کند و برای هر دو از طریق اسـرار آفرینش موجودات استدلال می‌کند. ۲. جهان طبیعت و قوانین پیچیده‌ی آن و نظمی که دارد، تحت اراده‌ی پروردگار است؛ پس در مطالعه‌ی طبیعت از مبـدأ هستی غافل نشویم. ۳. مرگ به معنـای نـابودی نیست؛ مرگ و حیات به معنای تغییر حالات ماست و همان طـور که زمین مرده روزی زنـده می‌شود، شـما هم زنـده می‌شویـد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. شواهـد و دلایـل مبـدأ و معـاد در طبیعت هویداست. ۲. با مطالعه در گردش باد و باران و رویش گیاهان، خداشـناس شوید. ۳. از زنده شدن خاک مرده و رویش گیاهان، به معاد پی ببریـد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۶ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشـتم سوره‌ی اعراف به تفاوت اسـتعدادها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸. وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبُثَ لَایَخْرُجُ إِلَّا نَکِداً کَذلِکَ نُصَرِّفُ الآیَاتِ لِقَوْمٍ یَشْکُرُونَ و سـرزمین پاکیزه، گیاهش به رخصت پروردگارش می‌روید؛ و آن (سـرزمینی) که پلید است، جز (گیاه) کم فایده از آن نمی‌روید؛ اینچنین نشانه‌هـا را برای گروهی که سپاس‌گزاری می‌کننـد، به گونه‌هـای مختلف بیـان می‌کنیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در ایـن آیه، انسان‌هـای بااسـتعداد و بخشـنده به سـرزمین پـاک تشـبیه شده‌انـد که گیاهـان زیـادی از آن می‌رویـد وانسان‌هـای بخیـل و فاسـد به زمین‌های شوره زار و پلیـد تشبیه شده‌انـد که چیز انـدکی از آن خارج می‌شود. «۱» ۲. آیه مورد نظر به این مسـئله‌ی مهم اشاره دارد که تنهـا «فـاعلیت فاعل» برای به ثمر رسـیدن یک موضوع کافی نیست، بلکه اسـتعداد و «قابلیت قابل» نیز شـرط اساسـی است. گوهر پاک بباید که شود قابل فیض ور نه هر سـنگ و گِلی لؤلؤ و مرجان نشود ذرّه را تا نبود همّت عالی، حافظ طالب چشـمه‌ی خورشید درخشان نشود (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۷

ماجرای نوح

۳. تعبیر «بـا رخصت الهی» (بـا اجـازه‌ی قبلی و فرمـان خـدا)، اشـاره دارد که اسـتعدادها و قابلیت‌ها با فرمان الهی اثربخش و سودمند می‌گردد؛ و این یکی از شـرایط اساسی برای به ثمر رسیدن یک موضوع است. آموزه‌ها و پیام‌ها: پیام این آیه آن است که: ۱. باران که در لطـافت طبعش ملاـل نیست در باغ لاله رویـد و در شوره‌زار خسن ۲. کارها در سایه‌ی لطف الهی ثمره‌بخش می‌شونـد. ۳. با دقت در مثال‌هـای قرآن، نشانه‌هـای الهی را ببینیـد و سـپاس‌گزاری کنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجـاه و نهم سـوره‌ی اعراف به داسـتان حضـرت نوح علیه السـلام و پیام و هشـدار او اشاره کرده، می‌فرماید: ۵۹. لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَی قَوْمِهِ فَقَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ مَالَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ بیقین نوح را به سوی قومش فرسـتادیم، و (او به آنان) گفت: «ای قوم [من !

خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ که من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم پس از بیان مطالبی کلی درباره‌ی خداشناسی و معاد و هدایت بشر و احساس مسئولیت، اینک در سوره‌ی اعراف به سرگذشت گروهی از پیامبران الهی، هم چون، نوح، هود، صالح، لوط، شُعیب و موسی اشاره می‌کند، تا نمونه‌های زنده‌ای برای آن مطالب کلی، در مسیر تاریخ بشر نشان دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۸ ۲. سرگذشت نوح و قومش علاوه بر سوره‌ی اعراف، در سوره‌های هود، انبیاء، مؤمنون، شعرا، صافّات، اسراء، احزاب، یونس و قمر آمده و سوره‌ی کوتاهی نیز به نام سوره‌ی نوح داریم. مطالب مهم رسالت این پیامبر بزرگ و چگونگی ساختن کشتی و آمدن سیلاب و غرق شدن کافران، در سوره‌های دیگر خواهد آمد؛ و در این سوره فهرست‌وار به مطالبی اشاره شده است. ۳. بر طبق احادیث، نام اصلی حضرت نوح علیه السلام، عبدالغفار، یا عبدالاعلی یا عبدالملك بود «۱» و از آن جا که برای خود و مردم زیاد نوحه‌سرایی و زاری می‌کرد، او را نوح «۲» نامیدند. «۳» ۴. پیام نوح، همان شعار توحید، نخستین پیام و شعار همه‌ی پیامبران الهی بود؛ و از این روست که در سوره‌های قرآن از زبان بسیاری از پیامبران می‌خوانیم که ای قوم من! خدای یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست. «۴» این شعار شامل اثبات توحید و نفی هر گونه شرك و بت‌پرستی و از مشترکات ادیان الهی است. ۵. از شعار نوح و دیگر پیامبران الهی استفاده می‌شود که بت‌پرستی مهم‌ترین خار راه سعادت انسان‌هاست که باغبان‌های توحید، برای تکامل و پرثمر شدن درختان جامعه‌ی انسانی، درصدد ریشه کن کردن آن بوده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۲۹ ۶. نوح علیه السلام یکی از پیامبران «اولوالعزم» بود، یعنی پیامبری بزرگ و صاحب شریعت که دینش جهانی بود. ۷. در برخی احادیث آمده است که بین حضرت آدم و نوح علیهما السلام پیامبران زیادی بودند که در قرآن نام آنها نیامده است. «۱» ۸. نوح می‌گوید: اگر یقین به مجازات الهی در رستاخیز، یا سیلاب عظیم در آینده ندارید «۲»، حداقل بیم آن هست؛ «۳» بنابراین عقل اجازه نمی‌دهد که این راه پرخطر را بپیمایید. این تعبیرات نشانه‌ی دل سوزی پیامبران الهی برای مردم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی دل سوز بشریت‌اند و قبل از نزول عذاب به مردم هشدار می‌دهند. ۲. توحید و نفی شرك، شعار مشترك ادیان الهی است. ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی احساس خطر خود را به مردم منتقل سازند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی اعراف به برخورد منفی سرمایه‌داران با رهبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۰ اشراف قومش (به نوح) گفتند: «قطعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اولین واکنش منفی در برابر دعوت توحیدی پیامبران را گروهی از اشراف «۱» و ثروتمندان بی‌درد نشان دادند؛ آنان منافع خود را در تضاد با بیدارگری پیامبران می‌دیدند و مذهب را مانع هوس بازی‌های خویش می‌دانستند. ۲. برخورد اشراف با نوح علیه السلام عجیب است؛ آنان نه تنها به حضرت نوح ایمان نیاوردند، بلکه او را گمراه معرفی کردند. آری؛ این شیوه‌ی مخالفان پیامبران است که همیشه خود را پیش رو و فهمیده جلوه می‌دهند، ولی پیامبران و منادیان راه آنان را مرتجع، ساده‌لوح و گمراه می‌پندارند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منادیان راه خدا، از دیرزمان، آماج تیر تهمت‌ها و توهین‌های سرمایه‌داران بوده‌اند. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده‌ی برخوردهای منفی اشراف باشند (و پاسخ مناسب و منطقی آماده کنند). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۱ قرآن کریم در آیات شصت و یکم تا شصت و سوم سوره‌ی اعراف به پاسخ متین و محبت‌آمیز نوح علیه السلام و اهداف رسالت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱- ۶۳. قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلكِنِّي رَسُولٌ مِن رَبِّ الْعَالَمِينَ* أُبَلِّغُكُمْ رِسَالاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللهِ مَا لَاتَعْلَمُونَ* أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (نوح) گفت: «ای قوم [من ! هیچ گونه گمراهی در من نیست، ولیکن من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم.* رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و برای شما خیرخواهی می‌کنم؛ و چیزی را که [شما] نمی‌دانید از (جانب) خدا می‌دانم.* و آیا تعجب کرده‌اید که (دستور) آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میانتان به شما برسد، تا به شما هشدار دهد، و تا خودنگهداری کنید؟! و باشد که شما (مشمول) رحمت شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. نوح در پاسخ متین خود به دو مطلب اساسی اشاره کرد: نخست آن که گمراهی را از خویش نفی و سخن مخالفان را مؤدبانه رد کرد؛ و دوم آن که کارها و سخنان خود را به خدا منسوب کرد و گفت من فرستاده‌ی اویم، پس اشکالات شما به راه خداست. ۲. تعبیر «پروردگار جهانیان»، در حقیقت، به نحوی، باطل شمردن عقاید مشرکان است که خدایانی همانند خدای دریا، خدای آسمان، خدای صلح و جنگ قایل بودند؛ یعنی همه‌ی این‌ها بی‌اساس است و پروردگار جهانیان یکی است. ۳. این جمله که فرمود: «من چیزهایی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید.»، ممکن است تهدیدی در برابر مخالفان باشد؛ یعنی من مجازات‌های دردناکی از خدا برای تبهکاران سراغ دارم که شما هنوز از آن بی‌خبرید. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۲ یا اشاره‌ای باشد به لطف پروردگار؛ یعنی اگر شما در راه اطاعت او گام بردارید، برکاتی از او سراغ دارم که شما از عظمت آنها بی‌اطلاع هستید. و یا اشاره به علوم حضرت نوح باشد؛ یعنی اگر من عهده‌دار هدایت شما شده‌ام، مطالبی درباره‌ی خدا و دستوراتش می‌دانم که شما از آن آگاهی ندارید؛ از این رو لازم است شما از من پیروی کنید. البته ممکن است همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد. «۱» ۴. پیامبران و مبلّغان راه خدا، هم دل سوز و ناصح «۲» بودند و هم دانش کافی داشتند؛ دانش‌هایی که به صورت عادی، دست بشر به آنها نمی‌رسد. ۵. در آیه اشاره شده که، از طرفی، پیام وحی از جانب پروردگار شماست، که می‌خواهد شما رشد یابید و تربیت شوید و، از طرف دیگر، این پیام بر مردی از خود شما فرود آمده است، نه به طرف اقوام دیگر یا غیر انسان‌ها؛ پس چرا تعجب می‌کنید که انسانی از شما پیامبر شده است؟! ۶. در این آیات به پنج هدف رسالت پیامبران اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) رساندن پیام الهی به مردم؛ ب) خیرخواهی و نصیحت به مردم؛ ج) هشدار و توجه دادن در مورد عواقب اعمال؛ د) دعوت به خودنگه داری و پارسایی؛ ه) زمینه‌سازی برای نزول رحمت الهی بر مردم. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف رهبران الهی، پیام رسانی، خیرخواهی، دانش‌افزایی، هشدارگری، پارسایی و رحمت است. ۲. به مخالفان دین، متین، مؤدبانه و حکیمانه پاسخ بگویید. ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی اهداف رسالت خود را برای مردم شفاف بیان کنند. ۴. در تبلیغ دینی، از عناصر پیام، عاطفه، دانش و هشدار بهره ببرید. ۵. خیرخواه مردم باشید (و با خیرخواهان امت برخورد منفی نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی اعراف به نجات نوح و یارانش و فرجام عذاب‌آلود مخالفان کوردل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. فَکَذَّبُوهُ فَأَنْجَیْنَاهُ وَالَّذِینَ مَعَهُ فِی الْفُلْکِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْماً عَمِینَ و او را تکذیب کردند؛ و (ما) وی و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم؛ و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، غرق کردیم؛ [چرا] که آنان گروهی کور [دل بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کوردلی و عدم درک حقایق، نتیجه‌ی اعمال شوم و لجاجت‌های مستمر انسان است که دامن او را می‌گیرد؛ یعنی چشم‌پوشی از حقایق، به کار نگرفتن خرد و گناهان مستمر، سبب می‌شود که تدریجاً چشم حقیقت‌بین دل و عقل انسان ضعیف شود و سرانجام نابینا گردد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۴ ۲. همراهی با پیامبر، زمینه‌ساز نجات است؛ زیرا در کشتی نوح حیواناتی نیز بودند که نجات یافتند. ۳. کوردلی، عامل تکذیب رسالت پیامبران است و دروغ انگاشتن نشانه‌های خدا، زمینه‌ساز هلاکت انسان است و او را در عذاب الهی غرق می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مردان الهی نجات و سعادت است و فرجام مخالفان دین عذاب‌آلود است. ۲. اگر می‌خواهید نجات یابید، با رهبران الهی همراهی کنید. ۳. کوردلی و تکذیب آیات الهی موجب هلاکت انسان می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی اعراف به سرگذشت عبرت‌آموز حضرت هود علیه السلام و پیام اساسی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۵. وَإِلَی عَادٍ أَخَاهُمْ هُوداً قَالَ یَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ مَا لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ و به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان حضرت هود علیه السلام و قوم عاد و درگیرهای آنان، در سوره‌های اعراف، شعراء و هود آمده است. هود «۱» یکی از پیامبران الهی است که برای تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۵

ماجرای قوم عاد

ملتی خـاص، یعنی قوم «عاد» برانگیخته شـد؛ «۱» یعنی دین او جهـانی نبـود. ۲. قوم عـاد در سـرزمین یمن و در منطقه‌ی احقـاف، در جنوب عربسـتان زنـدگی می‌کردنـد و از نظر قـدرت جسـمی و امکانات مادی، ملتی نیرومنـد بودنـد، اما گرفتار بت‌پرستی و مفاسـد اخلاقی شدند. «۲» ۳. در این آیه از هود با تعبیر «برادر» یاد شـده است؛ شایـد بدان جهت که هود با ملت عاد خویشاوندی داشت، و یا به خاطر آن که هم چون برادری دل سوز برای ملت خویش می‌کوشـید و از هرگونه ریاست‌طلبی دوری می‌کرد و خود را برادر و برابر با دیگران می‌دانست. این تعبیر اشاره به برادر دینی بودن هود با ملت عاد نـدارد؛ زیرا آن مردم به دعوت او پاسـخ مثبت ندادند و ایمان نیاوردنـد تا برادر دینی او شوند. ۴. هود علیه السـلام مردم را دعوت می‌کرد که با پرسـتش خدا و دوری از شرک خود را از زیان و نقصان و عـذاب حفظ کننـد «۳» و به رشـد و تکامل برسـند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و نفی شـرک، شعار مشترک ادیان الهی است. ۲. منادیان توحید، هم چون برادری دل سوز، برای ملت خویش باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی اعراف به برخورد منفی سرمایه‌داران با حضـرت هود اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۶۶. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاکَ فِی سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّکَ مِنَ الْکَاذِبِینَ تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۳۶ اشـرافِ قومش که کفر ورزیدنـد، گفتنـد: «قطعاً ما تو را در (نـوعی) سبک‌سـری می‌بینیم، و در واقع مـا گمـان می‌کنیم که تو از دروغ‌گویـان هسـتی.» نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. سـفاهت به معنای سبک‌سـری و سـبک‌مغزی است، اما از نظر قوم هود، کسانی که رنگ محیط را نپذیرند و با سـنت‌های غلط مبارزه کنند، سـبک سر هسـتند. آری؛ تهمت سـفاهت و جنون از تهمت‌های رایـج مخالفان به رهبران الهی است. ۲. مخالفـان هود، از مخالفان نوح جسورتر بودنـد؛ چون مخالفان نوح می‌گفتنـد «او گمراه است»؛ اما مخالفان هود می‌گفتنـد «او سـفیه و دروغ‌گو است». ۳. از تعـبیر «تو را در سبک‌سـری می‌بینیم و گمـان می‌کنیم که از دروغ گویـان هستی.»، اسـتفاده می‌شود که مخالفـان هود بر اسـاس علم و دانش سـخن نمی‌گفتنـد و خودشـان نیز به این مطلب اعـتراف داشـتند. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. مخالفـان دین، بـدون علم بـا رهبران الهی مخـالفت می‌کنند. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده‌ی برخوردهای منفی و تهمت سرمایه داران باشند. *** قرآن کریم در آیات شصت و هفتم تا شـصت و نهم سوره‌ی اعراف با اشاره به پاسـخ مؤدبانه‌ی هود و اهداف رسالت او و نعمت‌های الهی می‌فرماید: ۶۷– ۶۹. قَالَ یَا قَوْمِ لَیْسَ بِی سَفَاهَةٌ وَلَکِنِّی رَسُولٌ مِن رَبِّ الْعَالَمِینَ* أُبَلِّغُکُمْ رِسَالاتِ رَبِّی وَأَنَا لَکُمْ نَاصِحٌ أَمِینٌ* أَوَ عَجِبْتُمْ أَن جَاءَکُمْ ذِکْرٌ مِن تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۷ رَبِّکُمْ عَلَی رَجُلٍ مِنکُمْ لِیُنذِرَکُمْ وَاذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَکُمْ فِی الْخَلْقِ بَصْطَةً فَاذْکُرُوا آلَاءَ اللّهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (هود) گفت: «ای قوم [من] ! هیـچ‌گونه سبک‌سـری در من نیست؛ ولیکن من فرسـتاده‌ای از طرف پروردگـار جهانیـانم.* رسالت‌های پروردگارم را به شـما ابلاغ می‌کنم؛ و من برای شـما، خیرخواهی درسـتکار هسـتم.* و آیا تعجّب کرده‌ایـد که (دسـتور) آگـاه کننـده پروردگارتـان به وسیله مردی از میانتـان به شـما برسـد تا هشـدارتان دهـد؟! و یاد آرید هنگامی که (خدا) شـما را پس از قوم نوح، جانشینان (آنان) قرار داد، و گستره آفرینش شما را بیفزود؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آریـد؛ تا شایـد شـما رسـتگار شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هـود در این پاسـخ حکیمـانه و مؤدبـانه به چنـد مطلب اشـاره کرد: الف) سفاهت و سـبک‌مغزی را از خود و راه خویش نفی کرد. ب) سـخن مخالفان را مؤدّبانه رد کرد. ج) کارها و سـخنان خود را به خدا نسبت داد و گفـت «من فرسـتاده‌ی اویم.» پس اشـکالات شـما به راه خـداست. د) دلیلی بر فرزانگی خـویش آورد و اشـاره کرد که مهم‌ترین دلیـل بر سـرمایه‌ی عقلانی و فرزانگی من آن است که خـدا مرا به رسالت برگزیـده است. ه) با تعبیر پروردگار جهانیان، به مخالفـان خویش فهمانـد که بت‌پرستی آنان باطل است و جهانیان یک پروردگار دارنـد. ۲. هود علیه السـلام خود را نصیحت‌گر و امانت دار معرفی کرد. این تعبیرات، نشان می‌دهـد که معرفی صـفات و توانایی‌های ضـروری مانعی ندارد. ۳. مضمون این آیه‌ی در آیه‌ی ۶۲ همین سـوره از زبـان نوح علیه السـلام بیان‌شـد، امـا بـا دو تفـاوت: نخست آن که، در آیه‌ی ۶۲ در پایـان آیه فرمـود: «من چیزهایی که شما تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۸ نمی‌دانید از جانب خدا می‌دانم.» و این وسـعت علمی نوح را نشان می‌داد. و

دوم آن که، در آیه‌ی ۶۲ نصیحت گری یکی از اهداف بعثت نوح به شمار می‌آمد، اما در این جا بیان حالت هود است. «۱» این دو تفاوت نشان می‌دهد که حوزه‌ی علمی و مسئولیتی حضرت هود از حضرت نوح محدودتر بود و نوح علیه السلام پیامبر اولوالعزم و دین او جهانی بود، اما هود علیه السلام پیامبر خاصّ ملت خویش بود. ۴. پاسخ هود به کسانی که از نبوّت انسانی معمولی تعجب می کنند همان پاسخی است که نوح پیامبر در آیه‌ی ۶۳ همین سوره به مخالفان خویش داد و آن این که انسان از بالاترین استعداد برای گرفتن وحی برخوردار است؛ پس جای تعجب نیست که انسانی پیامبر شود. ۵. در این آیات نیز به یکی از اهداف رسالت پیامبران اشاره شده که همان هشدار و توجه دادن مردم به عواقب اعمال آنهاست. ۶. حضرت هود علیه السلام با یادآوری نعمت‌های الهی درصدد است که حسّ سپاس گزاری مردم را تحریک کند تا در برابر دستوارت الهی فروتن و رستگار شوند. آری؛ یاد نعمت‌های الهی زمینه‌ساز رستگاری انسان است؛ زیرا یاد نعمت، محبت و عشق می‌آورد و محبت، اطاعت را در پی دارد و اطاعت، سبب رستگاری است. ۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از نعمت‌های الهی، بزرگ‌ترین نعمت خدا بر مردم، یعنی ولایت اهل‌بیت است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۳۹ روشن است که این گونه احادیث مصداق کامل و مهم نعمت‌های الهی را بیان می کنند، و گرنه مفهوم آیه همه‌ی نعمت‌ها را شامل می‌شود که با یادآوری آنها، انسان سپاس گزار خدا و دوست‌دار و فرمان‌بردار او می‌شود. ۸. جمله‌ی «گستره‌ی آفرینش شما را بیفزود.»، ممکن است اشاره به قدرت جسمانی فوق‌العاده‌ی قوم عاد باشد؛ همان طور که از آیات قرآن «۱» و تاریخ‌ها استفاده می‌شود که قوم عاد مردمی درشت‌استخوان و قوی‌پیکر بودند. و نیز ممکن است اشاره به افزایش ثروت و قدرت مالی و تمدن ظاهری قوم عاد باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام رسانی و هشدارگری از اهداف رهبران الهی است. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی اهداف و برنامه‌های خود را برای مردم تبیین کنند. ۳. خیرخواه مردم باشید (و با خیرخواهان خود، برخورد منفی نکنید). ۴. نعمت‌های الهی را به یاد مردم آورید تا (سپاس گزار و) رستگار شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی اعراف به پیروی کورکورانه‌ی قوم عاد از پدرانشان و نقش آن در شرک آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۰. قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الْصَّادِقِينَ (اشراف قوم هود) گفتند: «آیا به سراغ ما آمده‌ای تا خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما همواره می‌پرستیدند، رها کنیم؟! پس اگر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۰ راستگویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بیاور!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سطح افکار قوم عاد بسیار پایین بوده به طوری که از یگانه‌پرستی و نوآوری وحشت داشتند و شرک و بت‌پرستی را افتخار خود می‌دانستند؛ و تنها دلیل آنان همان تقلید کورکورانه از پدرانشان بود. ۲. تقلید چهار قسم است: الف) تقلید جاهل از جاهل، که مورد سرزنش قرآن کریم است و نمونه‌ی آن را در آیه‌ی فوق، در پیروی کورکورانه‌ی قوم عاد از پدران جاهلشان می‌بینیم. ب) تقلید عالم از عالم، که این هم صحیح نیست و هر دانشمند و متخصصی لازم است طبق نظر خود عمل کند و از همین روست که تقلید بر مجتهدان حرام است. ج) تقلید عالم از جاهل که این هم ناپسند و از نظر عقل و دین مذموم و ممنوع است. د) تقلید جاهل از عالم یا پیروی فرد غیرمتخصص و ناآگاه در یک رشته، از یک متخصص؛ مثل پیروی از پزشکان در مورد مصرف دارو یا تقلید از مجتهدان و مراجع تقلید در جزئیات و احکام، که این قسم صحیح و از نظر عقلا و دین پسندیده و بلکه لازم است. ۳. پیامبران الهی با روش‌های غلط جاهلی و آداب و رسوم شرک‌آلود نیاکان مردم، در ستیز بودند؛ به عبارت دیگر، پیامبران الهی تابع فرهنگ زمانه نمی‌شدند بلکه با عناصر منفی آن، از جمله تقلید کورکورانه و شرک مخالفت می کردند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۱ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی اعراف به فقدان دلیل منطقی برای شرک و خشم الهی بر قوم عاد اشاره می کند و می‌فرماید: ۷۱. قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِن رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (هود) گفت: «براستی که پلیدی و خشم پروردگارتان، بر شما واقع شده است. آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می کنید که شما و پدرانتان (برای بت‌ها، به عنوان معبود) نامگذاری کرده‌اید، [و] خدا هیچ دلیلی درباره آن [ها]

فرو نفرستاده است؟! پس منتظر باشید، که من (هم) با شما از منتظرانم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان هایی که با حق درگیر می‌شوند و بر تعصب و تقلید از پدرانشان پافشاری می‌کنند، گرفتار انحراف عقیدتی و آلودگی روحی می‌گردند و پیامدهای پلید این روش، از جمله عذاب الهی، آنان را فرا می‌گیرد. «۱» ۲. بت‌ها، چیزی جز قطعات سنگ و چوب نیستند، و خدا بودن آنها، غیرواقعی و پوچ و فقط اسمی است که زاییده‌ی، پندارهای خام مشرکان و نیاکان آنهاست. ۳. در آیه‌ی فوق بار دیگر بر منطق و دلیل و برهان پافشاری شده است؛ از این روست که از زبان حضرت هود به مشرکان می‌گوید: این بت‌ها چیزهای تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۲ بدون دلیل است؛ نه دلیل عقلی بر پرستش بت داریم و نه از طرف خدا وحی (دلیل نقلی) بر پرستش آنها فرود آمده است. ۴. در پایان آیه اشاره به انتظار شده، که شاید مقصود انتظار مشرکان برای یاری بت‌ها و یا عذاب الهی و انتظار هود پیامبر برای فرود آمدن مجازات الهی بر بت‌پرستان بوده است. این انتظار اشاره دارد که حضرت هود به پیروزی خویش اطمینان داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی حق‌ستیزی، آلودگی و کیفر الهی است. ۲. تابع دلیل باشید نه نام‌های توخالی. ۳. در مورد مسائل بدون دلیل مجادله نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی اعراف به نابودی قوم عاد و نجات هود پیامبر و یاران او اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۲. فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ و او و کسانی را که با او بودند، با رحمتی از جانبمان نجات بخشیدیم؛ و دنباله کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از مؤمنان نبودند، قطع کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیات دیگر قرآن «۱» و احادیث اسلامی «۲» استفاده می‌شود که هلاکت تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۳ قوم عاد، توسط طوفانی پر سر و صدا و سرد و مسموم بود که به مدت هشت روز پیاپی بر آنان مسلّط شد و همه را نابود کرد، «۱» ولی هود علیه السلام و یارانش نجات یافتند. ۲. در این آیه به تأثیر همراهی با پیامبر در نجات انسان اشاره شده است؛ البته کسانی که همراه پیامبران هستند ممکن است از صمیم دل ایمان آورده باشند، یا این که فقط تسلیم راه پیامبر خدا شده و مخالفت نکنند و ایمانی ظاهری داشته باشند. آیه‌ی فوق نجات از عذاب دنیوی را شامل همه‌ی کسانی می‌داند که همراه پیامبر خدا باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی ایمانی و تکذیب آیات الهی، زمینه ساز عذاب است. ۲. با رهبران الهی همراهی کنید تا نجات یابید. ۳. با رهبران الهی و راه ایمان مخالفت نکنید که ریشه‌کن می‌شوید. ***

ماجرا قوم ثمود

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی اعراف به سرگذشت صالح پیامبر و معجزه‌ی او برای قوم ثمود اشاره کرده، می‌فرماید: ۷. وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هذِهِ نَاقَةُ اللّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ و به سوی (قوم) ثَمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ (او) گفت: «ای قوم [من ! خدا را بپرستید، که هیچ معبودی جز او، برای شما نیست. بیقین دلیلی (معجزه آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ این ماده شتر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۴ خدا، نشانه‌ای (معجزه‌وار) برای شماست؛ پس او را [به حال خود] واگذارید، که در زمین خدا (از علف‌های بیابان) بخورد؛ و سوء (قصد و آزاری) به او نرسانید، که عذاب دردناکی شما را فرا خواهد گرفت! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت «صالح» یکی از پیامبران الهی بود که در میان قوم «ثمود» برانگیخته شد و هم چون برادری آنان را به یکتاپرستی دعوت کرد. «۱» آنان در یک منطقه‌ی کوهستانی میان حجاز و سوریه (: شام) زندگی می‌کردند «۲» و برخی مفسران نوشته‌اند که در منطقه‌ی یمن زندگی می‌کردند. «۳» ۲. «بیّنه» در لغت به معنای دلیل روشن عقلی یاحسّی است؛ «۴» و در این آیه به معجزه‌ی الهی «بیّنه» گفته شده است؛ چون دلالت معجزه بر نبوّت پیامبر، هم از نظر حسّی و هم از نظر عقلی روشن است. ۳. در این آیه از معجزه با عنوان «آیه» (نشانه) یاد شده است؛ چرا که هر معجزه‌ای نشانه‌ی صدقِ آورنده‌ی آن است. ۴. معجزه با کارهای غیرعادی بشر، هم چون سحر و شعبده چند تفاوت دارد: الف) معجزه بدون نیاز به تمرین و تحصیل انجام می‌شود. ب) معجزه همراه

با تحدّی و مبارزه‌طلبی است؛ یعنی آورنـده‌ی معجزه می گویـد اگر می‌توانیـد مثل آن را بیاوریـد. ج) معجزه با هدف ارشاد مردم و خیرخـواهی صورت می گیرد، نه برای تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۴۵ منافع شخصـی یا زیان رسانـدن به مردم. ۵. تعبیر «شتر خـدا» (: ناقهٔ اللَّه) «۱» یـک اضـافه‌ی تشـریفی است؛ یعنی اشـاره به آن است که شتر قوم ثمود یـک شتر معمولی و عـادی نبود، بلکه معجزه‌ای بود که مایه‌ی آزمایش مردم شد. آن شتر از علف بیابان استـفاده می کرد «۲» و مقرر شد که اگر کسـی به آن آزار برساند قوم ثمود عذاب شوند و در نهایت نیز این گونه شد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی از متن مردم و هم چون برادر آنها باشند. ۲. توحید، عنصـر مشترک ادیان الهی است. ۳. پیامبران الهی دلیل و معجزه دارنـد (و بـدون منطق ادعا نمی کنند). ۴. برخی معجزات الهی، وسیله‌ی آزمـایش شـماست (پس مراقب باشـید مردود نشویـد). *** قرآن کریـم در آیـات هفتـاد و چهـارم سـوره‌ی اعراف نعمت‌هـای الهی را بر قوم ثمود برمی‌شـمارد و بـا منع فساد گری می‌فرمایـد: ۷۴. وَاذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَکُمْ فِی الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُوراً وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُیُوتاً فَاذْکُرُوا آلَاءَ اللّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۶ و به خاطر آورید هنگامی که (خدا) شـما را پس از (قوم) عاد جانشـینان (آنان) قرار داد، و شما را در زمین مستقر ساخت، که در دشت‌هایش، قصـرها می گزینید، و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدید؛ بنابراین نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشید؛ و در زمین تبهکارانه فساد مکنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، از یک سو، به نعمت‌های الهی اشاره می کند تا آنها را فراموش نکنند و سپاس خـدا را به جا آورنـد و از سوی دیگر، هشـدار می‌دهـد که پیش از ثمود نیز اقوام طغیان گری بودند که بر اثر مخالفت‌هایشان گرفتار عذاب الهی شدند. ۲. اگر انسان به یاد نعمت‌های الهی باشد، حسّ سپاس گزاری‌اش بیدار می‌شود و تسلیم خدا می گردد و شکر او را به جا می‌آورد و دستوراتش را عمل می کند و، در نتیجه، از گناه و فساد دوری می‌جوید. ۳. قوم ثَمود، محل زندگی خود را تغییر می‌دادنـد؛ آنان منزلی در کوهستان و قصـری در بیابان داشـتند که شاید تابسـتان به یکی و زمسـتان به دیگری کوچ می کردند. البته مسـکن و قصـر از نعمت‌هـای الهی است، در صورتی که انسـان را (از یـاد خـدا غافـل نکنـد و) به فساد نکشـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خانه‌هـای سـنگی و قصـرها نعمت‌هـای الهی اسـت (به شـرط آن که شـما را از یـاد خـدا غافـل نکنـد و سرکشـی نکنیـد). ۲. به یـاد نعمت‌های الهی باشـید و (ناسپاسی و) فسادگری نکنید. ۳. با مطالعه‌ی تاریخ اقوام سـرکش پیشـین درس عبرت بگیرید و فساد گری نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۷ قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجمو هفتاد و شـشم سوره‌ی اعراف به شبهه‌انگیزی اشـراف مسـتکبر و ایمان مستضـعفان به رسالت حضـرت صالح علیه السـلام اشاره می کند و گفتمان مسـتکبران با مستضـعفان را این گونه بازگو می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ اسْتَکْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لِلَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحاً مُرْسَلٌ مِن رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ* قَالَ الَّذِینَ اسْتَکْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِی آمَنْتُمْ بِهِ کَافِرُونَ از میان قومش اشرافی که تکّبر می‌ورزیدند، به کسانی از مستضـعفان که از بین آنان ایمان آورده بودنـد، گفتند: «آیا شـما یقین دارید که صالح فرستاده‌ای از طرف پروردگارش است؟!» (مستضـعفان) گفتند: «در حقیقت ما به آنچه (او) بدان رسالت یافته، مؤمنیم.»* کسانی که (از قوم صالح) تکّبر ورزیدند، گفتند: «در واقع ما به آنچه [شـما] بـدان ایمان آوریده‌ایـد، کافریم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اشـراف و مسـتکبران قوم صالح از مستضعفان با ایمان پرسـش می کردنـد، امـا هـدف آنان پژوهش و جست و جوی حق نبود، و تنها می‌خواسـتند با ایجاد شـبهه در دل مؤمنان مستضـعف روحیـه‌ی آنـان را تضـعیف کننـد. این یکی از شـگردهای دشـمنان دین است که در مـورد رهـبران الهی شـبهه ایجـاد می کننـد تـا با تضـعیف آنان به هدف‌های شوم خود برسـند. ۲. تعبیر «مستضـعفان و مسـتکبران» از الگوهای قرآنی است که در مبارزات بشـریت و صحنه‌های برخورد پیامبران با سـران کفر و شـرک چهره می‌نمایند. «مستکبران» ثروتمندان متکّبری هستند که خود را از دیگران برتر می‌بیننـد و به خـاطر حفظ منافع خود، ایمان نمی‌آورنـد و بر کفر و شـرک پافشاری دارنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۴۸ و «مستضـعفان» مردمی فقیر، با فکری قوی و ایمانی اسـتوار هسـتند که قدم در راه مبارزه با انحراف و فساد و کفر و شرک می گذارند. نکته‌ی جـالب این است که قرآن نمی گویـد آنـان ضـعیف هسـتند بلکه می گویـد ضـعیف نگه داشـته شده‌انـد؛ یعنی حقوق مـالی و

اجتماعی آنان را مستکبران به یغما برده و آنان را استثمار کرده‌اند. آری؛ قرآن به جای تعبیرات کارگر و سرمایه‌دار، یا طبقه‌ی پایین و بالا ـ و یا اشراف و فقرا، عناوین زیبا و پیام‌دار «مستضعفان و مستکبران» را به کار می‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر تضعیف رهبر دین بایستید و از او دفاع کنید. ۲. مستکبران شبهه‌انگیزی می‌کنند (پس مواظب باشید). ۳. معمولاً مستکبران و اشراف خار راه دین و دین‌داران هستند. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتم و هفتاد و هشتم سوره‌ی اعراف به سرکشی مستکبران قوم ثمود و مبارزه طلبی آنها و فرجام عذاب آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷ و ۷۸. فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَاصَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ* فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ و (مستکبران،) ماده شتر (معجزه‌آسا) را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما، بیاور!»* پس زلزله آنان را فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در احادیث اسلامی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حکایت شده است که حضرت صالح علیه السلام سالیان درازی مردم ثمود را به دین خدا فرا خواند ولی ایمان نیاوردند، تا این که با آن حضرت قرار گذاشتند که هر کدام از خدای دیگری چیزی بخواهند تا ببینند کدام خدا حق است. قوم ثمود چندین بت را می‌پرستیدند؛ صالح علیه السلام آنان را جدا جدا صدا زد، ولی پاسخی نشنیدند. سپس آنان از صالح خواستند که از خدا بخواهد، با معجزه، از کوه شتری بیرون آورد، و او چنین کرد، ولی جز اندکی ایمان نیاوردند، و صالح علیه السلام را متهم به سحر و دروغ گویی کردند. آن گاه از طرف خدا مقرر شد که شتر مذکور، یک روز در میان، از چشمه‌ی آنان آب بخورد، ولی آنها طاقت نیاوردند و شخصی نابخرد و شقّی را تحریک کردند تا شتر را پی کرد؛ «۱» سپس صالح از طرف خدا برای مردم پیام آورد که عذاب الهی در راه است؛ پس اگر توبه کنید، نجات می‌یابید، و گرنه گرفتار می‌شوید. آنان به صالح گفتند: عذابی را که وعده دادی بیاور. و این گونه بود که قوم ثمود گرفتار زلزله و صاعقه‌های وحشت‌آور شدند و نابود گشتند تا عبرت دیگران شوند. «۲» ۲. روشن است که کشتن یک شتر مسئله‌ی مهمی نبود؛ چون این گونه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۰ مسائل برای امتحان مردم است. مهم آن بود که آنان فرمان خدا را شکستند و از حد تجاوز کردند؛ از این رو در آیه‌ی فوق بر نافرمانی قوم ثمود تأکید شده است. جالب آن است که شتر را یک نفر کشت و بقیه با سکوت خود اعلام رضایت کردند و شریک جرم او به شمار آمدند و گرفتار عذاب شدند. «۱» ۳. مستکبران که شتر معجزه آسا را مانع راه خود می‌دیدند، کوشش کردند تا نوعی جنگ روانی علیه صالح پیامبر سازمان دهند؛ یعنی از طرفی شتر را نابود کردند و از طرف دیگر، با این کار خود، به حضرت صالح گفتند که همه‌ی این تهدیدهای تو بی‌اساس است. ۴. تعبیرات این آیات شاید اشاره به آن باشد که هنگام وقوع زلزله، قوم ثمود در خواب فرو رفته بودند «۲» و ناگهان به پا خاستند و بر سر زانو نشستند «۳» و جان خود را در همان حالت از دست دادند. «۴» ۵. در این آیه آمده است که سبب نابودی قوم ثمود «زلزله» بود، در سوره‌ی فصّلت «۵» و ذاریات، عامل نابودی را صاعقه معرفی می‌کند و در سوره‌ی حاقّه «۶» این عامل را چیزی فراتر از حدّ معرفی می‌کند. این سه تعبیر با هم قابل جمع است؛ «۷» یعنی ممکن است اول صاعقه‌ای وحشتناک ایجاد تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۱ شده، سپس زمین‌لرزه‌ای شدید پدید آمده و این عذاب‌های شدید و ویرانگر از حد عادی گذشته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام نافرمانی در برابر خدا و مبارزه با رهبران الهی، عذاب‌آلود است. ۲. سرکشی نکنید که عذاب الهی در خانه‌های شما به سراغتان می‌آید. ۳. عذاب الهی را طلب نکنید که ناگهان شما را فرا می‌گیرد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی اعراف به خیرخواهی و پیام رسانی رهبران الهی و واکنش منفی مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۹. فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلكِن لَاتُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ و (صالح) از آن (مستکبر) ان روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم [من ! رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و برای شما خیرخواهی کردم، ولیکن (شما) خیرخواهان را دوست ندارید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد زمان گفت و گوی صالح علیه السلام با قومش، که در این آیه بیان شد، دو احتمال داده‌اند: نخست آن که، این گفت و گو قبل از مرگ

و عـذاب قوم ثمود بود؛ یعنی برای اتمام حجت با آنان سـخن گفت. دوم آن که، این سـخنان بعد از مرگ و عذاب ثمود بود؛ یعنی حضـرت صالـح برای عـبرت‌آموزی دیگران، ارواح مردگـان را مورد خطـاب قرار داد؛ همـان طور که حکـایت شـده امـام علی علیه السـلام بعـد از مرگ طلحه در کنار جسدش تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۲ قرار گرفت و فرمود: «تو در اسـلام خدمات قابل ملاحظه‌ای داشتی؛ حیف که آنهـا را برای خود حفـظ نکردی». «۱» ۲. برنامه‌ی پیامبران، رسانـدن پیام و نصـیحت خیرخواهانه و دل سوزانه به امت است. عـذاب قوم ثمود نیز پس از شـنیدن پیام‌هـای الهی و هشـدارهای حضـرت صالـح و اتمام حجت به آنان و قبول نکردن خیرخواهی‌هـای او صـورت گرفـت. «۲» چه خـوش گفت یـک روز داروفروش شـفا بایـدت داروی تلـخ نـوش (سـعدی) ۳. مسـتکبران کـافرکیش، نصـیحت‌گران دل سوز را دوست ندارنـد، در حـالی که دوستی ناصـحان زمینه‌سـاز پیروی از آنان و نجات و سعادت است و استکبار و دوست نداشتن ناصحان و قبول نکردن پیام الهی، موجب روی برتافتن پیامبر از مردم می‌شود، که این خود زمینه‌ساز نزول عذاب الهی است. پروین به کج روان، سـخن از راستی چه سود کو در زمان آن که نرنجد ز حرف راست آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خیرخواهان نصیحت گر را دوست داشته باشید. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی پیام الهی را به مردم برساننـد و خیرخواهانه آنان را نصیحت کنند. ۳. از مستکبران نافرمان‌بردار روی برتابید که خیرخواهی را برنمی‌تابند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۳

ماجرای قوم لوط

قرآن کریم در آیه‌ی هشـتادم سوره‌ی اعراف به سـرگذشت لوط علیه السـلام و هم‌جنس‌گرایی در قوم او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۰. وَلُوطـاً إِذْ قَـالَ لِقَوْمِهِ أَتَـأْتُونَ الْفَاحِشَـةَ مَاسَـبَقَكُمْ بِهَـا مِن أَحَـدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ و (یاد کن) لوط را، هنگامی که به قومش گفت: «آیا [کاری زشت را مرتکب می‌شوید، در حالی که هیچ یک از جهانیان، در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضـرت «لوط» علیه السـلام خویشاوند ابراهیم علیه السـلام «۱» بـود کـه به آن حضـرت ایمـان آورد و به همراه ایشـان هجرت کرد. ابراهیم علیه السـلام لوط را به منطقه‌ای ثروتمنـد از شامـات فرسـتاد که در آن جا فحشا رواج داشت. در احادیث آمـده است که قوم لـوط مردمی بخیـل بودنـد و به همین جهت بـا هم‌جنس‌گرایی، مهمانـان خـویش را اذیت می‌کردنـد، تـا از آنـان بترسـند «۲» (یعنی ریشه‌ی انحراف آنان بُخل و دنیادوستی بود). در احادیث دیگری آمده است که هم‌جنس‌گرایی را شـیطان به آنان آموزش داد «۳»، و آنـان چنان به این عمل علاقه‌منـد شـده بودنـد که حتی پیشـنهاد ازدواج با دختران لوط را نمی‌پذیرفتنـد. «۴» مـاجرای قوم لوط در سوره‌های اعراف، هود، حجر، شـعراء، انبیاء، نمل و عنکبوت آمده است. تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۴ ۲. در این آیه اشاره شـده که هم‌جنس‌گرایی عملی زشت و ننگین است که توسط قوم لوط تأسـیس شد؛ یعنی در ملت‌های پیشـین سابقه نداشت؛ و این، زشتی آن عمل را چنـدین برابر می‌کند؛ چون قوم لوط پایه‌گذار یک روش غلط شدند و زمینه‌ی گناه دیگران را فراهم ساختند. «۱» ۳. بخش مهمی از تبلیغات حضرت لوط، مبارزه با فحشا و منکرات جنسی بود؛ زیرا مهم‌ترین مشکل جامعه‌ی او هم‌جنس‌گرایی بود. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. منادیـان دین، بـا اعمـال زشتی هم چون هم‌جنس‌گرایی مخالف هسـتند. ۲. رهـبران الهی و مبلغـان دینی با انحرافات جنسی جامعه مبارزه کنند. ۳. کارهای زشت و انحرافات جنسی جدید را اختراع و پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و یکم سوره‌ی اعراف به برخی از اشـکالات هم جنس گرایی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۸۱. إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَـهْوَةً مِن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ در واقع شـما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می‌روید؟! بلکه شما گروهی اسراف‌کار (و متجاوز) ید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل گناه قوم لوط به صورت سربسـته و مبهم، تحت عنوان «فحشا» بیان شـد و اینک، در این آیه، صـریحاً از گناه هم‌جنس‌گرایی نام می‌برد و آنان را بر این عمل سـرزنش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۵ این یکی از فنون بلاغت است که در بیان مسائل مهم، ابتدا مطلب به صورت سربسته و مبهم و بعد به صورت واضح بیان می‌شود، تا

مخاطب به تدریج آماده شود و به اهمیت گناه پی ببرد. «۱» ۲. خدای متعال وسیله‌ی تولید مثل را به صورت غریزی در مردان و زنان قرار داده است؛ پس اگر انسان از این راه طبیعی منحرف گردد و به سراغ هم‌جنس‌گرایی برود، دچار آثار و عواقب شومی می‌گردد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) زیان‌های بهداشتی برای هر دو طرف؛ «۲» ب) از بین بردن هدف اصلی آمیزش جنسی، که همان ادامه‌ی نسل است؛ ج) متزلزل شدن نظام خانواده. به عبارت دیگر، در ازدواج طبیعی، چندین فایده وجود دارد: دوستی و محبت، ادامه‌ی نسل انسان، تشکیل نظام خانواده، رعایت مسائل غریزی و طبیعی و دینی. «۳» این فواید در هم‌جنس‌گرایی وجود ندارد. متأسفانه در جهان کنونی دربرخی از کشورهای مدعی ترقی و پیشرفت، ازدواج هم‌جنس‌گرایان با هم دیگر به صورت قانونی درآمده است. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد فلسفه‌ی تحریم هم‌جنس‌گرایی حکایت شده است: هم‌جنس‌گرایی، علاقه‌ی خانوادگی میان زن و شوهر راکم و نسل را قطع می‌کند و آمیزش جنسی طبیعی را از بین می‌برد و فسادهای زیادی دارد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۶ ۴. در آیه‌ی فوق بیان شد که قوم لوط اسراف‌کار بودند. این تعبیر ممکن است اشاره به هم‌جنس‌گرایی باشد؛ چرا که هم‌جنس‌گرایی، خود نوعی اسراف و انحراف در شهوت جنسی، و خارج شدن از حدود الهی است؛ و نیز ممکن است این تعبیر آیه اشاره به آن باشد که قوم لوط در همه‌ی کارهای خویش زیاده‌روی می‌کردند که یکی از آن موارد، هم‌جنس‌گرایی بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم‌جنس‌گرایی نوعی انحراف جنسی و اسرافکاری است. ۲. غریزه‌ی جنسی را از راه طبیعی ارضا کنید و به سراغ راه‌های انحرافی نروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی اعراف به پاسخ غیرمنطقی قوم لوط و تبعید پاکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۲. وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ و [لی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «آنان را از آبادی‌تان بیرون کنید، که آنان مردمی هستند که پاک دامنی را می‌طلبند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جمله‌ی «آنان مردمی هستند که می‌خواهند پاک‌دامن باشند.»، دو گونه تفسیر شده است: نخست آن که، قوم لوط، آن قدر به فساد و انحراف کشیده شده بودند که پاک بودن را جرم می‌دانستند و می‌خواستند مؤمنان را به جرم پاک دامنی از شهر خارج کنند؛ چون مؤمنان را مزاحم شهوات خویش می‌دیدند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۷ دوم آن که، قوم لوط او و پیروانش را متّهم به تظاهر به پاک دامنی و ریاکاری می‌کردند. «۱» البته هر دو احتمال در این آیه قابل جمع است، ولی ظاهر آیه همان معنای اول است. ۲. گناهکاران قوم لوط از زشتی و گناهکاری خویش و پاکی لوط و پیروانش آگاه بودند و به پاک دامنی آنان اعتراف داشتند. ۳. اگر گناه و فساد در جامعه‌ای زیاد شود، پاکی جرم به شمار می‌آید «۲» و پاکان جامعه منزوی می‌گردند و تحت فشار قرار می‌گیرند و ممکن است تهدید به تبعید شوند. ۴. قوم لوط، شهر را متعلق به گناهکاران می‌دانستند و با انحصارطلبی، می‌خواستند لوط و پیروانش را از حق شهروندی محروم سازند، در حالی که نعمت‌های الهی برای مؤمنان پاک آفریده شده است و گناهکاران علف‌های هرزی هستند که در این بوستان روییده‌اند و از پرتو وجود گل‌ها استفاده می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه پیامبران، راه پاک دامنی است. ۲. گناهکاران قوم لوط هیچ گونه منطقی برای دفاع از خویشتن نداشتند، جز آن که به زبان حال می‌گفتند: «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو.» ۳. نگذارید جامعه به انحراف و فساد کشیده شود، و گرنه کار به جایی می‌رسد که پاک بودن، جرم به شمار می‌آید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۸ قرآن کریم در آیات هشتاد و سوم و هشتاد و چهارم سوره‌ی اعراف به عذاب عبرت‌آموز قوم لوط و نجات لوط و خانواده‌اش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۳ و ۸۴. فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ* وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ و او و خاندانش را نجات دادیم؛ جز زنش، که از بازماندگان (درآبادی) بود.* و بارشی (از سنگ‌های عذاب) بر آنان باراندیم؛ پس بنگر فرجام خلافکاران چگونه بوده است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیات دیگر قرآن «۱» استفاده می‌شود که همسر حضرت لوط، در آغاز، زنی غیرمنحرف بود، ولی بعد راه خیانت را در پیش گرفت و اسرار لوط علیه السلام را برای دشمنانش بازگو می‌کرد و کافران گناهکار را دوست داشت و از این رو همراه آنان در شهر ماند «۲» و گرفتار عذاب شد، «۳» ولی لوط و اعضای دیگر

خانواده و پیروانش نجات یافتند. ۲. نکته‌ی جالبی که از این آیه و آیات سوره‌ی تحریم «۴» استفاده می‌شود آن است که در خانه‌ی پیامبر بودن سبب نجات انسان نمی‌شود، زن لوط علیه السلام در خانه‌ی مقدسی بود ولی دچار عذاب شد، در حالی که زن فرعون که در کاخ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۵۹ فساد و طغیان بود، به موسی علیه السلام ایمان آورد و نجات یافت. ۳. در این آیه اشاره‌ای به نوع بارانی که بر قوم لوط فرود آمد، نشده است، اما از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که این باران معمولی نبود بلکه نوعی عذاب بود به صورت بارانی از سنگ‌های نشان‌دار. «۱» ۴. در برخی احادیث آمده است که قوم لوط، علاوه بر هم‌جنس گرایی، اهل قمار، هرزه گویی، توهین و پرتاب سنگ به عابرین و کشف عورت در انظار عمومی نیز بودند «۲» و شاید عذاب آنان با سنگ‌باران آسمانی، تناسبی با گناهان آنان نیز داشته باشد. ۴. در اسلام، کیفر هم‌جنس گرایی و لواط، برای فاعل ومفعول، اعدام است. «۳» در احادیث آمده است: در هنگام هم‌جنس گرایی، عرش خدا به لرزه می‌آید ... و کسی که این کار را انجام دهد، مورد خشم خداست و جایگاهش دوزخ است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام آیه‌ی نخست آن است که درنزد خدا، اصل، رابطه‌ی مکتبی افراد است نه رابطه‌ی خویشاوندی. ۲. حساب وابستگان منحرفِ رهبران الهی را از حساب خودشان جدا کنید. ۳. رهبران الهی و همراهان فکری آنان اهل نجات هستند. ۴. خدا خلافکاران و هم‌جنس‌بازان را به سختی مجازات می کند. ۵. از سرنوشت خلافکاران قوم لوط عبرت بگیرید. (و خلافکاری نکنید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۰

ماجرای قوم شعیب

قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و پنجم سوره‌ی اعراف به سرگذشت قوم شُعَیب و پیام توحیدی و برنامه‌ی اصلاحات اقتصادی او اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۵. وَإِلَی مَدْیَنَ أَخَاهُمْ شُعَیْباً قَالَ یَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ مَالَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ قَدْ جَاءَتْکُمْ بَیِّنَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ فَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ و به سوی مَدْیَن، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ (او) گفت: «ای قوم [من ! خدا را بپرستید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. بیقین دلیلی (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ پس پیمانه و ترازو را کاملًا ادا کنید، و به مردم [از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید؛ و در [روی زمین بعد از اصلاح شدنش، فساد مَکنید؛ این (رهنمودها) برای شما بهتر است؛ اگر شما مؤمنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شُعَیب پیامبر علیه السلام از نوادگان ابراهیم علیه السلام و پدر همسر موسی علیه السلام بود. او برای راه نمایی مردم «مَدْیَن» برانگیخته شد که یکی از شهرهای شام بود و مردم آن جا تاجرپیشه، مرّفه، بت‌پرست و کم‌فروش بودند. «۱» شرح ماجرای قوم شعیب در سوره‌های اعراف، هود و شعراء آمده است. ۲. «مَدْیَن» در اصل نام یکی از نوادگان ابراهیم علیه السلام بود، و شعیب نیز از فرزندان مَدْیَن بود، که نام مَدین را بر شهر محل سکونت آنان نیز نهادند. «۲» ۳. این آیه شعیب را برادر قومش خوانده است؛ شاید بدان سبب که شعیب با آنان خویشی داشت و یا این که هم چون برادری دل سوز با آنان رفتار می کرد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۱ ۴. پیام توحیدی شُعیب همان پیامی است که پیامبران پیشین منادی آن بودند؛ همان طور که در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی اعراف از زبان نوح و در آیه‌ی ۶۵ همین سوره از زبان هود و در آیه‌ی ۷۳ آن از زبان صالح بیان شده بود. دعوت به توحید و نفی شرک، اساس دین اسلام نیز هست. آری؛ پیامبران الهی و ادیان راستین، همگی در اصول مشترک بودند و مردم را به سوی توحید فرا می‌خواندند. ۵. «بیّنه» به معنای «دلیل روشن»، ظاهراً اشاره به معجزات شعیب است. ۶. شعیب در آغاز حرکت الهی خویش، با مفاسد اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی مبارزه می کند و از این روست که آنان را از کم‌فروشی و تزویر در معامله بازمی‌دارد. «۱» آری؛ کم‌فروشی، خیانت و تقلّب در معاملات، اعتماد عمومی را سلب می کند و این بزرگ‌ترین پشتوانه‌ی اقتصادی ملت‌ها متزلزل می‌شود و ضایعات جبران ناپذیری برای جامعه به بار می‌آورد. ۷. شاید جمله‌ی «اگر مؤمن باشید»، اشاره به آن است که این دستورات و توصیه‌های اجتماعی و اخلاقی هنگامی ثمربخش خواهد بود که از نور ایمان روشن گردد، و گرنه دوامی نخواهد داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱.

توحیـد گرایی اصـل مشـترک ادیـان راسـتین و شـعار رهبران الهی و ادیـان راستین است. ۲. اقتصـاد سـالم و جـامعه‌ی سالم با ایمان، سعـادت انسـان را تـأمین می‌کنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۶۲ ۳. رهبران الهی در مسائـل اقتصـادی جـامعه دخـالت، و با انحرافات اقتصادی مبارزه نماینـد. ۴. فساد و کم‌فروشـی نکنیـد و حقوق مردم را بپردازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و ششـم سوره‌ی اعراف به نصیحت‌های خیرخواهـانه‌ی شـعیب و راه‌هـای تهـاجم فرهنگی دشـمنان و نعمت کثرت جمعیت اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۶. وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجاً وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ و بر سر هر راهی ننشینید در حالی که (مردم را) تهدیـد کنید و از راه خدا، کسانی را که به او ایمان آورده‌اند، باز دارید، و می‌خواهید آن [راه را منحرف سازید؟! و به خاطر آورید هنگامی که اندک بودید، و (او) شما را بسیار گردانیـد؛ و بنگریـد که فرجـام فسـادگران چگونه بوده است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروهی از قوم شـعیب، افراد متمایـل به ایمـان را تهدید می‌کردند. مفسـران احتمال داده‌اند که این تهدید، کشتن آنان بوده باشد. «۱» ۲. جمعیت زیاد، یکی از نعمت‌های خـداست؛ زیرا می‌توانـد سرچشـمه‌ی قـدرت، عظمت و پیشـرفت جامعه باشد؛ البته به شـرطی که بتوان با برنامه‌ای منظم، زندگی آنان را از نظر مادی و معنوی تأمین کرد تا به قدرت و پیشـرفت برسـند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۳ ۳. مقصود از «نشسـتن بر سر هر راهی»، از نشستن کنار کوچه و خیابان برای فتنه‌گری، و یا تلاش از هر راه و شیوه‌ای برای فساد گری است. در هر صورت، از آیه‌ی فوق اسـتفاده می‌شود که ترسانـدن مردم و بـاج گیری و ایجـاد مزاحمت برای آنـان ممنوع است. «۱» ۴. دشـمن از دو راه به فرهنگ مؤمنان هجوم می‌برد: نخست می‌کوشـد آنان را بی‌دین کنـد و اگر موفق نشـد، می‌کوشـد که دین آنان را منحرف جلوه دهد. آری؛ دشـمنان حق، برای جلوگیری از راه خـدا، از هر شـیوه‌ای اسـتفاده می‌کننـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سـرنوشت فسادگران پیشین (هم چون قوم نوح و هود)، عبرت بگیریـد و راه آنـان را دنبـال نکنیـد (که گرفتار عـذاب الهی می‌شویـد). ۲. دشـمنان دین، از شیوه‌های مختلف برای مبارزه با شـما اسـتفاده می‌کننـد (ترفنـدهای آنان را بشناسـید و خنثی سازیـد). ۳. دشـمنان در پی مـانع تراشـی و ایجاد انحراف در راه خدا و اسـتفاده از سلاح تهدید هستند (پس مراقب باشید). ۴. با مطالعه‌ی تاریخ فسادگران، از سرگذشت آنان درس عبرت گیرید. ۵. به یاد نعمت‌های الهی باشـید تا نافرمانی نکنید. ۶. کثرت جمعیت یکی از نعمت‌های الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۶۴ قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و هفتم سوره‌ی اعراف به دو دسته شـدن قوم شـعیب و داوری خـدا بین آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۷. وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ و اگر دسته‌ای از شـما، به آنچه (من) بـدان رسـالت یـافته‌ام، ایمـان آورده‌انـد، و دسـته‌ای (دیگر) ایمان نیاورده‌انـد، پس شکیبـایی کنیـد تـا خـدا میـان مـا داوری کنـد، و او بهـترینِ داوران است.» نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. بـه طـور طـبیعی، پس از دعـوت و نصیحت‌های شـعیب، مردم بـه دو دسـته تقسیم شدنـد: از طرفی، کـافران بـه مخـالفت برخاسـته و قاعـدتاً می‌گفتنـد که اگر راسـت می‌گویی، چرا مخـالفت مـا گزنـدی به ما نمی‌رسانـد و عـذابی بر ما نازل نمی‌شود! و از طرف دیگر، مؤمنان که تحت فشار مخالفان بودند، می‌گفتند: ما تا چه زمانی در فشار باشیم؟ «۱» چرا پیروزی الهی نمی‌رسد؟ و شعیب به هر دو دسته می‌گفت: نه کافران مغرور شوند و نه مؤمنان مأیوس گردند؛ صبر کنید تا خدا حکم خویش را جاری سازد و ببینیم که چه کسـی را پیروز و چه کسی را عذاب می‌نماید. ۲. ایمان به رسالت، پیام و هدف فرستادگان خدا مهم است؛ از این رو پیامبران مردم را به خود دعوت نمی‌کردند، بلکه به سوی مفاد رسالت و هدف خویش فرا می‌خواندند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به هدف رهبران الهی توجه کنید و ایمان آورید. ۲. رهبران الهی و مبلّغان دینی، اگر مردم در برابر حق، دو دسته شدند، شما شکیبا باشید. ۳. زود قضاوت نکنیـد، کـه پایـان کـار ملاک (پیروزی و شـکست) اسـت. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی هشـتاد و هشـتم سـوره‌ی اعراف بـه واکنش تهدیـدآمیز مسـتکبران در برابر شـعیب و تحمیل عقاید و محرومیت از حق شـهروندی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۸. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَاشُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ از میان قومش اشـرافی

که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: «ای شعیب! بیقین، تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از آبادی‌مان بیرون خواهیم کرد، یا حتماً به آیین ما بازگردید.» (شعیب) گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید) و گر چه ناگوارمان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شعیب و پیامبران الهی دیگر، هیچ گاه بت‌پرست نبودند و عقل و درایت آنان اجازه‌ی چنین کار نابخردانه‌ای را نمی‌داد، اما از آن جا که شعیب قبلًا مأموریت تبلیغ رسالت نداشت و در برابر آنان سکوت می‌کرد، مشرکان می‌پنداشتند که او نیز پیرو آیین آنهاست؛ از این رو به شعیب می‌گفتند «به آیین ما بازگرد.» البته خطاب مشرکان به شعیب و یاران او بود؛ پس ممکن است دعوت به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۶ بازگشت به آیین بت‌پرستی، فقط برای پیروان شعیب باشد. «۱» ۲. شعیب با مستکبران و اشراف زورمند و مغروری درگیر بود که می‌خواستند عقاید خرافی خود را بر مردم تحمیل کنند و مؤمنان را به محرومیت از حق شهروندی تهدید می‌کردند. آری؛ مستکبران و اشراف همواره خار راه حق بوده‌اند. ۳. شعیب می‌خواهد به مشرکان بگوید: آیا سزاوار است که شما عقیده‌ی خود را بر ما تحمیل کنید و آیینی را که بطلانش روشن است، با زور به ما بقبولانید؟ این آیین تحمیلی چه سودی برای شما دارد؟ (و اساساً عقیده‌ی تحمیلی پایدار نیست). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مستکبران کافرکیش خواستار عقب گرد و ارتجاع شما هستند (پس مراقب باشید). ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی در برابر خشونت‌طلبی مخالفان، (تا حد امکان) از شیوه‌ی منطقی و ملایم استفاده کنند. ۳. عقاید خود را با اکراه بر دیگران تحمیل نکنید. ۴. مؤمنان را به خاطر عقایدشان، از حقّ شهروندی محروم نسازید که این شیوه‌ی مستکبران است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی اعراف به پاسخ مستدلّ شعیب به مستکبران و آثارمنفی ارتجاع اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۷ ۸۹. قَدِ افْتَرَیْنَا عَلَی اللّهِ کَذِباً إِنْ عُدْنَا فِی مِلَّتِکُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللّهُ مِنْهَا وَمَا یَکُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِیهَا إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا کُلَّ شَیْءٍ عِلْماً عَلَی اللّهِ تَوَکَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَیْرُ الْفَاتِحِینَ اگر بعد از آن که خدا ما را از آن نجات بخشیده، به آیین شما بازگردیم، در حقیقت، به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و برای ما شایسته نیست که به آن بازگردیم، مگر آن که خدایی که پروردگار ماست، بخواهد؛ علم پروردگار ما، بر همه چیز گسترده است. تنها بر خدا توکّل کرده‌ایم. [ای پروردگار ما! بین ما و بین قوم ما به حق (داوری کن و مشکل کار ما را) بگشا، و تو بهترینِ (داوران و) گشایندگانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شعیب اشاره کرده که ما از روی هوس و تقلید به آیین بت‌پرستی پشت پا نزده‌ایم، بلکه بطلان عقیده‌ی بت‌پرستی را به روشنی دریافته و فرمان توحید را با گوش جان شنیده‌ایم؛ پس اگر از آیین توحید به شرک بازگردیم، آگاهانه بر خدا دروغ بسته‌ایم و مستحقّ مجازات او خواهیم بود. ۲. در این آیه به آثار منفی ارتجاع و بازگشت به عقاید خرافی شرک‌آمیز اشاره شده است؛ از جمله: الف) بازگشت به شرک، نوعی دروغ‌پردازی و تهمت زدن بر خداست. ب) ارتجاع، نوعی قدرناشناسی نسبت به آزادی و نجات از شرک است. ۳. شعیب با بیان «احاطه‌ی علمی خدا به همه چیز»، بدین مطلب اشاره دارد که اگر انسان‌ها بعد از دادن دستوری آن را تغییر می‌دهند، به خاطر علم محدود آنها یا اشتباهشان است، اما خدایی که به همه چیز آگاه است، اشتباه نمی‌کند و از دستور خود پشیمان نمی‌گردد و دستور بازگشت به شرک نمی‌دهد. ۴. در دعای شعیب، بین خواسته‌ی او و نام‌های خدا، که آورده است، تناسب وجود دارد؛ او «گشایش و داوری» «۱» را خواست و خدا را با عنوان تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۸ «بهترین داوران و گشایندگان» خواند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و پیروان آنها هرگز عقب‌گرد نمی‌کنند و عقاید ارتجاعی را نمی‌پذیرند. ۲. به پیشنهاد شرک‌آلود دشمنان، با قاطعیت پاسخ دهید و بر خدا توکّل کنید و از او گشایش بخواهید. ۳. ارزش نجات از شرک را بدانید و بدان بازنگردید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی اعراف به تبلیغات مخالفان شعیب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۰. وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ اتَّبَعْتُمْ شُعَیْباً إِنَّکُمْ إِذاً لَخَاسِرُونَ و از میان قومش اشرافی که کفر ورزیدند، گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، در این صورت حتماً شما زیانکارید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان پیامبران، با تهدید و فشار تبلیغاتی، می‌خواستند راه روشن پیامبران را ببندند و مردم را از ایمان آوردن بازدارند. این شیوه در عصر حاضر نیز بر ضد اسلام به کار گرفته می‌شود. ۲. از آن جا که انسان به صورت غریزی در پی به دست آوردن منافع و دفع

زیان‌هاست، مخالفان شعیب نیز از همین نکته‌ی غریزی و روان شناختی، برای جلوگیری از گرایش مردم به دین استفاده کردند و آنان را به زیان‌های تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۶۹ اقتصادی تهدید نمودند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اشراف (مستکبر و کفرپیشه) خار راه رهبران الهی هستند. ۲. پیروان رهبران الهی آماده‌ی حملات مسموم تبلیغاتی مرفهان بی درد باشند (و به آنان پاسخ مناسب بدهند). *** قرآن کریم در آیات نود و یکم و نود و دوم سوره‌ی اعراف به عذاب دردناک قوم شعیب و زیانکاری آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۱ و ۹۲. فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ* الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْباً كَأَن لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْباً كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ پس زلزله آنان را فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پا درآمدند.* کسانی که شعیب را تکذیب کردند، (آن چنان نابود شدند که) گویا در آن (شهر) سکونت نداشتند! کسانی که شعیب را تکذیب کردند، تنها (آنان) زیانکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات قرآن تعابیر متعددی درباره‌ی عامل نابودی قوم شعیب دارد: در این آیه «زلزله» «۲»، در سوره‌ی هود «صیحه‌ی آسمانی» «۳» و در سوره‌ی شعراء تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۰ «سایبانی از ابر کُشنده» «۱» عامل نابودی آنان معرفی شده است. شاید همه‌ی این تعبیرها به یک موضوع باز گردد؛ یعنی یک صاعقه‌ی وحشتناک آسمانی از درون ابر تیره‌ای برخاسته و شهر آنان را هدف قرار داده و به دنبال آن زمین‌لرزه‌ی شدیدی تولید شده و همه چیز را درهم کوبیده است. «۲» ۲. در آیات ۸۸ و ۹۰ همین سوره گذشت که اشراف و مستکبران، شعیب و پیروانش را تهدید کردند که آنان را از خانه‌هایشان اخراج خواهند کرد. به مؤمنان نیز می‌گفتند که اگر شما از شعیب پیروی کنید، زیانکار می‌شوید. آیه‌ی فوق در حقیقت پاسخی به مخالفان است «۳» که می‌گوید: خدا آن چنان کافران را نابود کرد که گویی هرگز در آن جا سکونت نداشتند، «۴» تا چه رسد که بخواهند مؤمنان را اخراج کنند؛ و دیدید که این مستکبران کافرکیش، در نهایت زیانکار شدند. ۳. خسران و زیان واقعی از آنِ مخالفان پیامبران است؛ چرا که آنان هم در دنیا گرفتار بلا شدند و هم در رستاخیز به عذاب الهی گرفتار می‌شوند؛ به عبارت دیگر، آنان از نظر دینی و دنیوی زیان کردند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب الهی ناگهان می‌رسد (پس به هوش باشید). ۲. از سرکشی و نابودی قوم شعیب عبرت گیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی اعراف به اتمام حجّت شعیب و روی‌گردانی او از اشراف مستکبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۳. فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ و (شعیب) از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم [من ! به راستی من رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و برای شما خیرخواهی نمودم؛ پس چگونه بر (حال) گروهی کافر اندوهگین شوم؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت شعیب در این سخنان اشاره کرده «۱» که من آخرین کوشش و تلاش را برای هدایت این مردم انجام دادم، ولی آنان در برابر حق سر تسلیم فرود نیاوردند، پس می‌بایست چنین سرنوشت شومی داشته باشند و تأسفی بر حال آنان نیست؛ آنان لیاقت ندارند که کسی برایشان دل سوزی کند و اندوهگین باشد. ۲. شعیب هم چون پیامبران دیگر خیرخواهانه و دل سوزانه به وظیفه‌ی تبلیغ عمل کرد، سپس با مردم اتمام حجّت نمود و عذاب الهی بعد از این مراحل فرود آمد و عبرت‌آموز ملت‌های دیگر شد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۲ ۳. گاهی گناهان و لجاجت مردم به جایی می‌رسد که پیامبران الهی از هدایت آنان مأیوس می‌شوند و از ایشان روی می‌گردانند و هیچ گونه تأسفی به حال آنان نمی‌خورند. در این هنگام انسان به حال خود واگذاشته می‌شود و به طرف سقوط و نابودی گام برمی‌دارد و این نوعی کیفر برای گناهکارانی است که حق را نمی‌پذیرند که منتهی به نزول عذاب الهی می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کاری نکنید که رهبران الهی از شما مأیوس شوند (و عذاب الهی فرود آید). ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی پیام‌های الهی را به مردم برسانند و خیرخواهانه آنان را نصیحت کنند. ۳. اگر اتمام حجّت کردید و مردم توجه نکردند، از آنان روی برتابید و برایشان اندوهگین نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی اعراف به نقش مشکلات در فروتنی مردم اشاره کرده، می‌فرماید: ۹۴. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ و ما هیچ پیامبری را در هیچ آبادی نفرستادیم، مگر این که مردمش را به سختی (زندگی) و زیان (جسمی و روحی)

گرفتار ساختیم؛ تا شاید (فروتن و) تسلیم گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک قانون و سنت کلی حاکم بر سرگذشت همه‌ی پیامبران و امت‌های آنان را بیان کرده است؛ یعنی پیش از بعثت پیامبران، اوضاع به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۳ گونه‌ای دگرگون و ناهنجار می‌شد که مردم به طور طبیعی و فطری خواستار رهایی از سختی‌ها و دشواری‌ها می‌شدند و زمینه‌ی حضور پیامبر جدید فراهم می‌شد. ۲. واژه‌ی «شاید» اشاره به آن است که مشکلات و بلاها همه‌ی افراد را یکسان بیدار نمی‌کند؛ گروهی کاملًا بیدار می‌شوند و نقطه‌ی عطفی در زندگی آنان پیدا می‌شود و به طرف خدا بازمی‌گردند؛ بیداری گروهی دیگر، زودگذر و ناپایدار است و گروهی نیز به خواب سنگینی فرو رفته و هیچ گاه بیدار نمی‌شوند. ۳. مردم تا هنگامی که غرق در نعمت‌اند، کم‌تر به سخنان حق گوش می‌دهند و آنها را می‌پذیرند، اما وقتی دچار مشکلات جانی و مالی می‌شوند، فطرتشان بیدار می‌گردد و آماده‌ی پذیرش حق می‌شوند، و با زاری و توبه به سوی خدا باز می‌گردند. درد آمد بهتر از مُلک جهان تا بخوانی تو خدا را در نهان (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشکلات و سختی‌ها، عامل سازندگی، غفلت‌زدایی و تربیت انسان است. ۲. ناگواری‌ها را همیشه نشانه‌ی قهر الهی ندانید، بلکه گاهی نشانه‌ی لطف الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی اعراف هشدار می‌دهد که گاهی رفاه‌زدگی‌ها، قهر الهی را در پی دارد و می‌فرماید: ۹۵. ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَايَشْعُرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۴ سپس نیکی (و نعمت) را به جای بدی (و سختی) قرار دادیم؛ تا آن که فزونی گرفتند، و گفتند: «در واقع به پدران ما (نیز) سختی و راحتی رسیده است.» پس ناگهان آنان را گرفتار (مجازات) ساختیم، و حال آن که آنان (با درک حسّی) متوجّه نبودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «عَفْو»، یا اشاره به آن است که به آن مردم امکانات دادیم تا افزایش یابند، یا این که به آنان نعمت دادیم تا خدا را فراموش و یادش را ترک کردند و یا این که به آنان نعمت دادیم تا به وسیله‌ی آن، آثار دوران سختی را از بین بردند. «۱» البته در هر صورت، اشاره به آن است که رفاه زدگی یکی از عوامل غفلت و سرکشی است. ۲. آیات ۴۲- ۴۴ سوره‌ی انعام نیز مشابه این آیه‌اند. در آن جا می‌فرماید: به سوی امت‌های پیش از تو نیز (پیامبرانی) فرستادیم و آنان را با مشکلات جانی و مالی گرفتار کردیم تا شاید توبه و زاری کنند و به سوی خدا بازگردند ... ولی قلب‌های آنان سخت شده بود و شیطان اعمالشان را برایشان جلوه می‌داد؛ پس هنگامی که تذکرات ما را فراموش کردند، درهای هر نعمتی را به روی آنان گشودیم و پس از کام یابی‌ها، ناگهان گرفتارشان کردیم. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رفاه‌زدگی یکی از عوامل غفلت و عذاب است. ۲. قهر الهی بدون اطلاع و ناگهان می‌رسد (پس مواظب باشید و قبل از آن که دیر شود به سوی خدا بازگردید). ۳. رفاه و خوشی را نشانه‌ی لطف خدا ندانید، که گاهی زمینه‌ساز قهر الهی است (و مواظب باشید که در هنگام نعمت‌ها غافل نشوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی اعراف به یک قانون کلی الهی در سرنوشت انسان و نقش امور معنوی در شکوفایی زندگی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۶. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس به خاطر آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن است مقصود از «برکات» «۱» در این آیه، نعمت‌های مادی، مثل نزول باران و روییدن گیاهان و شکوفایی اقتصادی، یا نعمت‌های معنوی مثل استجابت دعا و حل مشکلات زندگی و یا مقصود از برکات آسمانی، برکات معنوی و منظور از برکات زمینی، همان برکات مادی باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۶ البته ممکن است همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد. ۲. این آیه هرچند ناظر به اقوام پیشین، مثل قوم نوح، هود و شعیب است، اما مفهوم آیه وسیع است و منحصر به ملت خاصی نیست و یک سنت عمومی و قانون الهی را بیان می‌کند؛ یعنی هر ملتی که ایمان و تقوا داشته باشد، نعمت‌های آسمان و زمین بر آن ملت سرازیر می‌شود، «۱» که مصداق کامل آن در دوران حضرت مهدی (عج) تحقق خواهد یافت؛ و هر ملتی که راه طغیان و گناه در پیش گیرد، گرفتار عواقب اعمال خویش

می‌شود. ۳. گاهی مشاهـده می‌شود که ملت‌های بی‌ایمان در ناز و نعمت هسـتند و ملت‌های باایمان در سـختی روزگار می‌گذرانند. علت این امر چیست؟ پاسخ این سؤال بـا تـوجه به چنـد نکته روشن می‌شـود: الـف) ممکن است ملت‌هـای بی‌ایمـان، از نظر مـادی پیشـرفت‌هایی بنماینـد، اما به خاطر دوری از خـدا و تعالیم عالی مذهبی، گرفتار دردهای جانکاه روحی، روانی و جسـمی می‌شوند- که امروزه در جهان غرب شاهد آن هستیم- در حالی که انسان‌های باایمان غالباً از بهداشت روانی برخوردارند. ب) نداشتن ایمان و تقوا سبب می‌شود که بسیاری از نعمت‌های الهی بی‌برکت و ناپایدار گردد؛ همان گونه که امروزه بسیاری از نیروها و منابع اقتصادی در غرب در مسیر مسابقه‌ی تسلیحاتی و سـلاح‌های کشـتار جمعی به کار می‌رود و اسباب نابودی بشریت را فراهم می‌کند؛ پس هر نوع پیشـرفت مـادی به معنـای برخورداری انسـان از برکـات الهی نیست. ج) گـاهی رفاه مادی نوعی قهر الهی است. در برخی آیات قرآن نیز به این مطلب اشاره شـده است که گاهی خدا به کافران و گناهکاران همه‌ی نعمت‌ها تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۷ را می‌دهـد تا سرکشـی کننـد و زمینه‌ی عذاب الهی را فراهم سازند. «۱» د) گـاهی ملت‌های بی‌ایمان همان اصول و تعلیمات اساسـی دین، مثـل نظم، مسئولیت‌پذیری و تلاش را به کار می‌بندنـد و از نتایـج شـیرین دنیایی آن بهره‌منـد می‌شونـد، در حالی که برخی از ملت‌های مسـلمان، برخلاف آنها عمل می‌کنند و از ثمرات نعمت‌های الهی محروم می‌شوند. ه) برخی از ملت‌ها به ظاهر مسلمان‌اند، اما اصول و آموزه‌های قرآن کریم و پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به کار نمی‌بندند و حقیقت ایمان و تقوا در اعمال و شـئون زنـدگی آنان نفوذ نکرده است؛ از همین رو جامعه‌هایی عقب‌افتاده دارند. اسـلام به ذات خویش ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست ۴. آیه‌ی فوق به رابطه‌ی فرهنگ و اقتصاد اشاره می‌کند، و آن این که سرمایه‌گذاری فرهنگی و معنوی در جـامعه، بـازده اقتصـادی نیز دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمـان و تقوای جمعی، سـبب نزول برکـات الهی است. ۲. عامل محرومیت‌هـای مردم، اعمال خود آنهاست. ۳. امور فرهنگی و معنوی در اقتصـاد تـأثیر دارد. ۴. به امور معنوی جامعه توجه کنیـد، تا زندگی مادی و معنوی مردم شـکوفا شود. ۵. آیات الهی را دروغ نشـمارید، تا گرفتار نشوید. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۷۸

تاثیر عوامل معنوی (ایمان و تقوا)

قرآن کریم در آیـات نـود و هفتم تـا نـود و نهم سوره‌ی اعراف در مورد مجـازات شـبانگاهی و ناگهـانی الهی و نیز ترفنـدهای الهی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹۷- ۹۹. أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَی أَنْ یَأْتِیَهُمْ بَأْسُنَا بَیَاتاً وَهُمْ نَائِمُونَ* أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَی أَنْ یَأْتِیَهُمْ بَأْسُنَا ضُحیً وَهُمْ یَلْعَبُونَ* أَفَأَمِنُوا مَکْرَ اللّهِ فَلَا یَأْمَنُ مَکْرَ اللّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ و آیا اهل این آبادی‌ها ایمن شده‌اند، از این که سختی (مجازات) ما شبانگاه به آنان در رسد، در حالی که آنان خواب باشند؟!* و آیا اهل این آبادی‌ها ایمن شده‌اند، از این که سختی (مجازات) ما، نیمروز به آنـان در رسـد، در حـالی که آنـان بـازی می‌کننـد؟!* و آیـا (آنان) از ترفنـد خـدا ایمن شده‌انـد و [حال آن که جز گروه زیانکاران از ترفنـد خـدا ایمن نمی‌باشـند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سـرنوشت و زنـدگی انسان در دست قـدرت خـداست و او با یک فرمان می‌توانـد، طومار زنـدگانی بشـر را درهم بپیچـد و احتیاج به مقـدمه‌چینی قبلی نـدارد. او می‌توانـد در یک لحظه از شب یا نیم روز، انواع بلاها را بر سر انسان بی‌خبر فرو ریزد. ۲. انسان با این که بسیاری از نیروهای طبیعی را رام خویش کرده، اما هنوز در برابر حوادث طبیعی، مثـل زلزله و صـاعقه، بی‌دفـاع و نـاتوان است. عـذاب‌های الهی مخصوص ملت‌هـای پیشـین نبود و قانون الهی شامل همه‌ی ملت‌هـا می‌شود. ۳. قرآن کریم زنـدگی دنیایی را نوعی سـرگرمی و بازی می‌دانـد «۱» و در این تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۱۷۹ آیه نیز از زنـدگی روزمره بـا عنوان بـازی یـاد کرده است؛ آری گـاهی بزرگ سالاـن هم چون کودکـان هستند که فقط وسایـل بازی و قـدرت‌نمایی آنان بزرگ‌تر و خطرناک‌تر شـده است. ۴. مقصـود از مکر «۱» الهی در آیه‌ی فـوق آن است که خـدا مجرمان را با نقشه‌هایی، از زنـدگانی مرفه و هـدف‌های خوش گـذرانانه بازمی‌دارد. این در حقیقت اشاره به همان کیفرها و بلاهای

ناگهانی است که پس از اجرای نقشه‌های تـدریجی فرود می‌آید. ۵. مقصود از ایمن نبودن از ترفند الهی، همان ترس از مسئولیت‌ها و کوتـاهی نکردن در آنهـا و بـا بیم و امیـد زنـدگی کردن است؛ و همین موازنه‌ی درونی مؤمنان سرچشـمه‌ی حرکت‌های مثبت در آنـان می‌شود. آنـان که کیفرهـای الهی را فراموش می‌کننـد و بـدون بیم دست به هرکـاری می‌زننـد، در نهایت گرفتار عـذاب الهی می‌شونـد و زیانکار می‌گردند. ۶. آیه‌ی اخیر شامـل همه‌ی انسان‌هـا می‌شود؛ یعنی همه‌ی مردم، حتی پیـامبران و پیشوایان و صالحان نیز اگر خود را از مجـازات و ترفنـد الهی در امـان بداننـد، خسـارت می‌بیننـد؛ انسان‌های معصوم نیز، مراقب اعمال خویش هسـتند تا نلغزنـد؛ چون عصـمت ارادی و اختیـاری است و معصوم بودن به معنـای محال بودن خلافکاری نیست و حتی پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله می‌فرمایـد: من می‌ترسم اگر نافرمـانی پروردگـارم را بنمایم، گرفتار عـذاب روزی بزرگ شوم. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۰ از امـام صادق علیه السـلام نیز حکایت شـده که در نماز می‌فرمود: پروردگارا! مرا از ترفنـد خود ایمن مَساز. سپس قسـمتی از آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد. «۱» و نیز در نهـج‌البلاغه از امـام علی علیه السـلام حکایت شـده: حتی بر نیکان این امت از کیفر الهی ایمن مباش. سپس به آیه‌ی فوق استشهاد می‌کردند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب الهی زمان معینی ندارد و شب و روز نمی‌شـناسد (پس مراقب اعمـال خود باشـید). ۲. انسان‌هـای بی‌تفـاوت، که از نقشه‌هـا و عـذاب الهی بیمی ندارنـد، گرفتـار خسـران می‌شوند. ۳. همیشه از قهر و ترفنـد الهی بیمنـاک باشـید، تا به کارهای خلاف نزدیک نشویـد و زیانکار نگردیـد. ۴. خواب و بازیِ زنـدگی، شـما را از عذاب الهی غافل نسازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی اعراف به عبرت آموزی از زندگی پیشـینیان و نقش گناهان در نزول عـذاب اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۰۰. أَوَ لَمْ یَهْـدِ لِلَّذِینَ یَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْـدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَـبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَایَسْـمَعُونَ و آیا (حوادث پیشـینیان) برای کسانی که زمین را پس از اهلش به ارث می‌برند، رهنمون نشـد، بـه ایـن کـه اگر (بر فرض) بخـواهیم، آنـان را بـه تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتـم، ص: ۱۸۱ (سـزای) پیامـدهای (گناهان) شان می‌رسـانیم، و بر دل‌هایشـان مُهر می‌نهیم؛ و آنان (صـدای حق را) نمی‌شـنوند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اقوام گذشـته در اثر گناهانشان گرفتـار عـذاب الهی شدنـد، پس لازم است که نسل‌های آینـده از سرنوشت نسل‌های پیشـین عبرت بگیرنـد و به کژراهه نرونـد. ۲. کسانی که در راه انحراف، کفر و گناه قدم برمی‌دارند و بر آن اصرار می‌ورزند، ناپاکی، هم چون نقش بر سکّه، بر دل‌هایشان نقش می‌بندد «۱» و حسّ تشـخیص خوب و بـد را از آنـان می‌گیرد، به طوری که حق و باطل را تشـخیص نمی‌دهنـد و گویا بر دل و عقل آنها مهر زده شده و حقایق را نمی‌شـنوند و درک نمی‌کنند. ۳. نقش بسـتن ناپاکی بر دل‌ها و مهر گذاردن بر آن در اثر تکرار عمل انسان است و از آن جهت این تأثیر به خدا نسبت داده شده که او سـبب اصلی و سرچشمه‌ی تأثیر هر مؤثری است. «۲» ۴. مقصود از «قلب» در آیه‌ی فوق، قلب صـنوبری گوشتی که در سـینه‌ی انسـان قرار دارد نیست؛ منظور همان بعـد دوم انسان، یعنی نفس، روح و شخصیت واقعی اوست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کیفرهای الهی نتیجه‌ی کردار خود شماست. ۲. گناهکاری موجب مهر زده شدن بر دل‌ها و نشنیدن حقایق می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۲ ۳. از سرنوشت عذاب‌آلود ملت‌های پیشین عبرت بگیرید و راه گناهکـاران را نرویـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و یکم سـوره‌ی اعراف به نقش تکـذیب‌گری در بی‌ایمـانی و مهر خـوردن بر دل‌ها اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۰۱. تِلْکَ الْقُرَی نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَـدْ جَاءَتْهُمْ رُسُـلُهُمْ بِالْبَیِّنَاتِ فَمَا کَانُوا لِیُؤْمِنُوا بِمَا کَذَّبُوا مِن قَبْلُ کَذلِکَ یَطْبَعُ اللّهُ عَلَی قُلُوبِ الْکَافِرِینَ این‌ها شـهرهایی است که از اخبار بزرگ آنها برای تو حکایت می‌کنیم؛ و در حقیقت فرسـتادگانشان دلایـل (معجزه‌آسا) برای آنان آوردنـد؛ و [لی آنان به آنچه قبلًا تکـذیب کرده بودنـد، هرگز ایمان نمی‌آوردنـد؛ این گونه خـدا بر دل‌های کافران مُهر می‌نهـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی همواره، برای دعوت و هـدایت مردم قیام می‌کردنـد و دلایـل و معجزات می‌آورنـد تـا حجّت بر مردم تمـام شود، امـا مخالفـان لجوج حاضـر نبودنـد حقـایق روشن را بپذیرنـد؛ تکـذیب و لجـاجت از عوامل کفر است. ۲. در این آیه نیز به «مهر گـذاردن بر قلب‌هـا» اشـاره شـده، که در حقیقت اشـاره به تأثیر تکرار اعمال خلاف و تکذیب‌گری کافران است. این اعمال سـبب می‌شود که ناپاکی بر دل‌های آنان نقش بندد و حسّ تشـخیص و درک حق و

باطل از آنان گرفته شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب و لجاجت، از عوامل ایمان نیاوردن مخالفان به خداست. ۲. بخشی از مطالب قرآن، داستان‌ها و اخبار پیامبران الهی است (که برای شما عبرت‌آموز است). ۳. آیات الهی را تکذیب نکنید که موجب مهر خوردن بر دل (و عقل و عدم درک حقایق) می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی اعراف به عهدشکنی و نافرمانی کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲. وَمَا وَجَدْنَا لأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ و برای بیش‌تر آنان هیچ پیمان (استواری) نیافتیم؛ و بیقین اکثر آنان را نافرمانبردار یافتیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیمان‌شکنی و روحیه‌ی عصیانگری، دو عامل اساسی مخالفت با پیامبران بوده است. ۲. مقصود از «عهد» در این آیه، یا همان پیمان فطری انسان‌ها بر توحید است که در هنگام آفرینش از آنان گرفته شده، «۱» یا اشاره به پیمان‌هایی است که پیامبران الهی از مردم می‌گرفتند و بسیاری از مردم آنها را می‌پذیرفتند و سپس عهدشکنی می‌کردند و یا اشاره به همه‌ی پیمان‌های فطری و قانونی (و تشریعی) است. ۳. تعبیر «اکثرهم» که در این آیه دوبار به کار رفته است، برای رعایت حال اقلّیت‌های مؤمن است که در بین عهدشکنان و این اقوام سرکش زندگی می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۴ گاهی تعداد افراد با ایمان از افراد یک خانواده تجاوز نمی‌کرد، ولی قرآن حق آنها را رعایت کرده و حسابشان را از اکثریت عصیانگر و عهدشکن جدا ساخته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اکثریت کافران، پیمان‌شکن و عصیانگرند (پس مواظب باشید). ۲. منصفانه سخن بگویید و رعایت حقوق اقلیت را بنمایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی اعراف به سرگذشت موسی و فرعون و ستمکاری و فسادگری فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۳. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِها فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ آن گاه، پس از آن (پیامبر) ان، موسی را با نشانه‌های (معجزه‌آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ و [لی به آن (نشانه‌های معجزه‌آسا) ستم کردند؛ پس بنگر فرجام فسادگران چگونه بوده است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی بن عِمران، از پیامبران بزرگ خداست، و نام او بیش از ۱۳۰ بار در قرآن آمده است و بیش‌ترین معجزات برای این پیامبر الهی حکایت شده است. قرآن کریم در سوره‌های اعراف، بقره، طه، شعراء، نمل، قصص و سوره‌های دیگر، قسمت‌هایی از سرگذشت او را بیان کرده است. سوره‌ی اعراف اولین سوره‌ی مکی است که داستان موسی علیه السلام را بیان می‌نماید. «۱» ۲. توجه وافر قرآن به سرگذشت موسی، فرعون و بنی‌اسرائیل از چند تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۵ جهت است: نخست آن که یهودیان زیادی، در محیط عربستان زندگی می‌کردند و در فرهنگ عمومی مردم نفوذ داشتند؛ پس لازم بود که قرآن و پیامبر اسلام به آنان توجه کنند و با بیان سرگذشت پیشینیان آنان، به شبهاتشان پاسخ دهند. دوم آن که قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علیه شرک و کفر و مستکبران مکه، شباهت زیادی به سرگذشت موسی علیه السلام داشت. سوم آن که کشور مصر، نسبت به سرزمین اقوام هود و شعیب و امثال آنها، وسیع‌تر و دارای تمدن پیشرفته‌تری بود و درگیری موسی با سران مصر نیز مهم‌تر و عبرت‌آموزتر از بقیه بود. «۱» و چهارم آن که یهودیان نژادپرست همواره مهم‌ترین دشمنان اسلام به شمار می‌آمدند؛ پس لازم بود که قرآن با بیان سابقه‌ی بنی اسرائیل، این خطر را بارها و به صورت مفصل گوشزد کند. امروزه نیز صهیونست‌ها و یهودیان نژاد پرست خطرناک‌ترین دشمن اسلام و مسلمانان هستند. ۳. حوادث زندگی موسی علیه السلام پنج مرحله‌ی مشخص دارد: دوران تولد، دوران فرار از مصر به مَدین، دوران بعثت و درگیری با فرعونیان، دوران نجات بنی‌اسرائیل از چنگال فرعون و دوران درگیری‌های داخلی موسی با بنی‌اسرائیل. آیات فوق به دوره‌ی سوم، یعنی دوران بعثت و درگیری موسی علیه السلام با فرعونیان اشاره دارد. ۴. موسی علیه السلام نخست به سراغ فرعون «۲» و اشراف و سران قوم او رفت؛ چرا تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۶ که از طرفی می‌خواست مردم بنی‌اسرائیل را از چنگ فرعونیان نجات دهد و این امر بدون گفت و گو با فرعونیان امکان‌پذیر نبود و از طرف دیگر، برای اصلاح مفاسد اجتماعی، لازم بود ابتدا سردمداران سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اصلاح گردند. این آموزه‌ای است برای همه‌ی مبارزان راه خدا در طول تاریخ. ۵. آیات و نشانه‌های الهی برای همگان فرود می‌آید و همه باید آنها را بپذیرند و به اصلاح خویش و جامعه بپردازند، ولی فرعون و اطرافیانش، با انکار این آیات، هم خود و هم

دیگران را از نور آیات الهی و رشد و تکامل محروم ساختند و بدین ترتیب هم به خود ستم کردند و هم به دیگران. ۶. فرعونیان فسادگر بودند؛ آنان با ایستادگی در برابر پیامبر خدا و تکذیب آیات الهی، مانع اصلاحاتش شدند و بندگان خدا را به بردگی گرفتند. این‌ها از بزرگ‌ترین فسادهاست. ۷. موسی علیه السلام همراه با آیات و نشانه‌ها و معجزات فرستاده شد تا حجت را بر مردم تمام کند. در آیات بعدی از برخی معجزات موسی علیه السلام، هم چون عصا و دست سفید، یاد می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرگذشت موسی و فرعون را مطالعه کنید (و عبرت بگیرید). ۲. رهبران الهی به سراغ ستمکاران و فسادگران بروند (تا آنان را اصلاح کنند). ۳. اصطلاحات را از سران و رهبران جامعه شروع کنید. *** قرآن کریم در آیات صد و چهارم و صد و پنجم سوره‌ی اعراف به سخنان قاطع و حکیمانه‌ی موسی علیه السلام و خواسته‌ی منطقی و مستدل او در برابر فرعون اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۷ ۱۰۴ و ۱۰۵. وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ* حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَاأَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ و موسی گفت: «ای فرعون! به درستی که من فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم.* شایسته است که بر خدا جز (سخن) حق نگویم. در واقع دلیلی (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی‌اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را به همراه من بفرست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اطرافیان فرعون، هرگاه می‌خواستند با او سخن بگویند، معمولًا با تملّق و چاپلوسی او را سرور، مالک، پروردگار و مانند آن خطاب می‌کردند و گویا این اولین بار بود که با خطاب «ای فرعون» با او سخن می‌گفتند؛ از این رو این تعبیر زنگ خطری برای فرعون بود. ۲. این تعبیر موسی که گفت: «من فرستاده‌ی پروردگار جهانیانم.»، نوعی اعلان جنگ با فرعون بود؛ چرا که فرعون خود را پروردگار بزرگ می‌دانست، «۱» ولی موسی در حقیقت اشاره کرد که تو دروغ می‌گویی و پروردگار کسی دیگر است و من نماینده‌ی او هستم. ۳. پیامبران الهی، برای اصلاح جامعه، نخست به سراغ رهبران سرکش می‌رفتند و سخن خود را شجاعانه و بدون هراس می‌گفتند و به سوی پروردگار دعوت می‌کردند. ۴. سزاوار نیست که فرستاده‌ی خدا جز حق بگوید؛ او فرستاده‌ی خدایی پاک و منزه و راست‌گوست؛ و فرستاده، آینه و نمادی از فرستنده است؛ پس سزاوار نیست که رسول خدا جز حق و راستی چیزی بگوید. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۸ ۵. «بیّنه» به معنای «دلیل روشن» است و در این جا مقصود معجزات موسی علیه السلام است که در آیات بعد به آنها اشاره خواهد شد. ۶. بنی‌اسرائیل، در زمان فرعون هم چون بردگانی ذلیل در دست فرعونیان اسیر بودند و کارهای پست و سخت انجام می‌دادند. موسی می‌خواست آنان را از چنگال فرعونیان نجات بخشد (و همراه خویش سازد) تا آنان را هدایت کند؛ چرا که آزادی، مقدمه‌ی هدایت است. ۷. استدلال موسی با فرعون مشتمل بر چند مقدمه و یک نتیجه بود: ابتدا گفت: من فرستاده‌ی خدا هستم. بعد گفت: دلیل و معجزه برای اثبات این ادعا دارم. سپس گفت: فرستاده‌ی خدا سخنی جز حق نمی‌گوید. و نتیجه گرفت: حال که من فرستاده‌ی خدا هستم و سخن حق می‌گویم، پس بنی‌اسرائیل را به همراه من بفرست؛ چون من برای هدایت و رهبری آنان فرستاده شده‌ام و به این امر سزاوارتر از دیگران هستم. ۸. از آن جا که حق‌گویی ویژگی رسولان الهی است و مخصوص شخص موسی نیست؛ پس از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که رسولان الهی معصوم هستند و جز حق نمی‌گویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزادی مردم از چنگال ستمگران، از اهداف پیامبران الهی است. ۲. مبلغان دینی با دلیل به سراغ رهبران جامعه بروند و شجاعانه با آنان گفت و گو کنند. ۳. رهبران الهی جز سخن حق نگویند. ۴. برای آزادی مردم ستم دیده اقدام کنید، که آزادی، مقدمه‌ی همراهی و هدایت آنان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۸۹

ماجرای موسی و فرعون

قرآن کریم در آیات صد و ششم تا صد و هشتم سوره‌ی اعراف به سخنان فرعون و درخواست معجزه از موسی و دو معجزه‌ی بزرگ او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۶- ۱۰۸. قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ* فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ

مُبِینٌ* وَنَزَعَ یَدَهُ فَإِذَا هِیَ بَیْضَاءُ لِلنَّاظِرِینَ (فرعون) گفت: «اگر نشانه‌ای آورده‌ای، پس بیاورش، اگر از راستگویان هستی.»* و (موسی) عصایش را افکند، پس به ناگاه آن اژدهایی آشکار شد.* و دستش را (از گریبان) بیرون آورد، پس به ناگاه، آن برای بینندگان سفید (و درخشان) شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعون با دو هدف از موسی درخواست دلیل و معجزه کرد: نخست آن که در راست گویی موسی تردید ایجاد کند، و دوم آن که قیافه‌ی پژوهشگر حق‌طلبی به خود بگیرد که از مخالف خود دلیل می‌طلبد. ۲. در برخی آیات قرآن آمده است که عصای موسی علیه السلام به مار کوچکی تبدیل شد «۱» و در این جا آمده است که به اژدها «۲» تبدیل شد. شاید این تفاوت تعبیر به خاطر آن باشد که خدا حضرت موسی را تدریجاً با این معجزه آشنا کرد؛ یعنی عصای او در آغاز مار کوچکی شد ولی در برابر فرعونیان به اژدهایی حقیقی بدل گردید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۰ ۳. تبدیل شدن عصای موسی علیه السلام به یک مار عظیم، بی‌شک معجزه و نشانه‌ای الهی بود. در جهان طبیعت تمام حیوانات از خاک به وجود آمده‌اند و چوب و گیاه نیز از خاک است، ولی تبدیل خاک به مار عظیم، در شرایط عادی، میلیون‌ها سال طول می‌کشد. اعجاز الهی آن بود که این زمان کوتاه شد و در یک لحظه همه‌ی تکامل‌ها و تحوّل‌ها صورت پذیرفت؛ زیرا همه‌ی قوانین ماده، محکوم نیرویی ما فوق طبیعت، یعنی اراده‌ی پروردگار است. «۱» ۴. موسی علیه السلام در برابر درخواست معجزه بلافاصله معجزه‌ای روشن آورد، که جای هیچ شکی در آن نبود (و حجت را بر فرعونیان تمام کرد). آری؛ معجزه‌ی موسی علیه السلام در مورد تبدیل شدن عصا به اژدها، هشداری به مخالفان او بود که از قدرت الهی بهراسند و مانع راه فرستاده‌ی او نشوند. ۵. «دست سفید» موسی علیه السلام، معجزه‌ای همانند عصای او بود که جنبه‌ی طبیعی و عادی نداشت و از یک نیروی ماورای طبیعی سرچشمه می‌گرفت و نشانه‌ای از پروردگار جهانیان برای اثبات نبوت آن حضرت بود. ۶. معجزه‌ی «دست سفید»، معجزه‌ای امیدآفرین و بشارتگر و اشاره به نورانیّت دعوت موسی علیه السلام برای مؤمنان بود. ۷. در این آیه اشاره نشده که دست موسی از کجا بیرون می‌آمد، «۲» اما در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی قصص آمده است که موسی دست در گریبان خویش می‌کرد، سپس خارج می‌ساخت و سفیدی و درخشندگی خاص آن هویدا می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران الهی دارای معجزه، نشانه و دلیل بودند. ۲. از مدعیان نبوّت دلیل و معجزه بخواهید. ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی در برابر دلیل‌خواهی و تردیدافکنی مخالفان آماده باشند. *** قرآن کریم در آیات صد و نهم و صد و دهم سوره‌ی اعراف به جادوگری علیه موسی و تحریک حسّ وطن دوستی مردم علیه او اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۰۹ و ۱۱۰. قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هـذَا لَسَاحِرٌ عَلِیمٌ* یُرِیدُ أَنْ یُخْرِجَکُمْ مِنْ أَرْضِکُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ اشراف قوم فرعون گفتند: «بی‌شک، این ساحری داناست.* (اشراف گفتند: موسی) می‌خواهد که شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ پس چه دستور می‌دهید؟» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی شعراء استفاده می‌شود که مطالب آیه‌ی فوق را فرعون در مورد موسی گفت و اینک، در این آیه، از زبان اشراف قوم فرعون بیان شد. البته این طبیعی است که وقتی فرعون در دربار چیزی را می‌گوید، اطرافیان نیز همان را تکرار و تأیید نمایند. این شیوه در جهان معاصر نیز در دربار مستکبران و سلاطین ستمگر وجود دارد. ۲. در طول تاریخ یکی از تهمت‌های رایجی که به پیامبران می‌زدند، این بود که آنان را جادوگر می‌خواندند؛ زیرا با عقل کوچک خود نمی‌توانستند حقایق ماورای طبیعی و معجزات آنان را درک کنند. ۳. فرعونیان به موسی علیه السلام تهمت می‌زدند که هدفش حکومت بر مردم به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۲ قیمت آوارگی آنان از وطنشان است؛ و بدین وسیله می‌خواستند احساسات وطن دوستی مردم را علیه موسی علیه السلام تحریک کنند و مشورت‌خواهی «۱» آنان نیز برای شریک کردن دیگران در برخورد با آن حضرت صورت می‌گرفت. ۴. مردم به سرزمین خویش علاقه‌ای طبیعی دارند، و این علاقه در ملت‌های پیشین هم بوده است؛ فرعونیان می‌خواستند با تحریک حسّ وطن‌دوستی و ملّی گرایی مردم، در برابر موسی علیه السلام بایستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از حربه‌های دشمنان، تهمت زدن به مردان حق و تحریک (عواطف ملی گرایی) مردم علیه آنان است. ۲. اطرافیان طاغوت‌ها، آلوده‌ی خلافکاری آنان می‌شوند (پس مراقب باشید). ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده باشند که آماج تیر تهمت‌ها

قرار می‌گیرند. ۴. مردم مراقب باشند از حسّ وطن‌دوستی‌شان سوء استفاده نشود. ***قرآن کریم در آیات صد و یازدهم و دوازدهم سوره‌ی اعراف به نتیجه‌ی مشورت فرعونیان و مبارزه‌ی آنان با موسی اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۳ ۱۱۱ و ۱۱۲. قَالُوا أَرْجِهِ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ* يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (اشراف به فرعون) گفتند: « (کارِ) او و برادرش را به تأخیر انداز، و گردآورندگانی را به شهرها بفرست،* (تا) هر ساحر دانایی را نزد تو آورند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیا کارگزاران فرعون واقعاً احتمال می‌دادند که موسی علیه السلام راست بگوید و برای آزمایش وی صبر کردند «۱» و او را نکشتند، تا حقیقت معلوم شود؟ یا این که اهداف سیاسی داشتند و احتمال می‌دادند که مردم با توجه به معجزات موسی علیه السلام به او ایمان آورند؛ و با کشتن او، چهره‌ی نبوتش با مظلومیت و شهادت آمیخته شود و جاذبه‌ی بیش‌تری به خود بگیرد و از این رو سعی کردند با سحر ساحران، اثر معجزات موسی علیه السلام را خنثی کنند و آبروی پیامبر را بریزند و سپس او را به قتل برسانند تا برای همیشه از نظرها فراموش شود؟ به نظر می‌رسد که احتمال دوم با قراین موجود در آیه مناسب‌تر است. «۲» ۲. طاغوتیان برای مبارزه با پیامبران الهی، از تمام نیروی خود استفاده می‌نمایند و متخصصان را از همه جا جمع می‌کنند؛ البته فرعونیان با زیرکی می‌خواستند موسی را در حدّ جادوگران پایین بیاورند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران نه تنها جادوگر نبودند، بلکه ساحران در برابر آنان صف می‌کشیدند و مبارزه می‌کردند. ۲. برای انجام هر کار، متخصصان آن را از شهرهای مختلف فراخوانید و همایشی تشکیل دهید. ***قرآن کریم در آیات صد و سیزدهم و صد و چهاردهم سوره‌ی اعراف به درخواست جادوگران از فرعون و تعیین پاداش آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳ و ۱۱۴. وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْراً إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ* قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: «اگر فقط (ما) پیروز گردیم، حتماً برای ما پاداش [مهمی است؟!»* [فرعون گفت: «آری، و مسلماً شما از نزدیکان (من) خواهید شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یکی از تفاوت‌های پیامبران و ساحران اشاره می‌کند، که همان تفاوت در انگیزه و هدف است. پیامبران برای خدا و ارشاد مردم کار می‌کردند و مزدی نمی‌خواستند، اما هدف ساحران دنیاطلبی بود و قبل از شروع عمل، مزد و پاداش فوق العاده‌ای می‌خواستند. «۱» ۲. فرعون دو پاداش به جادوگران وعده داد: یکی پاداش مادی که تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۵ درخواست کرده بودند و دوم پاداش مقامی، یعنی مقام بزرگ و تقرّب به خودش را به آنان وعده داد. آری؛ فرعون از حسّ دنیاطلبی و مقام‌دوستی ساحران استفاده کرد، تا آنان را به خدمت خویش درآورد و در برابر پیامبر خدا قرار دهد. ۳. در نظر فرعونیان، نزدیکی به فرعون مقام بزرگی به شمار می‌آمد که از ثروت مادی بالاتر بود؛ زیرا این مقام می‌توانست سرچشمه‌ی قدرت و ثروت فراوان شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوت‌ها، مردم را از راه دنیاطلبی و مقام‌دوستی فریب می‌دهند و دور خود گرد می‌آورند. ۲. به دنبال ثروت‌دوستی افراطی و قدرت‌طلبی سیاسی نروید که ممکن است شما را در صف طاغوت‌ها قرار دهد و به جنگ با پیامبران بکشاند. ۳. قبل از عمل، شرایط و مزد آن را مشخص سازید. ***قرآن کریم در آیات صد و پانزدهم و صد و شانزدهم سوره‌ی اعراف به مبارزه‌طلبی جادوگران در برابر موسی و کارهای سحرآمیز و خوفناک آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۵ و ۱۱۶. قَالُوا يَامُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ* قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (به هنگام مبارزه، ساحران) گفتند: «ای موسی! یا این که تو (عصایت را) می‌افکنی، و یا این که فقط ما (وسایل سحر را) می‌افکنیم.»* [موسی گفت: «بیفکنید!» و هنگامی که (ساحران وسایل خود را) افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را هراسان کردند و سحری بزرگ (پدید) آوردند! تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیات قرآن در سوره‌ی طه و شُعراء استفاده می‌شود «۱» که برای مبارزه‌ی ساحران با موسی علیه السلام روز خاصی تعیین شد و همه‌ی مردم برای مشاهده‌ی ماجرا دعوت شدند و تعداد زیادی جادوگر از سراسر مصر گردآوری شدند. در آن صحنه‌ی عجیب، موسی و برادرش علیهما السلام تنها شرکت کردند و در برابر انبوه ساحران ایستادند، هر چند دل‌های مردم و قدرت الهی پشتیبان آنان بود. این گونه، مبارزه آن دو گروه نابرابر شروع شد. ۲. یکی از

ظلم‌هایی که دستگاه فرعون به حضرت موسی کرد این بود که به او تهمت جادوگری زد، ولی ظلم بزرگ‌تر آن بود که آن حضرت را هم‌سنگِ ساحران قرار داد، تا با آنان روبه رو شود و ببینند کدام یک پیروز می‌شوند. این نوعی توهین به مقام نبوت موسی علیه السلام بود. ۳. ساحران در هنگام سخن گفتن، ادب را در برابر موسی حفظ کردند و نخست به او پیشنهاد کردند که آغاز کند؛ «۲» البته این احتمال نیز وجود دارد که آنان می‌خواستند به مردم وانمود کنند که ما آن قدر به پیروزی خویش اطمینان داریم که برایمان تفاوتی ندارد که موسی آغاز کند یا ما. ۴. «سِحر» در اصل به معنای نیرنگ و تردستی است و گاهی نیز به معنای چیزی می‌آید که عامل آن اسرارآمیز باشد. بنابراین شعبده‌بازان که با استفاده از حرکات دست و جا به جا کردن چیزها، کارهایی را خارق‌العاده می‌نمایانند، و کسانی که با استفاده از خواص شیمیایی و فیزیکی مرموز، آثار فوق‌العاده و مختلفی در مواد و اشیا پدید می‌آورند و مردم را می‌فریبند، همه «ساحر» خوانده می‌شوند. «۳» یادآوری این نکته لازم است که برخی مراجع معظّم تقلید بین تردستی و شعبده تفاوت تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۷ قایل می‌شوند و تردستی (بازی‌های لطیف دستی) را بلامانع، اما شعبده و سحر را حرام می‌دانند. «۱» ۵. جادوگران مصر، از خواص شیمیایی عناصر استفاده کرده و آنها را داخل عصای توخالی و مانند آن قرار داده بودند که بر اثر تابش آفتاب و حرارت، به حرکت درمی‌آمد؛ و نیز با سخنان هول‌انگیز و حرکات وحشتناک خود، اثر روانی فوق‌العاده‌ای در بینندگان و شنوندگان ایجاد می‌کردند، «۲» که در آیه‌ی فوق نیز به وحشت مردم و عظمت صحنه اشاره شده بود. ۶. از تعبیر «چشم مردم را سحر کردند.»، روشن می‌شود که سحر آنان نوعی چشم‌بندی بود و حقیقتی به دنبال نداشت؛ یعنی جادوگران در چشم مردم تأثیر می‌گذارند، ولی واقعیات را نمی‌توانند تغییر دهند. این یکی از تفاوت‌های معجزه و سحر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین از چشم‌بندی وتبلیغات هراس‌انگیز استفاده می‌کنند (پس مراقب باشید که فریب نخورید). ۲. در هنگام مبارزه به رقیب خود احترام بگذارید (و تعارف کنید). ۳. در شناخت حقایق، تنها بر حواس ظاهری تکیه نکنید؛ چون گاهی، افراد، چشم‌ها را افسون می‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم تا صد و نوزدهم سوره‌ی اعراف به معجزه‌ی بزرگ موسی علیه السلام و پیروزی حق و شکست جادوگران اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۸ ۱۱۷ - ۱۱۹. وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ* فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَاكَانُوا يَعْمَلُونَ* فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ و به موسی وحی کردیم که: «عصایت را بیفکن.» و ناگهان آن (عصا اژدها شد و آن) چه را به دروغ می‌ساختند، بلعید!* پس حق آشکار شد؛ و آنچه را همواره انجام می‌دادند، باطل گشت.* و در آن جا شکست خورده و کوچک شده گشتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از تفاوت‌های معجزه با سحر آن است که سحر مقهور و مغلوب واقع می‌شود؛ یعنی می‌توان سحر را باطل و نابود کرد، اما معجزه همیشه پیروز است و چیزی نمی‌تواند آن را شکست دهد؛ چون براساس اراده‌ی الهی واقع می‌شود، که شکست‌ناپذیر است؛ و بر همین اساس بود که عصای موسی با معجزه تمام جادوها را بلعید «۱» و بر چشم‌بندهای دروغین پیروز شد. ۲. پیامبران الهی در شرایط خاص از غیب امداد می‌گرفتند. آری؛ خدا بندگان مخلص و پیامبران خویش را در مجامع بین‌المللی و در برابر دشمنان تنها نمی‌گذارد و آنان را با امداد خویش پیروز می‌گرداند. ۳. کار حضرت موسی علیه السلام واقعی و لذا بر حق بود، اما کار ساحران، چشم‌بندی، تزویر و فریب مردم و در نتیجه باطل بود و هیچ باطلی در برابر حق قدرت مقاومت ندارد. آری؛ یکی از سنت‌های الهی، پیروزی حق بر باطل است، که پیروزی موسی علیه السلام در مبارزه با فرعونیان و جادوگران مصداق و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۱۹۹ جلوه‌ای از آن قانون الهی بود. ۴. از قراین و شواهد به دست می‌آید که پس از سحر بزرگ جادوگران، غریو شادی فرعونیان بلند شد و فرعون تبسم رضایت‌بخشی بر لب داشت، اما هنگامی که عصای موسی به فرمان الهی اژدها شد و تمام سحرها را بلعید، جنبشی در میان مردم افتاد؛ گروهی از ترس فرار کردند، برخی احتمالًا بیهوش شدند و فرعون و اطرافیانش، با وحشت به صحنه می‌نگریستند و به آینده‌ی تاریک و خواری و ذلّت خویش فکر می‌کردند که راهی برای نجات از آن نداشتند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سحر انجام ندهید که باطل و نابود شدنی است. ۲. اخلاص داشته باشید تا با امدادهای غیبی،

پیروز شوید. ۳. هیچ باطلی در برابر حق نمی‌تواند مقاومت کند. *** قرآن کریم در آیات صد و بیستم تا صد و بیست و دوم سوره‌ی اعراف به ایمان آوردن جادوگران و تسلیم آنان در برابر حق اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲۰- ۱۲۲. وَأُلْقِيَ الْسَّحَرَةُ سَاجِدِينَ* قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ* رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده،* گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛* (همان) پروردگار موسی و هارون.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تسلیم ساحران و ایمان آوردن آنها به پروردگار موسی، ضربه‌ی مهلکی بود که بر پیکر فرعونیان وارد شد و صحنه‌ی مبارزه را به کلی، به نفع موسی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۰ تغییر داد؛ زیرا برای دستگاه فرعون قابل پیش‌بینی نبود که ساحرانی را که برای کوبیدن موسی علیه السلام آورده بودند، در صف اول مؤمنان قرار گیرند. ۲. ساحران با تعیین و تصریح به پروردگار موسی و هارون علیهما السلام، این حقیقت را بیان داشتند که به پروردگار واقعی ایمان آورده‌اند، نه به فرعون که خود را پروردگار می‌پنداشت؛ در ضمن، به ارتباط موسی و هارون علیهما السلام با پروردگار نیز اقرار کردند؛ یعنی به نوعی به نبوت آنان اشاره کردند. ۳. نور ایمان به صورت فطری در دل همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، امّا ممکن است گاهی در پس حجاب‌ها قرار گیرد و چنان چه حجاب‌ها کنار بروند، فروغ ایمان آشکار می‌گردد و تحوّلی عظیم در انسان‌ها پدید می‌آورد. این گونه بود که ساحران ناگهان منقلب و مؤمن شدند. آنان جادوگرانی دانا و آزموده بودند و به خوبی تفاوت سحر و معجزه را می‌دانستند؛ پس هنگامی که معجزه‌ی موسی علیه السلام را دیدند، بلافاصله دریافتند که این کارها شباهتی به سحر ندارد و سرچشمه‌ی آنها یک قدرت مافوق طبیعی است؛ و با صراحت و سرعت و بدون واهمه ایمان خویش را اظهار کردند و بی‌اختیار به سجده افتادند. «۱» ۴. در برخی احادیث از امام رضا علیه السلام حکایت شده که معجزه‌ی هر پیامبری متناسب با علوم و فنون عصر او بود و در زمان موسی علیه السلام، سحر و جادو رایج بود، از این رو معجزه‌ی موسی علیه السلام، عصای اژدهاگونه بود. «۲» همگونی معجزات پیامبران با فنون و علوم زمانه سبب می‌شود که شناخت بهتری از پیامبر حاصل شود و مردم زودتر ایمان بیاورند. آری؛ انسان‌های حق‌طلب در هر حرفه‌ای وجود دارند و اگر حق برایشان آشکار شود ایمان می‌آورند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معجزات الهی، انسان‌های حق‌طلب را تسلیم می‌کند. ۲. هرگاه حق را شناختید، در برابر آن تسلیم شوید و اعلام کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی اعراف به واکنش متکبّرانه‌ی فرعون و تبلیغات علیه مؤمنان جدید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۳. قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هـذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ فرعون گفت: « [آیا] پیش از آن که به شما رخصت دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این فریبی است که در این شهر (نقشه) آن را (کشیده‌اید و) فریبکاری کردید، تا مردمش را از آن بیرون کنید؛ پس در آینده خواهید دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان آوردن ساحران به موسی علیه السلام، ضربه‌ی شدیدی بر ارکان قدرت فرعونیان وارد کرد، به طوری که فرعون مجبور شد، واکنش شدیدی نشان دهد، تا بقیه‌ی مردم بترسند و به موسی ایمان نیاورند. ۲. تعبیرات فرعون در مورد ساحران، از طرفی متکبّرانه و تحقیرآمیز بود، و از طرف دیگر، موضعی حق‌طلبانه را وانمود می‌کرد؛ یعنی فرعون در حقیقت می‌گفت: من هم حقیقت‌جو هستم و اگر در کار موسی واقعیتی وجود داشت، خودم به مردم اجازه می‌دادم که ایمان بیاورند، ولی این ساحران بدون رخصت من ایمان آوردند. ۳. تعبیرات فرعون نشان می‌دهد که چنان جبّار بود که ادعا می‌کرد مردم مصر، نه بدون اجازه‌ی او حق دارند عملی انجام دهند، و نه حق سخن گفتن، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۲ اندیشیدن و ایمان آوردن دارند؛ و این بالاترین نوع اسارت و استعمار است که در جهان فعلی به «استعمار نو» معروف است که استعمارگر تنها به استعمار سیاسی و اقتصادی اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌کوشد پایه‌های نفوذ خود را با استعمار فکری و فرهنگی مستحکم کند. مقصود از «المدینة» در این آیه یک شهر خاص نیست، بلکه مجموع کشور مصر منظور است، (الف و لام آن جنس است) و اشاره به آن است که مؤمنان می‌خواهند بر مصر مسلّط شوند و فرعونیان را از مصر اخراج کنند و یا بنی‌اسرائیل را آواره سازند. ۵. در سوره‌ی طه از فرعون حکایت شده که خطاب به ساحران می‌گوید: «این موسی استاد بزرگ شماست که به شما سحر آموخته

است.» «۱» و در این جا به آنان می‌گوید: «شما نقشه کشیدید.»؛ یعنی می‌خواهد به ساحران بگوید که شما با یک توطئه‌ی حساب شده‌ی قبلی با همکاری موسی تصمیم داشتید که در مصر کودتا کنید. در حالی که موسی علیه السلام سال‌ها در محیط مصر حضور نداشت و هیچ کدام از ساحران او را ندیده بودند و اگر استاد آنها بود، حتماً قبلًا مشهور می‌شد؛ پس چنین توطئه‌ای امکان نداشت، اما فرعون برای قلع و قمع مخالفان به آنان تهمت توطئه‌ی براندازی و کودتا می‌زد. ۶. فرعون بار دیگر برای سرکوبی مؤمنان، از تحریک حسّ وطن‌دوستی و ملّی گرایی مردم استفاده کرد و گفت: اینان می‌خواهند شما را از شهر و کشورتان اخراج کنند. «۲» آری؛ او می‌خواست با این تبلیغات سوء، موسی و پیروانش را در نظر مردم بدنام کند و مردم را علیه آنان برانگیزد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوتیان نه تنها به رهبران الهی، بلکه به مؤمنان نیز تهمت می‌زنند تا آنان را بدنام و سرکوب کنند. ۲. طاغوتیان، سردمداران استعمار فرهنگی هستند، به طوری که حق انتخاب عقیده و فکر را از مردم سلب می‌کنند. ۳. مؤمنان آماده باشند که آماج تهمت‌های مستکبران قرار می‌گیرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی اعراف به تهدیدهای فرعون علیه مؤمنان جدید اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲۴. لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قطعاً دست‌هایتان و پاهای شما را بر خلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ) قطع می‌کنم، سپس حتماً همگی شما را به دار می‌آویزم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل فرعون از حربه‌ی تهمت علیه مؤمنان استفاده کرد و در این آیه از حربه‌ی «زور» استفاده می‌کند؛ و این یک برنامه‌ی عمومی در مبارزات ناجوانمردانه‌ی جباران با طرف‌داران حق است که از حربه‌ی تهمت و زور برای سرکوب مؤمنان حق‌طلب استفاده می‌کنند. ۲. منظور فرعون از بیان این تهدیدها آن است که مؤمنان جدید را به صورت زجرآوری به قتل می‌رسانَد، تا صحنه‌ی هولناکی پدید آید و عبرت دیگران شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خشونت، تهدید و کشتن پیشتازان انقلاب، از شیوه‌های طاغوت‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۴ ۲. مؤمنان آماده‌ی فداکاری در راه ایمان باشند که دشمنان دین خون‌خوار و شکنجه گرند. *** قرآن کریم در آیات صد و بیست و پنجم و صد و بیست و ششم سوره‌ی اعراف به پاسخ قاطع و حکیمانه‌ی مؤمنان در برابر تهدیدهای فرعون و دعای آنها و نقش یاد مبدأ و معاد در پایداری افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۵ و ۱۲۶. قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ* وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْراً وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ [ساحران گفتند: «در حقیقت ما فقط به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.* و (تو) از ما انتقام نمی‌گیری، جز به خاطر این که وقتی نشانه‌های پروردگارمان برای ما آمد، ایمان آوردیم. [ای پروردگار ما! [پیمانه شکیبایی را بر ما فرو ریز، و ما را مسلمان بمیران!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نشان می‌دهد که حربه‌ی تهمت، تهدید و خشونت فرعونیان در برابر صلابت ایمان مؤمنان کارگر نشد و آنان از میدان به در نرفتند؛ زیرا آنان به رستاخیز و فرجام کار خود می‌اندیشیدند. ۲. پاسخ مؤمنان در حقیقت آن است که اگر تهدیدهایت عملی شود، سرانجام ما شهید می‌شویم و به ملاقات پروردگارمان می‌رویم؛ و این نه تنها چیزی از ما نمی‌کاهد بلکه سعادت و افتخار ماست. ۳. سخنان مؤمنان جدید، پاسخ قاطعی به تهمت فرعون بود. آنان در برابر مردمی که تماشاچی این صحنه بودند، وضع خود را روشن ساختند و بی‌گناهی خویش را اثبات نمودند و اشاره کردند که ما توطئه گر نیستیم و نمی‌خواهیم مردم را از سرزمینشان بیرون سازیم، بلکه به ندای پروردگارمان تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۵ پاسخ دادیم و ایمان آوردیم و تنها گناه ما همین ایمان ماست و تو ما را به خاطر ایمانمان مجازات می‌کنی. «۱» ۴. از آن جا که ساحران کارآزموده و دانا بودند، به خوبی معجزه‌ی موسی علیه السلام را تشخیص دادند و به حقانیّت او پی بردند و همین آگاهی آنان سرچشمه‌ی عشق سوزانشان شد، عشقی که هیچ مرزی نمی‌شناسد و بر همه‌ی خواسته‌های مادی مقدم است. آری، اگر ایمان با آگاهی کامل توأم شود، منشأ چنین عشقی می‌شود و انسان را این گونه فداکار می‌کند. ۵. در روایات تاریخی آمده است که این مؤمنان جدید بی‌باکانه استقامت کردند و فرعون آنان را به صورت فجیعی کشت و بر درختان نخل آویزان کرد و نامشان در دفتر آزادمردان و شهیدان جهان ثبت شد و به گفته‌ی برخی از مفسران: «صبحگاهان کافر بودند و ساحر، و شامگاهان شهیدان نیکوکار

راه خدا شدند.» «۲» ۶. مؤمنان جدید، در آخرین لحظات زندگی دعا کردند و دو چیز از خدا خواستند: اول آن که آخرین درجه‌ی صبر و استقامت را به آنان عطا کند «۳» تا بتوانند تا آخرین نفس در راه حق پایداری کنند. دوم آن که در حالی از دنیا بروند که تسلیم حق هستند و در زمره‌ی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۶ مسلمانان واقعی ثبت شده‌اند تا عاقبت به خیر شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوت‌ها، با فکر توحیدی مؤمنان مخالف‌اند، نه با شخص آنان. ۲. ایمان به خدا و ایستادگی در برابر طاغوت‌ها، تاوان می‌طلبد و راحت نیست. ۳. هنگام سختی و فشار دشمن، از خدا صبر و عاقبت نیکو بطلبید. ۴. جواب دشمنان دین را قاطعانه و حکیمانه بدهید. ۵. با یاد مبدأ و معاد بر پایداری خود بیفزایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هفتم سوره‌ی اعراف به نقش اطرافیان فاسد در تصمیمات رهبران و برنامه‌ی آنان برای نسل کشی مستضعفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۷. وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در زمین فساد کنند، و تو و معبودانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می‌کشیم، و زنانشان را زنده نگه می‌داریم و در واقع ما بر آنان مُسلّطیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعون بعد از شکست در برابر معجزات موسی علیه السلام، مدّتی او و بنی‌اسرائیل را آزاد گذاشت و آنان نیز به تبلیغ آیین موسی علیه السلام پرداختند، ولی پیشرفت آنها فرعونیان را بیمناک کرد و خواستار شدت عمل در برابر آن حضرت شدند. صحبت گل رنجه دارد خار را خیرگی بین، خار ناهموار را! (پروین) ۲. دوران آزادی نسبی موسی و بنی‌اسرائیل، یا به خاطر وحشت فرعون از معجزه‌ی کوبنده‌ی موسی علیه السلام بود و یا به خاطر اختلافی بود که میان مردم در مورد موسی علیه السلام و آیین او پدید آمده بود و فرعون در چنین شرایطی نمی‌توانست در برابر موسی شدّت عمل به خرج دهد. البته این احتمال نیز هست که هر دو عامل، سبب آزادی نسبی موسی و بنی‌اسرائیل شده باشد. «۱» ۳. فرعون خود را پروردگار بزرگ مردم مصر می‌دانست، «۲» اما با این حال از آیه‌ی مورد نظر استفاده می‌شود که فرعون نیز برای خود معبودها و خدایانی قایل بود. ۴. فرعون تصمیم گرفت مبارزه‌ای عمیق و ریشه‌ای با بنی‌اسرائیل داشته باشد؛ زنان آنان را (برای کنیزی) باقی بگذارد و پسران جوان آنها را بکشد. «۳» این همان روش استعمارگران مستکبر عصر ماست که افراد مثبت و فعال جامعه را با جنگ و اعتیاد از بین می‌برند و روح مردانگی را با وسایل مختلف می‌کشند. ۵. فرعون با این سخنان می‌خواست از طرفی روحیه‌ی بنی‌اسرائیل را تضعیف کند و از طرف دیگر به وحشت و اضطراب اطرافیانش پایان بخشد، و به آنان اطلاع دهد که بر اوضاع کشور مسلّط است و برای مبارزه با موسی برنامه‌ی درازمدّت دارد. ۶. بخشی از ستمکاری طاغوت‌ها، به خاطر سخنان تحریک کننده‌ی اطرافیان فسادگر است که موقعیت خویش را در خطر می‌بینند؛ آنان به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۸ فرعون گفتند: چرا موسی و قومش را رها کرده‌ای؟ ۷. یکی از تهمت‌هایی که مخالفان پیامبران به آنان می‌زدند این بود که می‌گفتند آنها فساد می‌کنند و تبهکارند، در حالی که فسادگران واقعی خودشان بودند. فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مستکبران برای دو گروه اجتماعی، یعنی «جوانان و زنان» برنامه‌ریزی خاصی دارند (پس این دو گروه بیش‌تر مواظب باشند). ۲. مستکبران در پی نسل کشی مؤمنان هستند. ۳. رهبران جامعه مواظب باشند که اطرافیان فسادگرشان آنها را به خلافکاری تحریک نکنند. ۴. مؤمنان تا هنگامی که تحت سلطه‌ی ستمکاران هستند، انتظار آرامش بلندمدت نداشته باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هشتم سوره‌ی اعراف، به برنامه‌ی موسی علیه السلام برای پیروزی بر دشمن و شرایط آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۲۸. قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ موسی به قومش گفت: «از خدا یاری جویید، و شکیبایی کنید، که زمین از آنِ خداست، در حالی که آن را به هر کس ازبندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد؛ و فرجام (نیک) برای پارسایان (خود نگهدار) است.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۰۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه در حقیقت به چند شرط پیروزی بر دشمن اشاره شده است: الف) شرایط عقیدتی پیروزی که همان بندگی خدا و یاری جستن از وی و تکیه بر اوست. ب)

شرایط اخلاقی پیروزی که همان صبر و استقامت و پارسایی است. ۲. در این آیه دو بشارت نیز مطرح شده است: الف) مژده‌ی ارث بردن زمین توسط بندگان خدا. ب) مژده‌ی فرجام نیک برای پارسایان. «۱» ۳. در این آیه اشاره شده که خدا هر کس از بندگانش را بخواهد وارث و حاکم زمین می‌گرداند، اما در آیه‌ی پنجم سوره‌ی طه بیان شده که مستضعفان وارثان نهایی زمین خواهند بود. آری؛ مستضعفانی که پارسا باشند و از خدا کمک بخواهند و استقامت ورزند، در نهایت، پیروز و حاکم جهان می‌شوند. ۴. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که در کتاب علی علیه السلام چنین یافتیم که در مورد آیه‌ی فوق آمده بود: «من و اهل بیت من همان کسانی هستیم که خدا زمین را به ما منتقل ساخته و ما همان خودنگه‌داران (پارساپیشه) هستیم. «۲» این روایت اشاره دارد که آیه‌ی فوق یک قانون عمومی است که در مورد مؤمنان امت‌های بعدی هم جریان دارد و اهل‌بیت علیهم السلام از مصادیق بارز آن هستند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آینده‌ی روشن و پیروزی، در انتظار پارسایان و بندگان خداست که استقامت می‌کنند و از خدا یاری می‌جویند. ۲. فرجام نیک داشتن و عاقبت به خیر شدن، بستگی به پارسایی و خودنگه‌داری شما دارد. ۳. اگر پیروزی و حاکمیت بر جهان را می‌طلبید، بنده‌ی خدا باشید و پارسایی پیشه سازید و از خدا یاری بجویید و استقامت کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و نهم سوره‌ی اعراف به اولین شِکوه‌های بنی‌اسرائیل و پاسخ امیدبخش موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۹. قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (قوم موسی) گفتند: «پیش از آن که به سوی ما بیایی و پس از آمدنت نزد ما، آزار دیدیم!» (موسی) گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین آنان سازد، و بنگرد که چگونه عمل می‌کنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعونیان برای بنی‌اسرائیل مشکلات جدّی ایجاد کردند، به طوری که آنان به موسی شکایت و شِکوه کردند، اما گویا آنان انتظار داشتند که با قیام موسی علیه السلام، یک شبه همه‌ی کارها درست شود و فرعونیان نابود گردند و مصر بی‌رنج زحمت به دست آنان بیفتد، در حالی که هر انقلابی زحمت و مشکلات خاص خود را دارد که لازم است انقلابیون در برابر آنها استقامت ورزند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۱ ۲. موسی علیه السلام شکوه و اعتراض مردم را تحمّل کرد و به آنان امید داد، ولی یادآور شد که زمینه‌ی پیروزی بنی‌اسرائیل فراهم است، اما شرایطی دارد که با تلاش مردم تحقق می‌یابد. «۱» ۳. در پایان این آیه هشدار داده شده که «ببینید شما چگونه عمل می‌کنید.» این هشدار بدین معناست که خدا نعمت‌ها و آزادی را به شما بازمی‌گرداند، سپس شما را می‌آزماید، تا ببیند پس از پیروزی و قدرتمندی چه می‌کنید؛ آیا مثل دیگران دست به ظلم و فساد می‌آلایید یا نه. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انقلابیون گمان نکنند که یک شبه همه چیز حل می‌شود. رسیدن به پیروزی شرایطی دارد که با تلاش عملی به دست می‌آید. ۲. رهبران الهی اگر مورد انتقاد دوستان کم ظرفیّت قرار گرفتند، تحمّل کنند و پیام امیدبخش بدهند. ۳. مواظب کردار خود باشید که پیروزی شما به اعمالتان بستگی دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی‌ام سوره‌ی اعراف به نقش مشکلات و بلاها در بیداری انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۰. وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ و در حقیقت فرعونیان را بواسطه خشکسالی و کاهشی در محصولات گرفتار کردیم، تا شاید آنان متذکّر گردند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از سنت‌ها و قوانین الهی آن است که خدا ملت‌های سرکشی را که با پیامبران مخالفت می‌کنند، گرفتار مشکلات و ناراحتی‌ها می‌سازد تا در خود احساس نیاز کنند و فطرت توحیدی‌شان بیدار گردد و متوجه نعمت‌بخش واقعی شوند. «۱» ۲. جمله‌ی «تا شاید متذکر و بیدار شوند.»، اشاره به این است که حقیقت توحید در فطرت و روح آدمی از آغاز وجود داشته است، اما گاهی به خاطر تربیت‌های نادرست یا فراموشی، زیر حجاب پنهان می‌شود، اما هنگام گرفتاری‌ها مجدداً آشکار می‌گردد. ۳. خشک‌سالی «۲» یک بلای عمومی بود، اما در این آیه از مشکلات اطرافیان و نزدیکان «۳» فرعون سخن گفته شده است؛ زیرا از طرفی آنان از ثروتمندان و اشراف بودند و ضربه‌ی مالی خشک‌سالی بیش‌تر به آنان وارد شد، و از طرف دیگر، بیداری و گمراهی آنان، در سایر مردم تأثیر بیش‌تری داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا

برای تربیت انسان‌ها، گاهی از اهرم فشار استفاده می‌کند. ۲. برخی بلاها و مشکلات، از لطف الهی و برای بیداری انسان هاست. ۳. طاغوت‌ها و اطرافیان آنها را تحت فشار اقتصادی قرار دهید تا شاید بیدار شوند (و توبه کنند). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۳

فال نیک و بد

قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و یکم سوره‌ی اعراف به تفسیر دلخواه حوادث توسط فرعونیان و فال بد زدن آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۱. فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَايَعْلَمُونَ و [لی هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنان روی می‌آورد، می‌گفتند: «این فقط برای (شایستگی) ماست.» و اگر بدی (و بلاها) به آنان می‌رسید، به موسی و کسانی که با او بودند، فال بد می‌زدند. آگاه باشید فال (نیک و بد) شان تنها نزد خداست؛ ولیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فال بد و نیک «۱»، در بین بسیاری از ملت‌ها رواج دارد، در حالی که هیچ گونه رابطه‌ی منطقی و حقیقی بین پیروزی و شکست با اموری که فال بد و نیک به آن می‌زنند وجود ندارد، ولی آثار روانی این مسئله انکارناپذیر است؛ یعنی فال بد موجب یأس و ناامیدی و سستی می‌شود و فال نیک غالباً مایه‌ی امیدواری و حرکت می‌شود. ۲. در احادیث اسلامی، فال بد به شدّت محکوم شده، اما فال نیک ممنوع نشده است. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: کارها را به فال نیک بگیرید (و امیدوار باشید) تا به آن برسید. و نیز در جریان صلح حدیبیّه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نام «سُهیل» را که نماینده‌ی کفّار بود، نشانه‌ی سهل و آسانی کار گرفت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۴ اما در مورد فال بد زدن در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده: فال بد زدن (و آن را مؤثر در سرنوشت آدمی دانستن) یک نوع شرک به خداست. «۱» و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فال بد اثرش به همان اندازه است که آن را می‌پذیری؛ اگر آن را سبک بگیری، کم اثر خواهد بود و اگر آن را محکم بگیری پراثر است و اگر به آن اعتنا نکنی، هیچ اثری نخواهد داشت. «۲» ۳. فال بد زدن به پیامبران یا در زندگی عادی، مخصوص فرعونیان نبوده؛ دشمنان اسلام نیز به پیامبر فال بد می‌زدند؛ «۳» در جهان امروز هم این عقاید خرافی وجود دارد و برخی مردم کارهای خوب را به خود نسبت می‌دهند و کارهای بد را در اثر نیروهای مرموز یا فال بد می‌دانند؛ البته این فال بد زدن‌ها ریشه در جهل و خرافات دارد، و گرنه همه‌ی کارها به دست خداست. ۴. بهترین راه مبارزه با عوامل فال بد، آن است که آنها را از فکر خود دور کنیم و روح توکّل و اعتماد بر خدا را در دل تقویت نماییم. در احادیث اسلامی نیز به این مطلب اشاره شده است. «۴» راه دیگر مبارزه با آن، خرافه‌زدایی از جامعه و آگاهی‌بخشی به مردم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۵ ۱. فال بد زدن، نشانه‌ی ناآگاهی است، و کارها در دست قدرت خداست. ۲. بدی‌ها را به رهبران الهی و خوبی‌ها را به خودتان نسبت ندهید (چرا که همه‌ی کارها به دست خداست). ۳. به فال بد توجه نکنید که ریشه در جهل دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و دوم سوره‌ی اعراف به سخنان توهین‌آمیز فرعونیان نسبت به موسی علیه السلام، و لجاجت آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۲. وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ و گفتند: «اگر هر گونه نشانه (معجزه‌آسایی) که آن را برای ما بیاوری تا ما را بدان سحر کنی، پس ما تصدیق کننده‌ی تو نیستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شاید فرعونیان تعبیرات و جملات فوق را برای مسخره کردن موسی علیه السلام گفته باشند. آن حضرت معجزات خود را «آیات و نشانه‌های خدا» معرفی می‌نمود، ولی آنان «سحر» می‌نامیدند. در هر صورت این تعبیر توهینی آشکار به مقام نبوّت موسی علیه السلام به شمار می‌آید و نشانه‌ی لجاجت فرعونیان در برابر حق است. ۲. از آیات قرآن استفاده می‌شود که دستگاه تبلیغاتی مجهّز و پرقدرت فرعون، در همه جا بسیج شده بود که تهمت سحر را به عنوان یک شعار عمومی بر ضد موسی علیه السلام پخش کند تا بدین وسیله جلوی نفوذ او را در قلوب مردم بگیرد. «۱» آری؛ طاغوتیان که خود با سحر به

مقابله با موسی آمدند، اکنون از حربه‌ی تبلیغاتی سحر علیه موسی استفاده می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. طاغوتیان، تهمت‌زن و لجوج هستند. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی آماده‌ی تهمت‌ها و لجاجت‌های مخالفان باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و سوم سوره‌ی اعراف به کیفر لجاجت‌ها و انواع بلاهایی که بر فرعونیان فرود آمد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۳. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْماً مُجْرِمِينَ و بر آنان سیلاب و ملخ و کَنِه و قورباغه‌ها و خون را فرستادیم، در حالی که نشانه‌هایی از هم جدا بودند؛ و [لی تکّبر ورزیدند، و گروهی خلافکار شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «طُوفان» در اصل به معنای موجودی است که می‌گردد و طواف می‌کند، سپس به هر حادثه‌ای که انسان را احاطه کند، طوفان گفته شد. در لغت عرب بیش‌تر به سیل‌ها و امواج کوبنده طوفان می‌گویند، که خانه‌ها را ویران و درختان را ریشه‌کن می‌کند. ۲. وقتی ملخ‌ها زیاد شوند، زراعت و درختان را می‌خورند و گاهی خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر به مردم می‌زنند. هنوز هم گاهی در برخی نقاط جهان این بلا ظاهر می‌شود. ۳. مقصود از «قُمّل» یک نوع آفت گیاهی بود که همه‌ی غلّات را فاسد می‌کرد؛ و برخی آن را نوعی کنه، شپش «۱» مورچه یا نوعی حشره دانسته‌اند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۷ ۴. قورباغه‌های بزرگ و کوچک، در خانه‌ها و ظروف و همه جای زندگی ظاهر می‌شدند و به حدی زیاد بودند که زندگی را بر فرعونیان تنگ کرده بلای جان آنها می‌شدند. «۱» ۵. مقصود از مسلّط شدن «خون» بر فرعونیان یا آن است که خون‌دماغ شدن همگانی شد، و یا این که رودخانه‌ی عظیم نیل به رنگ خون درآمد، به طوری که قابل استفاده نبود. «۲» برخی معتقدند که این مسئله یک پدیده‌ی زیست‌محیطی بود و گاهی در اثر تکثیر موجودات ریز در آب، به طور ناگهانی، بخشی از دریا یا رودخانه قرمز می‌شد. هم اکنون نیز گاهی این اتفاق در دریای سرخ و رود نیل می‌افتد. «۳» ۶. فرعونیان در کشور مصر، که در کنار شط عظیم نیل بود، قصرها و باغ‌های زیبایی، در زمین‌های آباد، ساخته بودند و طبعاً زمین‌های دورافتاده و کم‌آب را به بنی‌اسرائیل داده بودند؛ از این رو بیش‌ترین خسارت سیلاب‌ها و امواج متوجه فرعونیان شد. البته عذاب‌های دیگر نیز بیش‌تر متوجه آنان شده بود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۸ ۷. این عذاب‌ها در فواصل مختلف (یک ساله یا یک ماهه) صورت می‌گرفت، تا در این فرصت‌ها فرعونیان بیندیشند و بیدار شوند، ولی آنان فقط هنگامی که بلا می‌آمد اظهار پشیمانی می‌کردند و سپس عهدشکنی می‌نمودند و دوباره بلا نازل می‌شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی حوادث طبیعی و حیوانات، نشانه‌های خدا و مأموران عذاب الهی هستند. ۲. خدا به لجاجت‌ها و توهین نسبت به رهبران الهی، پاسخی کوبنده می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و چهارم سوره‌ی اعراف به بیداری و پشیمانی و درخواست‌های عاجزانه‌ی فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۴. وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ و هنگامی که (عذاب) اضطراب‌آور بر آنان واقع شد، گفتند: «ای موسی! از پروردگارت به عهدی که نزد تو دارد، برای ما بخواه، که اگر این (عذاب) اضطراب‌آور را از ما برطرف سازی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم، و حتماً بنی‌اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را با تو روانه می‌کنیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعونیان گرفتار انواع بلاها و عذاب‌ها شدند؛ «۲» از این رو موقتاً اظهار تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۱۹ پشیمانی کردند و از موسی علیه السلام خواستند که عذاب‌ها را برطرف سازد. آنان واقعاً نمی‌خواستند به موسی ایمان آورند، بلکه می‌خواستند با او معامله کنند که «تو عذاب الهی را برطرف کن و ما تو را تصدیق و بنی‌اسرائیل را آزاد می‌کنیم.» و از این روست که از تعبیر «پروردگار تو» و «ایمان برای تو» استفاده می‌کنند. ۲. مقصود از «عهدی که در نزد موسی بود»، وعده‌ای است که خدا به موسی علیه السلام داد که دعایش را مستجاب کند و یا عهد نبوت است، که فرعونیان موسی را به آن قسم می‌دادند که برای رفع بلاها دعا کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مستکبران در برابر بلاهای الهی طاقت و تحمّل ندارند و در هنگام سختی‌ها، در برابر رهبران الهی به التماس می‌افتند. ۲. در هنگام مشکلات دست به دامن رهبران الهی شوید. ۳. اگر می‌خواهید بلاهای الهی از شما برطرف شود ایمان آورید و مردم مستضعف را آزاد سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۰ قرآن کریم در آیات صد و سی و

پنجم و سی و ششم سوره‌ی اعراف به پیمان شکنی فرعونیان و غرق شدن آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۳۵ و ۱۳۶. فَلَمّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ* فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ و هنگامی که (عذاب) اضطراب‌آور را تا سرآمدی که آنان بدان می‌رسیدند، از آنان برطرف می‌ساختیم، ناگهان آنان پیمان می‌شکستند. * پس، از آنان انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ چرا که آنان نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از آن [ها] غافل بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی برای فرعونیان مدت مشخص تعیین می‌کرد و می‌گفت: «در فلان وقت، این بلا برطرف خواهد شد»، تا بفهمند که این بلاها تصادفی نبوده و کیفری الهی بوده است، ولی طاغوتیان در برابر پیامبر خدا، مکرر، پیمان‌شکنی می‌کردند «۱» و باز هم خدا به آنان مهلت می‌داد (تا بیدار شوند). ۲. «انتقام» در لغت عرب به معنای «مجازات و کیفر» است، اما در فارسی به معنای «کینه‌توزی» در برابر اعمال دیگران می‌آید. این معنای انتقام، که در فارسی رایج است، در مورد خدا سزاوار نیست. مقصود از انتقام الهی آن است که خدا انسان‌های فاسد و اصلاح نشدنی را کیفر می‌دهد و نابود می‌سازد. «۲» ۳. فرعونیان در واقع غافل نبودند؛ زیرا موسی علیه السلام آیات الهی را به آنان گوشزد می‌کرد و آنان تکذیب می‌کردند؛ آنان کم‌ترین توجهی به آیات خدا تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۱ نمی‌کردند و غافلانه از آنها می‌گذشتند و از این رو گرفتار عذاب و در دریا غرق شدند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرانجام انسان‌های تکذیب‌گر و پیمان‌شکن، عذاب‌آلود است. ۲. با خدا پیمان شکنی نکنید که دچار عذاب الهی می‌شوید. ۳. آیات و نشانه‌های الهی را دروغ نشمارید و از آنها غافل نشوید که در عذاب الهی غرق می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هفتم سوره‌ی اعراف به پیروزی بنی‌اسرائیل و سقوط تمدن ظاهری فرعونیان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۷. وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَاكَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ و به گروهی که همواره تضعیف می‌شدند، خاوران زمین (فلسطین) و باخترانش را، که آن را پربرکت کرده بودیم، به ارث دادیم؛ و به خاطر شکیبایی‌شان، سخن نیک پروردگارت (در مورد وعده) به بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب، تحقق) تمام یافت؛ و آنچه (از کاخ‌ها) فرعون و قومش پیوسته با زیرکی می‌ساختند، و آنچه را (از باغ‌های داربست‌دار) همواره برافراشته بودند، درهم کوبیدیم. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعونیان همواره بنی‌اسرائیل را تضعیف می‌کردند و در ناتوانی فکری، اخلاقی و اقتصادی قرار می‌دادند و آنان را استعمار و استثمار می‌کردند. «۱» آری؛ پیروان پیامبران مستضعفان بودند و آنان‌اند که می‌توانند با صبر خود پیروزی نهایی را به دست آورند. ۲. بنی اسرائیل بعد از فرعونیان مالک و حاکم سرزمین آنان شدند. قرآن در این آیه اشاره می‌کند که سرزمین‌های پهناور و پربرکتی که به بنی‌اسرائیل دادیم، هم چون ارث «۲»، موهبت و بخشش الهی بود که کارهایشان در برابر آن اندک بود. ۳. تعبیر «مشارق و مغارب زمین» اشاره به سرزمین‌های پهناوری است که در اختیار فرعونیان بود و به بنی‌اسرائیل رسید. سرزمین مصر و شامات و فلسطین به قدری وسیع بود که اختلاف افق داشت؛ یعنی مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد داشت. و این به خاطر کروی بودن زمین است که سرزمین‌های کوچک یک افق دارند اما سرزمین‌های بزرگ چند افق دارند. «۳» برخی گفته‌اند که قرآن در این آیه به کروی بودن زمین اشاره دارد. ۴. فرعونیان از تمدن ظاهری برخوردار بودند و ساختمان‌ها و کاخ‌هایی با معماری جالب و چشم‌گیر ساخته بودند «۴» و نیز باغ هایی که درختان آن تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۳ داربست شده و منظره‌های زیبایی داشت. «۱» ۵. برخی مفسران احتمال داده‌اند که نابودی کاخ‌ها و باغ‌های فرعونیان با زلزله‌ها و سیل‌های جدیدی بوده است؛ چرا که گروهی از فرعونیان در دریا غرق شده و گروه دیگری باقی مانده بودند و با توجه به قدرت اقتصادی و نظامی آنان، ممکن بود که بار دیگر بر بنی‌اسرائیل حمله‌ور شوند؛ از این رو خداوند به کلی آنان را نابود کرد. «۲» ۶. خدا وعده‌اش «۳» را در مورد پیروزی مستضعفان بنی‌اسرائیل تحقق بخشید، اما این یک سنت و قانون الهی است و مخصوص بنی‌اسرائیل نیست؛ هر ملت باایمانی که صبر داشته باشد و به برنامه‌های پیامبران عمل کند، پیروز خواهد شد. ۷. با برکت بودن سرزمین فلسطین و شام که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شده، یا به خاطر

سرسبزی آن است و یـا به خاطر آن که زادگاه و مکان پیامبران الهی بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرانجام مستضعفان، پیروزی و فرجام مستکبران، نابودی است. ۲. خدا زمین را به مستضـعفان پراستقامت می‌بخشد. ۳. مستکبران به صنعت و تمدن ظاهری خویش دل خوش نکننـد که نابود شدنی است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۴ ۴. ملت‌های مستضـعف اگر پیروزی می‌خواهند شکیبا باشـند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و سـی و هشـتم سوره‌ی اعراف به نجـات بنی‌اسـرائیل و نقش محیط در انحراف آنان و نقش جهل در بت‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۸. وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَی قَوْمٍ یَعْکُفُونَ عَلَی أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا یَامُوسَی اجْعَلْ لَنَا إِلهاً کَمَا لَهُمْ آلِهَهٌ قَالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ و بنی اسرائیل (: فرزنـدان یعقوب) را از دریـا عبور دادیم؛ و (در راه خود) به گروهی رسـیدند که مجاور بت‌هایشان (در حال پرسـتش) بودنـد. (در این هنگام بنی‌اسـرائیل) به موسـی گفتنـد: « (تو هم) برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که برای آنان معبودانی است.» (موسی) گفت: «در واقع شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن، مـاجرای درخواست بت‌پرستی و بت‌سازی بنی‌اسـرائیل را در سوره‌ی اعراف، آیات ۱۳۸ و ۱۴۸ و سوره‌ی طه، آیـات ۸۶ – ۹۷ بیـان کرده اسـت. آری؛ موسـی علیـه السـلام پس از درگیری برون‌گروهی بـا فرعونیـان، گرفتـار درگیری‌هـای درون‌گروهی با جاهلان بنی‌اسـرائیل شـد که به مراتب سـخت‌تر بود. ۲. سرچشـمه‌ی بت‌پرستی، جهل و نادانی گسترده و عمیق بشـر است؛ «۱» جهل نسـبت به خـدا که هیـچ شبیهی ندارد و جهل نسبت به علل اصـلی حوادث جهان، که آنها را به علل خیالی مثل بت نسـبت می‌دهنـد و جهل نسبت به جهان ماورای طبیعت، به طوری که جز مسائل حسّـِی را نبینند و باور نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۵ ۳. بنی‌اسـرائیل گفتنـد: «معبودی برای ما قرار بـده.»، این جمله نشان می‌دهـد که آنان می‌پنداشـتند چیزی که هرگز منشأ اثر نبوده و سود و زیان نداشته، با «بت و معبود» نامیده شدن، ممکن است سرچشمه‌ی آثار شود و انسان را به خدا نزدیک کند! و این نهایت جهل آنان را نشان می‌دهد. ۴. بنی‌اسرائیل تحت تأثیر گروهی بت‌پرست درخواست بت‌سازی کردند. این نشان می‌دهد که محیـط در تربیت انسان بسیار مؤثر است و به او الگو می‌دهـد و او را به طرف خـداپرستی یا بت‌پرستی سوق می‌دهـد؛ محیط در موارد زیادی منشأ مفاسد و بدبختی‌ها، یا سرچشـمه‌ی صـلاح و پاکی است؛ از این رو محیط و اصـلاح آن در اسلام فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفته است. ۵. این آیه ناسپاسـی بنی‌اسـرائیل را به خوبی نشان می‌دهد. آنان تازه از دریا نجات یافته، و آن همه معجزه از موسـی علیه السـلام دیـده بودنـد، ولی بلافاصـله تقاضای بت‌سازی از آن حضـرت کردنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محیط فاسد، سـبب انحراف مردم جاهل و تقلیـد ناآگاهانه و الگوگیری آنان می‌شود. ۲. بت پرستی ریشه در جهـل و ناآگاهی دارد. ۳. درخواست‌های جاهلانه نکنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و سی و نهم سوره‌ی اعراف به بیهودگی و باطل گرایی بت‌پرستی اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۳۹. إِنَّ هؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَاهُمْ فِیهِ وَبَاطِلٌ مَاکَانُوا یَعْمَلُونَ (موسـی گفت:) در حقیقت، آنچه آنان در آن‌اند، نابود است؛ و آنچه همواره انجام می‌دادند، باطل است!» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عمل بت‌پرستان بی‌نتیجه و بیهوده و باطل است و سـرانجام آنان هلاکت و نابودی است. ۲. برخی مفسـران احتمال داده‌اند که این آیه بشارت موسی علیه السلام به مردم است که می‌گویـد: «با آمدن ما به این منطقه، شـرک و انحراف نابود خواهد شد». «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اعمال بت‌پرستان بیهوده و باطـل، و فرجـام شـرک و بت‌پرستی، نابودی است. ۲. درخواست چیزهـای بیهوده و باطـل (هم‌چون بت‌پرستی) نکنیـد. *** قرآن کریم در آیات صـد و چهلم و صـد و چهل و یکم سوره‌ی اعراف نعمت‌های الهی، هم چون پیروزی و برتری نجات و آزادی، را به بنی‌اسـرائیل یادآوری می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۰ و ۱۴۱. قَالَ أَغَیْرَ اللّهِ أَبْغِیکُمْ إِلهاً وَهُوَ فَضَّلَکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ* وَإِذْ أَنْجَیْنَاکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ یُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذلِکُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ (موسـی) گفت: «آیا غیر از خـدا، معبودی برای شـما بجویم؟! و حال آن که او شـما را بر جهانیان (روزگارتان) برتری داد.»* و (یاد کن) آن گاه که شما را از [چنگ فرعونیان نجات بخشیدیم، در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی می‌آزردند، پسران شما را می‌کشتند، و زنانتان را زنده نگه می‌داشـتند؛ و در این [ها] آزمایش بزرگی از [جانب تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۲۷ پروردگارتـان بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱.

موسـی علیه السلام با یادآوری نعمت‌های الهی به بنی‌اسرائیل، حسّ شکرگزاری آنان را تحریک کرد تا درخواست بت‌پرستی نکنند و به خـداپرستی روی آورنـد. ۲. ممکـن اسـت این آیه اشـاره به آن باشـد که اگر انگیزه‌ی پرسـتش بت‌هـا، تأثیرشـان در سرنوشـت شماست، بدانید که بت‌ها اثری ندارند، ولی خدای توانا شـما را بر مردم عصرتان برتری داده و نعمت‌های متعدد به شما ارزانی کرده است، پس خدا یگانه منشأ تأثیر و شایسـته‌ی پرسـتش است. «۱» ۳. مقصود از برتری بنی‌اسـرائیل بر جهانیـان، همان پیروزی و برتری آنان بر اقوام عصـر خویش است، و گر نه آنان از مردمان اعصار قبل و بعـد، برتر نبودنـد و رفتار و سـخنانشان با موسـی علیه السـلام شاهد این مدعاست. ۴. در این آیه و نیز آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی بقره و ۱۲۷ سوره‌ی اعراف به مجازات‌هایی اشاره شده که فرعونیان نسبت به بنی‌اسـرائیل روا می‌داشتند. «۲» آنان همواره بنی اسـرائیل را شـکنجه می‌دادنـد «۳» و پسـران آنهـا را می‌کشـند و زنانشان را برای بهره‌کشی زنده می‌گذاشتند. ۵. نجات و آزادی از چنگال فرعونیان یکی از نعمت‌های الهی نسـبت به بنی‌اسـرائیل بود، که شایسته‌ی سپاس‌گزاری است؛ و سـپاس آن پرسـتش خدا و دوری از شـرک است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سپـاس نعمت‌های الهی، دوری از شـرک است. ۲. نعمت‌های الهی را بشناسـید و سپاس‌گزار خدا باشـید و به دنبال شرک نروید. ۳. رهبران جـامعه، نعمت‌هـای الهی را به مردم یادآوری کننـد تا مردم گرفتار غفلت و شـرک نشونـد. ۴. ناگواری‌ها، وسیله‌ی آزمایش شماست (پس تلاش کنید در آزمایش‌های الهی موفق شوید). ۵. آزادی و نجات از دست ستمگران، هدیه‌ای الهی است (قدر آن را بدانید و سپاس‌گزار خدا باشـید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و دوم سوره‌ی اعراف به وعدگاه خدا با موسی علیه السلام و نشاندن هارون به جای او برای اصـلاح گری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۲. وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَـِى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْـلِحْ وَلَاتَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ و با موسـی، سـی شب وعده گذاشتیم؛ و آن را بـا ده شب (دیگر) تکمیـل نمودیم؛ پس میعادگـاه پروردگـارش (بـا او)، چهـل شبِ تمـام شـد. و (در هنگام رفتن) موسـی به برادرش هـارون گفت: «جانشـین من در میان قومم باش؛ و (امورشان را) اصـلاح کن؛ و راه فسادگران را پیروی مکن.» تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۲۹ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیه می‌فرمایـد: «وعده‌ی الهی سـی روز بود، «۱» سـپس ده روز به آن اضافه شـد.»، اما در آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی بقره، وعـده‌ی الهی، چهـل روز بیـان شـده است. در حـدیثی از امـام باقر علیه السـلام حکایت شـده: هنگـامی که موسـی علیه السـلام به وعـدگاه الهی رفت، بـا قوم خویش قرار گـذاشت که غیبت او سـی روز بیش‌تر طول نکشـد، اما هنگـامی که خـدا ده روز بر آن افزود، بنی‌اسـرائیل گفتنـد: موسـی علیه السـلام تخلف کرده است و به دنبـال آن، دست به کارهایی (مثل گوساله‌پرستی) زدند. «۲» و برخی از مفسـران نیز احتمال داده‌انـد که اضافه شـدن این ده روز، برای امتحان بنی‌اسـرائیل و جدا شدن صـفوف منافقان آنها بود. «۳» ۲. از احادیث اسـتفاده می‌شود که چهل روزی که موسـی علیه السلام به وعدگاه الهی رفت، در مـاه ذیقعـده و ده روز اول ذیحجّه بود و اگر در قرآن به جـای چهـل روز، تعبیر چهـل شب شـده است، ظـاهراً به خاطر آن است که مناجـات و گفت و گوی موسـی بـا پروردگـارش بیش‌تر در شب‌ها انجام می‌شـد. «۴» ۳. شب برای مناجـات و سـخن با خـدا منزلت خاصـی دارد و عدد چهل هم در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است. «۵» سحر گه رهروی در سرزمینی همی گفت این معمّا با قرینی که ای صوفی شـراب آن گه شود صاف که در شیشه برآرد اربعینی (حافظ) ۴. با توجه به این که هارون، خود، پیامبر بود، پس نشسـتن او به جـای موسـی، به معنـای نصب او به خلافت و امامت بود؛ چون امامت و رهبری، مقامی غیر از نبوت است که خدا به همه‌ی پیامبران نداده است. ۵. با این که هارون پیامبر و معصوم بود، باز موسـی به هارون گفت: «در اصلاح امت بکوش و از فسادکننـدگان پیروی نکن.»، این جملات تأکیـدی بود که هارون را به اهمیت موقعیّت خود واقف می‌ساخت و شایـد هم تذکری به بنی‌اسرائیل بود که در برابر اندرزها و راه بردهای خردمندانه‌ی هارون تسلیم باشند. ۶. در احادیث متعددی از دانشمندان اهل سنت و شیعه از پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله حکایت شده که به امام علی علیه السلام فرمودند: تو نسبت به من هم‌چون هارون نسبت به موسـی هستی، جز آن که بعد از من پیامبری وجود ندارد. این حدیث حداقل هفت بار، در هفت موضع از پیامبر صـلی الله علیه و آله

حکـایت شـده است: در روز برادری اول در مکه، روز برادری دوم در مـدینه، در دیـدار ام سـلیم، در هنگـام تعیین سـرپرست فرزند حمزه، خطاب به یاران با حضور عمر، در هنگام بستن درهای خانه‌ها به مسجد پیامبر و در جریان جنگ تبوک که علی علیه السلام را به جانشـینی خـود در مـدینه منصوب کرد. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۳۱ حـدیث منزلت تمـام مقام‌هایی را که برای هارون نسـبت به موسـی علیهما السـلام ثابت شده برای امام علی علیه السـلام نسـبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت می‌کند، چون عمومیت دارد؛ و تنها نبوت را استثنا کرده است. چون هارون در زمان حیات موسی علیه السلام از دنیا رفت، اما علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر صـلی الله علیه و آله زنده بود و پیامبر اسـلام آخرین پیامبر الهی بود. اما همان طور که هارون در زمان حضور موسـی علیه السـلام و تحت نظر او، معاون وی و در غیاب او جانشـین و امام و رهبر بود، امام علی علیه السلام نیز در حضور پیامبر و زیر نظر ایشان معاونِ رهبر اسلام بود و بعد از ایشان رهبر مستقل مسلمانان شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جامعه بدون رهبر الهی نماند. ۲. رهبران الهی در هنگام سـفر جانشین تعیین کنند. ۳. پیـامبران حقّ تعیین و نصب رهبر و جانشـین را دارنـد و این رهبری بر اساس نصب الهی است. ۴. قلمرو اختیارات و وظایف جانشـین خود را مشـخص سازیـد. ۵. وظیفه‌ی رهبر، اصـلاح امت و مقـاومت در برابر فسادگران است. ۶. به اسرار عدد چهل در عبادات توجه کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۲

عدد چهل در قرآن و حدیث

عدد چهل در آیات و روایات متعدد و نیز در جهان هستی و (عمر سلول‌های) بدن انسان و فرهنگ‌ها مطرح شده که احتمالًا سرّی و ارتباطی با هم دارد: الف) عدد چهل در قرآن: ۱. وعده‌ی خدا با موسی (در کوه طور) سی شب بود و ده روز اضافه شد تا ملاقات با پروردگارش چهل شب باشد (اعراف، ۱۴۲). ۲. هنگامی که بنی اسرائیل بهانه‌تراشی کردند و حاضر به جنگ و داخل شدن (به بیت المقـدس) نشدنـد، خـدا آن سـرزمین را چهل سال برآنان ممنوع کرد و آنان در زمین سـرگردان شدنـد، (مائده، ۲۴– ۲۶). ۳. انسان هنگامی که به چهل سالگی رسـید، از پدر و مادر سپاس‌گزاری می‌کند و دعا می‌کند (احقاف، ۱۵). ۴. در سوره‌ی مجادله، ۴۰ بار نـام «اللَّه» به کـار رفته است. ۵. نـام چهلمین سـوره‌ی قرآن «مؤمن» و «غـافر» است. ۶. سوره‌ی «الضـحی» از چهل کلمه تشـکیل شده است. ۷. سوره‌ی «نبأ و قیامت» هر کدام چهل آیه دارد. ب) عدد چهل در احادیث: ۱. «هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، روز رسـتاخیز دانشـمند و فقیه (ژرف‌نگر) برانگیخته می‌شود.» (امام صادق علیه السـلام). «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۳ ۲. «هر بنـده‌ای چهل روز (نیت و کارهای خود را) خالص کنـد، منابع حکمت از قلبش به زبانش جاری می‌شود.» (رسول اکرم صلی الله علیـه و آله). «۱» ۳. «هرگاه عمر انسان به چهل سال برسـد، خدا به فرشـتگان دسـتور می‌دهد که بر او سـخت‌گیری کنند و اعمال صغیر و کبیر او را بنویسند». «۲» ۴. «هرگاه چهل نفر نماز بگزارند و در مورد کسی شفاعت کنند، خدا او را می‌آمرزد». «۳» ۵. «یا علی! هرگاه چهل روز بر کسـی بگذرد و در مجالس دانشمندان حاضر نشود، دلش سخت می‌شود و بر گناهان کبیره جرئت پیدا می‌کند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). ۶. «هرگاه گروهی چهل نفره جمع شوند و در مورد چیزی دعا کنند، خدا دعای آنان را مستجاب می‌کند و اگر چهل نفر ممکن نباشد، چهار نفر، هر کدام ده بار دعا کنند، خدا دعای آنان را مستجاب می‌کند و اگر چهار نفر ممکن نبود، یک نفر چهل بار دعا کند تا خدا مسـتجاب کند.» (امام صادق علیه السلام) «۴». ۷. «هر کس شراب بنوشد، تا چهل روز نمازش پذیرفته نمی‌شود.» (امام باقر علیه السلام). «۵» ۸. «هر کس یک لقمه‌ی حرام بخورد، نمازش تا چهل شب قبول نمی‌شود و دعـایش تـا چهـل روز مسـتجاب نمی‌شود و هر گوشـتی که (غـذای) حرام برویانـد آتش بر آن سـزاوارتر است و در حقیقت یک لقمه‌ی حرام، گوشت را تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۳۴ رشـد می‌دهد.» (رسول اکرم صـلی الله علیه و آله). «۱» ۹. «هر کس چهـل روز حلاـل بخـورد، خـدا قلبش را نورانی می‌کنـد.» (پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله). «۲» ۱۰. «هر کس چهـل روز گوشـت بخورد، دلش سـخت می‌شود (و قساوت قلب پیدا می‌کند).» (پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله). «۳» ۱۱. «هر کس چهل روز گوشت

خوردن را ترک کند، اخلاقش بد و عقلش فاسد می‌شود.» (امام صادق علیه السلام). تذکر: شاید این مطلب با مدت عمر متوسط سلول‌های بدن، که چهل روز است، ارتباط داشته باشد. ۱۲. «هر کس مرد یا زن مؤمنی را غیبت کند، نمازش و روزه‌اش تا چهل روز قبول نمی‌شود مگر آن که غیبت شونده او را ببخشد.» (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله). «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۵ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و سوم سوره‌ی اعراف به تقاضای بنی اسرائیل برای مشاهده‌ی پروردگار و محال بودن آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴۳. وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمّا تَجَلّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسى صَعِقاً فَلَمّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را بر من بنمای، [تا] بر تو بنگرم.» (خدا) گفت: « [هرگز] مرا نخواهی دید؛ ولیکن به کوه بنگر، و اگر در جایش ثابت ماند، پس در آینده مرا خواهی دید.» و هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه نمود، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش (به زمین) افتاد؛ و هنگامی که به هوش آمد، گفت: «منزّهی تو (از این که با چشم دیده شوی)! به سوی تو بازگشتم؛ و من نخستین مؤمنانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آن گونه که از قران استفاده می‌شود، «۱» گروهی از بنی‌اسرائیل با اصرار از موسی علیه السلام خواستند که خدا را مشاهده کنند، تا ایمان آورند. موسی علیه السلام هفتاد نفر از آنان را انتخاب کرد و به همراه خود به میعادگاه پروردگار برد و در آن جا تقاضای آنان را به درگاه الهی عرض کرد «۲» و پاسخی عملی دید تا همه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۶ چیز بر بنی‌اسرائیل روشن شود؛ از این رو بود که موسی علیه السلام پس از این ماجرا توبه کرد و به خدا عرض کرد: «آیا ما را به خاطر عملی که سبک سران ما انجام دادند، به هلاکت می‌رسانی». «۱» ۲. مشاهده‌ی خدا محال است؛ «۲» جمله‌ی: «به کوه بنگر اگر در جای خود باقی ماند، مرا خواهی دید.» کنایه از محال بودن دیدن خداست؛ زیرا بعد از جلوه‌ی الهی، آن کوه سرجای خود نماند و همانند زمین صاف شد. «۳» ۳. دلایل عقلی نیز حکم می‌کند که خدا را نمی‌توان با چشم سر مشاهده کرد؛ هر چه با چشم حسّی دیده شود، جسم است و جسم محدود و مخلوق تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۷ است، اما خدا نامحدود و نامتناهی است و جسم نیست، پس دیده نمی‌شود. و اگر گاهی در قرآن سخن از ملاقات پروردگار شده است، مقصود مشاهده‌ی کیفر الهی، یا مشاهده‌ی خدا با چشم دل و دیده‌ی خرد است. «۱» ۴. مقصود از جلوه‌ی خدا آن است که خدا پرتوی از خود یا یکی از مخلوقات خویش را بر کوه ظاهر ساخت و از آن جا که آشکار شدن آثار او به منزله‌ی آشکار شدن خود اوست، فرمود خدا بر کوه تجلّی کرد. اما روشن نیست که این موجود عظیم چه بوده است. آیا امواجی مرموز و تکان دهنده بود، یا صاعقه‌ای عظیم و وحشتناک و یا نیرویی اتمی که بر کوه زده شد و برقی خیره‌کننده و صدایی مهیب برخاست و کوه به کلی فرو پاشید. در برخی احادیث اشاراتی به این امور شده است، اما ماهیت این تجلّی و موجودی که بر کوه زده شد، بر ما روشن نیست. «۲» ۵. خدا بر کوه جلوه کرد و آن را متلاشی نمود. این کار دو چیز را به موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل نشان داد: نخست این که، آنان قادر نیستند حتی پدیده‌ی کوچکی از پدیده‌های عظیم خدا را مشاهده کنند و از عظمت آن مدهوش می‌شوند؛ پس چگونه تقاضای مشاهده‌ی پروردگار می‌کنند! و دوم این که، همان طور که مردم این موجود و نشانه‌ی عظیم الهی را مشاهده نکردند، و تنها آثار آن، هم چون لرزه و صدای مهیب را شنیدند، ولی در وجود او تردید نکردند، خدای بزرگ نیز قابل مشاهده نیست، اما آثارش همه جا را فرا گرفته است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۸ ۶. در مورد تقاضای توبه و بازگشت موسی علیه السلام دو تفسیر شده است: نخست آن که، موسی به نمایندگی از بنی‌اسرائیل تقاضای مشاهده‌ی خدا کرد، سپس به نمایندگی از آنان تقاضای بخشش و توبه کرد. و دیگر این که، موسی علیه السلام پس از اتمام مأموریت خویش لازم بود به حالت قبل از تقاضای مشاهده برگردد و ایمان خویش را ابراز دارد تا اشتباهی برای کسی باقی نماند. «۱» در هر صورت، این توبه با عصمت او تعارض ندارد. ۷. خدا با برخی بندگان خاص خود وعده می‌گذارد و با آنان سخن می‌گوید. «۲» این نهایت لطف خدا نسبت به انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا (نه در دنیا و نه در آخرت) با چشم سر و دید

حسّی قابل مشاهده نیست. ۲. رهبران الهی پیشگام مکتب خویش باشند. ۳. با خدا سخن بگویید و خواسته‌های خویش (و دیگران) را به او عرضه بدارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و چهارم سوره‌ی اعراف به ویژگی‌های برجسته‌ی موسی علیه السلام و سفارش‌های خدا به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۴. قَالَ یَا مُوسَی إِنِّی اصْطَفَیْتُکَ عَلَی النَّاسِ بِرِسَالاتِی وَبِکَلَامِی فَخُذْ مَاآتَیْتُکَ وَکُنْ مِنَ الشَّاکِرِینَ (خدا) فرمود: «ای موسی! براستی که من تو را بـا رسالت‌های خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم (برتری دادم و) برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر، و از سپاس‌گزاران باش.» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۳۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه دو امتیاز بزرگ موسی علیه السلام را بیان کرده است؛ یکی دریافت رسالت‌ها و پیام‌های الهی و دیگری گفت و گو با پروردگار. این دو ویژگی، مقام رهبری او را در میان امتش تثبیت می‌کرد. ۲. در آیه‌ی قبل، موسی علیه السلام درخواست توبه و بازگشت به سوی خدا کرد، و این آیه پاسخ مثبتی به آن درخواست به شمار می‌آید؛ یعنی درخواست مشاهده‌ی پروردگار و بیهوش شدن موسی علیه السلام و توبه‌ی او، مانع برگزیدگی او نبوده است. ۳. خدا چه چیزی به موسی داد که به او سفارش می‌کند آن را بگیرد (و به کار بندد)؟ از آیات بعد استفاده می‌شود که آنچه به موسی علیه السلام داده شد، همان الواح یا تورات است. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا به موسی علیه السلام وحی کرد: «آیا می‌دانی چرا تو را برای سخن گفتن با خودم انتخاب کردم و مردم دیگر را برنگزیدم؟» و موسی تقاضای توضیح کرد. به او وحی شد: «ای موسی من در میان بندگانم فروتن‌تر از تو برای خودم نیافتم. تو نماز می‌خوانی و صورتت را بر خاک می‌گذاری. «۱» ۵. مقصود از سخن گفتن خدا با موسی آن است که از طریق اجسام و در فضا، امواج صوتی آفریده شده و به گوش موسی رسیده است و موسی از طریق وحی، یا الهام، یا قراین دیگری، فهمید که این سخن خداست. این مطلب به معنای جسم بودن خدا نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۰ ۶. مسئولیت‌های دینی و ارشادی نیز از نعمت‌های الهی است که لازم است شکر آن به جا آورده شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام نبوّت انتصابی است (نه انتخابی). ۲. خدا هم‌سخنانش را خود برمی‌گزیند (پس تلاش کنیم که شایسته‌ی این مقام شویم). ۳. برنامه های الهی را بگیرید (و عمل کنید). ۴. سپاس‌گزار مسئولیت های الهی باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و پنجم سوره‌ی اعراف به نوشته‌های (تورات) اشاره می‌کند و با تأکید بر عمل بدانها می‌فرماید: ۱۴۵. وَکَتَبْنَا لَهُ فِی الْأَلْوَاحِ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِیلًا لِکُلِّ شَیْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَکَ یَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُورِیکُمْ دَارَ الْفَاسِقِینَ و برای او در صفحه‌های (تورات) پندی از هر چیزی و شرحی برای هر چیزی نگاشتیم؛ و [گفتیم:] آن را با توانمندی بگیر؛ و به قومت فرمان بده، که: «نیکوترینش را (فرا) گیرند. (و عمل کنند. و به مخالفان هشدار ده که) بزودی سرای نافرمانبرداران را به شما می‌نمایانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از ظاهر آیه استفاده می‌شود که خدا الواح «۱» و صفحاتی برای موسی علیه السلام فرستاد که قوانین و مطالب تورات، یعنی مواعظ و شرح امور مربوط به هدایت تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۱ در آنها نوشته شده بود. «۱» ۲. از تعبیر «از هر چیزی در آن نوشتیم.»، استفاده می‌شود که همه‌ی اندرزها و مسائل لازم، در الواح موسی علیه السلام نبوده است؛ چرا که آیین موسی آخرین دین الهی و کامل‌ترین آیین نبود و به مقدار استعداد مردم، قوانینی برای آنها نازل شده بود. ۳. مقصود از این که فرمود: «بهترین این دستورها را بگیرید.»، آن است که هرگاه دستوری مثل قصاص خوب بود و دستوری مثل عفو و بخشش بهتر بود، آن دستور بهتر را انتخاب کنید؛ و یا مقصود از «احَسَن»، همان «حَسَن» است؛ «۲» یعنی همه‌ی دستورات الهی خوب است، پس به همه‌ی آنها عمل کنید. ۴. مقصود از «خانه‌ی نافرمانان فاسق»، یا همان دوزخ است، که قرارگاه نافرمانان است و یا آن است که اگر بنی‌اسرائیل با این دستورات مخالفت کنند، به زودی به سرنوشت امثال قوم فرعون گرفتار می‌شوند و سرزمین آنان قرارگاه فاسقان می‌گردد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی برنامه های الهی را جدّی بگیرند و با اراده کارها را به پیش ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۲ ۲. مردم در مسائل دینی، بهترین برنامه را انتخاب کنند. «۱» ۳. به پندها و توضیحات کتاب الهی توجه کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و ششم سوره‌ی اعراف به ویژگی‌های مستکبران و نتیجه‌ی اعمالشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۶.

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَايُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ بزودی، کسانی را که در زمین به ناحق تکبّر می‌ورزنـد، از نشانه‌هایم، روی گردان می‌سازم. و اگر هر آیه (و نشانه) ای را ببیننـد، به آن ایمان نمی‌آورنـد؛ و اگر راه هـدایت را ببینند آن را (به عنـوان) راهی برنمی‌گزیننـد؛ و اگر راه گمراهی را ببیننـد، آن را (به عنوان) راهی برمی‌گزیننـد. این [هـا] بـدان سبب است که آنـان نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از آنها غافل بودند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه این سنّت الهی را بیان می‌کند که هر کس سرکشی و تکبّر را به آخرین حـد برساند، «۲» توفیق هرگونه هـدایت و راه‌یابی را از دست می‌دهـد؛ یعنی اصـرار در سرکشـی چنان در روح و فکرش اثر می‌کنـد که به موجودی تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۴۳ انعطاف‌ناپذیر تبدیل می‌شود؛ و این نتیجه‌ی اعمال زشـت این افراد است، اما از آن جا که خدا سبب نهایی همه چیز است، این نتایج به خدا نسبت داده می‌شود و این به معنای جبر نیست. «۱» ۲. مقصود از «آیه» همـان معجزات الهی یـا آیـاتی است که در کتاب‌هـا بر پیامبران نازل شـده است «۲» ولی مسـتکبران از آنها روی برتافتند. ۳. برخی مفسـران نوشـته‌اند که مقصود از «راه رشـد»، ایمـان، راستی، وفای به عهـد و اعمال شایسـته است و مقصود از «راه انحراف» شـرک، گناه و اعمال منافی عفت است. اما روشن است که «رشـد (: هدایت) و انحراف» مفهوم وسـیعی دارند و این موارد از مصادیق آنهاست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکبّر انسان را از هـدایت و بهره بردن از آیات الهی محروم می‌کند. ۲. تکذیب آیات الهی و غفلت «۴» از آنها، انسان را به انحراف بیش‌تر می‌کشانـد. ۳. به آیات الهی ایمان آوریـد و راه هدایت را انتخاب کنید. ۴. راه گمراهی تکبرورزی و تکـذیب‌گری و غفلت را انتخاب نکنیـد، تا از هـدایت الهی بهره‌منـد شویـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهـل و هفتم سوره‌ی اعراف به کیفر مسـتکبران تکـذیب‌گر و نابودی اعمال آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۴ ۱۴۷. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَاكَانُوا يَعْمَلُونَ و کسانی که نشانه‌های ما، و ملاقـات آخرت را دروغ انگاشـتند، اعمالشـان تبـاه می‌شود؛ آیـا جز آنچه را همواره انجام می‌دادنـد کیفر داده می‌شونـد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کیفر اعمـال انسـان، جنبه‌ی انتقـام و کینه‌توزی نـدارد و نتیجه‌ی اعمـال خود انسـان، بلکه عین عمل اوست. ۲. «حبْط» به معنای باطل و بی‌خاصیت کردن عمل است؛ «۱» یعنی مسـتکبرانی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند، حتی اگر کار خیری هم انجام دهند، نتیجه‌ای برای آنان نخواهد داشت. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب نشانه‌های الهی و انکار قیامت، سبب نابودی اعمال انسان می‌شود. ۲. کیفر اعمال شـما، نتیجه‌ی کردار خودتان است. ۳. اگر می‌خواهیـد نتیجه‌ی اعمال نیک خود را ببینید، آیات الهی و معاد را انکار نکنید. ***

ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل

قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هشتم سوره‌ی اعراف به سوء استفاده‌ی منحرفان، از فقدان رهبری، و گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل و ستمکاری آنها اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۵ ۱۴۸. وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَداً لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَايُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ و قوم موسـی بعد از (رفتن) او، از زیورهایشان مجسـمه گوساله‌ای که صدای گاو داشت (ساختند، و به عنوان معبود) برگزیدند. آیا نظر نکردند، که آن [گوساله با آنان سخن نمی‌گوید، و به هیـچ راهی راهنمایی‌شان نمی‌کنـد؟! آن (گوساله) را (به عنوان معبود) برگزیدنـد، و سـتمکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان گوسـاله‌پرستی گروهی از بنی‌اسـرائیل، در سوره‌هـای بقره، نسـاء، طـه و اعراف آمـده است. «۱» این اشارات متعـدد نشان دهنـده‌ی اهمیت این موضوع است. ۲. موسـی علیه السـلام برای مناجات، برای مدت سی روز، به کوه رفت و سپس، برای امتحان بنی‌اسرائیل، ده روز دیگر به آن مـدت اضـافه شـد. شـایعه‌ی مرگ موسـی توسـط منـافقین بنی‌اسـرائیل، جهـل و نادانی گروهی از بنی‌اسـرائیل و تحریـک آنان در اثر دیـدن بت‌پرستی گروهی از مردم و نیز، زبردستی و حیله‌گری شخصـی به نام سامِری «۲» در ساختن گوساله‌ای

طلایی، سبب شد که زمینه‌ی گرایش اکثریت بنی‌اسرائیل به گوساله‌پرستی فراهم شود. «۳» ۳. سامری با مهارت کاری کرده بود که گوساله‌ی بی‌جان «۴»، صدایی شبیه گاو سر می‌داد. برخی از مفسران گفته‌اند او با مهارتی که داشت، لوله‌های تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۶ مخصوصی در درون سینه‌ی گوساله‌ی طلایی کار گذاشته بود که هوای فشرده از آن خارج می‌شد و صدایی شبیه گاو بیرون می‌داد و یا گوساله را در مسیر باد گذارده بود که در اثر وزش باد به دهانش، صدایی می‌کرد. ۴. طبق آیات قرآن، گروهی اندک از بنی‌اسرائیل بر حق باقی ماندند. ولی علت این که قرآن گوساله‌سازی و گوساله‌پرستی را به قوم موسی نسبت داد آن است که بسیاری از آنان سامری را یاری کردند، و شریک جرم او بودند و تعداد زیادتری هم به عمل او راضی شدند؛ پس مقصود آن است که اکثریت عظیمی از بنی‌اسرائیل پیرو سامری شدند. ۵. آیه‌ی فوق، آن موجود بنی‌اسرائیل را به خاطر پرسشش موجودی که سزاوار پرستش نبود، سرزنش می‌کند؛ زیرا نیک و بد را نمی‌فهمید و توانایی راه‌نمایی آنان را نداشت و حتی نمی‌توانست با مردم سخن بگوید و شیوه‌ی عبادت خویش را به آنان بیاموزد. ۶. بنی‌اسرائیل ستمگر بودند؛ زیرا آنان شرک ورزیدند، و شرک ستم بزرگی به روح و فکر خود و جامعه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کژ اندیشان و منحرف کنندگان، از هنر و زرق و برق و سر و صدا برای جلب توجه انسان‌ها استفاده می‌کنند (پس باید همگی مواظب شیطان‌صفتان و حیله‌های آنان باشید). ۲. بدون تفکر به دنبال هر صدا و معبودی نروید. ۳. پیروی از معبودان دروغین و شرک‌ورزی، ستم (به خویش و جامعه) است. ۴. وقتی رهبر الهی در میان جامعه نیست، مواظب توطئه‌ها و انحرافات باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و نهم سوره‌ی اعراف به پشیمانی بنی‌اسرائیل از گوساله‌پرستی و معیار زیانکاری اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴۹. وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ و هنگامی که (حقیقت) به دستشان افتاد، (و پشیمان شدند) و دیدند که آنان واقعاً گمراه شده‌اند، گفتند: «اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد»، در ادبیات عرب، کنایه از ندامت و پشیمانی است؛ زیرا وقتی واقعیت به دست انسان بیاید و به نتایج نامطلوب برسد و راه چاره بر او بسته شود، پشیمان می‌گردد. «۱» ۲. در این آیه به معیارهای زیانکاری بشر اشاره شده است «۲» که عبارت‌اند از: الف) اگر انسان گناه کند ولی خدا او را نیامرزد، زیان می‌بیند؛ چون پاک نمی‌گردد و گرفتار عذاب الهی می‌شود. ب) اگر انسان از رحمت الهی محروم شود، از رشد و کمال بازمی‌ماند و به سعادت و بهشت نمی‌رسد و زیان می‌بیند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هنگامی که عملکرد خود را دیدید، متوجه خطای خود شوید و از خدا آمرزش بخواهید. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۸ ۲. انسان گناهکار، بدون رحمت و آمرزش الهی، در زیانکاری است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاهم سوره‌ی اعراف به واکنش شدید موسی علیه السلام در برابر گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۵۰. وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفاً قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و هنگامی که موسی خشمناک [و] اندوهگین به سوی قومش بازگشت، گفت: «بعد از من، چه بد جانشینانی برایم بودید! آیا در مورد فرمان پروردگارتان، عجله نمودید (و در مورد تمدید زمان وعده، زودداوری کردید)؟!» و (موسی صفحه‌های (تورات) را افکند، و سر برادرش را گرفت در حالی که او را به سوی خود می‌کشید؛ [هارون گفت: «پسر مادر [م ! در حقیقت این گروه مرا تضعیف کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن؛ و مرا با گروه ستمکاران قرار مده.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «عجله کردن بنی‌اسرائیل» آن است که آنان در برابر فرمان خدا برای اضافه شدن ده شب به سی شب مناجات موسی علیه السلام، شتاب‌زده داوری نمودند و نیامدن به موقع موسی را دلیل بر مرگ یا خلف وعده‌ی او گرفتند و به گوساله‌پرستی روی آوردند. آنان به پندها و راه‌نمایی‌های هارون توجه نکردند و او را در جامعه تضعیف کردند و حتی تا حدّ قتل او پیش رفتند و در نهایت، نقشه‌ی شوم سامری تحقّق یافت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۴۹ ۲. موسی علیه السلام هنگام بازگشت از میعادگاه

و قبل از روبه رو شدن با بنی‌اسرائیل، خشمناک و اندوهناک «۱» بود؛ چرا که خدا جریان امتحان مردم و گوساله‌پرستی آنان را به او اطلاع داده بود. «۲» ۳. برخورد شدید موسی و خشم و اندوه او برای انحراف و بت‌پرستی بنی‌اسرائیل بود. او از طرفی ناراحتی درونی خود را نشان می‌داد و از طرف دیگر، با انداختن صفحه‌های تورات و حمله به برادرش، مغزهای خفته‌ی بنی‌اسرائیل را بیدار کرد و آنان را به زشتی و عظمت گناهشان توجه داد تا آثار بت‌پرستی در ذهنشان باقی نماند؛ بنابر این، اعمال موسی با عصمت او ناسازگار نبود و این برخورد تند، برای بیدار کردن بنی‌اسرائیل لازم بود. بنی اسرائیل زود بیدار شدند و راه توبه را در پیش گرفتند. «۳» ۴. عصبانیت در برابر انحراف عقیدتی مردم، نوعی خشم مقدس است و جنبه‌ی شخصی ندارد. این خشم نشان دهنده‌ی دل سوزی و تأسف پیامبر و رهبر دینی بر حال مردم است و تأثیرات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیکویی دارد. آری؛ توبیخ چشم‌گیر افراد، برای ایجاد شوک در جامعه مفید است، اما هنگام توبیخ باید مواظب باشیم که دشمن از آن سوء استفاده نکند. ۵. هارون برای تحریک عواطف موسی به او گفت: «فرزند مادرم!» در حالی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۰ که هر دو از یک پدر و مادر بودند. «۱» این تعبیر برای برانگیختن عواطف موسی علیه السلام بود. آری؛ برخورد عاطفی با افراد عصبانی، آنان را آرام می‌سازد. ۶. گاهی اصحاب پیامبران از مسیر حق و عدالت خارج می‌شدند و در حد ارتداد سقوط می‌کردند؛ بنابراین نمی‌توان گفت که همه‌ی یاران پیامبران، عادل، معصوم و الگو بوده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر انحرافات عقیدتی، غیرت دینی داشته باشید و واکنش نشان دهید. «۲» ۲. دشمنان دین، تلاش می‌کنند از راه تضعیف رهبران الهی و تهدید، به مقاصد خود برسند. ۳. رهبران الهی غم‌خوار مردم و مراقب انحرافات عقیدتی آنها هستند. ۴. از مردم و مسئولان آنها در مورد انحرافات، بازخواست کنید. ۵. در هنگام توبیخ افراد خودی، مراقب باشید حساب آنها را با ستمکاران یکسان نبینید و دشمنانشان را شاد نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صدو پنجاه و یکم سوره‌ی اعراف به آمرزش‌خواهی موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۱. قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۱ (موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خویش داخل فرما، در حالی که تو مهرورزترین مهرورزانی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی و هارون علیهما السلام گناهی نکرده بودند تا تقاضای بخشش کنند، تقاضای آمرزش و رحمت آنها، نوعی فروتنی به درگاه پروردگار و بازگشتی به سوی او بود که اشاره به ابراز تنفر از عمل زشت گوساله‌پرستی داشت و الگویی بود برای دیگران که به درگاه الهی رو بیاورند و برای گناهان خود طلب آمرزش کنند. «۱» برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که درخواست آمرزش موسی علیه السلام به خاطر پرخاش به هارون و یا انداختن صفحه‌های تورات بود. «۲» ۲. موسی علیه السلام نخست درخواست آمرزش کرد، سپس درخواست رحمت؛ زیرا لازم است که انسان ابتدا پاک شود تا شایستگی ورود به دریای رحمت الهی را پیدا کند. ۳. موسی علیه السلام به برادران خویش نیز دعا کرد و همه چیز را تنها برای خود طلب نکرد؛ در پایان دعا هم خدا را با صفت «ارحمُ الراحمین» یاد کرد؛ زیرا درخواست رحمت از خدا نموده بود. در دعا، لازم است از اسم‌ها و صفات نیک خدا که با محتوای دعا تناسب دارند، یاد کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان نیازمند آمرزش و رحمت الهی است. ۲. در هنگام دعا، دیگران را نیز در دعای خود شریک کنید. ۳. در هنگام دعا خدا را با نام‌های نیکو و مناسب بخوانید. ۴. اول از خدا آمرزش بخواهید، سپس رحمت. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و دوم سوره‌ی اعراف به کیفرهای گوساله‌پرستان بنی‌اسرائیل و قانون الهی در مورد٪ ۲۱-۰٪ ۱ منحرفان از توحید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۲. إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِن رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ در واقع کسانی که گوساله را (به عنوان معبود) برگزیدند، بزودی خشمی از جانب پروردگارشان، و خواری در زندگی پست (دنیا) به آنان خواهد رسید؛ و اینچنین، دروغ‌پردازان را کیفر می‌دهیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیه‌ی صد و چهل و نهم اعراف استفاده می‌شود که بنی‌اسرائیل از گوساله‌پرستی خود پشیمان شدند و راه توبه در پیش گرفتند، ولی برای این که گناه گوساله‌پرستی بزرگ بود و ندامت و توبه‌ی معمولی برای آن کافی نبود، خداوند عواقب و کیفرهایی برای این انحراف بزرگ

در نظر گرفت تا بنی‌اسرائیل بدانند که باید طعم ذلّت و کیفر الهی را بچشند و بار دیگر به آسانی به فکر چنین گناه عظیمی نیفتند و آیندگان نیز از آن عبرت بیاموزند. ۲. تعبیر «برگزیدند» که در مورد گوساله‌پرستی تکرار شده است، اشاره به آن دارد که بت هیچ واقعیتی ندارد و فقط انتخاب و قرارداد مردم گمراه است که به آن شخصیت موهوم می‌دهد. و گرنه گوساله، همان گوساله است. ۳. مقصود از خشم و ذلّتی که دامان بنی‌اسرائیل را گرفت چه بوده است؟ این مطلب شاید اشاره به گرفتاری‌ها و بدبختی‌هایی باشد که بعد از این ماجرا دامان یهودیان را گرفت و یا اشاره به مطلبی که در آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی بقره گذشت. ۴. در حدیثی آمده که امام باقر علیه السلام آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کردند و می‌فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۳ هیچ بدعت‌گزاری دیده نمی‌شود مگر آن که خوار می‌شود؛ و هیچ کسی دروغ بر خدا و رسول و اهل‌بیت او نمی‌بندد، مگر آن که خوار می‌گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس از خط توحید و خداپرستی منحرف شود، در همین جهان گرفتار خشم الهی و خوار خواهد شد. ۲. کیفر و خواری گوساله‌پرستان، یک سنت و قانون الهی است که در مورد همه‌ی افرادی که به خدا دروغ می‌بندند، جاری می‌شود. ۳. منحرفان از توحید را خوار سازید و بر آنان خشم بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و سوم سوره‌ی اعراف به مؤمنان توبه‌کننده، وعده‌ی آمرزش می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵۳. وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و کسانی که [کارهای بد انجام دادند، آن گاه بعد از آنها توبه نمودند و (عملًا) ایمان آوردند، قطعاً پس از آن، پروردگارت بسیار آمرزنده مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان بر چند گونه است: ایمان در لفظ و سخن که همان اقرار به توحید است؛ ایمان در عقیده که علاقه‌ای باطنی است؛ و ایمان در عمل و کردار که همان اطاعت و فرمان‌برداری از خداست. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۴ مقصود از ایمان در این آیه همان ایمان عملی و اطاعت از خداست؛ از این رو بعد از توبه ذکر شده است؛ «۱» البته این احتمال نیز وجود دارد که در این جا مقصود تجدید ایمان بنی‌اسرائیل، پس از گناه ارتداد باشد. «۲» ۲. راه توبه و بازگشت برای گناهکاران باز است و آمرزش و رحمت الهی شامل آنان می‌شود و امیدوار باشند و به سوی خدا بازگردند و تجدید ایمان نمایند. صد بار اگر توبه شکستی باز آی که درگه ما درگه ناامیدی نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران از رحمت و آمرزش الهی ناامید نباشند. ۲. با ایمان و توجه، از آمرزش و مهر الهی بهره‌مند شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و چهارم سوره‌ی اعراف به آرامش موسی علیه السلام و هدایتگری و رحمتگری تورات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۴. وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدىً وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۵ و هنگامی که خشم موسی آرام گرفت؛ صفحه‌های (تورات) را برگرفت، در حالی که در نوشته (های) آن، رهنمود و رحمتی است، برای کسانی که آنان از (مخالفت) پروردگارشان می‌هراسند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه می‌گوید «خشم از موسی دست برداشت.» و نمی‌گوید که «موسی از خشم دست کشید». این مطلب اشاره دارد که خشم بر موسی مسلّط شده بود «۱» و شاید هم نوعی عذر آوردن پروردگار مهربان برای موسی علیه السلام است و گویا می‌گوید: اگر موسی صفحه‌های تورات را انداخت، تقصیری نداشت؛ چون خشم بر او مسلط شده بود و هنگامی که خشم از او دست برداشت، موسی علیه السلام سراغ صفحه‌های تورات رفت و آنها را برداشت. ۲. در مورد قرآن کریم و تورات، تعبیر هدایت و رحمت آمده است. «۲» آری؛ قوانین و کتاب‌های آسمانی، راه‌نمای انسان‌ها به سوی کمال، همراه رحمت و عطوفت الهی هستند. ۳. ترس و پرهیز از مخالفت پروردگار «۳» زمینه‌ساز استفاده از رحمت و هدایت کتاب آسمانی است، اگر انسان با دستورات الهی مخالفت کند، خود را گرفتار عذاب الهی نموده و از سعادت و پاداش عمل به کتاب‌های آسمانی محروم ساخته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تورات واقعی، مایه‌ی رحمت و هدایت مردم بود. ۲. از نافرمانی خدا بهراسید تا از هدایت و رحمت الهی بهره‌مند شوید. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۶ ۳. هرگاه خشم شما فرو نشست کارهای قبلی خود را جبران کنید و به سوی کتاب الهی بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و پنجم سوره‌ی اعراف به شرف‌یابی نمایندگان بنی‌اسرائیل به میعادگاه الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۵. وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ

شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ و موسی از میان قومش، هفتاد مرد را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زلزله آنان را فرا گرفت گفت: «پروردگارا! اگر (بر فرض) می‌خواستی، آنان و مرا پیش [از این هلاک می‌ساختی. آیا ما را به خاطر آنچه سبک‌سران ما انجام داده‌اند، هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، نیست؛ در حالی که هر کس را بخواهی (به خاطر اعمالش)، بوسیله آن در گمراهی وا می‌نهی؛ و هر که را بخواهی (و شایسته بدانی)، رهنمایی می کنی. تو سرپرست (و یاور) مایی، پس ما را بیامرز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی علیه السلام چند بار در میعادگاه الهی از خدا تقاضای دیدار او را کرد؟ برخی از مفسران معتقدند که موسی علیه السلام یک بار به میعادگاه الهی راه یافت و در همان مرتبه بود که هفتاد نفر از بنی‌اسرئیل را برگزید و با خود برد و آن سبک‌سران از موسی تقاضای دیدن خدا را کردند و در اثر این درخواست، زلزله‌ای آنان را فرا گرفت و موسی بیهوش شد که قسمتی از این ماجرا در آیات ۵۵ سوره‌ی بقره و ۱۴۳ سوره‌ی اعراف نیز بازگو شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۷ برخی دیگر از مفسران معتقدند که موسی علیه السلام دو بار به بارگاه الهی شرف‌یاب شد؛ که یک بار تقاضای دیدار خدا را کرد و در اثر تجلّی الهی بر کوه، مدهوش شد و ماجرای آن در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی بقره و ۱۴۳ سوره‌ی اعراف گذشت. اما بار دوم، پس از گوساله‌پرستی سبک‌سران بنی‌اسرائیل بود که هفتاد نفر از مردان را برگزید و برای عذرخواهی به میعادگاه برد و این بار در اثر زلزله‌ای شدید همگی هلاک شدند که ماجرای آن در این آیه (۱۵۵ سوره‌ی اعراف) آمده است. «۱» ۲. «فِتنه» در قرآن کریم، بارها به معنای «آزمایش» به کار رفته و مقصود آن است که بنی‌اسرائیل در میعادگاه با آزمایش بزرگی روبه رو شده و گرفتار زلزله گردیدند، اما پس از هلاکت، بار دیگر زندگی را از سر گرفتند «۲» و به سوی قوم یهود بازگشتند و جریان را برای آنان بازگو نمودند. ۳. موسی علیه السلام آداب خاصی را برای دعا رعایت کرد: اولًا، خدا را با صفت ولی، سرپرست و یاور خواند تا مقدمه‌ی دعا و درخواست او باشد و ثانیاً، در پایان دعا از خدا با عنوان «خیر الغافرین» (بهترین آمرزندگان) یاد کرد تا با محتوای دعا، که طلب آمرزش است، تناسب داشته باشد. ۴. موسی علیه السلام ابتدا غفران و آمرزش طلبید و سپس درخواست رحمت کرد؛ یعنی نخست انسان باید پاک شود آن گاه از رحمت الهی استفاده کند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی بلاها و حوادث، آزمایش الهی است تا صف هدایت یافتگان از گمراهان جدا گردد. ۲. رهبران الهی برای حضور در مراکز و مواقع حساس، گروهی از مردم را انتخاب کنند. ۳. به خاطر کردار سبک سران، همه‌ی مردم را تنبیه نکنید. ۴. در فتنه‌ها به درگاه الهی بروید و دعا کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و ششم سوره‌ی اعراف به دعاهای موسی علیه السلام و شرایط استجابت آنها اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۵۶. وَاكْتُبْ لَنَا فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ و برای ما، در این دنیا و در آخرت نیکی مقرّر فرما؛ [چرا] که ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم.» [خدا] گفت: «عذابم را به هرکس بخواهم آن را می‌رسانم؛ و رحمتم بر همه چیز گسترده است؛ و بزودی آن را برای کسانی که خودنگهداری می کنند، و زکات (و صدقه) می‌دهند و کسانی که آنان به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند، مقرّر خواهم داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی علیه السلام دعای خود را محدود نکرد ونیکی دنیا و آخرت را درخواست کرد «۱» و دلیل آورد که ما به سوی خدا بازگشت و توبه کرده‌ایم و از او تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۵۹ اطاعت می کنیم؛ پس سزاوار چنین حسنه‌ای هستیم. ۲. در حدیثی حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در حال نماز شنید که مردی می گوید: «خدایا من و محمد صلی الله علیه و آله را مشمول رحمت خود کن و کس دیگری را در این رحمت وارد مکن.» پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نماز رو به سوی او کرد و گفت: «موضوع وسیعی را محدود کردی.» «۱» (یعنی رحمت الهی محدود به من و تو نیست). بیا که دوش به مستی سروش عالم غیب نوید داد که عام است فیض رحمت او (حافظ) ۳. مقصود از جمله‌ی «کیفرم را به هرکس بخواهم می‌رسانم.»، آن نیست که اراده‌ی الهی بدون قید و شرط است، بلکه

همواره خواست خدا همراه با حکمت و رعایت شایستگی‌های افراد است. ۴. مقصود از «رحمت بی‌پایان الهی» یا نعمت‌ها و برکات دنیوی است که همگـان را فرا گرفته است. و یـا رحمت‌هـای مـادی و معنوی است که این‌ها نیز با شـرایطی، شامل همگان می‌شود و هرکس تصـمیم بگیرد می‌توانـد شـرایط لازم رادر خود به وجود آورد و از درهای رحمت الهی وارد شود؛ البته تفسـیر دوم با سـیاق آیه تناسب بیش‌تری دارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۰ ۵. بـا توجه به این که این آیه در سوره‌ی اعراف واقع شـده که یـک سوره‌ی مکی است، واژه‌ی «زکات» در این آیه منحصـر به معنای «مالیات زکات» اصـطلاحی نیست و معنای وسـیع کلمه مورد نظر است که شامـل همه‌ی اعمـال نیک و نعمت‌های الهی می‌شود؛ پس به معنای هرگونه انفاق و صـدقه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رحمت الهی فراگیر و شامـل همه چیز است (پس اگر کسـی از آن اسـتفاده نکرد کوتاهی کرده است). ۲. شرایط استفاده از رحمت الهی سه چیز است: تقوا، زکات و ایمان. ۳. دعای جامع کنید و برای دنیا و آخرت نیکی بخواهید. ***

پیامبر اسلام و نشانه ها و اهدلال او

قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هفتم سوره‌ی اعراف به صـفات هفتگانه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و آزادی و رستگاری پیروان او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۷. الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوراةِ وَالْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُوْلئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (همـان) کسـانی که از فرسـتاده (خـدا)، پیـامبر درس نخوانـده پیروی می‌کنند؛ آن (پیامبری) که (صـفات) او را در تورات و انجیل نزدشان، نوشـته می‌یابند؛ در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می‌دهد، و آنان را تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۱ از [کار] ناپسند منع می‌کند، و برایشان [خوارکی‌های پاکیزه را حلال می‌شـمرد، و پلیـدی‌ها را بر آنـان حرام می‌کنـد؛ و تکلیف سـنگینشان، و غل‌هـایی را که بر آنـان بوده، از (دوش) آنها بر می‌دارد؛ و کسـانی که به او ایمـان آوردنـد و گرامی‌اش داشـتند (و دشـمنانش را از او باز داشـتند) و یاری‌اش کردنـد، و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رسـتگارانند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «نَبی» کسـی است که بر او وحی نازل می‌شود و پیام خـدا را بیان می‌کند، هر چند مأمور به تبلیغ نباشد، اما «رسول» کسـی است که علاوه بر مقام نبوت، مأمور به تبلیغ آیین الهی و ایسـتادگی در این مسیر باشد؛ پس رسالت، مقامی بالاتر از نبوت است، و در این آیه، «نبی» به عنوان توضیح «رسول» آورده شده است. «۱» ۲. در مورد واژه‌ی «امّی» سه احتمـال وجود دارد: نخست آن که، از ماده‌ی «ام»، به معنای مادر باشـد؛ یعنی کسـی که به همان حالتی که از مادر متولـد شـده بـاقی است و مکتب و اسـتاد ندیـده و درس نخوانـده است؛ دوم آن که، از ماده‌ی «امّت» باشـد، یعنی کسـی که از میان توده‌ی مردم برخاسته است و از اشراف و ستمگران نیست؛ و سوم آن که، امّی منسوب به «امّ القُری (مکه) است؛ یعنی کسی که اهل مکه است. در احادیث اسـلامی نیز واژه‌ی امّی به درس‌نخوانـده و مکّی معنا شـده است «۲» و مـانعی هم نـدارد که یک لفظ به چند معنا آمده باشد. ۳. قرآن کریم در موارد متعددی تصریح کرده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۲ خط ننوشت و درس خوانده نبود. «۱» در محیط حجاز تعداد افراد باسواد کم بود، به طوری که در شـهر مکه مردان و زنان با سواد را ۱۷ نفر برشمرده‌اند «۲» و چنـان چه پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله نیز به مکتب رفته و باسواد بود، همگان می‌دانسـتند. وقتی چنین فرد درس نخوانـده و اسـتاد ندیـده‌ای بتوانـد کتاب عظیم قرآن را بیاورد، تردیدی باقی نمی‌ماند که این عادی نیست و از طریق وحی و ارتباط با غیب است. نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله‌آموز صـد مدرس شد (حافظ) ۴. پیامبر اسـلام «درس نخوانـده» بود نه «بی‌سواد». واژه‌ی «بی‌سواد» علاوه بر آن که در زبان فارسـی بار منفی و ضدارزشـی دارد و لایق مقام پیامبر صـلی الله علیه و آله نیست، با احادیث اسـلامی هم سازگار نیست؛ چون طبق احادیث اهل بیت علیهم السلام پیامبر می‌توانست بخوانـد و یـا توانایی خوانـدن و نوشـتن را داشت، «۳» امـا از ایـن قـدرت اسـتفاده نمی‌کرد. پس معنـای امّی، «مکتب ندیـده و درس

نخوانده» است، نه بی‌سواد. «۴» ۵. در تورات و انجیل بشارت‌هایی در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و صفات او آمده و حتی برخی از این بشارت‌ها در تورات و انجیل تحریف شده‌ی کنونی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۳ نیز موجود است. در سفر پیدایش تورات آمده است: و ابراهیم به خدا گفت که ای کاش اسماعیل در حضور تو زندگی نماید ... و در حق اسماعیل (دعای) تو را شنیدم، اینک به او برکت دادم و او را بارور گردانیده، به غایت، زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود. «۱» ۶. مقصود از «معروف و منکر» در آیه‌ی فوق که در مکه نازل شده است، چیزهایی است که نزد خرد انسان شناخته شده و معروف و یا نزد عقل زشت و ناشناخته است. این تعبیرات می‌تواند اشاره به آن باشد که محتوای دعوت پیامبر اسلام، کاملًا با عقل سازگار است. «۲» ۷. از جمله‌ی «چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای تنفرآمیز را حرام می‌سازد.»، استفاده می‌شود که محتوای دعوت پیامبر اسلام، با فطرت سلیم انسان هماهنگ است و چیزهای ناسالم و تنفرآمیز و مضرّ را ممنوع می‌کند و چیزهای نیکو را حلال می‌شمرد. ۸. پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام غُل و زنجیرهای «۳» مردم را می‌شکند. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنجیر جهل و نادانی را با دعوت به علم و دانش؛ زنجیر بت‌پرستی و خرافات را با فراخواندن به توحید و زنجیر تبعیض‌ها و زندگانی طبقاتی را از طریق دعوت به برادری اسلامی و مساوات در برابر قانون، شکست. «۴» ۹. در این آیه چهار شرط برای سعادت و کامرانی و رستگاری افراد مشخص شده است: ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گرامی داشتن او و دفع دشمنانش، «۵» حمایت و یاری ایشان، و پیروی از نور او. ۱۰. در مورد نوری که با پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است، دو احتمال وجود تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۴ دارد: ممکن است مقصود قرآن کریم باشد که همراه نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر شخص آن حضرت نازل گشت و یا مقصود امام علی علیه السلام باشد که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت بشریت فرستاده شد. در برخی احادیث نیز از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که مقصود از نور، امام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام هستند. «۱» البته در این گونه موارد می‌توان گفت که نور معنوی مفهومی وسیع دارد که قرآن و علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام از مصادیق آن هستند؛ پس آیه می‌تواند شامل همه‌ی این موارد باشد. ۱۱. در آیه‌ی فوق به پنج گواه برای نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره شده است: نخست آن که، درس ناخوانده بود (و با این حال این قرآن و تعلیمات عظیم را برای بشر به ارمغان آورد). دوم آن که، دلایل نبوت او در کتاب‌های تورات و انجیل آمده است. سوم آن که، محتوای دعوت او با عقل سازگار است. چهارم آن که، محتوای دعوت او با طبع سلیم و فطرت انسان سازگار است. پنجم آن که، نه تنها زنجیرهای تازه‌ای به دست و پای بشر نبست، بلکه زنجیرهای بشریت را شکست و او را رها کرد؛ چرا که دعوت به سوی خدا می‌کرد، نه خود. ۱۲. بزرگ‌داشت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری او جایگاه ویژه‌ای در رستگاری انسان دارد و این بزرگ‌داشت و یاری مخصوص زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، هم اکنون نیز با بزرگ‌داشت نام و راه و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری کردن دین او ممکن است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای آزادی بشریت از اسارت‌ها آمده است. ۲. امر به معروف و نهی از منکر، از برنامه‌های اساسی پیامبر اسلام است که با خرد انسان هم خوانی دارد. ۳. رستگاری مردم، در گرو ایمان، بزرگ‌داشت و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از ولایت و قرآن است. ۴. غذاهای حلال و حرام در اسلام، فلسفه و حکمت دارد و در راستای فطرت و طبع سلیم آدمی است. ۵. نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، سند مکتوب و جهانی دارد و قبلًا در تورات و انجیل ثبت گشته و مژده داده شده است. ۶. پیرو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشید تا مشمول رحمت الهی گردید. ۷. رهبران الهی و مبلغان دینی زنجیرهای (جهل و خرافات) را از دست مردم باز کنند و در راه آزادی آنها بکوشند. ۸. رهبران الهی را بزرگ بدارید و یاری‌شان کنید، تا رستگار شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هشتم سوره‌ی اعراف به جهانی بودن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و لزوم پیروی افراد از او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۸. قُلْ یَاأَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللّهِ إِلَیْکُمْ جَمِیعاً الَّذِی لَهُ مُلْکُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلهَ إِلَّا هُوَ یُحْیِی وَیُمِیتُ

فَآمِنُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِى يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ بگو: «ای مردم! در حقیقت من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ آن (خدایی) که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می‌میراند؛ پس ایمان آورید به خدا و فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۶ از او پیروی کنید تا شاید شما راهنمایی شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام حکایت شده که گروهی از یهودیان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و پرسش‌هایی از ایشان کردند؛ از جمله پرسیدند: به سوی چه کسانی فرستاده شده‌ای؟ به سوی عرب‌ها یا عجم‌ها؟ آیه‌ی فوق در پاسخ آنان نازل شد و با صراحت رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و آله را اعلام کرد. «۱» البته این گونه احادیث مفهوم و معنای آیه را مخصوص یک مورد خاص نمی کند، بلکه مفهوم آیه وسیع و فراگیر است. ۲. در این آیه و آیات متعددی از قرآن، به جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تصریح شده است؛ یعنی تعالیم او برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌هاست؛ همان طور که در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی سبأ و ۱۹ سوره‌ی انعام و اول سوره‌ی فرقان آمده است. «۲» ۳. پیامبر اسلام نه تنها دیگران را به حقایق و سخنان الهی دعوت می کند، بلکه خودش نیز به آنچه می گوید ایمان دارد و تمام کتاب‌های الهی پیشین و سخنان خدا را می‌پذیرد. این دلیل دیگری بر حقانیّت اوست؛ چون ایمان و عمل گوینده‌ی سخن نشان می‌دهد که تا چه اندازه راست گوست. ۴. تنها ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله کافی نیست؛ ایمان در صورتی انسان را تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۷ به هدایت و رستگاری می‌رساند که با پیروی عملی از پیامبر تکمیل شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جهانی است. ۲. هدایت شما در گرو ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی عملی از اوست. ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی به آنچه می گویند باور داشته باشند. ۴. رهبران الهی و مبلغان دینی قلمرو رسالت خود را به مردم اعلام کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و نهم سوره‌ی اعراف به اقلیّتی هدایتگر و دادگستر از یهودیان اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۵۹. وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ و از قوم موسی، گروهی هستند که به حق راهنمایی می کنند، و بر (اساس) آن دادگری می کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ممکن است اشاره به گروه کوچکی باشد که در برابر گوساله‌پرستی سامری تسلیم نشدند و از مکتب موسی علیه السلام حمایت کردند و یا اشاره به گروه‌های هدایت‌پیشه و دادگری که بعد از موسی علیه السلام بر سر کار آمدند. و نیز ممکن است اشاره به گروه اقلیّتی باشد که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می کردند و حق گرایی آنان سبب شد که با مطالعه‌ی اسلام، سرانجام مسلمان شوند؛ البته تفسیر اخیر با ظاهر آیه و فعل‌های مضارع آن هماهنگ‌تر است. «۱» ۲. قرآن کریم دارای روح حق‌طلبی است و انصاف و حق را رعایت می کند؛ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۸ از این رو هر جا اکثریت نافرمان و گناهکار را سرزنش می کند، یادآور اقلیّت شایسته و مظلوم می‌شود، تا حقّ این گروه ضایع نشود. «۱» ۳. افراد حق‌طلب و دادگستر می‌توانند بر سرنوشت جامعه تأثیر مثبت و سازنده‌ای داشته باشند؛ چرا که انسان به صورت فطری طرف‌دار حق است و از عدالت خشنود می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حق‌طلبی و دادگری دو صفت برجسته در میان ملت‌هاست. ۲. در برخورد با مخالفان، انصاف داشته باشید و اقلیت شایسته را نادیده نگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصتم سوره‌ی اعراف به بخشی از نعمت‌های خدا بر بنی‌اسرائیل اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۶۰. وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَىْ عَشْرَةَ أَسْبَاطاً أُمَماً وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْناً قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَارَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ و آنان را به دوازده (قبیله از) فرزندان (یعقوب که هر یک،) امتی بودند تقسیم کردیم. و به موسی- آن گاه که قومش از او آب خواستند- وحی کردیم که: «با عصایت بر سنگ بزن.» و دوازده چشمه از آن جوشید؛ که هر (گروهی از) مردم آبشخور خود را می‌شناختند و ابر را بر آنان تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۶۹ سایه‌گستر کردیم؛ و خوراکی [عسل مانند] و مرغانی [بلدرچین گونه بر آنان فرستادیم. (و گفتیم:) از [خوراکی‌های پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید؛ و [لی آنان با ناسپاسی خود]

بر مـا سـتم نکردنـد، بلکه همواره بر خودشان سـتم می‌نمودنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی یهودیـان از چنگال فرعونیان مصـر نجات یافتند، به سوی سـرزمین فلسـطین حرکت کردند، اما در آن جا حاضـر نشدند با ستمکاران (عَمالِقه) مبارزه کنند و بدین سبب، چهل سال در سـینا سـرگردان شدند و بعد از آن پشیمان شدند و نعمت آب و سایه و غذاهای لذیذ بر آنان فرود آمد. «۱» ۲. اولین نعمتی که در این آیه برای بنی‌اسـرائیل شـمرده شد، نعمت نظام‌بخشـی به ملت یهود بود، که آنان را به دوازده گروه و قبیله تقسیم نمود «۲» تا نظمی عادلانه در میان آنان برقرار و از برخوردهای خشـنونت‌آمیز جلوگیری شود. روشن است که هرگاه ملتی تقسیم‌بندی منظمی داشـته باشـند و هر گروه تحت سرپرستی رهبری لایق قرار گیرند، مدیریتشان آسان‌تر و رعایت عدالت در میان آنها سهل‌تر می‌شود. ۳. برخی مفسـران نوشـته‌اند که مقصود از سـنگ، صـخره‌ای بود که در قسمتی از کوهستانِ مشرف بر بیابان قرار داشت و به صورت اعجـازآمیزی آب تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۷۰ از آن جـاری گشت. «۱» ۴. مقصـود از «مَنّ» و «سَلوی دو غـذای مطبوع و نیروبخش است. «من» نوعی عسـل طـبیعی یـا گزانگبین بود که در دل کوه‌هـای مجـاور آنـان وجود داشت و «سَلوی نوعی پرنـده‌ی حلال گوشت شبیه بلـدرچین بود. «۲» ۵. آیات ۵۷ و ۶۰ سوره‌ی بقره نیز، با تفاوت اندکی مضـمون همین آیه را دارند؛ و این روش قرآن کریم است که مطـالب آموزنـده را، به صورت‌هـای مختلف تکرار می‌کنـد تا مورد توجه واقع شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای یک ملت، تشـکیلات و تقسـیم‌بندی و تعیین وظیفه‌ی گروه‌ها امری لازم است. ۲. هر کس از نعمت‌هـای الهی درسـت بهره نگیرد و ناسپاسی کند، به خود ستم کرده است (چون راه رشد خود را سدّ کرده است). «۳» *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۱ قرآن کریم در آیات صـد و شـصت و یکم و صد و شـصت و دوم سوره‌ی اعراف به آزمایش بنی‌اسـرائیل با نعمت‌ها، و نافرمانی و عذاب آنان اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۱۶۱ و ۱۶۲. وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْـكُنُوا هـذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُـجَّداً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ* فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِى قِيـلَ لَهُمْ فَأَرْسَـلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزاً مِنَ السَّمـاءِ بِمَـا كَانُوا يَظْلِمُونَ و (به یاد آریـد) هنگامی را که به آنان گفته شـد: «در این آبادی [: بیت‌المقـدس ساکن شویـد، و از هر جای آن خواسـتید، بخوریـد و بگوییـد: « [خـدایا! گناهـان مـا را] بریز.» و از درِ (بیت‌المقـدس) فروتنانه وارد شویـد تا خطاهایتان را برای شـما بیامرزیم؛ بزودی [پـاداش نیکوکـاران را خـواهیم افزود.»* و [لی کسـانی از میـان آن (یهـودی) ان کـه سـتم کرده بودنـد، سـخن را به غیر آن (سـخنی) که به آنان گفته شـده بود، تغییر دادنـد؛ پس به خاطر آن که همواره سـتم می‌کردند، (عذابی) اضـطراب‌آور از آسـمان بر آنـان فرسـتادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات ۵۷ و ۵۹ سوره‌ی بقره نیز همین مضـمون را دارنـد و تکرار آن‌هـا آثـار ترتیبی داشـته و درس‌آمـوز است. ۲. یهودیـان قبـل از ورود به بیت‌المقـدس، خلاف‌کاری‌هـایی هم چون گوسـاله‌پرستی و آزار موسـی علیه السـلام رامرتکب شدنـد و لازم بود قبـل از ورود به بیت‌المقـدس دل، جان و روح خود را با توبه‌ای خالصانه و واقعی بشوینـد؛ از این رو به آنان آموزش داده شد که فروتنانه وارد بیت‌المقدس شوند و واژه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۲ «حِطّه» را به صورت شعار تکرار کنند؛ «۱» شـعاری که ترجمان تمام ذرات وجودشان باشد. ۳. به بنی‌اسـرائیل دسـتور داده شد که هنگام ورود به بیت‌المقدس «حطَّة» بگوینـد، که به معنـای درخواست بخشـش گناهانشـان بود، اما برخی از آنان، از گفتن این کلمه خودداری کردنـد و به جای آن، به تمسخر، می‌گفتند واژه‌ی «حنطَة» به معنای «گندم»؛ «۲» و از این رو گرفتار عذاب الهی شدند. «۳» ۴. در آیه‌ی قبل، به نعمت آب و غـذای مردم اشـاره شـد و اینک در این آیه، به نعمت مسـکن و بخشـش گناهـان اشاره شـد. ۵. طلـب مغفرت و انجـام آداب مـذهبی سـبب بخشـایش خطاکـاران و پـاداش و لطـف بیش‌تر به نیکوکـاران می‌شود. ۶. در آیـات فوق، سـبب گرفتـاری یهودیان، ستمکاری آنان بیان شـده، ولی در پایان آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی بقره، سـبب گرفتاری آنان نافرمانی و فِسق معرفی شده است. شاید تفاوت این دو تعبیر به خاطر آن است که گناهان دو جنبه دارند: یکی مربوط به پروردگار است که باتعبیر فِسق یا نافرمانی از آن یاد شده و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۳ یکی مربوط به خود انسان و سـتم بر خویش است که با تعبیر ظلم از آن یاد شده است. «۱» ۷. تغییر دادن دسـتورات الهی، سـتمکاری است؛ زیرا هم سـتم به خود است و انسان را از رشد و کمال بازمی‌دارد و هم ستم به دیگران

است و آنان را گمراه و از دستورات کمال‌آفرین الهی محروم می‌کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انجام آداب مـذهبی و پیروی از دستورات الهی، موجب آمرزش و افزایش لطف الهی می‌شود. ۲. ورود به مکان‌های مقدس آداب ویژه‌ای دارد که از طریق رهبران الهی برای مردم بیان می‌شود. ۳. رهبران الهی برای مسکن و غذای مردم برنامه‌ریزی کنند. ۴. کیفر تغییر در دستورات الهی، عذاب آسمانی است. ۵. عذاب نتیجه‌ی ستمکاری و اعمال خود انسان‌هاست. ***

ماجرای روز شنبه و ماهیگیری یهود

قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و سوم سوره‌ی اعراف به ماجرای آزمایش یهودیان در مورد تعطیلی روز شنبه و نافرمانی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۳. وَسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَيَوْمَ لَايَسْبِتُونَ لَاتَأْتِيهِمْ كَذلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۴ و از آن (یهودی) ان از (سرگذشت) آبادی که در ساحل دریا بود بپرس، آن گاه که در (مورد ممنوعیت صید در روز تعطیل) شنبه، تعدّی می‌کردند؛ هنگامی که ماهیانشان، روز (شنبه) استراحتشان آشکارا نزد آنان می‌آمدند، و [لی روز (غیر شنبه) که استراحت نمی‌کردند، نزدشان نمی‌آمدند؛ این گونه آنان را به آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، می‌آزماییم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان تعطیلی روز شنبه و آزمایش یهودیان در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی مائده و آیات ۱۶۳– ۱۶۶ سوره‌ی اعراف آمده و در این سوره کامل‌تر بیان شده است. این تکرار و تأکید قرآن کریم نشان دهنده‌ی اهمیت این ماجرای عبرت‌آموز است؛ علاوه بر آن که در هر سوره، از زاویه‌ای خاص به ماجرا نظر شده است. ۲. برای یهودیان، روزهای شنبه «۱» تعطیل اعلام شد و به گروهی از بنی‌اسرائیل که در شهری در کنار دریا زندگی می‌کردند، «۲» دستور داده شد که روزهای شنبه ماهی صید نکنند، اما در همان روز ماهی‌ها جلوه‌گری می‌کردند و یهودیان مزوّرانه قانون الهی را شکستند؛ یعنی احتمالًا در کنار دریا حوضچه‌هایی می‌ساختند تا ماهی‌ها در روز شنبه داخل آن شوند، سپس راه آنها را می‌بستند و یکشنبه به صید آنها می‌پرداختند، و یا شنبه‌ها قلاب در دریا می‌انداختند و یکشنبه ماهی آن را می‌گرفتند و یا حتی با بی‌اعتنایی به فرمان الهی، روزهای شنبه مشغول صید ماهی می‌شدند. «۳» البته ممکن است همه‌ی این حکایت‌های مفسران درست باشد و مرحله به مرحله پیش رفتند تا بی‌پروا به صید پرداختند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۵ ۳. ممنوعیت صید در روزهای شنبه یک دستور آزمایشی بود و گروه کثیری از بنی‌اسرائیل در این امتحان شکست خوردند. ۴. آزمایش یهودیان به چیزی بود که آنان را به سوی خود جلب می‌کرد و به نافرمانی خدا می‌کشاند. آری؛ آزمایش‌ها مقاومت افراد را در برابر کشش گناهان مشخص می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها در معرض آزمایش‌های مختلفی هستند. ۲. از سرنوشت یهودیان در آزمایش ممنوعیت صید در شنبه، عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و چهارم سوره‌ی اعراف به اختلاف نظر یهودیان در مورد ماجرای روز شنبه اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۶۴. وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ و هنگامی که گروهی (بی‌طرف) از میان آنان، (به گروه پنددهندگان) گفتند: «چرا گروهی (گنهکار) را پند می‌دهید که خدا هلاک کننده ایشان، یا کیفر دهنده آنان، به عذابی شدید است. (گروه پنددهندگان) گفتند: (این پندها) عذری نزد پروردگار شماست، و شاید آنان خودنگهدار (و پارسا) شوند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان در برابر آزمایش ممنوعیت صید در روزهای شنبه، به سه گروه تقسیم شدند: اول، کسانی که با این فرمان مخالفت کردند و به صید پرداختند؛ دوم، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۶ کسانی که در برابر گروه اول ایستادند و امر به معروف و نهی از منکر کردند؛ و سوم افراد بی‌طرفی که نه گناه می‌کردند و نه نهی از منکر می‌نمودند. «۱» ۲. گروه بی‌طرف یهود، نه تنها خود نهی از منکر نمی‌کردند، بلکه به نهی‌کنندگان از منکر اعتراض می‌کردند که «چرا پند می‌دهید؟ بگذارید گناهکاران هلاک شوند.» و شاید به خاطر همین اعتراضاتشان بود که کیفر داده شدند. «۲» ۳. هدف پند دهندگان و نهی از منکر کنندگان دو

چیز بود: یکی این که، اتمام حجّت شود و در پیشگاه خدا معذور باشند؛ و دیگر این که، شاید پند آنان در دل گناهکاران مؤثر افتد. ۴. امر به معروف و نهی از منکر در جایی واجب می‌شود که احتمال تأثیر در طرف مقابل داده شود، اما از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که گروه نهی از منکر کنندگان، بدون احتمال تأثیر هم نهی از منکر می‌کردند و این به خاطر آن است که در برخی شرایط، اگر حکم خدا گفته نشود، کم‌کم حکم الهی فراموش می‌شود و بدعت‌ها جان می‌گیرد و سکوت دلیل بر رضایت به شمار می‌آید. در این گونه موارد نیز امر به معروف واجب می‌شود، هر چند تأثیری در گناهکار نگذارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در برابر گناه سه دسته هستند: گناهکاران، بی‌تفاوت‌ها، پنددهندگان (شما از کدام گروه هستید؟). تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۷ ۲. نهی از منکر با امید تأثیر و نیز به خاطر عذر داشتن نزد خدا و اتمام حجّت، لازم می‌شود. ۳. در هنگام رواج گناه، به گناهکاران اعتراض کنید، نه به نهی از منکر کنندگان. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و پنجم سوره‌ی اعراف به نجات گروه امر به معروف کنندگان و عذاب گناهکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۵. فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ و هنگامی که آنچه را بدان یادآوری شده بودند فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) کسانی را که از بدی (ها) منع می‌کردند، نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، به خاطر آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، به عذابی سخت گرفتار ساختیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «فراموشی» در این آیه نه بی‌اعتنایی به فرمان خدا و به دست فراموشی سپردن آن است، نه فراموشی حقیقی که موجب عذر می‌شود. ۲. از این آیه استفاده می‌شود که گروه گناهکاران به سختی «۱» مجازات شدند؛ گروه دوم، یعنی افراد بی‌طرف، به کیفر رسیدند؛ و گروه سوم، یعنی کسانی که نهی از منکر می‌کردند، نجات یافتند. در برخی احادیث آمده است آنان هنگامی که دیدند پندهایشان مؤثر نیست، شب هنگام از شهر بیرون رفتند و کیفر الهی در همان شب نازل شد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۸ ۳. از آیات و احادیث استفاده می‌شود که کیفر گناهکاران با افراد بی‌طرف یکسان نبود و، همان طور که در آیه‌ی بعد می‌خوانیم، گناهکاران مسخ شدند، ولی افراد بی‌طرف، که نهی از منکر نمی‌کردند، به مجازات سبک‌تری گرفتار شدند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به فراموشی سپردن و بی‌توجهی به قوانین الهی، نوعی ستمکاری است که مجازات سختی به دنبال دارد. ۲. ستمکاری و نافرمانی نکنید که کیفر سختی دارد. ۳. نهی از منکر کنید که موجب نجات پنددهندگان می‌شود (هر چند سبب هدایت دیگران نشود) «۲». *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و ششم سوره‌ی اعراف به مسخ و دگرگون شدن گناهکاران یهود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۶. فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ و هنگامی که از آنچه از آن منع شده بودند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: «میمون‌هایی طرد شده باشید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به «مَسخ» اشاره شده که به معنای «تغییر شکل انسان به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۷۹ صورت حیوان» است. «۱» می‌گوید گروه نافرمانان بنی‌اسرائیل به صورت میمون در آمدند و در آیه‌ی ۶۰ مائده از مسخ افراد به میمون و خوک سخن می‌گوید. در این مورد برخی مفسران برآنند که واقعاً آن یهودیان به صورت میمون درآمدند و سپس هلاک شدند و این امری معجزه‌آسا و عذاب الهی بود. ولی برخی مفسران بر آنند که «مَسخ» در این جا به معنای مَسخ روحانی و دگرگونی صفات اخلاقی افراد است؛ یعنی آن یهودیان صفاتی همانند میمون یا خوک پیدا کردند که تقلید کورکورانه و شکم‌پرستی از صفات بارز این حیوانات است. «۲» ۳. در آیه‌ی قبل سخن از «عذاب سخت» یهودیان نافرمان‌بردار بود و این آیه از «میمون شدن» آنها سخن می‌گوید. از این دو تعبیر استفاده می‌شود که یکی از شدیدترین عذاب‌ها آن است که انسان از مرحله‌ی انسانیّت به حیوانیت سقوط کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سزای متجاوزان و قانون‌شکنان، مسخ، دگرگونی و طرد و تحقیر است. ۲. از دستورات الهی سرپیچی نکنید که به مرحله‌ی حیوانات سقوط می‌کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۰ قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و هفتم سوره‌ی اعراف به سرنوشت شوم بنی‌اسرائیل در طول تاریخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۷. وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد:

قطعاً تا روز رستاخیز کسی را بر آن (یهودی) ان، خواهد گماشت، که آنان را با عذاب بدی آزار دهد. [چرا] که قطعاً پروردگارت زود کیفر است؛ و مسلماً او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروه سرکش یهود هرگز روی آرامش نخواهند دید. امروزه می‌بینیم که با وجود تأسیس دولت غاصب اسرائیل، باز هم یهودیان همواره تحت فشار و ناراحتی هستند. آری؛ هنگامی که ملّتی گناهکار شد و نسل‌های آینده نیز بدان گناه راضی بودند و راه پدران خود را ادامه دادند، کیفر گناه آنان به صورت مستمر در طول تاریخ ادامه می‌یابد. ۲. خدا اعلام کرده یا سوگند یاد نموده «۱» که یهودیان سرنوشت بدی داشته باشند، ولی این سرنوشت شوم برای یهود اجباری نیست و راه بازگشت و توبه باز است؛ یعنی اگر آنان روش خود را تغییر دهند و دست از ستمکاری و فساد بردارند و توبه کنند، خدا آمرزنده و مهربان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قوم ستمگر یهود، همیشه در عذاب خواهند بود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۱ ۲. از سرعت عذاب الهی بهراسید، ولی به لطف و بخشش او امیدوار باشید. ۳. اگر وعده‌ی مجازات خلافکاران را دادید، راه بازگشت (و توبه) را نبندید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و هشتم سوره‌ی اعراف به پراکندگی یهودیان در جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۸. وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَماً مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذلِكَ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ و آنان را در زمین (به صورت) گروه‌هایی، پراکنده ساختیم؛ برخی از آنان شایسته، و برخی (دیگر) از آنان جُز این‌اند. و آنان را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، تا شاید آنان باز گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از دو گروه یهود یاد شده است: نخست به گروه حق‌پذیر و شایسته که به دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لبیک گفتند و ایمان آوردند و دوم، گروه ناشایست که در برابر حق ایستادند و کفر ورزیدند. ۲. آیه‌ی فوق تجلّی این حقیقت است که اسلام با یهودیان خصومت نژادی ندارد و معیار برخورد با آنان، کردار آنهاست و قرآن، حق اقلیّت شایسته و صالح آنان را نادیده نمی‌گیرد و از آنان به نیکی یاد می‌کند. ۳. از آن جا که بیش‌تر یهودیان، افرادی ناشایست و فتنه‌جو هستند و به دیگران آزار می‌رسانند، خداوند مقرر کرده که آنان در یک مکان جمع نشوند و در زمین پراکنده باشند تا همیشه تحت سیطره‌ی دیگران قرار گیرند. اکنون نیز بیش‌تر یهودیان در کشورهای دیگر پراکنده‌اند و بخشی از آنان که در اسرائیل گرد هم آمده‌اند، به آزار فلسطینیان و همسایگان می‌پردازند، به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۲ طوری که زمینه‌ی متلاشی شدن دولت خود را فراهم می‌کنند. ۴. در این آیه بار دیگر بر این حقیقت تأکید شده که نیکی‌ها و نعمت‌ها و بدی‌ها و سختی‌ها «۱»، همگی وسایل امتحان الهی هستند که در راستای تربیت انسان از آنها استفاده می‌شود. گاهی به انسان نعمت و رفاه داده می‌شود تا حسّ سپاس‌گزاری در او برانگیخته شود و گاهی به او مصیبت و ناراحتی می‌رسد، تا از مرکب غرور و تکبر فرود آید و بیدار شود و به سوی خدا بازگردد. هر بلایی کز تو آید، رحمتی است هر که را فقری دهی، آن دولتی است گر کسی را از تو دردی شد نصیب هم، سرانجامش تو گردیدی طبیب هر که مسکین و پریشان تو بود خود نمی‌دانست و مهمان تو بود (پروین) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث تلخ و شیرین، ابزارهای آزمایش الهی هستند (که برای تربیت انسان به کار گرفته می‌شوند). ۲. تحوّل روحی انسان و بازگشت او به سوی حق، یکی از حکمت‌های امتحانات الهی است. «۲» ۳. در برخورد با ملت‌ها، حق اقلیّت شایسته کردار را نادیده نگیرید. ۴. ملت یهود را در دنیا پراکنده سازید (تا از شرّ آنان در امان باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۳ قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و نهم سوره‌ی اعراف به فرزندان دنیاطلب یهود اشاره می‌کند و با یادآوری پیمان‌های خدا با آنان می‌فرماید: ۱۶۹. فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَايَقُولُوا عَلَى اللّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ و بعد از آنان، جانشینانی (ناشایست) جانشین شدند، که کتاب (تورات) را به ارث بردند؛ در حالی که کالای ناپایدار این (دنیای) پست را گرفته، و می گویند: «بزودی آمرزیده خواهیم شد.» و [لی اگر کالای ناپایداری همانند آن به آنان برسد، آن را (نیز) می گیرند؛ آیا از آنان پیمان محکم کتاب [الهی گرفته نشده، که نسبت به خدا جز به حق سخن نگویند، و درس آنچه را که در آن [کتاب است، خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای کسانی که خودنگهداری (و

پارسایی) می کنند بهتر است، پس آیا خردورزی نمی کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان افرادی دنیاگرا هستند و به ثروت وقدرت مـادی اهمیت فراوان می‌دهنـد؛ از این رو در جهـان کنونی بسیاری از شـرکت‌های بزرگ و غول‌های سـرمایه داری جهان در اختیار یهودیـان است. در آیه‌ی فوق به این حقیقت اشاره شـده که روحیه‌ی ثروت‌دوستی در نسل‌های بعـدی یهود وجود دارد. آری؛ آنان فرزنـدان ناشایستی برای پدران خود هسـتند. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۸۴ ۲. افراد ناصالح یهود، گاهی در کشـمکش وجـدان و منافع مادی قرار می گیرنـد و مـدت کوتاهی پشـیمان می‌شوند، ولی به زودی با امیدهای کاذب به بخشـش الهی، به سوی سرمایه‌های ناپایـدار دنیا «۱» و رشوه‌خواری‌ها بازمی گردنـد. ۳. «درْس» یکی از مراحـل اسـتفاده از کتاب‌هـای آسـمانی است؛ یعنی انسان مکرر به کتاب آسمانی مراجعه کند «۲» به طوری که فرسوده شوند؛ البته درس ظاهری، همان مراجعه به ظاهر کتاب است، اما درس حقیقی، مراجعه‌ی مکرر به مطـالب آن و اسـتفاده و فهم آن است. ۴. در این آیه به پیمان خدا با بنی اسـرائیل اشاره شده است که از طریق کتاب تورات به آنان ابلاغ شـده بود که حق گو باشـند و به خـدا نسـبت ناروا ندهنـد، ولی آنان با آن که این مطالب را خوانـده و وارث این کتاب بودنـد، دنیاطلب شدند و حق را رها کردند و به اسـلام ایمان نیاوردند و پیمان شـکنی کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسل‌های جدید یهودیان، دنیاگرا هسـتند. ۲. سـرمایه‌های این دنیا فانی و ناپایدار است، ولی سـرای دیگر (پایدار و) نیکوتر اسـت. تفسیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۲۸۵ ۳. امیـد به آمرزش وقتی به ثمر می‌نشـیند که عمـل شـما بـا آن تنافی نداشـته باشـد و خلافکاری‌ها را تکرار نکنیـد. ۴. به کتـاب آسـمانی خویش مکرراً مراجعه کنیـد و از آن درس بگیریـد. ۵. حق گو باشـید. ۶. خرد ورزی کنیـد تـا به تفـاوت دنیا و آخرت را بهتر پی ببرد. ۷. به پیمان‌هـای الهی که در محتوای کتاب‌هـای آسـمانی تبلور یافته است، وفادار باشید. ۸. پارسا باشـید تا از مواهب اخروی بهره‌مند شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتادم سوره‌ی اعراف با اشاره به اصلاح‌طلبان یهود می‌فرماید: ۱۷۰. وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَانُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ و کسانی که به کتاب (الهی) تَمسُّک جویند، و نماز به پا دارند، براستی که ما پاداش اصـلاح گران را تباه نخواهیم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تمسک «۱» حسّی به کتـاب، حفظ کردن نوشـته‌ها و صـفحات آن است؛ اما تمسّک معنوی آن است که انسان با کمال جـدیّت به عقایـد و برنامه‌های آن پای‌بند باشد. روشن است که مقصود از تمسّک به تورات یا قرآن، فقط تمسّک ظاهری و حسّی نیست، بلکه آن است که در تحقق برنامه‌های آنها از جان و دل بکوشـیم. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۶ ۲. هر چند سیاق آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که مقصود از «کتـاب» در این آیه، تورات است، همـان طور که برخی مفسـران نیز گفته‌انـد، اما آیه در صـدد بیان این قاعـده‌ی کلّی است که «هر کس به کتاب الهی (اعم از تورات و قرآن) تمسّک جویـد و نماز بر پا دارد و در راه اصـلاح جامعه‌ی انسانی بکوشد، خدا پاداش او را خواهـد داد». از این روست که در برخی احـادیث از امـام بـاقر علیه السـلام حکـایت شـده که «آیه‌ی فـوق در مـورد آل محمـد و شیعیان آنها نازل شده است.» «۱» که مقصود از این گونه احـادیث، بیان مصادیق بارز و کامل آیه است. ۳. اصلاح واقعی در جهان، بـا اجرای برنامه‌هـای الهی تحقق می‌یابـد؛ یعنی دین یـک برنـامه‌ی این جهانی نیز هست که برای تأمین سـعادت زنـدگی مردم پیاده می‌شود تا همگان از اجرای اصول عـدالت و صـلح و سـعادت اخروی آن بهره‌مند شوند. ۴. در این آیه، از میـان دسـتورات الهی، بر نمـاز تأکیـد شـده است؛ زیرا نمـاز یکی از برنامه‌هـای اصـلاح کننده است و- طبـق آیـات قرآن- نمـاز انسـان را از فحشـا و منکرات بازمی‌دارد؛ «۲» چون نمازگزار در هر روز خود را در محضـر خدا می‌بیند و به اصـلاح خود می‌پردازد و وظایف خویش را در رابطه بـا اصـلاح جامعه به یاد می‌آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصـلاح گری از طریق تمسّک واقعی به قانون الهی و رابطه‌ی اسـتوار با خـدا میسّر است. ۲. تمسّک به کتاب آسـمانی، یکی از مراحل بهره‌مندی از آن است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۷ ۳. اصلاح گر باشید تا خدا پاداش شما را عنایت کند. ***

تمسک به کتاب های الهی و درس آن، دو مرحله استفاده از آنها

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و یکم سوره‌ی اعراف با اشاره به پیمان گرفتن خدا از بنی‌اسرائیل تحت شرایط ویژه می‌فرماید: ۱۷۱. وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ و (یاد کن) هنگامی که کوه (طور) را بر فراز آن (یهودی) ان برافراشتیم، چنان که گویی آن سایبانی بود؛ و یقین کردند که آن (کوه) بر آنان فرو خواهد افتاد. (و به آنان گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم، با توانمندی بگیرید؛ و آنچه را در آن است، به خاطر داشته باشید، تا شاید شما (خودتان را) حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن معتقدند که این آیه مربوط به هنگامی است که موسی علیه السلام از کوه طور بازگشت و احکام و دستورات و وظایف تورات را با خود آورد و وقتی که مردم اطلاع یافتند، تصور کردند که عمل به این قوانین مشکل است و به همین جهت مخالفت کردند؛ و قطعه‌ی عظیمی از کوه بر فراز آنها قرار گرفت و همگی وحشت‌زده دست به دامن موسی علیه السلام زدند و با خدا پیمان بستند که به آن قوانین عمل کند؛ و خطر از آنان برطرف شد. «۱» ۲. آیات ۶۳ و ۹۳ سوره‌ی بقره و ۱۵۴ سوره‌ی اعراف مشابه این آیه‌اند که به خاطر اهمیت و فواید تربیتی‌شان تکرار شده‌اند. ما در ذیل آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی بقره مطالبی را بررسی و نکات و اشاراتی را بیان کردیم. ۳. در مورد قرار گرفتن کوه طور بر فراز بنی‌اسرائیل، مفسران چند دیدگاه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۸ دارند؛ برخی برآن‌اند که قطعه‌ی عظیمی از کوه، به فرمان خدا و بر اثر زلزله یا صاعقه از جا کنده شد و از بالای سر آنان گذشت، به طوری که بنی‌اسرائیل آن را چند لحظه بر فراز خود دیدند و تصوّر کردند که بر آنان فرود خواهد آمد. برخی دیگر از مفسران برآن‌اند که کوه به صورت معجزه‌آسایی بالای سر آنان قرار گرفت و یا این که در اثر زلزله‌ی شدیدی سایه‌های کوه را بر سر خود دیدند و ترسیدند. «۱» و یا این که قطعه‌ای از کوه بر اثر زلزله کنده شد و تا نزدیک آنان آمد و باز ایستاد و این نوعی تهدید بود؛ زیرا اگر لطف الهی نبود، ممکن بود فرود آید و بنی اسرائیل نابود شوند. (م) در هر صورت، این یک پدیده‌ی خارق‌العاده بود که برای ترساندن و پیمان گرفتن از بنی‌اسرائیل تحقق یافت. ۴. از بنی‌اسرائیل پیمان گرفته شد، و چون پیمان گرفتن اجباری در مسائل عقیدتی معنا ندارد، معلوم می‌شود که قوانین تورات که بر آنها پیمان گرفته شد، همان برنامه‌های عملی آیین موسی علیه السلام بود، که اجرای آنها برای سعادت مردم لازم بود و اجبار کردن افراد در برنامه‌های عملی، مثل ترک اعتیاد یا دوری از خطر و یا اجرای قوانین مفید، مثل قوانین راهنمایی و رانندگی، عیبی ندارد. ۵. برای اجرای برنامه‌های عملی سعادت‌آفرین در جامعه، در صورت مصلحت، می‌توان از اهرم فشار استفاده کرد تا افراد سرکش و نافرمان مجبور شوند قوانین را رعایت و به عهدهای خود عمل کنند. ۶. آیه فرمود: «کوه هم چون سایبانی گردید.» و نفرمود: «کوه سایبان شد.»؛ زیرا معمولًا سایبان را برای اظهار محبت بالای سر افراد قرار می‌دهند، در حالی که سایه‌ی کوه یک تهدید بود. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یادآوری آیات الهی و عمل جدّی به آنها، زمینه‌ساز پارسایی و تقواست. ۲. وقایع مهم و سرنوشت‌ساز را به ملت یادآوری کنید. ***

پیمان نخستین در عالم ذر (روز آلست)

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و دوم سوره‌ی اعراف به عالم ذر و پیمان فطری انسان‌ها با خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۲. وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هذَا غَافِلِينَ و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت از فرزندان آدم، از پُشت (و صُلب) شان، نسل آنان رابرگرفت؛ و آنان را بر خودشان گواه ساخت؛ (و فرمود:) آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم.» (این گواهی را گرفت،) تا مبادا روز رستاخیز بگویید: «براستی که ما از این (مطلب)، غافل بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد پیمان ذَر «۱» مفسران قرآن چند دیدگاه دارند: مقصود از پیمان ذر همان «عالم استعدادها و پیمان فطرت و آفرینش» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۰ است که به صورت تکوینی در وجود انسان قرار داده شده است؛ یعنی خدا آمادگی پذیرش توحید را در نطفه‌ی انسان‌ها و در درون ذات و در

عقل انسان به صورت یک حقیقت خودآگاه قرار داده است. «۱» بنابر این، آیه‌ی فوق نوعی تعبیر کنایی است که مثل آن در سخنان عربی و فارسی زیاد است و مقصود آن است که روح توحید در افراد بشر وجود دارد و به تعبیر روان شناسان، «حسّ مذهبی» در روان انسان وجود دارد و همواره افراد بشر را به سوی خداشناسی سوق می‌دهد. «۲» البته برخی از این دیدگاه‌ها با برخی دیگر قابل جمع است و ممکن است آیه به چند مطلب اشاره داشته باشد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۱ ۲. در این آیه به اتمام حجّت خدا با انسان اشاره شده است. از همه‌ی انسان‌ها، به صورت فطری اقرار بر توحید گرفته است تا کسی نگوید من این حقیقت را نمی‌شناختم و منحرف شدم؛ بنابراین در مورد اصل توحید و خداپرستی (دین) کسی عذری ندارد و هر کس از این حقیقت فطری روی برتابد در قیامت مورد بازخواست و مجازات قرار می‌گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و خداشناسی در فطرت و سرشت انسان نهاده شده است و هر کس از درون راهی به سوی خدا دارد. ۲. با خداشناسی فطری، حجت بر انسان‌ها تمام شده است و آنها نمی‌توانند در قیامت بگویند از خدا غافل بودیم. ۳. به پیمان فطری و توحیدی خود توجه کنید و از آن غافل نشوید، تا خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و سوم سوره‌ی اعراف به هدف پیمان فطری عالم ذر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۳. أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ یا (مبادا) بگویید: «پدرانمان پیش از (ما) فقط شرک می‌ورزیدند، و (ما هم) نسلی بعد از آنان بودیم؛ پس آیا ما را به سبب آنچه باطل‌گرایان انجام دادند، هلاک می‌کنی؟!» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اسلام، احترام به پدر لازم است، اما پیروی از او در مورد انحرافات عقیدتی، مثل شرک، جایز نیست؛ زیرا خلاف فطرت و عقل است. ۲. یکی از نتایج و فواید فطرت خداشناسی و پیمان عالم ذر، اتمام حجت بر همه‌ی انسان‌ها و نفی تقلید کورکورانه از پدران است؛ یعنی هر کس از درون خویش خدای خود را می‌شناسد اگر بر اساس تقلید به کژ راهه برود، لغزش آگاهانه محسوب می‌شود و عذر او پذیرفته نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، کاری باطل است که سبب هلاکت انسان می‌شود. ۲. به فطرت خویش توجه کنید و از دیگران تقلید کورکورانه نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و چهارم سوره‌ی اعراف با اشاره به بیان آیات الهی برای توجه و بازگشت مردم می‌فرماید: ۱۷۴. وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ و این گونه، آیات را تشریح می‌کنیم و تا شاید آنان (به سوی حق) بازگردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از اهداف توضیح دادن آیات و نشانه‌های الهی، توجه دادن انسان به فطرت توحیدی‌اش و بازگشت به سوی خداست. ۲. «لعّل» به معنای «شاید» است، که به وجود زمینه (: مقتضی) اشاره دارد؛ یعنی وجود فطرت توحیدی در انسان و توضیح آیات و نشانه‌های خدا، وقتی انسان را به سوی خدا می‌برد که مانعی در کار نباشد و خود انسان نیز در این راه تلاش کند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف نهایی، بازگشت شما به سوی خداست. ۲. به فطرت توحیدی و آیات الهی توجه کنید و به سوی خدا بازگردید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و پنجم سوره‌ی اعراف به ماجرای «بَلعَم باعورا» اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۵. وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ و خبر بزرگ کسی را بر آنان بخوان، که آیات (و نشانه‌های) مان را به او داده بودیم، و [لی خود را از آنها تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات، داستان دانشمندی الهی که در نهایت گمراه شد، بیان شده است. در آیات قرآن نام آن دانشمند منحرف برده نشده، اما در روایات و سخنان مفسران آمده است که او «بَلعَم باعُورا» بوده است. او دانشمندی بود که در عصر موسی علیه السلام زندگی می‌کرد و از مبلّغان نیرومند آن حضرت بود و دعایش مستجاب می‌شد، اما بر اثر تمایل به فرعون و وعده‌های او از راه حق منحرف شد و همه‌ی مقامات خود را از دست داد و در صف مخالفان موسی علیه السلام قرار گرفت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۴ ۲. «انسَلَخ» در اصل به معنای از پوست بیرون آمدن است. این تعبیر نشان می‌دهد که آیات و علوم الهی در آغاز چنان بر آن دانشمند احاطه داشت که هم چون پوستی بر تن او بود، اما او ناگهان از این پوست بیرون آمد و مسیر خود را تغییر داد و به راه شیطان گام نهاد. ۳. تعبیر «شیطان او را دنبال کرد تا به او دست یافت.»، نشان می‌دهد که بلعم چنان عابد شده بود که

تقریباً شیطان به او دست نمی‌یافت، اما پس از آن که از آیات الهی فاصله گرفت، شیطان به سرعت او را تعقیب کرد تا به او دست یافت و با وسوسه او را به صف گمراهان کشاند. ۴. «غاوین» به معنای گمراهی از روی حماقت است؛ یعنی رها کردن آیات الهی و افتادن به دام شیطان نوعی حماقت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مواظب فرجام کار خود باشید و از بدعاقبتی بترسید. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی با یادآوری مثال‌های واقعی، خطرها و لغزش‌ها را به مردم یادآوری کنند و به آنان هشدار دهند. ۳. هر کس خود را از چتر آیات الهی بیرون برد، به دام شیطان می‌افتد. ۴. علم به تنهایی برای نجات انسان کافی نیست (پس دانشمندان هشیار باشند). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و ششم سوره‌ی اعراف به هواپرستی بَلعَم باعُورا اشاره کرده و با بیان مثال بر تکذیب گران آیات الهی، به تفکر در داستان‌های قرآن تأکید می کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۵ ۱۷۶. وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً (مقام) او را بوسیله آن (آیات و دانش‌ها) بالا می‌بردیم؛ ولیکن او در زمین (دنیاپرستی،) ماندگار شد، و از هوس خویش پیروی کرد؛ و مثال او هم چون مثال سگ است، اگر بر او حمله کنی، زبان از کام برآوَرَد، [و] یا اگر او را واگذاری (باز هم) زبان از کام برآوَرَد. این مثال گروهی است که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند؛ پس این حکایت‌ها را حکایت کن، تا شاید آنان تفکّر کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست آن دانشمند منحرف (بلعم باعورا) را به اجبار در مسیر حق نگه دارد و به وسیله‌ی آیات الهی او را بالا ببرد، ولی روشن است که اجبار افراد، با سنت الهی در مورد اختیار و آزادی و امتحان انسان منافات دارد و هر کس با انتخاب خویش منحرف می‌شود یا هدایت می‌یابد و راه کمال را می‌پیماید. ۲. «اخلَد» در اصل به معنای سکونت طولانی مدت در یک مکان است، و «زمین» در این آیه کنایه از جهان ماده و زرق و برق و لذت‌های نامشروع زندگی مادی است؛ یعنی آن شخص به دنیا چسبیده و به دنبال هوس‌های خویش بود و از این رو منحرف شد و سقوط کرد. ۳. آیات قرآن کریم در اوج ادب است، ولی با برخی موارد، از جمله دانشمندان منحرف و بی‌عمل، شدید برخورد می کند و با زشت‌ترین مثال‌ها، مثل تشبیه به سگ یا الاغ «۱» از آنها یاد می‌نماید؛ زیرا خدا از تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۶ دانشمندان انتظار دارد که هم چون جاهلان نباشند و دانش خویش را در راه حق به کار گیرند و آن را در اختیار فرعونیان و ستمگران نگذارند؛ آری عالم بی‌عمل، حیوانی بیش نیست. ۴. بَلعَم باعورا بر اثر شدت هواپرستی و چسبیدن به لذات دنیا، عطشی پایان‌ناپذیر پیدا کرد و هم چون سگ هاری شده و عطش کاذب دنیاطلبی به او دست داده بود و به هیچ وجهی سیراب نمی‌شد. ۵. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: اصل این آیه در مورد بَلعَم است، سپس خدا آن را به عنوان یک مثال درباره‌ی کسانی از این امت که هواپرستی را بر خداپرستی و هدایت الهی مقدم شمارند، بیان کرده است. «۱» ۶. وای به حال عالم بی عمل: امام عارفان در این مورد می‌نویسد: هان ای طالبان علوم و کمالات و معارف! از خواب برخیزید و بدانید که حجّت خداوند بر شما تمام‌تر است و خدای تعالی از شما بیش‌تر بازخواست فرماید ... وای به حال طالب علمی که علوم در قلب او کدورت و ظلمت آورد. چنانچه ما در خود می‌بینیم که اگر چند مفهومی ناقص و پاره‌ای اصطلاحات بی حاصل تحصیل نمودیم از طریق حق بازمانده‌یم و شیطان و نفس بر ما مسلّط شدند و ما را از طریق انسانیّت و هدایت منصرف کردند و حجاب بزرگ ما همین مفاهیم بی سر و پا باشد؛ و چاره‌ای نیست جز پناه به ذات مقدّس حق تعالی. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات و نشانه‌های الهی، زمینه‌ساز ترفیع و تکامل بشر است. ۲. دل بستگی به دنیا و هواپرستی انسان، مانع پرواز معنوی اوست. ۳. بیان ماجراها و داستان‌های واقعی و عبرت‌آموز، یکی از وظایف رهبران الهی و مبلغان دینی است. ۴. یکی از اهداف قصه‌های قرآن، رشد فکری مردم است. ۵. دانشمندانی که (خود را در اختیار طاغوت‌ها قرار می‌دهند و) دنیاپرستی و هواپرستی پیشه می کنند، هم چون سگی از درگاه الهی رانده می‌شوند. ۶. اگر دانش خویش را کنار بگذارید و دنیاطلب شوید، حیوانی بیش نیستید. ۷. دانشمندان بی‌ایمان خطرناک‌اند و به دیگران ضربه می‌زنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و هفتم

سوره‌ی اعراف با اشاره به سرگذشت بَلعَم باعورا و افراد مشابه او می‌فرمایـد: ۱۷۷. سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ کَانُوا یَظْلِمُونَ چه بد است، داستان گروهی که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند، و تنها همواره به خودشان ستم می‌کردند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دانشمندان دنیاپرست که دانش خود را در خدمت طاغوت‌ها، فرعونیان و ستمگران قرار می‌دهند، برای جوامع بشری خطر فراوانی دارنـد؛ زیرا جباران از وجود چنین افرادی برای منحرف ساختن مردم و سرکوب آنان حداکثر استفاده را می‌کنند. ۲. مثال قرآن که دانشمندان دنیاپرست را به «سگ هار» تشبیه کرد، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۸ مخصوص یک عصر و یک شخص نیست و در همه‌ی عصرها و در مورد همه‌ی افراد مشابه صدق می‌کند. ۳. دانشمندان منحرف که آیات الهی را تکذیب می‌کنند، بر خدا ستم نمی‌کنند، بلکه بر خویشتن ستم روا می‌دارند؛ زیرا سرمایه‌های معنوی و علمی را که می‌تواند باعث سربلندی خودشان و جامعه گردد، به بهای ناچیزی می‌فروشند و خود را به سقوط می‌کشانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب آیات الهی، ستم به خویش است. ۲. با مثال‌های بد از تکذیب‌گران آیات الهی و دانشمندان بی ایمان یاد کنید و پیامدهای کردارشان را یادآوری نمایید. ***

آنان که از حیوانات گمراه ترند

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و هشتم سوره‌ی اعراف به هدایت و گمراهی الهی و زیانکاری گمراهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۸. مَن یَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِی وَمَن یُضْلِلْ فَأُولئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ هر کس را که خدا راهنمایی کند، پس او هدایت (واقعی) یافته است؛ و هر کس را در گمراهی وا نهد، پس تنها آنان زیانکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هدایت و گمراهی الهی اجباری نیست، ولی بدون دلیل و حساب هم نیست؛ خدا در اثر اعمال نیک و بد انسان، زمینه‌های هدایت و گمراهی را برای او فراهم می‌کند، ولی تصمیم نهایی و انتخاب با انسان است. ۲. انسان‌های گمراه به خویشتن زیان رسانده‌اند؛ زیرا از سرمایه‌های مادی و معنوی خود استفاده نکرده و راه رشد و کمال را نپیموده‌اند، بلکه به راه سقوط و انحراف رفته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۲۹۹ ۱. هدایت، یک موهبت الهی است. ۲. کژراهه نروید که زیان‌کار می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و نهم سوره‌ی اعراف به انسان‌های حیوان‌صفت و غفلت‌زدگی و فرجام عذاب آلود آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۷۹. وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ کَثِیراً مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَایَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْیُنٌ لَایُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَایَسْمَعُونَ بِهَا أُولئِکَ کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغَافِلُونَ و در واقع بسیاری از جنّ و انسان [ها] را برای جهنّم آفریدیم؛ [چرا که برایشان دل‌ها [وعقل‌ها] یی است که با آنها فهم عمیق نمی‌کنند؛ و برایشان چشم‌هایی است که با آنها نمی‌بینند؛ و برایشان گوش‌هایی است که با آنها نمی‌شنوند؛ آنان همانند چهارپایانند، بلکه آنان گمراه‌ترند! تنها آنان غافلانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی آیات قرآن، هدف آفرینش «۱» انسان را عبادت «۲» (یا تکامل معنوی و معرفت الهی) معرفی کرده است، اما این آیه هدف خلقت بسیاری از مردم را جهنّم معرفی می‌کند. همان گونه که نجار مقداری چوب خریداری می‌کند و می‌گوید، این چوب‌ها را برای تهیه دردهای زیبا و بسیاری را برای سوزندان فراهم کرده‌ام؛ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۰ یعنی هدف اصلی آفرینش همان تکامل معنوی عبادی و علمی انسان است، اما همه انسان‌ها با کاروان تکامل و سعادت همراهی نمی‌کنند و در اثر کردار خویش آلوده می‌شوند که در این صورت لازم است گلستان انسانیت از این افراد آلوده پاکسازی شود. ۲. دوزخیان بر اساس اعمال خویش نامزد دوزخ شده‌اند؛ یعنی انسان پاک آفریده شده و وسایل سعادت و تکامل در اختیار او گذاشته شده است، اما برخی از چشم و گوش و عقل خود استفاده نمی‌کنند و راه سقوط و جهنم را در پیش می‌گیرنـد، و گروهی دیگر با اعمال نیک خویش نامزد بهشت می‌شوند. ۳. برخی انسان‌ها حیوان صفت‌اند، یعنی فکر بیدار «۱»، چشم بینا و گوش شنوا ندارند و حقایق را درک نمی‌کنند و در مورد نتایج امور نمی‌اندیشند، در حالی که امتیاز انسان‌ها به همین امور است، و گر نه خور و خواب و شهوت، در حیوان و انسان موجود است. ۴. انسان به وسیله‌ی

عقل سالم، چشم حقیقت‌بین و گوش شنوای حق، می‌تواند به سعادت و تکامل برسد، اما ممکن است بر اثر هواپرستی و دنیاطلبی و مقام‌خواهی، حتی از یک حیوان هم درنده‌خوتر و خون‌ریزتر و پست‌تر و گمراه‌تر گردد. ۵. مقصود از دیدن و شنیدن در این آیه، تنها نظر کردن و گوش دادن به مطالب نیست، بلکه دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق و درک صحیح داشتن است؛ یعنی از کنار حقایق هم چون انسان‌های کور و کر نگذریم. ۶. از امام علی علیه السلام حکایت شده که در وصف انسان‌های حیوان‌صفت فرمود: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۱ همانند حیوانات پرواری، تنها به علف خویش می‌اندیشند، و یا هم چون حیواناتی که در چراگاه‌ها رها شده‌اند، به دنبال خرده علفی می‌گردند. «۱» ۷. گاهی غفلت غیر عمدی است؛ یعنی ذهن انسان مطلبی را فراموش می‌کند و از آن غافل می‌شود. چنین افرادی معذور هستند. اما گاهی غفلت عمدی است یا مقدمات آن به دست خود انسان است؛ مثل کسی که از ابزارهای شناخت استفاده نمی‌کند و از حقایق دور می‌ماند و گمراه می‌گردد. عذر این افراد پذیرفته نیست و دوزخی می‌گردند. «۲» ۸. انسان ممکن است در مسیر حرکت خویش به چهار صورت درآید: نخست آن که، واقعاً انسان باشد و تمام صفات عالی انسانی را در خود پیاده کند و صبغه‌ی الهی بگیرد. دوم آن که، انسانی شبیه حیوانات باشد؛ یعنی همت او خور و خواب و شهوت باشد و از عقل و معنویت به دور بماند، اما هنوز از احساسات غریزی یک حیوان برخوردار است. سوم آن که، خود حیوان شود؛ یعنی واقعاً ملکات و صفات حیوانی در روح او ریشه بدواند و در زیر صورت انسانی، روحی حیوانی داشته باشد و گرگی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۲ خون خوار باشد. چهارم آن که، از حیوان نیز پست‌تر و گمراه‌تر شود؛ یعنی اگر گرگ یک نفر را می‌درد، او با انداختن یک بمب اتمی، هزاران انسان را در یک لحظه بکشد. حیوان احساسات غریزی به هم نوعان خود دارد اما او ندارد. در آیه‌ی فوق به مرحله‌ی دوم و چهارم اشاره شده است، اما مرحله‌ی اول و سوم که واضح بود بیان نگردید. در برخی احادیث به مرحله‌ی سوم نیز اشاره شده است. ۹. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که خدا فرشتگان را از عقل و بدون شهوت آفرید و حیوانات را از شهوت (و غرایز) و بدون عقل آفرید، ولی انسان‌ها هر دو را دارند؛ پس هر کس عقلش بر شهوتش غلبه کند او بهتر از فرشتگان است و هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند او بدتر از حیوانات است. «۱» ۱۰. توقف در مرحله‌ی حیوانی: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: پس ای نفس! قانع نشو به وصول لذت‌های بهیمی (: حیوانی) و شهوت‌های حیوانی و برتری‌های دنیایی ظاهری، و به عبادات و طاعات خود را راضی مگردان و به حُسن صورت و نیکویی خلقت بسنده مکن ... چه، صرف همت در این‌ها که یاد کردیم و ماندن بر آن به تحقیق که هلاکت است ... وجهه‌ی همّ و همت تو خدای یگانه باشد که اوست آفریدگار و آورنده و بازگرداننده‌ی تو. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس از نعمت عقل بهره‌برداری نکند، بدتر از حیوان است (که این نعمت را ندارد). ۲. دوزخی شدن بسیاری از انسان‌ها، به خاطر استفاده نکردن از نعمت‌های الهی در مسیر هدایت و کمال است. ۳. افراد غافل و بی‌خبر، از حیوان بدترند. ۴. از ابزارهای شناخت استفاده کنید تا دوزخی نشوید. ۵. از خواب غفلت بیدار شوید تا انسان شمرده شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتادم سوره‌ی اعراف به نام‌های نیکوی الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۰. وَلِلّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و نام‌های نیکو فقط از آنِ خداست؛ پس او را با آنها بخوانید. و کسانی را که در مورد نام‌هایش به کژی می‌گرایند (و آنها را تحریف می‌کنند) رها سازید. بزودی (به سزای) آنچه همواره انجام می‌دادند، مجازات خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «بهترین نام‌ها» (اسماء حسنی) در این آیه اسم‌ها و صفات نیکوی پروردگار است؛ که همگی نیک است. پس صفت «نیکو» توضیحی است. ۲. مقصود از خواندن خدا با این نام‌ها، تنها این نیست که این الفاظ را بر زبان جاری کنیم. منظور آن است که بکوشیم تا جایی که ممکن است این صفات را در وجود خودمان ایجاد کنیم و متّصف به صفات او شویم؛ مثلًا تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۴ بکوشیم که عدل و رحمت او در وجود ما و جامعه‌ی انسانی تجلّی پیدا کند. ۳. ممکن است مقصود از کژی «۱» در نام‌های خدا، همان تحریف الفاظ و مفاهیمِ نام‌ها و صفات خدا، یا توصیف خدا به صفاتی که شایسته‌ی او نیست و یا تطبیق

صفات خدا بر مخلوقاتش باشد؛ همان طور که نام بت «عُزّی» را از «العزیز» گرفتند، یا هم چون مسیحیان که عیسی را خدا می‌نامیدند. ۴. صفات خدا قابل شمارش نیست، چرا که کمالات او نامتناهی است و برای هر کمالی می‌توان اسم یا صفتی انتخاب کرد؛ اما در قرآن کریم بسیاری از نام‌ها و صفات الهی آمده است. برخی از دعاها، مثل دعای جوشن کبیر، تا ۱۰۰۰ اسم و صفت برای خدا (به صورت بسیط و ترکیبی) برشمرده‌اند و برخی از احادیث نام‌های خدا را ۹۹ عدد شمرده‌اند، ولی برخی نام‌های خدا دارای اهمیت بیش‌تر و ممتازتر است و شاید مقصود از اسم‌های نیک در آیه‌ی فوق همین نام‌ها باشد که در احادیث جمع‌آوری شده است. «۲» ۵. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که خدا دارای نود و نه نام است که هر کس آنها را شماره کند اهل بهشت است و یا هر کس خدا را با آنها بخواند دعایش مستجاب می‌شود. «۳» مضمون این حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام و تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۵ نیز در کتاب‌های اهل سنت حکایت شده است. «۱» در برخی روایات نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که همه‌ی این ۹۹ اسم در قرآن هست. «۲» ۶. نام خدا مقدس است و بدون وضو نمی‌توان نام‌های خدا را لمس کرد و برخی نام‌های مخصوص او، مثل «رحمان» و «رازق» را نمی‌توان بر انسان نهاد. «۳» ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: به خدا سوگند، ما (امامان معصوم) نام‌های نیکوی خدا هستیم. «۴» این احادیث اشاره به آن است که پرتو نیرومند صفات الهی در وجود ما تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۶ منعکس شده است؛ پس هر کس اهل‌بیت علیهم السلام و صفات آنها را بشناسد، به شناخت خدا و صفاتش نزدیک‌تر می‌شود. ۸. در برخی احادیث نیز آمده است: همه‌ی نام‌های نیکوی الهی در «توحید خالص» خلاصه می‌شود. «۱» این نیز بدان جهت است که همه‌ی صفات خدا به ذات یکتای او برمی‌گردد. ۹. در برخی احادیث آمده است که خدا «اسم اعظمی» دارد که هر کس از آن باخبر شود، دعایش مستجاب می‌شود و می‌تواند در طبیعت تصرف کند و کارهای مهمی انجام دهد. برخی مفسران برآن‌اند که انسان باید به دنبال نام و صفتی الهی باشد و آن را در وجود خود ایجاد کند و به تکامل روحی برسد تا بدان آثار دست یابد؛ یعنی مقصود از داشتن اسم اعظم آن است که حقیقت آن را در وجود خود ایجاد کنیم تا خدا به ما مقام والایی عطا کند، «۲» وگرنه چگونه ممکن است که شخص فاسدی با دانستن یک کلمه دعایش مستجاب شود. ۱۰. تمام نام‌های نیک (به صورت کامل) فقط از آنِ خداست (و دیگران از این صفات و نام‌ها بهره‌ای دارند) و کلمه‌ی «اللَّه» محور همه‌ی اسم‌ها و صفات خداست. ۱۱. آیا می‌توانیم از پیش خود برای خدا نامی قرار دهیم؟ پاسخ این پرسش منفی است؛ یعنی نام‌های خدا توقیفی است؛ زیرا خدا را نمی‌توان با نام‌هایی که شایسته‌ی او نیست خواند و ما هم از همه‌ی نام‌ها و صفات خدا اطلاع نداریم، چون بر ذات و صفات بی‌نهایت او احاطه نداریم؛ پس اختراع نام برای خدا مستلزم آن است که صفتی یا نامی، بدون علم بر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۷ خدا ببندیم و این امر جایز نیست. در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که فرمودند: آفریدگار، جز به آنچه خود را به آن توصیف کرده، وصف نمی‌شود. «۱» این مطلب را شاید بتوان از واژه‌ی «یُلحدُون» در آیه‌ی فوق نیز به دست آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را با نام‌های زیبایش بخوانید (و از نام‌ها و صفات ساختگی و انحرافی دوری کنید). ۲. نام‌های خدا نیکوست (و دیگران بهره‌ی اندکی از نیکویی او دارند). ۳. تحریف نام‌های الهی، خلافکاری است و کیفر دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و یکم سوره‌ی اعراف به گروه حق‌گرایان دادگر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۱. وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ و از میان کسانی که آفریدیم، گروهی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و بر (اساس) آن دادگری می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون این آیه در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی اعراف در مورد امت موسی علیه السلام بیان شد و اینک در مورد امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همان مضمون آمده است. ۲. در این آیه اشاره شده که این گروه حق‌گرا دو برنامه‌ی ممتاز دارند: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۸ نخست آن که هدف و دعوتشان به سوی حق است. و دوم آن که، داوری‌های آنان در زندگی بر اساس حق و حقیقت است. ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده: مقصود از امت و گروه حق‌گرا (در آیه‌ی

فوق) امت محمد صلی الله علیه و آله هستند. «۱» و در حدیث دیگری از امیرالمومنین علیه السلام حکایت شده: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند که همگی در دوزخ‌اند، جز یک گروه که خدا در آیه‌ی فوق به آنها اشاره کرده است که آنان اهل نجات هستند. «۲» البته ممکن است عدد هفتاد و سه برای بیان فراوانی و کثرت باشد، نه تعیین عدد مشخص. آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: گروهی که اهل نجات هستند، من و شیعیان و پیروان مکتب من هستند. «۳» البته روشن است که پیروان امام علی علیه السلام همان پیروان واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که در رأس آنها اهل‌بیت آن حضرت علیهم السلام قرار دارند و از این روست که در احادیث دیگری حکایت شده که مقصود از آیه‌ی فوق امامان اهل‌بیت علیهم السلام هستند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعوت‌کنندگان به حق و عمل‌کنندگان به آن در بین انسان‌ها، اندک هستند (پس آنها را بشناسید). ۲. محور هدایت و قضاوت شما، حق باشد. *** قرآن کریم در آیات صد و هشتاد و دوم و صد و هشتاد و سوم سوره‌ی اعراف به نقشه‌های خدا در مورد مهلت دهی و مجازات تدریجی گناهکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۸۲ و ۱۸۳. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِنْ حَيْثُ لَايَعْلَمُونَ* وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ و کسانی که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند، بزودی از جایی که نمی‌دانند، بتدریج گرفتارشان خواهیم کرد.* و به آنان مهلت می‌دهم، [چرا] که نقشه من، استوار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مجازات استدراجی و مرحله به مرحله‌ی گناهکاران، یکی از قانون‌های الهی است. خدا انسان‌های سرکش و زورمند را فوراً مجازات نمی‌کند، بلکه با آنان مدارا می‌کند تا یا بیدار شوند و توبه کنند و بازگردند و یا این که بر غرور آنان افزوده شود و مجازات آنها دردناک‌تر گردد و طومار زندگی آنها را در هم پیچد. «۱» ۲. از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: کسی که خدا به امکاناتش وسعت بخشد و او آن را مجازات تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۰ استدراجی (و مرحله به مرحله) نداند، از نشانه‌های خطرناک، غافل شده است. «۱» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که در مورد آیه‌ی فوق فرمودند: منظور بنده‌ی گناهکاری است که پس از انجام گناه، خدا او را مشمول نعمتی قرار می‌دهد، ولی او نعمت را به حساب خوبی خودش می‌گذارد، و از استغفار در برابر گناه غافلش می‌سازد. «۲» و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: موقعی که خدا خیر بنده‌ای را بخواهد، به هنگامی که گناهی انجام می‌دهد، او را به بلایی گرفتار می‌کند تا به یاد توبه بیفتد؛ و هنگامی که شرّ بنده‌ای را (بر اثر اعمالش) بخواهد، موقعی که گناهی می‌کند، نعمتی به او می‌بخشد، تا استغفار را فراموش نماید و به آن ادامه دهد؛ و این همان است که خدا در آیه‌ی فوق فرمود: « (از راه نعمت‌ها به هنگام گناهان) آنها را از راهی که نمی‌دانند، مرحله به مرحله گرفتار می‌کنم». «۳» ۳. این آیه به گناهکاران هشدار می‌دهد که تأخیر کیفر الهی را دلیل بر پاکی خود یا ناتوانی خدا ندانند؛ چه بسا نعمت‌ها و پیروزی‌های ظاهری که در واقع مجازاتی مرحله به مرحله است. لطف حق با تو مداراها کند چون که از حد بگذرد رسوا کند (مولوی) ۴. خدا به گناهکاران مهلت می‌دهد تا بیدار شوند و توبه کنند و یا گرفتار تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۱ شود؛ و این یکی از قوانین و سنت‌های الهی در مورد گناهکاران است که در آیات متعدد بدان اشاره شده است. «۱» ۵. در این آیه بیان شده که خدا نقشه‌های استوار و قوی «۲» می‌کشد تا گناهکاران را به دام اندازد و به کیفر اعمالشان برساند. البته این نقشه‌های الهی در مورد کافرانی است که آیات الهی را تکذیب می‌کنند و بر گناه خود اصرار می‌ورزند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همیشه فرصت‌ها و نعمت‌ها، نشانه‌ی لطف خدا نیست؛ گاهی زمینه‌ساز قهر الهی و نقشه‌ی گرفتاری گناهکاران است (پس هشیار باشید). ۲. برای خلافکاران نقشه بکشید وآنها را کم کم به دام مجازات اندازید. ۳. آیات الهی را تکذیب نکنید که گرفتار دام‌های نادانسته می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و چهارم سوره‌ی اعراف با دفع تهمت جنون از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۱۸۴. أَوَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ وآیا فکر نکردند که همنشین آنان [: پیامبر] هیچ جنونی ندارد؟! او جز هشدارگری روشنگر نیست. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۲ شأن نزول: مفسران نوشته‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شبی در مکه بر کوه صفا برآمد و تا پاسی از شب، تمامی طوایف قریش را

صـدا زد و آنان را از مجازات الهی برحـذر داشت. برخی از بت‌پرسـتان گفتند: او مجنون و دیوانه شده است که در شب مردم را ندا می‌کنـد. آیه‌ی فوق فرود آمـد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. «جِنَّه» به معنـای جنون و دیوانگی و در اصـل به معنای پوشـش و حایـل است. گویا در هنگام جنون بر روی عقل انسان پوششـی قرار می‌گیرد و از این رو به دیوانه مجنون می‌گوینـد. البته این احتمال نیز وجود دارد که واژه‌ی فوق به معنای جن‌زده باشد؛ «۲» عرب جاهلی عقیده داشتند که شخص دیوانه توسط جن اذیت شده است و در تصرف جنیان قرار گرفته است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شخص شناخته شده‌ای در میان مردم مکه بود، به طـوری که او را رفیق و هم نشیـن خود می‌دانسـتند؛ او چهـل سـال میـان مردم مکه زنـدگی کرد و همواره آثـار فکر و نبوغ را در او مشاهـده کردنـد؛ پس چگونه ممکن است به چنین شخصـی تهمت جنون بزننـد؟ آیـا بهتر نیست که به فکر فرو رونـد تا بفهمنـد که شایـد مأموریتی از طرف پروردگـار یـافته است؟ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. اگر مردم اهـل فکر و انـدیشه باشـند، بـه مردان الهی تهمت نمی‌زنند. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی هشدار صـریح، روشن و آشکار به مخالفان بدهند. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۳ ۳. مبلغان دینی حتی با مخالفان دین، هم نشینی و مدارا و رفاقت کنند (تا آنان را هدایت نمایند). ***

علوم مخصوص خدا

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتـاد و پنجم سوره‌ی اعراف مردم را به تفکر در ملکوت و زمان مرگ فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۸۵. أَوَ لَمْ یَنظُرُوا فِی مَلَکُوتِ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّهُ مِن شَـیْءٍ وَأَنْ عَسَـی أن یَکُونَ قَـدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَیِّ حَـدِیثٍ بَعْـدَهُ یُؤْمِنُونَ وآیا نظر نکرده‌اند، در فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین، و هر چیزی که خدا آفریده است، و این که شاید در واقع سرآمد [زندگی شان نزدیک شـده باشـد؟! پس به کـدام سـخن، بعد از آن (قرآن) ایمان خواهند آورد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَلَکُوت» در اصل از ریشه‌ی «مُلک» به معنای حکومت و مالکیت و فرمانروایی است و اضافه شـدن حروف «وت» به این واژه برای تأکیـد و مبالغه است و معمولًا به حکومت مطلق الهی بر سراسـر جهان هستی گفته می‌شود. «۱» در برابر عـالم ملکوت، عالم مُلک است که همین مخلوقات مادی است. ۲. این آیه مردم را به مطالعه در جهان هستی و آسـمان‌ها و زمین فرا می‌خوانـد. «۲» نظر کردن در این نظام شـگرف که گستره‌ی فرمانروایی خداست، نیروی ایمان و خداپرستی را در انسان تقویت می‌کند و انسان را با هدف جهان هستی آشناتر می‌سازد و به سوی قرآن و برنامه‌های الهی می‌فرسـتد، تا به هـدف آفرینش برسد. ۳. عمر انسـان جاودانی نیست و کسـی از زمان مرگ خود آگاه نیست؛ پس تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۳۱۴ کارها را به فردا انـداختن کار عاقلانه‌ای نیست و هر چه سـریع‌تر باید ایمان آورد. ۴. اگر مشـرکان بـا وجود معجزه‌ی جاویـدان قرآن ایمان نیاورنـد، آیا در انتظارنـد که کتابی برتر از قرآن بیایـد و یا به سـخن دیگری ایمان آورنـد؟! کـدام کتاب می‌تواند هم سـنگ قرآن باشد؟! آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بالاـتر از قرآن کتابی نیست. ۲. تفکر در آفرینش و یـاد مرگ، زمینه‌ساز ایمان آوردن انسان است. ۳. دربـاره‌ی مُلک و ملکوت و مرگ مطالعه کنیـد تا از حقایق قرآن آگاه شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و ششم سوره‌ی اعراف به گمراهی و سرگردانی افراد سرکش اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۸۶. مَن یُضْـلِلِ اللّهُ فَلَا هَادِیَ لَهُ وَیَـذَرُهُمْ فِی طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُونَ هر کس را خـدا (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهـد، پس برای او هیـچ راهنمایی کننده‌ای نیست؛ و آنان را در حالی که در طغیانش سـرگردان می‌شوند، وا می‌گذارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران و گناهکـارانی که در برابر حقـایق لجـاجت و تعصب می‌ورزنـد، گویی پرده‌ای بر چشم و گوش و قلب آنـان افتـاده است؛ پرده‌ای که نتیجه‌ی اعمـال خود آنـان است و مـانع آن می‌شود که هـدایت الهی شامـل آنـان شود. آری؛ گمراهی و هـدایت از آن خـداست اما زمینه‌ساز آن، اعمال خود انسان است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۵ ۲. خدا منبع اصـلی نور هدایت است، پس اگر کسی از این نور هدایت اسـتفاده نکند، هیچ راه‌نمای دیگری نخواهد داشت و در گمراهی می‌ماند و سـرگردان می‌شود. آن را که تو رهبری کسی گم نکند و آن را که تو گم کنی کسی رهبر نیست (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گمراهی و سرکشی عامل سرگردانی است.

۲. هدایت را تنها نزد خدا بجویید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و هفتم سوره‌ی اعراف به مخفی بودن زمان برپایی قیامت از همگان اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۸۷. یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّی لَا یُجَلِّیهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّمـاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَاتـأْتِیکُمْ إِلَّا بَغْتَةً یَسْـئَلُونَکَ کَأَنَّکَ حَفِیٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّهِ وَلکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَایَعْلَمُونَ درباره ساعت [قیامت از تو می‌پرسند وقوعش چه زمانی است؟ بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و جز او (کسی) آن را در وقتش آشکار نمی‌سازد؛ (این حادثه رستاخیز) در آسمان‌ها و زمین، سنگین است؛ جز [به صورت ناگهانی، به [سراغ شما نمی‌آید!» (باز) از تو می‌پرسند، چنانکه گویی تو از (زمان) آن آگاهی؛ بگو: «علمش فقط نزد خداست؛ ولیکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند.» شأن نزول: حکایت شده که مشرکان قریش به گروهی مأموریت دادند که به سرزمین نجران نزد یهودیان بروند و مطالب پیچیده‌ای از آنان بیاموزند و سپس نزد تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۶ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیایند و از او بپرسند. آنان همین کار را کردند و از جمله پرسش‌های آنان این بود که چه زمانی قیامت برپا می‌شود؟ این آیه در پاسخ آنان فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقوع ساعت قیامت سنگین است؛ «۲» زیرا در آستانه‌ی رستاخیز همه‌ی کرات آسمانی به هم می‌ریزند؛ خورشید خاموش، ماه تاریک و ستارگان بی‌فروغ و اتم‌ها متلاشی می‌شوند و جهانی نو با طرحی جدید ریخته می‌شود و این همه با سرعت ناگهانی تحقق می‌یابد. ۲. زمان وقوع «۳» قیامت را کسی جز خدا نمی‌داند و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله از آن آگاه نیست. «۴» این عدم آگاهی بشر از زمان رستاخیز، با توجه به ناگهانی بودن و عظمت آن، سبب می‌شود که هیچ گاه مردم قیامت را دور ندانند و همواره در انتظار آن باشند و حتی خود را برای نجات از آن آماده سازند و از گناهان بپرهیزند و به مسئولیت‌های خویش عمل کنند. پس انحصار علم زمان وقوع رستاخیز به خدا، آثار مثبت تربیتی برای انسان‌ها دارد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جز خدا کسی از زمان رستاخیز آگاه نیست. ۲. رستاخیز به طور ناگهانی فرا می‌رسد و بسیار سنگین است (پس برای آن روز آماده شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و هشتم سوره‌ی اعراف به نفی استقلال پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نفع و ضرر و علم غیب اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۸۸. قُل لَاأَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعاً وَلَا ضَرّاً إِلَّا مَا شَاءَ اللّهُ وَلَوْ کُنتُ أَعْلَمُ الْغَیْبَ لَاسْتَکْثَرْتُ مِنَ الْخَیْرِ وَمَا مَسَّنِیَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِیرٌ وَبَشِیرٌ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ بگو: «برای خودم هیچ سود و زیانی را مالک نیستم جز آنچه خدا بخواهد؛ و اگر (بر فرض) همواره از (آنچه از حسّ) پوشیده آگاهی داشتم، حتماً خیر (خویش) را می‌افزودم، و بدی به من نمی‌رسید؛ من جز هشدارگر و بشارتگری برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم.» شأن نزول: برخی از مفسران نوشته‌اند که مردم مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: اگر تو با خدا ارتباط داری، چرا تو را از گرانی و ارزانی اجناس در آینده آگاه نمی‌سازد تا بتوانی سود ببری و زیان نکنی؟ و یا از خشک‌سالی و پرآبی مناطق مختلف آگاه نمی‌سازد، تا به موقع کوچ کنی؟ در این هنگام آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. توانایی کسب منافع و دفع زیان‌ها، به دو صورت قابل تصور است: نخست، توانایی مطلق و بالذات که مخصوص خداست و اوست که در تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۸ جهان هستی مالک مستقل همه‌ی قدرت‌هاست و سودها و زیان‌ها به دست اوست؛ و این جلوه‌ای از توحید ربوبی است. و دوم، توانایی بالغیر و غیر مستقل که انسان‌ها دارند؛ یعنی ما هم می‌توانیم سود کسب کنیم و هم ضرر را از خودمان دفع کنیم، اما همه‌ی این نیروها را از خالق خویش گرفته‌ایم و در این مورد استقلال نداریم. آیه‌ی فوق در صدد نفی معنای اول در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. ۲. «علم غیب» نیز به دو صورت قابل تصور است: نخست، علم غیب و آگاهی مستقل و بالذات از اسرار جهان که مخصوص خداست. دوم، علم غیب غیرمستقل؛ یعنی خدا به انسان علومی ببخشد که او از برخی اسرار نهان جهان آگاهی یابد. آیه‌ی فوق در صدد نفی معنای اول (علم غیب استقلال) از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، وگرنه در آیات دیگر قرآن اشاره شده که خدا به هر کس از فرستادگانش بخواهد می‌تواند علم غیب (غیر مستقل) ببخشد. «۱» ۳. پیامبران الهی استقلال در سود و زیان ندارند؛ پس در هنگام توسّل و شفاعت، نباید از آنان مستقلًا چیزی بخواهیم، بلکه به آنان توسّل

بجوییم که آنان از خدا بخواهند که مشکلی حل یا در مورد کسی شفاعت شود. این امور با اجازه‌ی خدا در مورد اولیای او اشکال ندارد. «۲» البته برخی صاحب نظران بر آن‌اند که خدا با عنایتی ویژه به اولیای الهی قدرتی عطا کرده است که بتوانند حاجات مردم را با اجازه‌ی الهی بر آورده سازند. (م) ۴. هدف اصلی بشارت‌ها و هشدارهای پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمنان هستند. هر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۱۹ چند پیام آن حضرت جهانی است و همه‌ی مردم می‌توانند از تعالیم ایشان بهره ببرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی سود و زیان‌ها وابسته به اراده و خواست خداست و علم غیب استقلالی از آن اوست. ۲. توحید ربوبی خود را کامل کنید و همه‌ی قدرت‌ها و علوم را مستقلًا از خدا بدانید. ۳. وظیفه‌ی اصلی رهبران الهی و مبلغان دینی هشدارگری و بشارت گری برای مؤمنان است. ***

هدف از ازدواج، بهداشت روانی است

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و نهم سوره‌ی اعراف به آفرینش انسان و هدف ازدواج و دوران بارداری و دعاهای انسان در این رابطه اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۸۹. هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِیَسْکُنَ إِلَیْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِیفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَعَوَا اللّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَیْتَنَا صَالِحاً لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد. و هنگامی که او را تحت پوشش قرار داد، باحملی سبک باردار شد، و با آن (بار سبک، مدتی) گذراند، و هنگامی که سنگین شد، (هر دو) از خدایی که پروردگارشان است، خواستند: «اگر [فرزند] شایسته‌ای به ما دهی، قطعاً از سپاس‌گزاران خواهیم بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم، به صورت کنایی، تعبیر پوشاندن را به معنای هم بستری تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۰ به کار برده است، «۱» ولی در مواردی که قوانین و احکام را بیان می‌کند به صورت صریح از این مسائل سخن می‌گوید؛ چرا که در آن جا دقت و صراحت لازم است. ۲. مقصود از «نَفسِ واحدة» در این آیه، واحد شخصی یعنی آدم علیه السلام است و برخی نیز گفته‌اند که «واحد نوعی» است؛ یعنی خدا همه‌ی شما را از یک نوع آفرید. «۲» مقصود از آفرینش همسر انسان از او، آن نیست که جزئی از بدن مرد جدا شده و تبدیل به همسر شده باشد، «۳» بلکه آن است که همسر انسان نیز از نوع و جنس اوست. «۴» ۳. در این آیه به یک نکته‌ی روان شناختی اشاره شده و آن این که «همسر مایه‌ی آرامش انسان است». این تعبیر اشاره دارد که همسر وسایل آرامش شوهر را فراهم سازد و موجب آزار روحی و ناراحتی او نشود و نیز اشاره دارد که زندگی مشترک موجب آرامش روحی می‌شود و کشتی طوفان زده‌ی جوان را به ساحل امن می‌نشاند و بهداشت روانی او را فراهم می‌سازد. رستم زال ار بُوَد و ز حمزه بیش هست در فرمان اسیر زال خویش (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گوهر وجودی زن و مرد یکی است. ۲. ازدواج و همسرداری، عامل آرامش زندگی است و بهداشت روانی شما را تأمین می‌سازد. ۳. فرزندان شایسته بخواهید. ۴. پدر و مادر در دوران بارداری برای کودکان خود دعا کنند (که خدا می‌پذیرد). ۵. سپاس‌گزار نعمت کودکان خود باشید. *** قرآن کریم در آیات صد و نودم تا صد و نود و دوم سوره‌ی اعراف به ناسپاسی انسان‌ها و شرک ورزی آنان و دلایل بطلان شرک اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۹۰- ۱۹۲. فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحاً جَعَلَا لَهُ شُرَکَاءَ فِیما آتَاهُمَا فَتَعَالَی اللّهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ* أَیُشْرِکُونَ مَالا یَخْلُقُ شَیْئاً وَهُمْ یُخْلَقُونَ* وَلَا یَسْتَطِیعُونَ لَهُمْ نَصْراً وَلَا أَنفُسَهُمْ یَنصُرُونَ و [لی هنگامی که (خدا فرزند) شایسته‌ای به آن دو داد، برای او، در آنچه که به آن دو داده بود، شریکانی قرار دادند؛ و خدا از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند، برتر است.* آیا چیزی را شریک [خدا] قرار می‌دهند که هیچ چیزی را نمی‌آفریند، در حالی که (خود) شان آفریده شده‌اند؟!* و نمی‌توانند آنان را هیچ یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌رسانند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل خواندیم که پدر و مادر وعده‌ی سپاس‌گزاری در برابر تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۲ نعمت فرزند شایسته دادند و در این آیه می‌خوانیم که پدر و مادر ناسپاسی می‌کنند و شرک می‌ورزند. آری؛ انسان هنگام مشکلات به سراغ خدا می‌رود و پس از رفع آنها خدا را فراموش می‌کند. ۲. در حقیقت، این

آیه به توحید افعالی و شرک افعالی اشاره دارد؛ یعنی انسان از خدا درخواست فرزند شایسته می‌کند و هنگامی که به او عطا شد، خدا را به فراموشی می‌سپارد و گاهی می‌گوید: «سلامت فرزند از پدر و مادرش است.» و یا «شایستگی او به خاطر تغذیه‌ی خوب بوده است.» و یا می‌گوید «این فرزند مورد عنایت بُت‌هاست.»؛ «۱» یعنی انسان گاهی به جای توجه به سبب اصلی و رعایت توحید افعالی و همه چیز را از خدا دانستن، به سراغ عوامل طبیعی یا معبودهای خرافی می‌رود و نعمت‌ها را از آنان می‌شمرد، که این نوعی شرک افعالی است. تذکر: البته توحید افعالی بدان معنا نیست که عوامل طبیعی در شکل‌گیری کودک تأثیری ندارد یا نباید به آنها توجه کرد، بلکه مقصود آن است که در عین توجه به عوامل طبیعی، همه‌ی آنها را واسطه بدانیم و توجه به عامِل اصلی، یعنی خدا بکنیم. ۳. در این آیات دو دلیل روشن برای بطلان شرک بیان شده است: نخست آن که، معبودهای دروغین نمی‌توانند چیزی خلق کنند و کسی که خود مخلوق است هیچ گاه نمی‌تواند در ردیف خالق قرار گیرد. دوم آن که، آنها نمی‌توانند به خود و دیگران یاری برسانند؛ پس شریک خدا کردن آنها سودی برای مشرکان ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید افعالی داشته باشید و همه چیز فرزند را از خدا بدانید. ۲. خدا از هرگونه شِرکی منزّه است و از معبودان مشرکان کاری ساخته نیست. ۳. زود وعده‌ها را فراموش نکنید و نعمت‌ها سبب غفلت شما نگردد و ناسپاس نشوید. ۴. کسی را معبود خویش قرار دهید که خالق هستی و یاری‌رسان شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و سوم سوره‌ی اعراف بار دیگر بر شرک و مشرکان می‌تازد و می‌فرماید: ۱۹۳. وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ و اگر آنها را به سوی هدایت فرا خواندی، از شما پیروی نمی‌کنند؛ چه آنها را فرا خوانید یا شما خاموش باشید برایتان یکسان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: در مورد تفسیر این آیه چند احتمال وجود دارد: الف) آیه در مورد مشرکان است که اگر آنان را به هدایت فرا خوانید، نمی‌پذیرند و دعوت و سکوت شما در برابر آنها یکسان است. ب) مقصود آیه معبودها و بت‌های مشرکان است؛ یعنی آن معبودهای ساختگی حیات و شعور و عقل ندارند، و اگر آنان را به سوی هدایت فرا خوانید، نمی‌توانند پیروی کنند و آنان را بخوانید یا ساکت باشید، تفاوتی نمی‌کند (در این صورت آیه دو دلیل دیگر برای بطلان شرک و بت‌پرستی آورده است). تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۴ ج) اگر شما از آن معبودها تقاضای هدایت کنید، تقاضای شما را اجابت نمی‌کنند. «۱» اما به نظر می‌رسد که تفسیر اول قوی‌تر است، هر چند تفسیر دوم با سیاق آیات سازگارتر است، ولی مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان و معبودهای آنان رابطه‌ای با هدایت ندارند. ۲. برای هدایت کسانی سرمایه‌گذاری کنید که سخن حق را می‌پذیرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و چهارم سوره‌ی اعراف با اشاره به سکوت مرگبار معبودان دروغین، دلیل دیگری برای بطلان شرک می‌آورد و می‌فرماید: ۱۹۴. إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ در حقیقت کسانی را که جز از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی هم چون شما هستند؛ اگر راست گویید، پس آنان را بخوانید، و باید (دعوت) شما را بپذیرند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خطاب آیه به مشرکان آن است که اگر دقت کنید می‌بینید معبودها و شریک‌هایی که برای خدا قرار می‌دهید، هم چون شما جسم دارند و محکوم قوانین طبیعت و زمان و مکان هستند؛ و چیزی که محدود است و امتیازی بر شما ندارد، سزاوار آن نیست که شریک خدا قرار گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۵ ۲. واژه‌ی «عباد» به معنای بندگان است. این واژه ممکن است اشاره به معبودهای با شعور، هم چون مسیح برای مسیحیان و فرشتگان برای بت‌پرستان عرب باشد. و یا مقصود از «عباد» هر موجود تحت تسلّط باشد، هر چند شعور نداشته باشد. و یا آن که قرآن بر اساس منطق مشرکان سخن گفته که با معبودهای خود سخن می‌گفتند و می‌پنداشتند که آنها دارای شعور هستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سکوت مرگبار معبودها، دلیل بر ناتوانی آنها و باطل بودن شرک است. ۲. غیر خدا را معبود خود قرار ندهید؛ زیرا معبودهای دروغین موجوداتی مثل شما هستند و امتیازی ندارند، تا معبود شما باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و پنجم سوره‌ی اعراف با اشاره به ناتوانی شریکان و معبودان دروغین و محکوم ساختن آنان می‌فرماید: ۱۹۵. أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا

أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ آیا برای آن (معبود) ان پاهایی است که با آنها راه بروند؟! یا برای آنها دست‌هایی است که با آنها [چیزی را] سخت بگیرند؟! یا برای آنها چشمانی است که با آنها ببینند؟! یا برای آنها گوش‌هایی است که با آنها بشنوند؟! (ای پیامبر) بگو: «شریک‌هایتان را (که برای خدا قرار داده‌اید) بخوانید، سپس نیرنگ [م زنید و [مرا] مهلت ندهید! تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیان کرده که معبودهای ساختگی از خود مشرکان هم ناتوان‌ترند و به اندازه‌ای ضعیف‌اند که چشم و گوش ودست و پا ندارند و نیازمند حمایت شما هستند؛ پس چگونه می‌توانند شریک خدا قرار گیرند؟! ۲. آیه به دلیل دیگری بر بطلان شرک اشاره دارد. به مشرکان می‌گوید: اگر پیامبر را دروغ‌گو و معبوهای خود را حق می‌پندارید، پس چرا آنان بر پیامبر خشمگین نمی‌شوند و به او صدمه نمی‌زنند؟ پس بدانید که آنان موجوداتی غیرمؤثر و دروغین هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبود انسان باید قدرتمندتر از او باشد، در حالی که معبودهای مشرکان موجوداتی ناتوان هستند. ۲. پیامبر اسلام به حقانیّت راه خود ایمان داشت و دیگران را به مبارزه دعوت می‌کرد. ۳. با شرک، مبارزه‌ی منطقی کنید و دلایل بطلان آن را روشن سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و ششم سوره‌ی اعراف به سرپرستی و سروری خدا اشاره کرده، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۱۹۶. إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ براستی که سرپرستِ من، خدایی است که کتابِ [قرآن را فرو فرستاده؛ و او شایستگان را سرپرستی می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «ولیّ» در اصل یعنی دو یا چند چیز به طوری به هم نزدیک باشند که بین آنها چیزی فاصله نباشد. این نزدیکی و ولایت ممکن است در تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۷ خویشاوندی، دین‌داری، دوستی، یاری کردن و یا سرپرستی و حکومت باشد «۱» که در این جا معنای سرپرست و یاری مناسب‌تر است. ۲. معبود واقعی کسی است که برنامه‌ی زندگی و کتابی هم چون قرآن می‌فرستد و بندگان خویش را سرپرستی و راهبری می‌کند. آری؛ شایسته کرداری و استفاده از رهنمودهای قرآن، زمینه‌ساز بهره‌مندی از ولایت الهی است. ۳. ولایت و حمایت الهی نسبت به شایستگان ادامه خواهد داشت؛ چون «یتولّی» فعل مضارع است که دلالت بر استمرار دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا حامی و سرپرست پیامبر صلی الله علیه و آله و شایستگان امت است. ۲. با استفاده از برنامه‌های سازنده‌ی قرآن و شایسته‌کرداری، از ولایت الهی بهره‌مند شوید. *** قرآن کریم در آیات صد و نود و هفتم و صد و نود و هشتم سوره‌ی اعراف، با اشاره به ناتوانی معبودان دروغین و تأکید بر بطلان شرک می‌فرماید: ۱۹۷ و ۱۹۸. وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَايَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنصُرُونَ* وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَايَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَايُبْصِرُونَ و کسانی را که غیر از او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه خودشان را یاری می‌رسانند.* و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، نمی‌شنوند. و آنها را می‌بینی، در حالی که به تو می‌نگرند. و (در حقیقت) آنان نمی‌بینند! تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیات فوق در آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ همین سوره گذشت. شرک بیماری روحی خطرناکی است که در اعماق جان انسان‌ها ریشه می‌دواند، به طوری که هنوز هم در بسیاری از مناطق جهان انواع شرک و بت‌پرستی وجود دارد؛ از این رو قرآن کریم مکرراً بر بطلان شرک اصرار می‌ورزد و دلایلی در این زمینه بیان می‌کند. ۲. در آیه‌ی دوم، ممکن است مقصود مشرکان و یا بت‌ها باشند؛ البته ممکن است هر دو مورد نظر باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. معبودی سزاوار پرستش است که بتواند شما را یاری و هدایت کند (و آن جز خدا نیست). ۲. معبودهای فاقد قدرت و شعور را نپرستید که شایسته‌ی پرستش نیستند. ***

جامع ترین آیه اخلاقی قرآن

قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و نهم سوره‌ی اعراف جامع‌ترین دستورات اخلاقی خود را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۹. خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ عفو (و مدارا پیش) گیر؛ و به (کار) پسندیده فرمان ده؛ و از نادان روی گردان. نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. به کاری که بر اساس کم‌خردی و سبک‌سری صورت گیرد، کار جاهلانه می گویند، «۱» یعنی از انسان‌های سبک سر و کم‌خرد و خلافکار، روی برتاب؛ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۲۹ زیرا راه صحیح مبارزه با این گونه افراد، ندیده گرفتن کارها و نشنیده گرفتن سخنان آنان است نه گلاویز شدن با آنها. ۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا پیامبرش را به مکارم اخلاق فرمان داد و در قرآن آیه‌ای جامع‌تر از این آیه، در مکارم اخلاق نیست. «۱» برخی ادیبان و مفسران آن را اعجاز قرآن دانسته‌اند. «۲» ۳. این آیه هم به عفو، گذشت و میانه‌روی اشاره کرده است که از فضایل نفسانی، در برابر طغیان شهوت است، «۳» هم به حکمت و کارهای پسندیده «۴» که از فضایل عقلانی است و هم به کنترل خشم و دوری از جاهلان. ۴. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما تمامی رهبران و مبلغان و مردم را شامل می‌شود. «۵» برخی از مفسران برآنند که این آیه به وظایف رهبران و مبلغان دینی اشاره کرده است؛ زیرا رهبر الهی یا مبلّغ دینی باید سخت‌گیر نباشد و مردم را به کارهای شایسته دعوت کند و با جاهلان سبک‌سر گلاویز نشود. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۰ ۵. در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مدارا و عفو مردم توضیح خواست و جبرئیل خبر آورد که ای محمد صلی الله علیه و آله خدا به تو دستور می‌دهد، از آنان که به تو ستم کرده‌اند (به هنگامی که قدرت‌یافتی)، گذشت نمایی و به آنان که تو را محروم ساختند، عطا کنی و به آنان که از تو بریده‌اند، پیوند برقرار سازی. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اهل عفو و مدارا باشید و با نابخردان با تسامح برخورد کنید. ۲. در جامعه‌ی اسلامی نیکی‌های عقل‌پسند و شرع‌مدار را ترویج کنید. ۳. خود را با مکارم اخلاقی آراسته سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دویستم سوره‌ی اعراف به پناه بردن به خدا به عنوان راه مبارزه با وسوسه‌های شیطانی اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۰۰. وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ و اگر وسوسه‌ای از شیطان تو را تحریک کند، پس به خدا پناه ببر؛ [چرا] که او شنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم به هر موجود شرور، اعم از جنّیان و آدمیان «شیطان» گفته می‌شود. شیطان‌ها همواره با کمین بر سر راه رهبران الهی و مبلغان تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۱ دینی و مردم و با زیبا جلوه دادن مقام، ثروت و شهوت، آنان را وسوسه می کنند و می کوشند تا آنان را منحرف ساخته، از هدف خویش بازدارند. ۲. این آیه راه مبارزه با وسوسه گری شیطان‌صفتان را، پناه بردن به خدا و گفتن جملاتی هم چون «اعوذ باللّه من الشیطان» معرفی کرده است، چرا که او به حال ما آگاه است و می‌تواند به انسان در هر حالی مدد برساند. ۳. این آیه در ظاهر خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید که اگر وسوسه‌های شیطانی «۱» به تو رسید به خدا پناه ببر، ولی در حقیقت، مخاطب آیه مردم هستند؛ همه‌ی انسان‌ها باید در برابر وسوسه‌های شیطان، خود را به خدا بسپارند و به لطف و حمایت او پناه ببرند و اساساً همین استمداد و پناه بردن به خدا یکی از اسرار حفظ افراد از لغزش است. ۴. در حدیثی آمده است: هنگامی که آیه‌ی قبل فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که «در برابر جاهلان صبر کند.» پیامبر عرض کرد: پروردگارا! با وجود خشم، چگونه می‌توان تحمّل کرد؟ آیه‌ی فوق فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که در این هنگام خود را به خدا بسپارد. ۵. این آیه با مختصر تغییری، در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی فصلت نیز تکرار شده است و این تکرار اهمیت مطلب را نشان می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پناه‌جویی از خدا، از بهترین راه‌های مبارزه با وسوسه‌های شیطانی است. ۲. در هنگام هجوم شیطان‌صفتان، به خدا پناه ببرید. ***

دزدگیر پارسیان در برابر شیطان

قرآن کریم در آیه‌ی دویست و یکم سوره‌ی اعراف به بیدار باش و زنگ خطر مؤمنان در برابر وسوسه‌های شیطانی اشاره می کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۲ ۲۰۱. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُبْصِرُونَ براستی کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) می‌کنند، هنگامی که وسوسه‌ای از شیطان با آنان تماس یابد، به یاد (خدا) می‌افتند؛ و ناگهان آنان بینش یابند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر انسان در هنگام روبه‌رو شدن با وسوسه‌های شیطانی به یاد خدا بیفتد، ابرهای تیره و تار

وسوسه که پیرامون فکر و روح او گردش می‌کننـد، «۱» کنار می‌رونـد و راه حق را به روشنی می‌بینـد و انتخاب می‌کنـد و از گناه نجات می‌یابد. ۲. تقوا زمینه‌ساز بیـداری و یاد خـداست که وسیله‌ی نجات از وسوسه‌های شیطانی و گناهان است؛ چرا که به انسان بصیرت می‌دهـد و با یادآوری حق، عقل و دلش را بینا می‌کنـد تا حقایق را درک کنـد و ابرهای وسوسه کنار رود. «۲» ۳. پارسایان مواظب خود هستند و اجازه نمی‌دهنـد که شیطان در آنـان نفوذ کنـد تا بعـد به فکر چاره بیفتنـد، بلکه با کوچک‌ترین تماسـی که شیطـان بـا آنها بگیرد، دستگاه محافظتی آنها هم چون دزدگیر به صـدا درمی‌آیـد، و آنان را هشیار و همه جا را روشن می‌کنـد، تا اطراف خود را ببیننـد و خطر را دفع کنند. ۴. وسوسه‌های شیطانی، پرده‌ای بر دیده‌ی باطنی انسان می‌افکند، به تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۳ طوری که حقایق و دوست و دشمن را به خوبی نمی‌شناسد، اما یاد خـدا، پرده‌ها را کنار می‌زنـد و به انسان بینایی می‌بخشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان‌ها در اطراف انسان‌ها در حال گردش هستند و سراغ افراد باتقوا هم می‌روند (پس مواظب خویشتن باشید). ۲. با یاد خدا بر وسوسه‌های شیطان پیروز شوید. ۳. تقوا و یاد خدا، به انسان بصیرت می‌دهد. «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی دویست و دوم سوره‌ی اعراف به نقش شیطان‌ها در گمراهی مشرکان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۰۲. وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَايُقْصِرُونَ و برادران (شیطان‌صـفت) آن (مشرک) ان، ایشان را پیوسته در گمراهی می‌کشند، سپس کوتاه نمی‌آیند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شیطان‌ها، برادران گناهکاران و مشرکان به شمار می‌آیند؛ «۳» یعنی پیوسته آنـان را به گمراهی می‌کشاننـد و پیش می‌روند. «۴» ۲. شیطان‌صـفتان در به انحراف کشیـدن، از هیـچ چیز کوتاهی نمی‌کنند و به کسـی رحم نمی‌نمایند و تا انسان‌ها را به شرک آلوده نسازند و به دوزخ تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۴ نیندازند، دست برنمی‌دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد بی‌تقوا، گناهکـار و مشـرک، در واقع برادران شیطان هسـتند. ۲. از شیطان‌صـفتان بپرهیزیـد کـه اگر شـما را منحرف کردنـد، دست از شـما برنمی‌دارنـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی دویست و سوم سوره‌ی اعراف به برخی سـخنان توهین‌آمیز مشـرکان پاسخ می‌دهد و با بیان ویژگی‌های قرآن می‌فرماید: ۲۰۳. وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَايُوحَى إِلَيَّ مِن رَبِّي هذَا بَصَائِرُ مِن رَبِّكُمْ وَهُدىً وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و هنگامی که هیـچ آیه‌ای برای آنان نیاوری، می‌گویند: «چرا آن را (از پیش خود) برنگزیدی؟!» بگو: «فقط از آنچـه از طرف پروردگـارم بـه سوی مـن وحی می‌شـود، پیروی می‌کنـم، این (قرآن) دلیل‌هـای بینش‌آور از طرف پروردگارتـان، و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورنـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان می‌گفتنـد: چرا آیات قرآن را جمع آوری نمی‌کنی و برنمی‌گزینی، و آیـات جدیـد نمی‌آوری. آنان با به کار بردن این تعبیر، نوعی کنایه به قرآن و پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌زدند و در حقیقت می‌گفتند: این آیات وحی نیست. ۲. گفتار و کردار پیامبر صلی الله علیه و آله از وحی سرچشمه می‌گیرد و او تـابع وحی است، هرگاه نازل شود بیان می‌کنـد و هرگاه نازل نشود سکوت می‌کنـد. ۳. قرآن، هم کتاب شـناخت و بصـیرت فکری است و هم راهنمای حرکت تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۵ عملی است و هم رحمت الهی را در پی دارد و این از ویژگی‌های خـاص قرآن است. ۴. قرآن، کتـاب هـدایت همـه‌ی مردم اسـت، امـا برخی مراتـب هـدایت و رحمـت و بینـایی که از قرآن حاصـل می‌شود، مخصوص مؤمنان است و افراد بی‌ایمان از آن بی‌بهره‌انـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام همان طور که در برابر قرآن بهانه‌جویی می‌کنند، در برابر نیامدن وحی نیز بهانه‌تراشـی می‌کنند. ۲. شـما تابع وحی باشید، نه وحی تابع شما. ۳. اگر می‌خواهید از رحمت، هـدایت و بصیرت عالی قرآنی اسـتفاده کنیـد، ایمان آوریـد. *** در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی اعراف با اشاره به آداب قرائت قرآن می‌فرمایـد: ۲۰۴. وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ و هنگامی که قرآن خوانـده شود، پس بـدان [با دقت گوش فرا دهیـد؛ و [هنگام شـنیدن ساکت باشـید؛ باشـد که شـما (مشـمول) رحمت شوید. شأن نزول: داستان نزول این آیه دو گونه حکایت شده است: نخست آن که، در آغاز اسلام، بعضی از مسلمانان گاهی در نماز صحبت می‌کردند و آیه آنان را از سخن گفتن در هنگـام قرائت قرآن (حمـد و سـوره) منع کرد؛ و نیز حکـایت شـده که پیـامبر صـلی الله علیه و آله تلاوت قرآن می‌کرد و جوانی از انصار همراه او بلند قرآن تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۶ می‌خواند، آیه‌ی فوق فرود آمد و این کار را منع کرد. «۱»

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هر چند شأن نزول خاصی دارد، اختصاص به آن ندارد و یک مطلب کلی را بیان می کند و همگان را به سکوت و گوش دادن به قرائت قرآن فرا می‌خواند. ۲. در این آیه برای مردم دو وظیفه در هنگام قرائت قرآن مشخص شده است: نخست آن که، ساکت باشند و به قرائت قرآن گوش فرا دهند. دوم آن که، با کوشش و دقت آیات قرآن را بشنوند. «۲» انصتوا را گوش کن، خاموش باش چون زبان حق نگشتی، گوش باش (مولوی) ۳. شنیدن قرآن و سکوت در حال قرائت آن یک حکم استحبابی است و فقط در نماز جماعت واجب می‌شود که افراد شرکت کننده در نماز، به هنگام شنیدن قرائت قرآن امام جماعت، سکوت کنند و گوش فرا دهند. «۳» ۴. در احادیث اسلامی نیز بر شنیدن قرائت قرآن و سکوت در برابر آن تأکید شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۷ در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که بر تو لازم است که در نماز و غیر نماز، در برابر شنیدن قرآن سکوت کنی و هنگامی که قرآن نزد تو قرائت می‌شود لازم است سکوت کنی و گوش فرا دهی. «۱» و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام حکایت شده: هنگامی که در نماز واجب به امام جماعت اقتدا کرده‌ای و قرآن قرائت می‌شود، گوش فرا ده و ساکت باش تا شاید مورد رحمت قرار گیری. «۲» ۵. «لعلّ» که به معنای «باشد و شاید» است، در این جا به معنای وجود مقتضی رحمت الهی است؛ یعنی سکوت و گوش دادن به آیات قرآن زمینه‌ساز ریزش رحمت الهی بر انسان است، اما شرایط دیگری مثل عمل به قرآن نیز دارد. ۶. برخی از مفسران قرآن گفته‌اند: مقصود آیه، شنیدن آیات قرآن و درک مفاهیم آن و پی بردن به اعجاز آن است؛ زیرا این آیه به دنبال گفت و گوی با مشرکان در آیات قبل بود «۳» و مانعی ندارد که آیه‌ی فوق مفهوم وسیعی داشته باشد و این معنا را هم شامل شود. ۷. وظیفه‌ی سالکان کوی دوست در برابر قرآن چیست؟ امام عارفان در این مورد می‌نویسند: پس، وظیفه‌ی سالک الی اللّه آن است که خود را به قرآن شریف عرضه دارد ... میزان در استقامت و اعوجاج (: مستقیم بودن و کج بودن) و شقاوت و سعادت آن است که در میزان کتاب اللّه (: قرآن) درست و مستقیم و باطل است و هم چنین جمیع معارف و احوال قلوب و اعمال باطن و ظاهر خود را باید با کتاب خدا تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۸ تطبیق کند و عرضه دارد تا به حقیقت قرآن متحقق گردد و قرآن صورت باطنی او گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر قرآن ادب کنید و ساکت باشید و با دقت به آن گوش فرا دهید. ۲. لازم است قرائت قرآن از گوش شما عبور کند و بر دل بنشیند تا مورد رحمت قرار گیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۳۹

آداب قرائت و مراحل استفاده و فهم قرآن

از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که قرائت قرآن آداب ظاهری و معنوی دارد و نیز مراحلی برای استفاده و فهم آیات وجود دارد که به طور اجمال عبارت‌اند از: الف) آداب ظاهری روخوانی (قرائت) قرآن: ۱. طهارت (غسل یا وضو) (واقعه، ۷۹)؛ ۲. رعایت بهداشت (پاکیزگی) به وسیله‌ی مسواک زدن؛ «۱» ۳. دعا قبل از تلاوت قرآن؛ ۴. استعاذه (پناه بردن به خدا از شیطان: اعوذ باللّه من الشیطان) (نحل، ۹۸)؛ ۵. گفتن «بسم اللّه الرحمن الرحیم»؛ ۶. قرائت از روی قرآن؛ «۲» ۷. بلند خواندن قرآن در منزل (هنگامی که موجب آزار خود یا دیگران یا ریا نشود)؛ «۳» ۸. زیبا خوانی قرآن؛ «۴» ۹. قرائت با لحن عربی؛ «۵» ۱۰. مکان مناسب (قرائت قرآن در مکه، مسجد و منزل که هر کدام آثار خاصی دارد)؛ «۶» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۰ ۱۱. زمان مناسب (در ماه مبارک، شبانگاهان، صبحگاهان، در حال نماز و ...)؛ «۱» ۱۲. مقدار مناسب (هر اندازه می‌توانید قرآن بخوانید) (مزمل، ۲۰)؛ ۱۳. سکوت در برابر قرائت قرآن (اعراف، ۲۰۴)؛ ۱۴. به گوش جان سپردن آیات (اعراف، ۲۰۴)؛ ۱۵. حفظ احترام قرآن (قرار دادن در مکان مناسب، نجس نکردن قرآن و مؤدب نشستن در برابر قرآن)؛ ۱۶. سجده کردن در هنگام تلاوت آیات سجده دار (سجده، ۱۵؛ فصلت، ۲۷؛ نجم و علق، آیه‌ی آخر)؛ ۱۷. با آرامش قرائت کردن و عجله نکردن؛ «۲» ۱۸. با حُزن (عاشقانه) قرائت کردن؛ «۳» ۱۹. ختم قرائت قرآن؛ «۴» ۲۰. در پایان قرائت، گفتن «صدق اللّه العلی العظیم» و خواندن دعای بعد از تلاوت؛ «۵»

ب) آداب باطنی و معنوی قرائت قرآن: ۱. اخلاص در قرائت؛ «۶» ۲. حضور قلب در حال قرائت؛ «۷» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۱ ۳. تدبّر و تفکّر در قرآن و فهم حقایق آیات (ص، ۲۹؛ زخرف، ۳؛ یوسف، ۲ و ...) ۴. فروتنی و بیم باطنی (خشوع) (اسراء، ۱۰۹؛ حدید، ۱۶)؛ «۱» ۵. تأثیرپذیری از قرآن، که اگر تأثیر نگذارد، در حقیقت قرائت نبوده است؛ «۲» ۶. درک تجلّی خدا در قرآن کریم؛ «۳» ج) مراحل استفاده و فهم قرآن: ۱. نگاه به قرآن عبادت است؛ «۴» ۲. شنیدن هر حرف قرآن یک حسنه دارد و یک گناه را محو می‌کند؛ «۵» ۳. روخوانی قرآن و تعلیم و تعلّم آن نیکوست؛ «۶» ۴. قرائت (مطالعه‌ی همراه با روخوانی) (مزمّل، ۲۰)؛ ۵. ترتیل قرآن (خواندن قرآن با تأنی و نظم لازم و ادای صحیح حروف و تأمّل در مفاهیم) (مزمّل، ۴)؛ ۶. تلاوت قرآن (خواندن قرآن همراه با پیروی از آن) (بقره، ۱۲۱ و جمعه، ۲)؛ ۷. درس قرآن (مراجعه‌ی مکرر به قرآن) (اعراف، ۱۶۹ و آل عمران، ۷۹)؛ ۸. حفظ قرآن، (یادسپاری آیات) موجب دوری از عذاب می‌شود؛ «۷» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۲ ۹. تدبّر در قرآن (اندیشه کردن در نتایج و پیامدهای آیات) (ص، ۲۹ و محمد، ۲۴)؛ ۱۰. تفکر در قرآن (بررسی علل و اسباب امور جزئی) (نحل، ۴۴)؛ ۱۱. تعقّل در قرآن (بررسی علل و اسباب کلّی امور) (یوسف، ۲)؛ ۱۲. تمسّک به قرآن (پای‌بندی به قرآن و حفظ و حراست آن) (زخرف، ۴۳ و اعراف، ۱۷۰)؛ ۱۳. ترجمه‌ی قرآن (استفاده از مفاهیم آیات)؛ ۱۴. تفسیر قرآن (فهم مفاهیم و مقاصد آیات قرآن)؛ ۱۵. تأویل قرآن (آل عمران ۷)؛ ۱۶. دریافت باطن قرآن؛ ۱۷. عمل به قرآن (مائده، ۶۶)؛ ۱۸. بر پاداشتن عدل به وسیله‌ی قرآن (حدید، ۲۵). تذکر: هر کدام از موارد فوق دلایل و توضیحاتی دارد که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. برای اطلاع بیش‌تر، ر. ک: محمد علی رضایی اصفهانی، انس با قرآن و عمر فاکر میبدی، مراحل انس با قرآن. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۳ قرآن کریم در آیه‌ی دویست و پنجم سوره‌ی اعراف به آداب ذکر و دعا و غفلت زدایی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰۵. وَاذْکُر رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَخِیفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ والآصَالِ وَلَا تَکُن مِنَ الْغَافِلِینَ و پروردگارت را در (درون) خودت، فروتنانه و ترسان و بدون صدای بلند، در بامدادان و عصرگاهان [و شب هنگام، یاد کن؛ و از غافلان مباش! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما آدابی را که بیان می‌کند عمومی است و اختصاص به ایشان ندارد. ۲. در این آیه بر یاد خدا در صبحگاهان و عصرگاهان و شامگاهان تاکید شده است؛ «۱» یعنی هنگام شروع به کار و تصمیم‌گیری و هنگام پایان کار و جمع‌بندی به یاد خدا باشید. ۳. در آیه به آداب دعا و ذکر اشاره شده است که عبارت‌اند از: - یاد خدا در ذهن و دل انسان باشد (همان طور که گاهی با زبان است)؛ - با فروتنی همراه باشد؛ - همراه با هراس از گناهان گذشته و کیفر الهی باشد؛ - با داد و فریاد همراه نباشد؛ - در صبحگاهان و عصرگاهان و شامگاهان باشد. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا فرمود: هر کس مرا در پنهان یاد کند، من او را آشکارا یاد می‌کنم. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۴ و در حدیث دیگری آمده است که ذکر پنهانی خدا آن قدر عظمت دارد که غیر از خدا ثواب آن را نمی‌داند. «۱» ۵. آیه‌ی فوق می‌فرماید: «به یاد خدا باشید و از غافلان نباشید.»؛ چرا که یاد خدا هم چون باران بهاری است که چون بر دل ببارد، گل‌های بیداری، توجه، احساس مسئولیت و روشن‌بینی می‌رویاند و غفلت‌ها را می‌زداید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاد خدا، مانع غفلت است. ۲. در آغاز و پایان روز از یاد خدا غافل نشوید. ۳. به یاد خدا باشید تا بیدار و هوشیار شوید. ۴. ادب ذکر و دعا را رعایت کنید. *** قرآن کریم در آیه دویست و ششم سوره‌ی اعراف به عبادت افراد بی‌تکبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰۶. إِنَّ الَّذِینَ عِندَ رَبِّکَ لَایَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَیُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ یَسْجُدُونَ براستی کسانی که نزد پروردگار توانند، از پرستش او تکبر نمی‌ورزند، و او را به پاکی می‌ستایند، و فقط برای او سجده (و فروتنی) می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۵ ۱. آیه می‌تواند اشاره به فرشتگان و بندگان وارسته‌ی خدا باشد که با ذات الهی مرتبط هستند و خود را در محضر خدا می‌بینند. «۱» ۲. مقصود از «نزد پروردگار بودن» نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خدا مکان ندارد، بلکه اشاره به نزدیکی مقامی به خداست؛ یعنی در محضر خدا بودن و به مقام قرب رسیدن. ۳. در این آیه به سجده و عدم تکبر در برابر خدا اشاره شده و مستحب است هنگامی که کسی این آیه

را می‌شنود سجده کند. «۲» ۴. حاضران محضر الهی، فقط برای خدا سجده می‌کنند؛ زیرا سجده کمال کرنش در برابر شخص است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عبادت و تسبیح و سجده، با تکبّر سازگاری ندارد. ۲. اگر می‌خواهید از حاضران محضر الهی شوید، تکبّر نورزید و خدا را پرستش کنید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۷

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۸ ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۹ ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات

(الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفة، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفة السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۰ المکتبة الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیةاللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۱ تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف

للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللَّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۲ ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللَّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۳ ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲.

تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۴ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّٰه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّٰه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۵ ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔ‌المعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّٰه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم،

دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۶ چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، یـد اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۷ ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۸ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ

قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیة اللّٰه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۹ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۸ ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّٰه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللَّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۹ ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۰ المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔاللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱.

تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۱ تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبة الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۲ ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانیة. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۳ ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر

راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۴ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّٰه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّٰه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۵ ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهةٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم

الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللَّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۶ چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۷ ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز

هـاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شـیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیـامبر، ناصـر مکارم شـیرازی، تهران، دارالکتب الاسـلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسـناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصـص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۸ بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقـدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقـدس، ایران، چـاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمـهٔ فی معرفـهٔ الائمـهٔ علیهم السـلام، اربلی علی بن عیسـی، انتشارات مکتبـهٔ بنی هاشـمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشـر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قـم، چـاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائـد، کراجکی، ابوالفتـح، انتشـارات دارالـذخائر، قـم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعـدی، کتاب فروشـی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسـباب النزول، جلال الـدین عبـدالرحمن بن ابی‌بکر السـیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسـان العرب، محمـد بن مکرم ابن منظـور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسـیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشـارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شـهر آشوب آملی مازنـدرانی، رشـید الـدین محمـد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براسـاس نسـخه نیکلسون) جلال الـدین محمـد بن محمـد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مسـتدرک الوسائل و مسـتنبط المسائل، محدث نوری، حسـین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشـکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسـینی نژاد، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسـفه، مصـباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسـفه، سازمان تبلیغات اسـلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معـارف قرآن، محمـد تقی مصـباح یزدی، قم، انتشـارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شـیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۹ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جـامعه مدرسـین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معـانی الاخبـار، محمـد بن علی ابن بـابویه، تهران، مکتب الصـدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکـارم الاخلـاق، طبرسـی (فرزنـد صاحب مجمع البیان) رضـی الـدین حسن بن فضل، انتشارات شـریف رضـی، چهارم، ۱۴۱۲ «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصـلوهٔ، امـام خمینی، موسـسه تنظیم و نشـر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیـاء علوم الـدین، محمـد بن محمـد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشـاد القلـوب الی الصـواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شـریف رضـی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسـباب النزول، ابوالحسن علی بن احمـد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسـلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجـاز قرآن، محمدحسـین طباطبـائی، قم، بنیـاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمـد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسـلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیـان)، انتشـارات دارالکتب الاسـلامیهٔ، قم، چـاپ سوم، بی تـا. تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۳۴۸ ۱۵. الاتقـان فی علوم القرآن، جلال الـدین عبـدالرحمن بن ابی‌بکر السـیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسـی،

نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسة التمهید، قم، الطبعة الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسة الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۴۹

۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللّه، دار المعرفة، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفة السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللّه، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۰ المکتبة الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی، چاپ

دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّٰه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۱ تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّٰه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۲ ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔ‌اللّٰه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش.

۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۳ ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۴ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبداللَّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللَّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللَّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من

هـدی القرآن، سـید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشـرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسـیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشـی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسـیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۵ ۱۲۱. تفسـیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسـی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسـیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشـارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسـیر نهـج البیان عن کشف معانی القرآن، محمـد بن الحسن الشـیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسـسه دائرهٔالمعارف اسـلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهـهٔ النواظر المعروف (مجموعـهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضـر نسـخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سـید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شـرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چـاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شـیخ صـدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسـین بن موسـی بـن بـابویه قمی، انتشـارات شـریف رضـی، قم، چـاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسـی. ۱۲۹. جـامع الاخبار، شـعیری، تاج الـدین محمـد، انتشارات رضـی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتـاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللَّه خمینی، تهران، موسـسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جـا، مرکز نشـر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سـید محمد حسـینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسـیر القرآن الکریم، محمدحسـین علی الصـغیر، تهران مکتبهٔ الاسـلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطـب فی القرآن الکریـم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی تفسـیر قرآن مهر جلـد هفتم، ص: ۳۵۶ چراغی، انتشـارات حفظی بی تـا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شـمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسـیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسـی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسـسهٔ توسـعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسـی تفسـیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسـین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سـیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سـبحانی، یـد اللّه، شـرکت سـهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شـیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعـهٔ و النشـر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سـیره ابن هشام (السـیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شـرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شـرح نهـج‌البلاغه، عبدالحمیـد بن هبـهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدیـد، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسـکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضـی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسـسه چاپ و نشـر وابسـته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صـحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تفسیر قرآن مهر جلـد هفتـم، ص: ۳۵۷ ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبـدالرحمن العک، شـیخ خالـد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشـر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عـدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسـلامی، چـاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشـرایع، شـیخ صـدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات

مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاـکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۸ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد هفتم، ص: ۳۵۹ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیة اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرة، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی

بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹